



**"واکاوی علل کاهش یا عدم فعالیت واحدهای تولیدی صنایع کوچک و متوسط
از نظر کارفرمایان و مدیران عامل"**

کمیسیون بهبود مستمر محیط کسب و کار

دبیرخانه کمیسیون های تخصصی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان

عنوان گزارش: "واکاوی علل کاهش یا عدم فعالیت واحدهای تولیدی صنایع کوچک و متوسط از نظر کارفرمایان
و مدیران عامل"

تهیه کننده: کمیسیون بهبود مستمر محیط کسب و کار

انتشار: دبیرخانه مشترک کمیسیون ها و تشکل های اقتصادی

شماره گزارش: ۱۱۹۶۱۰

مرداد ماه ۱۳۹۶

پیش گفتار

بخش صنعت یکی از اجزای اصلی و مهم و سرنوشت ساز ساختار اقتصادی و جریان توسعه اقتصادی هر کشوری محسوب می گردد. این بخش شاکله اصلی تولید ، تفکر مولد ، اشتغال ، ارز آوری و منبع مالیاتی دولت ها می باشد. جریان تاریخی رشد و توسعه اقتصادی دچار دگرگونی و تغییر و تحولات عمیقی می شود ، و چنانچه ساختار اقتصادی یک کشور در بستر زمان متحول شود ، اجزای تشکیل دهنده ی آن یعنی کشاورزی ، صنعت و خدمات روز آمد می شوند و ساختار توانمند و سالمی شکل می گیرد. هر چه قدر ساختار اقتصادی یک کشور توانمندتر و سالم تر شکل بگیرد ، آسیب پذیری آن در مقابل بحران های داخلی ، منطقه ای و جهانی کم تر خواهد شد.

برای آسیب شناسی و بررسی علل کاهش و یا عدم فعالیت بنگاه های تولیدی و صنعتی نه تنها باید عوامل داخلی و بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی مورد ملاحظه قرار گیرند ، بلکه بایستی جریان تاریخی توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی نیز مورد توجه باشد . زیرا صرفا بررسی عوامل داخلی و بیرونی تداعی کننده واقعیت های موجود می باشند و تصویری از بودن را به تصویر می کشاند ، که تصویری ناقص و ایستا می باشد . در حالی که آسیب شناسی با نگاه تاریخی ، چگونه شدن و سیر تحول و یا عدم تحول را نشان می دهد ، که واقعیتی کامل تر و پویا را بازگو می کند.

در این پژوهش تلاش گردیده است علاوه بر بررسی نظرات و دیدگاه های کارفرمایان بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط مستقر در شهرک های مختلف اصفهان ، تحلیلی کل نگر و جامع با رویکرد تاریخی ارائه گردد . تا بتوان درک عمیق تری با بیان علمی از وضعیت موجود بخش صنعت کشور وریشه های ناکامی های آن داشته باشیم. زیرا نگارنده معتقد است ، بودن امروز نتیجه شدن در طی زمان است . از این رو برای نیل به اهداف توسعه پایدار با رویکرد تعامل سازنده و توانمند در عرصه جهانی ، بایستی شناخت عمیقی از واقعیت ها داشته باشیم .

نگارش مطالب در پنج فصل صورت گرفته است . در فصل اول کلیات و متدولوژی تحقیق ، در فصل دوم ادبیات و پیشینه موضوع ، در فصل سوم تجربیات توسعه صنعتی و مقایسه عملکرد در ایران و کشورهای منتخب ، در فصل چهارم تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات نظرات کارفرمایان بنگاه های مورد مطالعه و در فصل پنجم خلاصه یافته ها ، نتیجه گیری و پیشنهادات و راه کارهای کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت ارائه گردیده است .

امیداست یافته های پژوهش و راه کارها بتواند سر منشاء اثری مثبت و اقدامات عملیاتی جهت بهبود تفکر توسعه صنعتی استان اصفهان و کل کشور گردد ، تا بتوان از هر واحد سرمایه گذاری استفاده ای کارآتر و اثر بخش تر به عمل آورد.

با سپاس فراوان

فهرست مطالب:

۸.....	فصل اول : کلیات و متدلوژی تحقیق
۹.....	الف (کلیات.....
۹.....	مقدمه.....
۹.....	تعریف بنگاه های کوچک و متوسط.....
۱۲.....	اهمیت نقش بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد.....
۱۴.....	ضرورت اجرای طرح.....
۱۵.....	اهداف اساسی طرح.....
۱۶.....	سوالات اساسی طرح.....
۱۶.....	ب) متدولوژی تحقیق.....
۱۸.....	فصل دوم : ادبیات و پیشینه موضوع
۱۹.....	بخش اول : ادبیات موضوع.....
۱۹.....	الف) رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و تغییر و تحولات مناسب آن.....
۲۰.....	عوامل موثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و توسعه صنعتی.....
۲۴.....	مراحل تاریخی رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی.....
۲۷.....	تمدن صنعتی و فرا صنعتی.....
۲۸.....	ب) عوامل موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی.....
۲۹.....	عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی.....
۲۹.....	دولت وزیر ساخت ها.....
۳۲.....	سیاست ها و راهبردهای کلان اقتصادی.....

- ۳۴..... راهبرد پولی
- ۳۵..... راهبرد اقتصاد باز
- ۳۵..... راهبرد صنعتی شدن
- ۳۵..... راهبرد انقلاب سبز
- ۳۶..... راهبرد توزیع مجدد ثروت و درآمدها
- ۳۶..... راهبرد سوسیالیستی
- ۳۸..... تغییر و تحولات ساختاری در فرآیند توسعه اقتصادی
- ۳۸..... تغییر و تحول ساختاری اقتصادی و جابه جایی مشاغل در بخش های اقتصادی
- ۴۱..... تغییر و تحول ساختاری تکنولوژیکی و مدیریت بهره وری در فرایند توسعه
- ۴۴..... دوران رکودی و تورمی
- ۴۵..... عوامل رقابتی در محیط صنعتی
- ۴۵..... رقبای بالفعل (موجود)
- ۴۶..... رقبای بالقوه (تازه واردان)
- ۴۷..... محصولات جایگزین
- ۴۷..... عرضه کنندگان مواد اولیه و قطعات برای بنگاه
- ۴۷..... توزیع کنندگان محصولات بنگاه
- ۴۸..... نظام مالیاتی و فضای کسب و کار
- ۵۰..... نرخ بهره
- ۵۱..... تورم
- ۵۱..... سرمایه گذاری خارجی

عوامل حقوقی.....	۵۲
عوامل سیاسی.....	۵۲
عوامل داخلی موثر بر عملکرد صنایع.....	۵۲
عوامل انسانی.....	۵۳
عوامل فیزیکی.....	۵۴
سایر عوامل داخلی.....	۵۵
مدیریت ریسک.....	۵۹
ج) پیشنهاد مطالعات پیرامون موضوع	۶۰
اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد ایران و مداخله و آزادی اقتصادی.....	۶۹
فصل سوم: تجربیات توسعه صنعتی در ایران و جهان و مقایسه عملکردها	۷۴
تجربه توسعه صنعتی در جهان و ایران و مقایسه عملکردها.....	۷۵
الف) تجربه جهانی	۷۵
سال های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ میلادی.....	۷۵
سال های ۱۹۱۰-۱۹۵۰.....	۷۶
سال های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ توسعه صنعتی شرق آسیا.....	۷۶
سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ رویکرد مجدد درون گرایی.....	۷۸
سال های ۱۹۸۰ به بعد و فرآیند جهانی شدن.....	۸۰
ب) تجربه ایران	۸۰
ج) مقایسه عملکرد توسعه صنعتی ایران با برخی کشورهای منتخب جهانی	۸۶

بهره وری در اقتصاد ایران و مقایسه عملکرد صنایع در کشور و استان اصفهان ۹۲

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات نظرات کار فرمایان بنگاه ها ۱۱۰

یافته های پرسش نامه های بنگاه های نیمه فعال ۱۱۱

خلاصه محتوای مصاحبه مستقیم و مکالمات تلفنی با واحدهای غیر فعال ۱۵۳

عمده ترین مشکلات و موانع فعالیت های تولیدی بنگاه های تعطیل شده ۱۵۴

محتوای مصاحبه حضوری با گروهی از کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال ۱۵۵

مصاحبه با تنی چند از کارشناسان امور بانکی و مالیاتی ۱۵۶

یافته های پرسشنامه نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال ۱۵۷

یافته های سوالات کلی ۱۵۷

یافته های سوالات عوامل بیرونی ۱۵۷

فراوانی عوامل تاثیرگذار بیرونی ۱۵۸

فراوانی عوامل داخلی ضعیف و نامناسب تاثیرگذار بر فعالیت های موجود ۱۵۸

نمودار راداری ۱۶۰

فصل پنجم : خلاصه یافته ها ، نتیجه گیری و پیشنهادات ۱۶۱

عوامل بیرونی تاثیر گذار بر فعالیت ها و عملکرد صنایع ۱۶۲

عوامل داخلی و تاثیر گذار بر فعالیت ها و عملکرد صنایع ۱۶۷

خلاصه یافته های بهره وری در اقتصاد ملی و عملکرد بهره وری صنایع کوچک و متوسط ۱۶۹

سهم بهره وری در رشد اقتصادی ایران ۱۶۹

تغییرات شاخص های بهره وری در اقتصاد کشور ۱۷۰

- ۱۷۱..... خلاصه عملکرد صنایع کوچک و متوسط و بزرگ طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۰
- ۱۷۳..... جایگاه بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت (۱۳۸۳)
- ۱۷۵..... روند شاخص های صنعتی در ایران و کشورهای صنعتی طی سال های ۱۹۹۹ - ۱۹۶۰
- ۱۷۷..... خلاصه یافته های جایگاه دولت در اقتصاد
- ۱۷۸..... نسبت پرداخت های جاری و عمرانی به تولید ناخالص داخلی طی سال های ۱۳۷۴ - ۱۳۸۴
- ۱۷۸..... یافته های مهم مقایسه عملکرد صنایع استان اصفهان و کل کشور
- ۱۸۲..... خلاصه محتوای مصاحبه مستقیم و مکالمات تلفنی با واحدهای غیر فعال و تعطیل شده
- ۱۸۳..... عمده ترین مشکلات و موانع فعالیت های تولیدی بنگاه های تعطیل شده
- ۱۸۴..... خلاصه گزارش محتوای مصاحبه حضوری با گروهی از کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال
- ۱۸۵..... خلاصه گزارش محتوای مصاحبه با تنی چند از کارشناسان امور بانکی و مالیاتی
- ۱۸۶..... خلاصه یافته های پرسش نامه نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال
- ۱۸۶..... یافته های سوالات کلی
- ۱۸۶..... یافته های سوالات عوامل بیرونی
- ۱۸۶..... فراوانی عوامل تاثیرگذار بیرونی
- ۱۸۷..... مقدار فراوانی عوامل داخلی ضعیف و نامناسب تاثیرگذار بر فعالیت های موجود
- ۱۸۹..... آزمون فرضیه ها
- ۱۹۰..... **نتیجه گیری**
- ۱۹۰..... الف) مهم ترین عوامل و علل بیرونی موثر در عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی
- ۱۹۳..... ب) مهم ترین عوامل و موانع داخلی موثر بر عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی
- ۱۹۵..... ج) عارضه های اساسی

- د) جمع بندی و تحلیل کارشناسی اقتصاد و تحولات بلند مدت مورد نیاز..... ۲۰۵
- راه کارها و توصیه های سیاستی کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت ۲۰۸
- الف) راه کارها و پیشنهادات پیرامون عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه. ۲۰۸
- راه کارهای کوتاه مدت (۲ الی ۳ سال آینده)..... ۲۰۸
- راه کارهای میان مدت (۵ سال آینده) ۲۱۰
- راه کارهای بلند مدت (۱۰ سال آینده). ۲۱۳
- ب) راه کارهای بهبود عوامل داخلی تاثیرگذار بر فعالیت بنگاه ها. ۲۱۵

فصل اول

کلیات و متدولوژی تحقیق

عنوان طرح : بررسی دیدگاه های کارفرمایان واحدهای تولیدی و صنعتی نیمه فعال و غیر فعال کوچک و متوسط اصفهان پیرامون علل کاهش فعالیت ها و عدم فعالیت آن ها و فضای کسب و کار

الف) کلیات

مقدمه :

بخش صنعت به ویژه صنایع کوچک و متوسط به عنوان حلقه اصلی زنجیره ساختار اقتصادی هر کشوری محسوب می گردد . در دهه های اخیر با تغییر ساختار صنعتی کشورها ، رشد و گسترش صنایع کوچک و متوسط در راهبردهای توسعه صنعتی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. با توجه به تجربیات موفق کشورهای جهان به ویژه کشورهای تازه صنعتی شده حوزه جنوب شرقی آسیا ، این گونه صنایع عامل مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی و صنعتی کشور های در حال توسعه به حساب می آیند. صنایع کوچک و متوسط با کارآفرینی ، نوآوری و ایجاد فرصت های شغلی جدید و انعطاف پذیری خود نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورها دارند. بدیهی است هر چه قدر این گونه صنایع در دوره رونق عمل نمایند ، مسیر رشد و توسعه صنعتی کشورها نیز پویاتر به راه خود ادامه می دهد. کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست، لذا آسیب شناسی جامع از علل رکود و تعطیلی این گونه صنایع به ویژه از دریچه و دیدگاه کارفرمایان مربوطه و ارائه راه کارها امری شایسته و بایسته می باشد و در این راستا ، آسیب شناسی عوامل داخلی و بیرونی تاثیر گذار بر فعالیت های صنایع کوچک و متوسط با تحلیلی کلان از دریچه جامعه شناختی تاریخی توسعه ، مورد بررسی قرار می گیرد.

تعریف بنگاه های کوچک و متوسط :

تاکنون تعریف واحد و مشخصی در سطح بین المللی برای صنایع کوچک و متوسط ارائه نشده است ، و هر کشور و هر سازمان ذیربط بر اساس معیارهایی هم چون تعداد کارکنان ، گردش مالی ، ارزش دارایی ، فروش سالیانه و نوع مالکیت تعاریف متفاوتی ارائه کرده اند.

بر اساس تعریف بانک جهانی ، شرکت های کوچک و متوسط شرکت هایی هستند که تعداد آنها از ۳۰۰ نفر تجاوز نکند و حداکثر درآمد یا گردش مالی سالانه دارایی آنها نیز ۱۵ میلیون دلار باشد (قاسمیان ، ۱۳۹۱)

جدول (۱) : معیارهای طبقه بندی بانک جهانی برای بنگاه های خرد ، کوچک و متوسط

طبقه بندی بنگاه ها	حداکثر تعداد کارکنان(نفر)	حداکثر فروش سالانه یا گردش مالی (هزار دلار)	حداکثر دارایی (هزار دلار)
خرد	۱۰	۱۰	۱۰۰
کوچک	۵۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
متوسط	۳۰۰	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰

ماخذ: گیبسون و وارت ، ۲۰۰۸

در اروپا منظور از شرکت کوچک و متوسط ، شرکتی است که گردش مالی سالانه از ۵۰ میلیون یورو تجاوز نکرده است و ارزش تراز نامه دارایی های شرکت بیش از ۴۳ میلیون یورو نیست (همان منبع):

جدول (۲) : معیارهای اتحادیه اروپا از بنگاه های کوچک و متوسط

طبقه بندی بنگاه ها	حداکثر تعداد کارکنان(نفر)	حداکثر فروش سالانه یا گردش مالی (میلیون یورو)	حداکثر دارایی (میلیون یورو)
خرد	۱۰	۲	۲
کوچک	۵۰	۱۰	۱۰
متوسط	۲۵۰	۵۰	۴۳

ماخذ: www.ec.europa.ed/enterprise/smedefinition

در کشور ترکیه شرکت کوچک و متوسط به شرکتی گفته می شود که حداکثر دارای ۲۵۰ نفر کارکن می باشد ، و گردش مالی سالانه و ارزش دارایی های آنها از ۴۰ میلیون تلمرتجاوز نمی کند(همان منبع):

جدول (۳) : معیار های ترکیه از بنگاه های کوچک و متوسط

طبقه بندی بنگاه ها	حداکثر تعداد کارکنان(نفر)	حداکثر فروش سالانه یا گردش مالی (میلیون تلم)	حداکثر دارایی (میلیون تلم)
خرد	۱۰	۱	۱
کوچک	۵۰	۸	۸
متوسط	۲۵۰	۴۰	۴۰

ماخذ: قانون تعریف بنگاه های کوچک و متوسط ترکیه ، اصلاحیه ۴ نوامبر ۲۰۱۲

در ایران سازمان های مختلف بر حسب مقتضیات خود تقسیم بندی متفاوتی برای بنگاه ها ارائه کرده اند.

جدول (۴) : معیارهای سازمان های مختلف از بنگاه های کوچک و متوسط در ایران

نام سازمان	حداکثر تعداد کارکنان
وزارت صنعت و معدن و تجارت	۵۰
سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی	۵-۵۰
آئین نامه اجرائی گسترش بنگاه های کوچک و زودبازده مصوب ۱۳۸۰	۵۰
بانک مرکزی:	
خرد	کمتر از ۱۰
کوچک	۱۰-۴۹
متوسط	۵۰-۹۹
بزرگ	بیش از ۱۰۰

ماخذ: سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی در همایش بنگاه های کوچک و زودبازده ، ۲۰ مرداد ۱۳۹۳

اهمیت و نقش بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد:

۱_ بنگاه های کوچک و متوسط سهم بسیار بالایی در تعداد بنگاه های تولیدی و صنعتی کشور و جهان برعهده دارند. در سال ۱۳۷۴ کل تعداد بنگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا ۸۷۰۹۸ مورد می باشد که سهم بنگاه های کوچک (۴۹-۱۰) حدود ۷۹/۷ درصد، سهم بنگاه های متوسط حدود ۹/۳ درصد و سهم بنگاه های بزرگ (۱۰۰ نفر به بالا) حدود ۱۱ درصد می باشد. بنابراین در سال ۱۳۷۴ سهم صنایع کوچک و متوسط در کل حدود ۸۹ درصد می باشد. این سهم در سال ۱۳۸۰ حدود ۸۵ درصد، در سال ۱۳۸۵ حدود ۸۸/۳ درصد و در سال ۱۳۹۰ حدود ۸۵ درصد گردیده است. (سالنامه های آماری مرکز آمار ایران)

۲_ بنگاه های کوچک و متوسط سهم بالایی از اشتغال زایی کشور را به خود اختصاص می دهند.

تعداد شاغلین در کل کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا در سال ۱۳۷۴ برابر ۷۹۲۹۷۲ نفر می باشند که از این تعداد سهم کارگاه های کوچک ۲۲/۴۵ درصد، سهم کارگاه های متوسط ۸/۶ درصد و سهم کارگاه های بزرگ ۶۸/۹۵ درصد می باشد. در سال ۱۳۸۴ تعداد کل شاغلین در کل صنایع مورد نظر برابر ۱۰۳۰۷۰۰ نفر که سهم کارگاه های کوچک ۲۴/۴ درصد، بنگاه های متوسط ۱۱/۷۱ درصد و سهم بنگاه های بزرگ ۶۳/۹ درصد می باشد. در سال ۱۳۹۰ تعداد کل شاغلین برابر ۱۲۴۲۹۸۳ نفر است که سهم صنایع کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب برابر ۱۹ درصد، ۱۱/۷۳ درصد و ۶۹/۲۷ درصد می باشد.

۳_ بنگاه های کوچک و متوسط نقش مهمی در هدایت بخش غیر رسمی و غیر مولد به بخش مولد و رسمی بر عهده دارند.

رونق بنگاه های کوچک و متوسط موجب می شود که نرخ مشارکت نیروی کار در شغل های مولد و رسمی افزایش یابد و مشاغل کاذب و غیر مولد کم تر شکل بگیرند. و هرچه قدر از بنگاه های کوچک و متوسط حمایت شود تا هزینه های آن ها کاهش یابد، فعالیت های مولد در اقتصاد کشور به رونق درمی آید. (معاونت پژوهشی مجلس، ۱۳۹۴)

۴_ نقش بنگاه های کوچک و متوسط در کار آفرینی و خلق ایده های نو و خلاقیت ها

ایده های نو و خلاق مبتنی بر دانش بنیان در جریان توسعه بنگاه های کوچک و متوسط، رشد می یابند، بنابراین جریان رشد دانش و نوآوری و خلاقیت رابطه ی معنا داری با جریان رشد و توسعه و رونق بنگاه های کوچک و متوسط دارد. (همان منبع)

۵_ بنگاه های کوچک و متوسط در ایجاد ارزش افزوده نقش مهمی دارند.

کل ارزش افزوده کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا در سال های ۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ به شرح جدول (۵) می باشد:

جدول (۵): ارزش افزوده فعالیت های کارگاه های صنعتی (میلیون ریال)

سال	کارگاه های کوچک ۱۰- نفر ۴۹ نفر		کارگاه های متوسط ۴۹- نفر ۱۰۰ نفر		کارگاه های بزرگ ۱۰۰ نفر به بالا		کل بنگاه ها
	مقدار ارزش افزوده	سهم از کل	مقدار ارزش افزوده	سهم از کل	مقدار ارزش افزوده	سهم از کل	
۱۳۸۵	۲۳۵۰۶۴۲۶	٪ ۸/۷	۱۴۱۴۴۶۲۸	٪ ۵/۳	۲۳۱۷۴۸۳۳۰	٪ ۸۶	۲۶۹۳۹۹۳۸۵
۱۳۸۶	۳۲۷۶۵۴۰۶	٪ ۹/۴	۱۸۱۵۷۳۷۴	٪ ۵/۲	۲۹۷۰۸۰۱۷۵	٪ ۸۵	۳۴۸۰۰۲۹۵۵
۱۳۸۷	۳۴۸۵۹۵۹۹	٪ ۸/۵	۲۱۶۱۹۲۸۶	٪ ۵/۳	۳۵۱۸۲۱۳۹۰	٪ ۸۶	۴۰۸۳۰۰۲۷۵
۱۳۸۸	۳۵۰۹۳۸۱۴	٪ ۸/۳	۲۴۰۹۹۸۴۲	٪ ۵/۷	۳۶۱۵۶۸۱۳۶	٪ ۸۶	۴۲۰۷۶۱۷۹۱
۱۳۸۹	۴۰۴۰۰۸۷۵	٪ ۸/۲	۲۸۵۲۰۶۹۴	٪ ۵/۷	۴۲۵۷۰۸۴۷۷	٪ ۸۶	۴۹۴۶۲۹۹۴۶
۱۳۹۰	۵۴۴۷۹۶۴۴	٪ ۸/۷	۳۷۷۲۱۵۷۳	٪ ۶	۵۳۲۱۳۱۲۱۶	٪ ۸۵	۶۲۴۳۳۲۴۳۲

سالنامه های آماری بانک مرکزی و محاسبات محقق

۶- بنگاه های کوچک و متوسط می توانند در نقش پیمان کاران فرعی بنگاه های بزرگ عمل نمایند و در نتیجه اولاً یک زنجیره معنادار بین بنگاه های کوچک و متوسط و بزرگ و در نتیجه کل ساختار صنعتی یک کشور به وجود می آید. ثانیاً تحول و تکامل صنایع کوچک و متوسط به سوی واحد های بزرگ تر امکان پذیر تر می گردد.

۷- بنگاه های کوچک و متوسط از طریق پس اندازهای خود می توانند موجبات انباشت سرمایه شوند و در نتیجه در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی نقش به سزایی را ایفا می نمایند.

۸- بنگاه های کوچک و متوسط در سایه راهبردهای توسعه صادرات می توانند موجبی برای توسعه صادرات و منبع ارز آوری به کشور باشند.

مطالعات داووز (۲۰۰۵) نشان داده است که ۹۵ درصد از بنگاه های کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بنگاه های کوچک و متوسط هستند که ۶۰ تا ۷۰ درصد از ظرفیت های شغلی را ایجاد کرده اند (علمی واحسانی، ۱۳۹۲).

آیاگری و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعات تجربی خود برای ۵۴ کشور (۱۳ تا کم درآمد ، ۲۴ تا با درآمد متوسط و ۱۷ تا پر درآمد) نشان دادند که سهم اشتغال بنگاه های کوچک و متوسط از کل اشتغال از ۳۳ درصد در کشورهای کم درآمد به بیش از ۶۵ درصد در کشورهای پر درآمد تغییر یافته است. هم چنین سهم بنگاه های کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی از یک روند افزایشی برخوردار بوده است. مثلا در کشورهای کم درآمد سهم بنگاه های کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی حدود ۱۵ درصد و در کشورهای پر درآمد حدود ۵۳ درصد است. این نتایج نشان می دهد که افزایش سهم بنگاه های کوچک و متوسط در اشتغال ، با افزایش سهم آنها در تولید ناخالص داخلی همراه بوده است. (همان منبع)

ضرورت اجرای طرح:

آنچه که ضرورت اجرای این گونه طرح ها را بایسته و شایسته می سازد ، به کارگیری تمهیدات و راه کارهای مناسب بهبود فضای کسب و کار مبتنی بر مشارکت کار فرمایان صنایع کوچک و متوسط و هم چنین به کار گیری تجربیات جهانی در این زمینه می باشد. بدیهی است در شرایط اقتصادی امروزی و انتظارات جامعه و کشور از توسعه آینده ، صنایع کوچک و متوسط شاکله اصلی ساختار صنعتی کشور را تشکیل می دهد و رونق فعالیت های آن ها ، می تواند نقش های مطرح شده را تقویت نماید و چنان چه این گونه صنایع دچار مشکل شوند می توان شاهد اثرات منفی ناشی از آن به شرح موارد ذیل بود:

- هرز رفتن سرمایه های ثابت و فیزیکی
- هرز رفتن سرمایه انسانی در قالب دانش ، مهارت ، تجربه ، تخصص و مدیریت
- گسترش بیکاری و به تبع آن گسترش تهدیدهای اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی
- عدم تحقق اهداف برنامه های توسعه و اهداف اقتصاد مقاومتی
- کاهش رشد اقتصادی و تداوم رکود و ضعیف شدن زیربنای توسعه صنعتی و توسعه بلند مدت کشور
- گسترش و ترویج تفکر غیر مولد به جای تفکر مولد و تولیدی
- ایجاد محدودیت برای اهداف تجارت خارجی مثلا محدود شدن صادرات و گسترش واردات
- کاهش مالیات های دولت در بلند مدت به خاطر کاهش تولیدات صنعتی و غیر فعال شدن بنگاه ها
- خروج ارز از کشور و پیش گرفتن آن نسبت به ورود ارز به کشور
- شدت یافتن وابستگی به خارج و غافل ماندن از توانمندی ها و پتانسیل های داخلی

- عدم شکل گیری زنجیره سالم در ساختار اقتصادی کشور و آسیب دیدن بیشتر آن
- کاهش انگیزه برای اجرای طرح های توسعه از سوی فعالان اقتصادی
- احتمال شدت یافتن ریسک سرمایه گذاری بلندمدت تولیدی و صنعتی

اهداف اساسی طرح :

اهداف اصلی طرح :

- ۱- بیان دیدگاه های کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال و غیرفعال پیرامون علل اصلی تاثیرگذار در فعالیت آن ها
- ۲- مقایسه نتایج طرح با سایر مطالعات صورت گرفته در این زمینه
- ۳- به تصویر کشیدن عارضه های کلان و ساختاری در توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی کشور
- ۴- ارائه راه کارها و نقطه نظرات کارشناسی و تحلیلی تیم مطالعه مبتنی بر یافته های طرح

اهداف فرعی طرح :

- ۱- بررسی عوامل داخلی مهم تاثیرگذار در عدم فعالیت و یا کاهش فعالیت بنگاه های موردنظر
- ۲- بررسی عوامل مهم بیرونی تاثیرگذار در عدم فعالیت و یا کاهش فعالیت بنگاه های موردنظر

سوالات اساسی طرح :

- ۱- مهم ترین عوامل داخلی موثر بر فعالیت های بنگاه های نیمه فعال و غیر فعال چیست؟
- ۲- مهم ترین عوامل بیرونی موثر بر فعالیت های بنگاه های غیر فعال و نیمه فعال چیست؟
- ۳- آثار احتمالی منفی ناشی از کاهش فعالیت ها و یا عدم فعالیت های بنگاه های مورد نظر چیست؟
- ۴- یافته های دید گاه های کارفرمایان بنگاه های نیمه فعال و غیرفعال در ارتباط با یافته های مطالعات دیگران چیست؟
- ۵- مهم ترین عارضه های ساختاری وکلان در توسعه اقتصادی و صنعتی کشور چیست ؟

۶- آیا بین نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی مورد مطالعه در شهرک های صنعتی مختلف اصفهان تفاوت آماری معناداری وجود دارد ؟

۷- راه کارهای کوتاه مدت ، میان مدت و بلندمدت در بهبود و رونق کسب و کار بنگاه های تولیدی صنعتی چیست ؟

ب) متدولوژی تحقیق :

ماهیت و نوع تحقیق به صورت پیمایشی میدانی و کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری شامل بنگاه های نیمه فعال (زیر ۵۰ درصد ظرفیت تولیدی در حال کار و بنگاه های تعطیل شده و غیر فعال شهر اصفهان می باشد. هم چنین مطالعات کتابخانه ای انجام شده توسط استان ها و افراد دیگر پیرامون عوامل بیرونی و داخلی موثر بر عملکرد و فعالیت بنگاه های کوچک و متوسط ، بخشی از جامعه مورد مطالعه را تشکیل می دهد. شناسایی واحدهای نیمه فعال و غیرفعال شهر اصفهان از طریق هماهنگی با هیات امنای شهرک های صنعتی اصفهان و هم چنین مجموعه مدون مرجع اطلاعات صنایع مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی استان اصفهان صورت گرفته است. شهرک های صنعتی مورد نظر اصفهان اشترجان ، جی ، سه راه مبارکه ، مورچه خورت و منتظریه و محمود آباد می باشند. حجم نمونه ۲۰۰ مورد که به صورت کاملاً تصادفی و با هماهنگی هیات مدیره شهرک های صنعتی مورد نظر و خانه صنعت و معدن دعوت و ارتباط برقرار شد.

ابزار جمع آوری آمار و اطلاعات از طریق مصاحبه باز ، تنظیم پرسشنامه ، ارتباط تلفنی و مطالعات گزارشات مکتوب می باشد. برای تنظیم پرسشنامه ابتدا با مراجعه به برخی مقالات و گزارشات انجام شده توسط دیگران عوامل داخلی و بیرونی مورد الگو برداری قرار گرفت و هم چنین از طریق مصاحبه باز به صورت مستقیم با تعدادی از کارفرمایان مورد نظر و تحلیل محتوای گفتگوی آن ها ساختار اولیه پرسشنامه طراحی گردید و سپس با توجه به نظرات فنی و تخصصی چندتن از کارشناسان آماری و محققین و اساتید دانشگاه در مورد روایی پرسش نامه ، اصلاحات مورد نیاز در چند مرحله صورت گرفت و پرسش نامه نهایی به صورت سوالات کاملاً بسته تدوین گردید . سپس برای پایایی آن از طریق تکنیک دو نیمه کردن برای یک گروه ۳۰ نفره از کارفرمایان ، پرسشنامه مورد نظر تکمیل و از طریق ضریب آلفای کرونباخ در سطح $a=0/86$ نسبت به پایایی مناسب آن اطمینان حاصل گردید. لازم به ذکر است در پرسشنامه اولیه ، علاوه بر سوالات بسته ، سوالات باز نیز مطرح گردید ولی به علت وقت گیر بودن آن و عدم تمایل در پاسخ گویی ، ترجیح داده شد که حجم پرسش نامه ها کمتر شود و سوالات به صورت کاملاً بسته در آید .

لازم به ذکر است با هماهنگی قبلی با مسئولین هیات امنای شهرک های صنعتی مورد نظر ودعوت از کارفرمایان بنگاه های نیمه فعال، در طی جلساتی در محل ساختمان هیات امنای، ضمن تشریح اهداف تحقیق توسط محقق وگفتگوی متقابل کارفرمایان واطهار نظرآن ها پیرامون مشکلات وتنگناهای موجود، پرسش نامه های مورد نظر دربین کارفرمایان توزیع و کارفرمایان نظرات خود را مکتوب وسپس پرسش نامه ها جمع آوری گردید. برخی از بنگاه ها نیز بعداز خود اظهاری و تکمیل پرسش نامه ها، آن ها را به خانه صنعت ومعدن استان اصفهان فاکس و یا ارسال نمودند. برای بنگاه های غیر فعال، برخی از آن ها طی دعوت قبلی در محل خانه صنعت ومعدن استان حضور مستقیم یافته ونظرات خودرا بیان داشتند وبرخی نیز از طریق ارتباط تلفنی نظرات خود را بیان داشته که در پرسش نامه های مربوطه مکتوب گردید.

ابزار تجزیه و تحلیل آمار واطلاعات به صورت متغیرهای آمار توصیفی هم چون میانگین، فراوانی، تحلیل محتوی، تجزیه وتحلیل پرتو، ونمودار راداری و برخی متغیرهای آمار استنباطی می باشد.

اگرچه در این تحقیق نظرات کارفرمایان به تصویر کشیده می شود، ولی برای جامعیت موضوع با حضور مستقیم با تنی چند از کارشناسان مالیاتی و بانکی نیز مصاحبه ای صورت گرفت که آن ها نیز نظرات ویژه خود را ارائه کرده اند.

از محدودیت های مهم بر سر راه پژوهش عدم تمایل برخی از کارفرمایان شرکت های تعطیل شده و غیر فعال در انجام مصاحبه می باشد که حتی برخی از آن ها رفتار مناسبی نیز نداشتند. محدودیت دیگر آنکه برای تکمیل پرسش نامه های ویژه بنگاه های نیمه فعال با حضور مکرر در محل هیات امنای شهرک های صنعتی مختلف و توزیع پرسش نامه ها وعدم هم کاری برخی بنگاه ها در تکمیل به موقع و عودت آن ها، نیاز به جایگزینی بنگاه های دیگر به مدت زمان اجرای پروژه می افزود. در این تحقیق علاوه بر بررسی نظرات کارفرمایان بنگاه های مورد نظر، سایر مطالعات پیرامون موانع و عملکرد بنگاه های کوچک و متوسط مورد بررسی و هم چنین مطالعه ای مبتنی بر جامعه شناختی توسعه اقتصادی و صنعتی و تاریخی صورت گرفته است. تا بتوان به عارضه های اساسی توسعه صنعتی کشور نیز پی برد، یعنی عارضه ها و آسیب هایی که تا حد زیادی می توانند بستر ساز تنگناها و محدودیت های فعلی توسعه اقتصادی و صنعتی کشور و استان اصفهان باشند.

فصل دوم

ادبیات وپیشینه موضوع

ادبیات موضوع :

الف) رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و صنعتی و تغییر و تحولات مناسب آن :

رشد اقتصادی بیانگر تغییرات تولید ناخالص داخلی یک کشور در طی زمان می باشد و شرط لازم برای توسعه اقتصادی به حساب می آید، ولی شرط کافی آن است که تغییر و تحولات لازم و پویا و متناسب بین کلیه عناصر و عوامل تشکیل دهنده یک نظام اقتصادی به وجود بیاید (کلوانی، ۱۳۷۶).

سیمون کورنتس (۱۹۷۱) رشد اقتصادی نوین را چنین بیان می کند: ((رشد اقتصادی هر کشور را می توان به صورت افزایش بلند مدت ظرفیت اقتصادی به منظور ارائه هرچه متنوع تر کالاها و خدمات به جامعه تعریف نمود. چنین ظرفیت در حال رشدی براساس تکنولوژی پیشرو و تعدیلات ساختاری مناسب آن پایه ریزی می گردد. تکنولوژی یک منبع بالقوه و یک شرط لازم می باشد، ولی به تنهایی کافی نیست و بایستی اصلاحات ساختاری و عقیدتی و فرهنگی مناسب به وجود آید، تا استفاده مناسب از نوآوری ها و اختراعات نشأت گرفته از ذخایر در حال رشد دانش بشری عملی گردد)) (تودارو، ۱۳۶۴).

در چارچوب تعریف فوق، می توان گفت از آن جایی که کشورهای در حال توسعه و کم تر توسعه یافته، عمدتاً در مقابل جریان صنعتی شدن و توسعه صنعتی قرار گرفته اند، هرچه قدر بتوانند بسترهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، زیربنایی و مدیریتی مناسب را به وجود آورند، بهتر می توانند در انتقال تکنولوژی و به کارگیری آن موفق تر باشند، و در عین حال ارزش های سنتی و ملی خود را نیز حفظ کنند. به عبارتی، دوران صنعتی شدن خود را با تلفیق ارزش های نوین و ارزش های ملی و سنتی خود به طور مناسب و متعادل، سپری کنند و قانون مندی های جامعه صنعتی، هم چون مدیریت زمان، برنامه ریزی، تعالی نیروی انسانی، مدیریت بهره وری، فرهنگ پرکاری، نظم و انضباط و قانون مندی های دیگر را در فرهنگ کار و تفکر توسعه اجتماعی و اقتصادی خود نهادینه کنند (کلوانی، ۱۳۷۶).

مدیریت یک بنگاه تولیدی و صنعتی نیز در سطح خرد، نمی تواند بدون تغییر و تحول در سطح کمی و کیفی آموزش، روابط نیروی انسانی، شیوه های بازاریابی، رفتار سازمانی، شیوه های مدیریت، تحقیق و توسعه، نوع نگرش رقابتی و امثال آن از تکنولوژی نوین، استفاده بهینه، کارآ و اثر بخش به عمل آورد.

آنچه بدیهی است، جریان رشد و توسعه اقتصادی در طی زمان بایستی مداوم و با تغییر و تحولات مناسب و پیوسته باشد. زیرا در اثر تغییر و تحولات تاریخی و در جریان گذر از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن، سطح زندگی و نحوه زندگی و شکل و ترکیب نیازها و الگوی مصرف خانوارها دگرگون می شود و سبب کالای مصرفی

خانوارها متنوع تر و پرحجم تر می گردد. از این رو ظرفیت تولیدی یک جامعه باید بتواند به طور بهینه و مناسب نیازهای رو به افزایش را پاسخ گوید.

نمودارهای (یک) و (دو) توجیه کننده فرایند توسعه اقتصادی بر اثر تغییر و تحولات و نیازهای جوامع در طی زمان می باشد. :



نمودار (۲): نیاز و توسعه

نمودار (۱): ماهیت اقتصاد در دوران های تاریخی

عوامل موثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و توسعه صنعتی :

سه گروه عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی شدن جوامع اثرات شایانی دارد. زیرا این سه گروه عوامل، مجموعه تشکیل دهنده هر نظام اقتصادی می باشد که جهت رسیدن به اهداف معینی مانند رشد و توسعه مستمر، توزیع عادلانه تر درآمدها، افزایش تولید و درآمد ملی و رفاه و امنیت، ثبات اقتصادی و سیاسی، و اشتغال کامل ظرفیت های تولیدی و صنعتی و سایر اهداف، هم دیگر را

توجیه می کنند. هرچه قدر عوامل مذکور در شرایط متفاوت تاریخی، متجانس تر، متناسب تر و هماهنگ تر باشند، فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی و توسعه صنعتی، هموارتر و پویاتر تداوم می یابد و عملکرد بالاتری را به همراه خواهد داشت.

عوامل اقتصادی مانند دسترسی به منابع طبیعی، انباشت سرمایه، تکنولوژی، مواد اولیه، سرمایه و منابع فیزیکی وامثال آن می باشند و در شرایط برابر برای کشورها، مسلماً کشوری که دسترسی بیشتر به منابع فوق داشته باشد، می تواند در توسعه اقتصادی و صنعتی پیشگام باشد.

در این مورد جان هیکس^۱ (۱۹۵۲) معتقد است، "همیشه، کشفیات امکانات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می کردند. این کشفیات قبل از انقلاب صنعتی محدود به کشفیات جغرافیایی بود، ولی بعد از انقلاب صنعتی شامل کشفیات علمی نیز شدند که اهمیتی به مراتب بیش از کشفیات جغرافیایی دارد"، (تی گیل^۲، ۱۳۶۶).

می توان گفت از آن جایی که تکنولوژی های قبل از انقلاب صنعتی عمدتاً سنتی و روش های تولید ساده بودند، یکی از عوامل موثر و کلیدی در توسعه اقتصادی، دسترسی به منابع جغرافیایی بود. از این نظر استعمار کهن عمدتاً در طی قرون ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ میلادی، دامنه مستعمرات خود را گسترش می دهد و هدف، اشغال مستقیم کشورها جهت تسلط بر منابع آن ها می باشد. ولی به تدریج با تحولات بعدی با پیشرفت علوم و تکنولوژی و وابستگی های متقابل کشورها به یکدیگر، تفکر انسانی و سرمایه انسانی و اجتماعی، جایگزین کمیت منابع فیزیکی و جغرافیایی می گردد.

بسیاری از کشورهای کم تر توسعه یافته و عقب افتاده تر، عمدتاً دارای منابع طبیعی غنی، مواد اولیه و خام سرشار می باشند. زامبیا، شیلی، پرو و تعداد دیگری از کشورهای مورد نظر، حدود ۸۰ درصد منابع مس جهان را دارند. مالزی و سریلانکا بیش از ۵۰ درصد کائوچوی طبیعی جهان را در دست دارند، هم چنین کشورهای عضو اوپک تقریباً ۶۰ درصد ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص می دهند، ولی ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن ها به گونه ای است که نمی توانند به نحو احسن جهت توسعه اقتصادی استفاده نمایند. (تودارو، ۱۳۶۴)

مهم ترین عامل سیاسی که در تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک جامعه بسیار مهم می باشد، ثبات سیاسی و به دنبال آن ثبات اقتصادی می باشد. فقدان ثبات سیاسی و اقتصادی پایدار در کشورهای کم تر توسعه یافته، یکی از پارامترهای عقب افتادگی آن ها می باشد. زیرا این گونه کشورها به لحاظ تاریخی و روابط

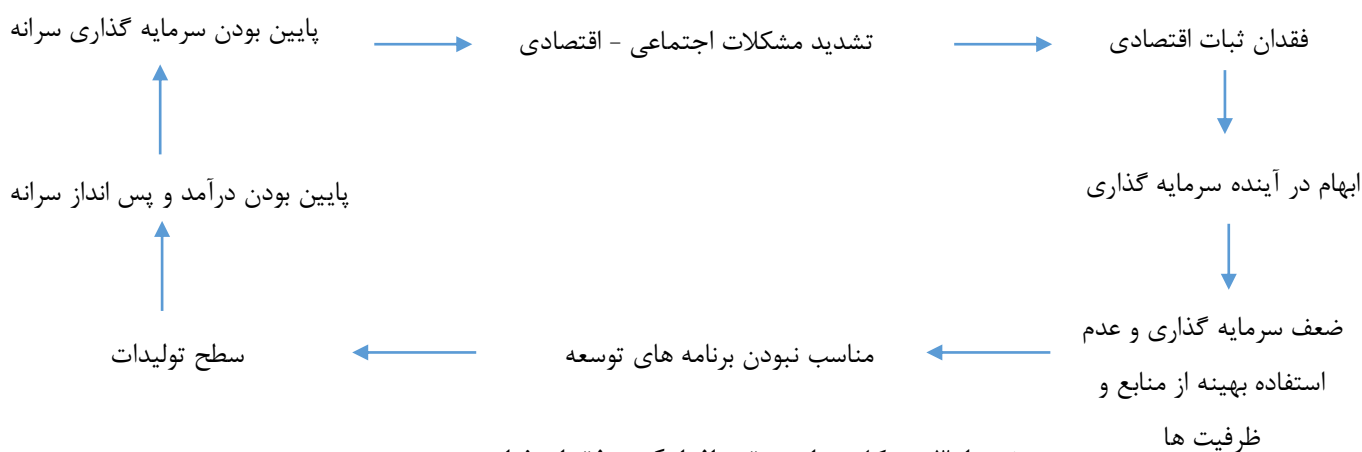
¹ John Hicks

² Tigil

استعماری که وجود داشته است، مدام صحنه تاخت و تاز و درگیری های داخلی و بیرونی بوده اند و در دام سیکل مداوم عقب افتادگی گرفتار شده اند. و نتوانسته اند سهم قابل توجهی در اقتصاد جهانی داشته باشند.

برای کشورهای عضو اوپک از آن جایی که نفت به عنوان یک عنصر با ماهیت سیاسی اقتصادی عمل می کند، نوسانات مداوم آن موجب فقدان پیوستگی در برنامه های کلان توسعه آن ها می گردد و در نتیجه برنامه های توسعه در فرآیندی بلندمدت با راهبردهای بلند مدت و پویا و پیوسته به اجرا در نمی آید و در صورت اجرا به صورت ناقص و ناپیوسته می باشد.

رابطه عدم ثبات سیاسی و اقتصادی و توسعه نیافتگی اقتصادی و صنعتی و اجتماعی را می توان در نمودار ۳ ملاحظه نمود:



نمودار ۳: سیکل مداوم عقب افتادگی و فقدان ثبات و توسعه

ژاپن کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک بسیار نامطلوب و حداقل منابع فیزیکی و طبیعی بامساحتی بسیار محدود توانست فرآیند صنعتی شدن و توسعه خود را با تلفیق مناسب از ارزش های سنتی و ارزش های صنعتی شدن را دنبال نماید. رویدادهایی که حکومت متمرکز ملی را به ژاپن بازگرداند، به نهضت (میجی)^۳ معروف می باشد. نهضتی که سرآغاز عصر تجدد و ترقی ژاپن به حساب می آید. یک اثر مهم این نهضت، تمرکز قدرت سیاسی در ژاپن بوده که راه را برای توسعه اقتصادی و صنعتی شدن باز نمود. ژاپن از قرون وسطی، شاید تا حدودی به لحاظ موقعیت سیاسی و جغرافیایی خود غیرمتمرکز بود و در هر گوشه و کنار آن، فرمانروایی بر تمام شئون منطقه خود، تسلط داشت. اگرچه ظاهراً خود را مطیع امپراتور می دانست، اما در عمل به کام خود عمل می نمود و امپراتور نمادی از وحدت ملی بود که در عمل نقشی ایفا نمی کرد. با آمدن میجی به عرصه قدرت

³ - Migi revolution

در سال های ۱۸۶۲-۱۸۶۸ میلادی ، تمرکز قدرت سیاسی به وجود آمد و مسیر توسعه صنعتی و نهضت تجدد توانست در سایه ثبات ، در کل ژاپن به راه خود ادامه دهد (رجب زاده ، ۱۳۶۵) .

مثال بعدی پیرامون کشور آمریکا می باشد . نواحی مختلف و ایالت های آمریکا در قرن نوزدهم ، از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی و نظام اقتصادی متفاوت بودند. مساله اقتصادی ، مهم ترین موضوع مورد اختلاف شمال و جنوب بود که اختلاف نظرهای سیاسی را به دنبال داشت. اختلاف و تضاد منافع بین شیوه اقتصادی یعنی برخورد سیستم اقتصادی صنعتی شمال با اقتصاد کشاورزی جنوب، تفاوت فرهنگی و اجتماعی بین ایالت شمال و جنوب و دوگانگی در محیط اجتماعی متفاوت بود که موجب جنگ های داخلی شد. جنگ های داخلی بین سالهای (۱۸۶۱-۱۸۶۵) رخ داد. البته حفظ منافع اقتصادی و تصور برتری نژادی از موجبات استقرار بردگی و تثبیت آن در ایالات جنوب بود. سرعت رشد اقتصادی بعد از تمرکز قدرت سیاسی در حکومت فدرال پس از جنگ های داخلی در فاصله کوتاهی قابل مقایسه با هیچ کشوری نیست ، جمعیت آمریکا سه برابر شد، تعداد کارگران صنعتی به پنج برابر افزایش یافت. سرمایه گذاری در صنایع به ۲۰ برابر رسید ، خطوط راه آهن از ۳۰ هزار به ۱۹۳ هزار مایل رسید و ارزش تولیدات صنعتی یازده برابر شد. (نورایی، ۱۳۵۷)

در فرآیند توسعه اقتصادی و گذر از جامعه سنتی کشاورزی به یک جامعه مدرن صنعتی ، شیوه های سنتی تولید تبدیل به شیوه های مدرن تولیدی می گردد (عظیمی، ۱۳۶۴). بدیهی است در این گذر تاریخی ، تحولات اجتماعی، فرهنگی زیادی به وجود می آید. هر چه قدر باورهای ملی و اعتقادات عامه مردم یک جامعه نسبت به توسعه عمیق باشد و احساس سازندگی و احساس توانمندی در تولید محصولات و خدمات قوی تر و در جهت منافع ملی باشد ، تغییر و تحولات بعدی لازم برای توسعه منطبق تر می گردد و بین عناصر فرهنگی و تغییر و تحولات تکنولوژیکی ، تجانس و تناسب بهتری به وجود می آید و فرهنگ صنعتی شدن و اخلاق کار و روابط کار در آن جامعه نهادینه تر می گردد ، به گونه ای که خلاقیت ها ، نوآوری ها ، روحیه پرکاری ، استفاده بهینه تر از زمان و احساس قوی بودن برای یک جامعه قدرتمند شکل می گیرد و تفکر بهره وری با عملکرد بالاتر خروجی اقتصاد ملی خواهد شد.

در ژاپن تعالیم مذهبی و فرهنگی کنفوسیوسی هم چون دلسوزی پدران ، احترام به سلسله مراتب ، حفظ سازگاری ، رعایت ادب قراردادی در روابط بشری ، روحیه جمع گرایی ، روحیه پس انداز داشتن ولو ناچیز، نظم پذیری ، توانسته است قدرت انطباق پذیری با توسعه اجتماعی و اقتصادی و توسعه صنعتی و تغییر و تحولات ناشی از آن را به وجود آورد ، به گونه ای که می توان گفت تعالیم فوق الذکر بسیار بیش تر از قوانین مدنی هم چون قانون کار و قانون روابط کارگری - کارفرمایی ، توانسته است جهت پویایی جریان توسعه ، کارساز تر باشد (موسسه مطالعات بازرگانی ، ۱۳۶۴) .

مراحل تاریخی رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی :

روستو (۱۹۶۱)، معتقد است برای شکستن (دایره شوم فقر و عقب افتادگی) و رسیدن به مرحله کامل پیشرفت اقتصادی ۵ مرحله تاریخی لازم است (تفضلی، ۱۳۷۲):

۱- **جامعه سنتی** : این مرحله بسیار عقب افتاده است و تولید سرانه محدود و ناچیز است. بخش مهم منابع در بخش کشاورزی در جریان فعالیت های تولیدی قرار دارد. و سازمان اداری جامعه توسعه نیافته می باشد و بر اساس عملکرد نظام کشاورزی، وظایف محوله را انجام می دهد. قدرت در دست زمینداران اشراف و تحت کنترل نوعی اشرافیت (اریستوکراسی) فئودالی است.

۲- **مرحله ماقبل از خیز اقتصادی** : در این مرحله شرایط لازم برای تحقق (جهش اقتصادی) آماده می گردد. این مرحله در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم برای اولین بار در جهان در کشورهای اروپای غربی ظاهر گردید. از خصوصیات این مرحله تغییر در ارزش های اجتماعی و پیدایش حکومت متمرکز ملی است، که با منافع زمینداران و احتمالاً عناصر استعمار طلب مبارزه می کنند و از لحاظ اقتصادی، طبقه جدیدی در اقتصاد به نام طبقه (سوداگر) به وجود می آید که با ایجاد موسسات بانکی دست به سرمایه گذاری مختلف می زند.

۳- **خیز اقتصادی** : در این مرحله رشد اقتصادی حالت عادی و مداوم به خود می گیرد و چون موانع توسعه تا حد زیادی از میان برداشته شده است، شرایطی ایجاد می شود که جهش اقتصادی صورت می گیرد، مانند :

- میزان نسبت پس انداز از درآمد ملی از پنج درصد باید به ده درصد و بالاتر برسد، و میزان سرمایه گذاری های تولیدی نیز به همان اندازه افزایش می یابد.
- محرک اصلی برای تحقق بخشیدن به مرحله جهش اقتصادی، علاوه بر سرمایه گذاری در صنایع زیربنایی، پیشرفت تکنولوژی و بهره برداری از آن در صنعت و کشاورزی می باشد.
- توسعه صنایع در بخش خصوصی که منجر به رشد سریع اقتصادی می شود، لازم می باشد.

شرط آخر می تواند زمینه های تامین مالی سرمایه گذاری داخلی را فراهم آورد. بعضی ممالک مانند انگلستان و ژاپن مرحله جهش اقتصادی خود را بدون استفاده از سرمایه گذاری های خارجی گذرانیده اند، ولی بعضی دیگر مانند آمریکای شمالی، اتحاد جماهیر شوروی سابق و کانادا برای مرحله جهش اقتصادی از سرمایه های خارجی نیز استفاده کرده اند. کشورهایی مانند آرژانتین و ونزوئلا و زئیر از سرمایه های خارجی در مرحله ماقبل از جهش اقتصادی برخوردار بوده اند.

۴- **بلوغ اقتصادی**^۴: بعد از مرحله جهش اقتصادی، یک دوره طولانی و مداوم توسعه اقتصادی فراهم می‌گردد که طی آن اقتصاد روبه رشد در تمام زمینه‌ها و از جمله زمینه‌های فنی با فعالیت‌های جدید تولیدی آشنا می‌شود. در این مرحله ده تا بیست درصد از درآمد ملی به طور مداوم باید به سرمایه‌گذاری اختصاص یابد تا همواره نرخ رشد تولید سالانه از نرخ رشد جمعیت بیشتر می‌شود.

در این مرحله، اقتصاد از جهات مختلف توسعه می‌یابد و بر اثر گسترش تکنیک‌های جدید، صنایع مختلف و جدید توسعه می‌یابند و با جلوگیری از واردات کالاهای مصرفی مشابه به تولید کالاهای جانسین می‌پردازند.

در مرحله بلوغ اقتصادی پیشرفت فنی و بازرگانی به درجه‌ای می‌رسد که اقتصاد کشور می‌تواند از صنایع پیچیده‌ی پتروشیمی و الکترونیک بهره‌برداری نمایند. انگلستان، آلمان، فرانسه و آمریکای شمالی در اواخر قرن نوزدهم از این مرحله عبور کرده‌اند.

۵- **مصرف انبوه**^۵: در این مرحله، اقتصاد به موازات افزایش تقاضا و نیاز به رفاه بیشتر به تولید کالاهای مصرفی با دوام مانند اتومبیل و لوازم خانگی توجه می‌شود. آمریکای شمالی در قرن بیستم وارد این مرحله شد. جوامعی که وارد این مرحله می‌شوند معمولاً دوتحول اساسی را شاهد می‌شوند: یکی افزایش قابل ملاحظه درآمد سرانه و دیگری رشد سریع جمعیت شهرنشین که عمدتاً به لحاظ پیشرفت‌های تکنولوژی و توسعه صنایع صورت می‌گیرد.

افرادی مانند لیست^۶ (۱۸۱۹)، فرآیند تاریخی توسعه اقتصادی را به ۵ مرحله، توحش، چوپانی، کشاورزی، کشاورزی و صنعتی و کشاورزی، صنعتی و تجارتي طبقه‌بندی می‌کند. وی معتقد است کشورها از نظر زمانی در این مراحل تاریخی متفاوت می‌باشند. در برهه‌هایی از زمان لازم است دولت‌ها شدیداً از اقتصاد ملی خود حمایت نمایند. به عنوان مثال کشور آلمان در نیمه اول قرن نوزدهم از نظر درجه توسعه صنعتی پایین‌تر از کشورهایمانند انگلستان می‌باشد. و به لحاظ آنکه بسیاری از صنایع آلمان نوپا و جوان هستند و توان رقابت با صنایع انگلستان را ندارند. بنابراین (لیست) خواستار حمایت شدید از اقتصاد و صنایع ملی می‌گردد و معتقد است که دولت می‌تواند با وضع حقوق گمرکی و عوارض سنگینی بر محصولات خارجی می‌تواند از ورود بی‌رویه آن‌ها جلوگیری به عمل آورد. و شروع توسعه صنعت آلمان از این تاریخ شروع می‌گردد. (تفضلی، ۱۳۷۲).

⁴ Age of maturity

⁵ - Mass consumption

⁶-List

مرحله خیز اقتصادی^۷، در واقع یک مرحله ای است که در آن انقلاب صنعتی و اجتماعی رخ می دهد و موجب توسعه تکنولوژی در بخش های کشاورزی و صنعت می گردد. این مرحله معمولاً با یک شوک و انگیزش قوی می تواند سرعت گیرد، مثلاً انقلاب ۱۸۴۸ آلمان، انقلاب صنعتی و تجدد گرایی ژاپن در سال ۱۸۶۸، استقلال هند در سال ۱۹۴۸ و انقلاب صنعتی انگلستان در اواخر قرن هیجدهم (فرجادی، ۱۳۷۱). آن چه مسلم است، در فرایند تاریخی توسعه، تغییر و تحولات زیادی رخ می دهد و تمدن های جدیدی شکل می گیرد. به گونه ای که جامعه بشری سه نوع تمدن کشاورزی، صنعتی و فرا صنعتی را شاهد می باشد. و در این گذر تاریخی به همراه افزایش روند پیشرفت های تکنولوژیکی، شکل زندگی و نحوه ی زندگی به شدت دگرگون می شود.

تحول و دگرگونی اجتماعی همیشه حاصل چند عامل مهم به هم پیوسته می باشد که هم زمان عمل می نمایند و سهم همه عوامل به یک اندازه نیست. این عوامل ممکن است جمعیتی، ایدئولوژیکی، تکنولوژیکی، سازمانی و غیره باشد. جامعه شناسایی هم چون (اگوست کنت)^۸، (دورکیم)^۹، (اسپنسر)^{۱۰} و (گورویچ)^{۱۱} متوجه تغییر و تحولات و تفسیر آنها بوده اند. نظر افرادی هم چون اسپنسر و دورکیم آن است که تغییر و تحولات اجتماعی ناشی از اثرات متقابل عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می باشد، که هیچ یک به طور مطلق زیر بنا و یاروبنا نمی باشد، بلکه به صورت بافت به هم پیوسته ای در تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی موثر می باشد. (روشه، ۱۳۶۸)

اسپنسر، تحول اجتماعی را در مسیر صعودی به سوی جامعه صنعتی مبتنی بر لیبرالیسم و فردگرایی، توجیه می کرد. اشپینگر^{۱۲} در تحول اجتماعی، نظریات بدبینانه ای دارد. وی تاریخ تمدن ها را به مثابه زندگی انسانی مورد تفسیر قرار می دهد و چهار مرحله تولد، بلوغ، انحطاط و مرگ را برای تمدن ها مشخص می کند. مارکس^{۱۳} و انگلس^{۱۴} از فروپاشی غیرقابل اجتناب سرمایه داری به نفع جامعه بدون طبقه خبر می دادند (تفضلی، ۱۳۷۲).

به طور کلی می توان گفت که پدیده های اجتماعی و اقتصادی و تغییر و تحولات آن ها، ناشی از تاثیرات متقابل عوامل تغییر و تحول می باشد. به عنوان مثال وقتی یک تکنیک جدید به یک کارخانه برده می شود، می تواند فرهنگ کار، نحوه آموزش را تغییر دهد. و موجب بهبود فرهنگ کار و بهبود بهره وری شود که موجبات

7-Take-off

8-Auguste Conte

9- Durkheim

10- Spencets

11- Gurvich

12- Eshpingler

13- Mark

14- Engels

افزایش تولیدات را در بردارد. و تولیدات بیشتر مجدداً سر منشا تغییر و تحولات بعدی من جمله توسعه تکنولوژی ، بهبود روابط سازمانی و تغییر در شیوه های مدیریت می گردد.

کارگزاران تغییر و تحول اجتماعی مانند نخبگان ، تحرک اجتماعی و انگیزه اجتماعی برای پیشرفت نقش مهمی در توسعه اجتماعی و اقتصادی و صنعتی برعهده دارند ، و در حکم کاتالیزور و سرعت دهنده می باشد. انگیزه های اجتماعی پیشرفت ، میزان مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی ژاپن را روز افزون کرده است . ژاپنی ها کشور خود و جامعه خود را به مثابه یک شرکت سهامی بزرگ می دانند که هر کدام به میزان فعالیت های خود و قابلیت های خود ، مسئولیتی متناسب را برعهده دارند، و افراد ، خود را شدیداً نسبت به پیشرفت و گسترش روز افزون اقتصادی و تکنیکی جامعه ، موظف می دانند. روحیه بالای پس اندازهای شخصی و نرخ فزاینده سرمایه گذاری های متناسب با این پس اندازها ، گویای مشارکت فعالانه مردم در اداره این شرکت سهامی می باشد و این امر موجب تشدید رقابت و پیشرفت را در میان افراد جامعه فراهم آورده است (کان، ۱۳۵۸).

تمدن صنعتی و فرا صنعتی :

در اواخر قرن هجدهم ، انقلاب صنعتی در انگلستان به وقوع پیوست. انقلابی که موجبات تغییر و تحولات کلی و ماهوی در کمیت و کیفیت تولید می گردد . با رخداد انقلاب صنعتی ، کاربرد ماشین در تولید صورت می گیرد. ابزاری که نیروی محرکه آن ، نیروهای آزاد در طبیعت مانند عضله انسان ، آب ، باد و حیوان نیست ، بلکه نیروی ملحوظ در ماده است مانند نفت، ذغال سنگ و انرژی اتمی . در صورتی که ابزارهای قبلی چرخ های آبکشی ، آسیاب های آبی و بادی و نیروی انسان و حیوان بودند. ولی انقلاب صنعتی یک انقلاب علمی بود که انسان را بر منابع جدید انرژی مسلط ساخت . در قرن هیجدهم (جیمز وات) ماشین بخار را اختراع کرد و از آن در توسعه صنایع نساجی ، غذایی ، کشتیرانی ، فلزات ، حمل و نقل استفاده شد و موجبات نوآوری ها گردید. هم چنین رشد فوق العاده ذخیره انرژی تبدیل به نیروی محرکه رشد اقتصادی شد و آن هم به نوبه خود آموزش و تحقیقات علمی بعدی که منجر به کشف منابع جدید انرژی می شد را برانگیخت. (پولا ، ۱۳۵۶)

نظام صنعتی در بطن خود ، تولیدات انبوه را شکل می بخشد . تراکتور را به مزرعه می آورد، میز تحریر را به اداره و یخچال را به آشپزخانه می برد. ساعت مچی و کیف بغلی را جهانی می کند. مهم تر آنکه همه این چیز ها را به هم ربط داد و مانند قطعات یک ماشین بر روی هم سوار کرد تا نظام اجتماعی و اقتصادی جدید تر و جامع تری را به نام تمدن صنعتی خلق نماید. تمدن جدید در سیستم توزیع دست کاری هایی به وجود آورد ، راه آهن را برای گشودن بزرگراه ها و کانال های سرزمین های بکر و دست نخورده و فروشگاه های زنجیره ای را برای توزیع تولیدات انبوه به وجود آورد . خانواده نیز فشار تحول را احساس کرد و در درون هر

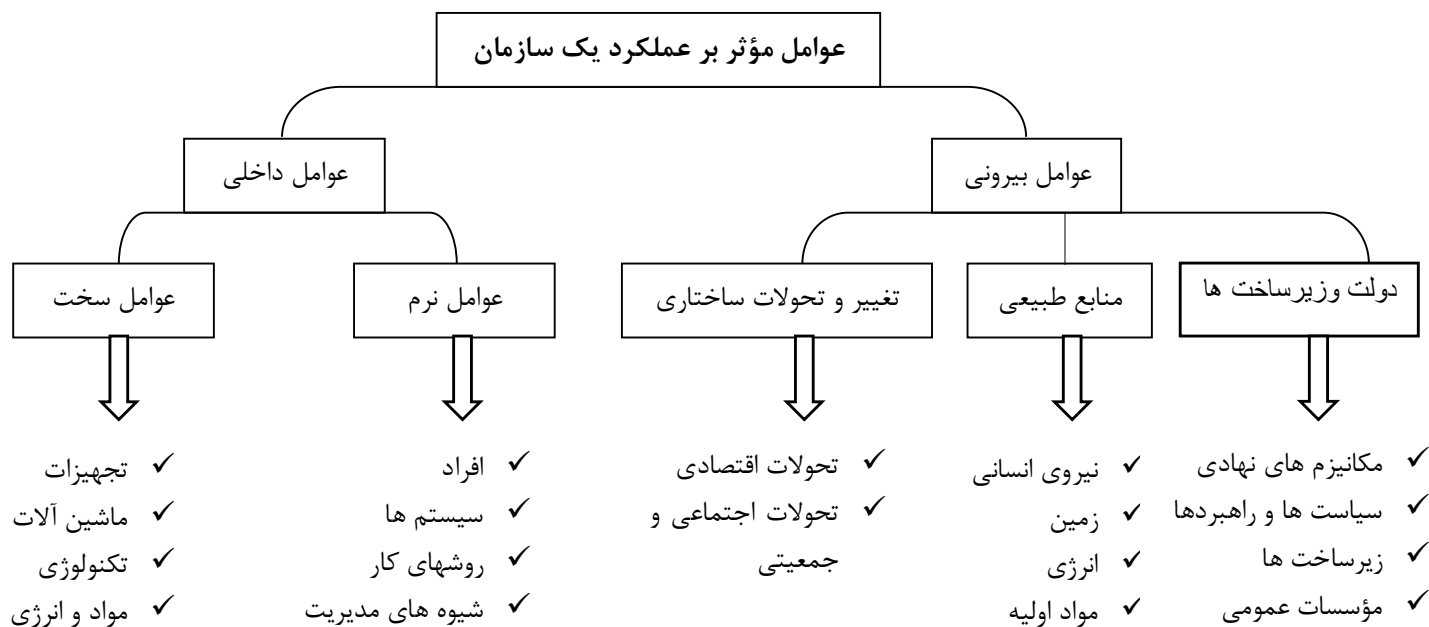
خانواده ای تعارضاتی به شکل حمله به اقتدار پدر شاهی با مفاهیم جدید آداب و معاشرت به وجود آمد. با انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه ، افراد خانواده دیگر به صورت یک مجموعه واحد کار نکردند. مهاجرت به شهرها شدت گرفت و خانواده ها کوچک و کوچک تر شدند. پیدایش آموزش و پرورش همگانی ، شرکت های سهامی بزرگ ، اتحادیه های اصناف ، احزاب سیاسی ، کتابخانه ها ، گورستان ها ، مراکز تفریحی ، موسیقی و تلفن و تلگراف ، خدمات پستی پیشرفته ، از نمادهای تمدن صنعتی می باشد ، که بنابر ضرورت ها و نیاز های احساس شده در جامعه جدید ظهور می نمایند. وبدین ترتیب نظام و تمدن صنعتی جدید به تدریج نظام اجتماعی جدیدی به وجود می آورد که حامی نهادهای تولید ، توزیع و مصرف ویژه خود بود (تافلر، ۱۳۶۳).

مفهوم جامعه فرا صنعتی یا مافوق صنعتی توسط جامعه شناسان معاصر و به ویژه (جان کنت گالبرایت) آمریکایی و (آلن تورن) فرانسوی ، برای مشخص کردن مرحله ای که جامعه های توسعه یافته کنونی بدان رسیده اند ، به کار رفته است . در این جوامع دیگر نمی توان شرایط اقتصادی رشد را از دیگر عوامل هم چون تحقیقات علمی ، فنی ، آموزشی ، تولید و اشتغال و اطلاعات در زمینه های گوناگون جدا کرد. این جوامع تحت تسلط ساز مان های بزرگ سیاسی و اقتصادی هستند که می تواند مشارکت مبتنی بر جهت گیری های اجتماعی و فرهنگی تعیین شده از سوی قدرت های حاکم را در افراد به وجود آورند. صور تسلط اجتماعی دگرگون شده اند، محدودیت های مصرف جای خود را به افزایش تنوع تولیدات داده اند و اثر فرستنده های مرکزی وسایل ارتباط جمعی بر آموزش و پرورش بیشتر از مدرسه و حتی خانواده شده است. به عقیده (تورن) جامعه مافوق صنعتی بیشتر خلاق از خود بیگانگی است تا استثمار ، و انسان از خود بیگانه ، شخصی است که ذهنیات وی مدام دست کاری می شود و در نظامی مستحیل است که خود آن را کنترل نمی کند، و به علت این خود بیگانگی ، تضاد های تازه ای به وجود می آید که بیشتر خصلت اجتماعی و فرهنگی پیدا می کند تا اقتصادی (روشه ، ۱۳۶۸) .

ب) عوامل موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی :

عوامل متعددی بر عملکرد و موفقیت یا عدم موفقیت یک سازمان و یا یک واحد تولیدی صنعتی و اقتصادی تاثیر می گذارد . براساس طبقه بندی (موخرجی و سینک، ۱۹۷۵) عوامل خارجی (غیر قابل کنترل) و عوامل داخلی (قابل کنترل) ، عوامل مهم تاثیر گذار در عملکرد می باشند. عوامل خارجی ، عواملی هستند که خارج از کنترل سازمان می باشد و تاثیرات آن ها بر بنگاه ها متفاوت است. از این رو شناخت و تجزیه و تحلیل عوامل بیرونی برای تصمیم گیری های مدیریت بنگاه ها سرنوشت ساز می باشد.

عوامل داخلی، عواملی هستند که در کنترل مدیریت بنگاه ها می باشد. و شناخت آنها و تجزیه و تحلیل مداوم آنها نیز در اتخاذ تصمیمات راهبردی مهم است. مدل ادغام شده طبقه بندی فوق در نمودار شماره (۴) قابل ملاحظه می باشد. (دفتر بین المللی کار، ۱۳۷۲)



نمودار ۴: عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان

عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی :

_ دولت وزیر ساخت ها

دخالت دولت و اندازه آن در اقتصاد و فرآیند توسعه اقتصادی از مناقشات تاریخی می باشد. تولید کالاهای عمومی، برقراری امنیت داخلی و خارجی کشور، تقویت زیربنایها، مدیریت دوران رکود و تورم، مدیریت تجارت خارجی، و بستر سازی برای توسعه و رقابت از دلایل دخالت دولت ها به حساب می آید. نظریات مطرح شده در این زمینه در دو طیف افراطی حداقل دخالت دولت ها براساس نظریات کلاسیکی و لیبرالیستی هم چون (آدام اسمیت) و همه کاره شدن دولت برای اجتماعی کردن عوامل تولید بر اساس نظریات رادیکالیستی افرادی هم چون مارکس قرار می گیرد.

کلاسیک ها معتقدند که دخالت دولت ها باید در اقتصاد حداقل باشد و در زمینه هایی هم چون تولید کالاهای عمومی و برقراری امنیت بایستی فعالیت نمایند و اقتصاد در شرایط طبیعی و آزاد و رقابت آزاد قرار

گیرد تا از این طریق منافع هر فرد چه برای تولیدکننده و چه برای مصرف کننده در حداکثر قرار گیرد و اقتصاد همیشه در تعادل و در اشتغال کامل منابع باشد. هم چنین تجارت بین المللی باید براساس مزیت های نسبی و مطلق کشورها به صورت آزاد باشد و منافع کشورها در حداکثر قرار می گیرد و تقسیم کار بین المللی براساس تخصص بین کشورها به وجود می آید (تفضلی، ۱۳۷۲).

بحران دهه ۱۹۳۰ رکود شدید اقتصادی در آمریکا، اروپا و کل جهان، نظریات کلاسیکی را مورد شک و تردید قرار داد، و برای برون رفت از بحران و رکود، نظریات جدیدی از سوی (جان مینارد کینز) اقتصاددان انگلیسی مطرح شد، که دخالت دولت را از طریق افزایش مخارج و اتخاذ سیاست کسری بودجه، توجیه می نمود (تفضلی، ۱۳۷۲).

رخداد انقلاب ۱۹۱۷ کمونیستی شوروی سابق و برقراری نظام اقتصادی سوسیالیستی طیف افراطی دیگری از جایگاه و دخالت دولت ها در اقتصاد می باشد که تقریباً در این گونه نظام ها، مالکیت ها عموماً دولتی می باشند و مالکیت های خصوصی جایگاهی ندارند. اما تجربه تاریخی در شوروی سابق و چین کمونیست گویای ناکارآمدی نظام های سوسیالیستی می باشد (کلوانی، ۱۳۷۳).

بعد از بحران دهه ۱۹۳۰ و بعد از جنگ جهانی دوم، به لحاظ شرایط تاریخی جدید نظام سرمایه داری با (قدرت همسنگ) که از سوی گالبرایت، مطرح شد به راه خود ادامه داد. بر اساس سرمایه داری با قدرت همسنگ، قدرت دولت در کنار قدرت اتحادیه های کارگری و در کنار قدرت کارفرمایان اقتصادی قرار گرفت (گالبرایت ۱۳۵۳).

دولت ها از طریق دخالت مستقیم و غیر مستقیم و تهیه و تنظیم و اجرای مقررات می توانند تاثیرات مثبت و منفی بر عملکرد بنگاه ها داشته باشند و عوامل سیاسی، قانونی و دولتی به صورت فرصت ها و تهدید ها برای شرکت های کوچک و بزرگ در می آیند. صنایع و سازمان هایی که به قراردادهای دولتی و یارانه های دولتی وابسته هستند، می توانند دگرگونی ها در تصمیمات دولت را پیش بینی نمایند. هم چنین قوانین ضد انحصاری و نرخ مالیات ها تاثیرات زیادی دارند (فرد، ۱۳۹۳).

با توجه به رقابت جهانی، سیستم های اقتصادی به صورت فزاینده ای به یکدیگر وابسته می شوند، از این رو سازمان ها و بنگاه ها باید در برنامه ها و راهبردهای خود بتوانند به تغییر و تحولات قانونی، سیاسی و دولتی کشورهای دیگر توجه کنند و آن ها را پیش بینی نمایند. شاید مخاطره آمیزترین کار این باشد که در صنعتی که به سرعت جهانی می شود، شرکتی بکوشد در صحنه داخلی به رقابت پردازد. رقابت در صحنه داخلی بیش تر به صورت دست یابی به رشدی است که در سایه یادگیری و تجربه به عمل می آید. شرکتی که در صحنه داخلی به رقابت پردازد، در می یابد که شرکت های رقیب با استفاده از صرفه جویی های به مقیاس وسیع،

بازار داخلی را مورد حمله قرار می دهند. نمونه های زیادی وجود دارد که نشان می دهد پدیده بازار های جهانی، تا چه اندازه پرهزینه شده است. شرکت هیولت پاکارد واحدهای تولیدی خود را از کالیفرنیا (که به مهندسان بسیار ماهر و با حقوق های بالا نیاز دارد) تا مالزی که کارگران بسیار ارزان قیمت در خط مونتاژ کار می کنند، گسترش داده است. شرکت جنرال الکتریک با متمرکز ساختن واحدهای تولیدی خود در سنگاپور، محصولاتی نسبتاً ارزان قیمت تولید و عرضه می کند و بدین وسیله بقای خود را تضمین می کند (فرد ۱۳۹۳).

بر اساس مراحل پنج گانه توسعه اقتصادی روستو، در مراحل ابتدایی، نقش عمده دولت ها و هزینه های دولت ها در شبکه های حمل و نقل، ارتباطات، سد ها، خدمات عمومی شهری، استقرار نهاد های قانونی و سایر امور زیربنایی که تقریباً ماهیت کالاهای عمومی دارند می باشد. در مراحل بعدی که نیاز به این نوع سرمایه گذاری ها کاهش می یابد، هزینه های سرمایه گذاری انسانی مانند آموزش و بهداشت و مخارج ناشی از شهر نشینی و صنعتی شدن جایگزین آن می گردد. و رشد بخش خصوصی در مراحل بعدی در اثر اقدامات دولت موجب پیدایش کانون های ثروت و افزایش آثار خارجی نامطلوب فعالیت های اقتصادی می شود که مهار آن ها نیز هزینه های تازه ای را برای دولت پدید می آورد (توکلی، ۱۳۸۰).

در کشورهایی که در چارچوب اقتصاد بازار حرکت کرده اند، دو شاخص نسبت مخارج دولتی به در آمد ملی و نسبت مالیات ها به در آمد ملی دو معیار مهم حدود دخالت دولت در اقتصاد می باشند. در جریان صنعتی شدن و توسعه اقتصادی شاخص های مذکور افزایش می یابد، زیرا نقش دولت ها فزاینده تر و پیچیده تر می گردد و مثلاً نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی از بیست درصد در سال ۱۹۴۰ به ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است و این نسبت در سال ۱۹۹۰ برابر ۵۹ درصد در سوئد، ۴۸/۸ درصد در فرانسه و ۴۵/۲ درصد در کانادا می باشد (توکلی ۱۳۸۰). نسبت مالیات ها به تولید ناخالص داخلی نیز در همین کشورها متناسب با نسبت فوق می باشد. اگرچه در کشورهای توسعه یافته سهم مخارج دولت ها از تولید ناخالص داخلی بالاست و هم چنین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بالاست، ولی به لحاظ تاریخی جریان توسعه داخلی آن ها و جریان صنعتی شدن آن ها با تغییر و تحولات مناسب تر عوامل زیربنایی، آموزش، فرهنگی و اجتماعی و مدیریتی و تکنولوژیکی همراه شده است و در نتیجه جایگاه دولت ها در اقتصاد در کنار جایگاه بخش خصوصی به صورت فعال و با بهره وری بالا نمایان شده است. ولی در کشورهایی هم چون ایران که بخش عظیمی از بودجه دولت ها از محل فروش و صادرات نفت تامین گردیده است، عدم تعادل بالایی بین نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی و نسبت مالیات ها به تولید ناخالص داخلی وجود دارد که خود گویای عدم تحقق سیر تکاملی جایگاه دولت و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد می باشد

و ارتباطات معناداری بین مخارج دولت و مالیات و در نتیجه بین بخش دولتی و بخش خصوصی به وجود نیامده است.

سیاست ها و راهبردهای کلان اقتصادی :

سیاست ها و راهبردهای کلان اقتصادی که از سوی دولت ها تدوین می گردد و به اجرا در می آید، بر فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی و بخش خصوصی بسیار تاثیر می گذارد. از استراتژی های مهم تجربه شده در کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، راهبرد جایگزینی واردات و راهبرد توسعه صادرات می باشد (فرجادی، ۱۳۷۱).

خمیر مایه راهبرد جایگزینی واردات بر این اساس استوار است که از واردات کالاهای ساخته شده جلوگیری به عمل می آید و در عوض تولیدات داخلی جایگزین کالاهای مشابه خارجی وارداتی گردد. بزرگ ترین مزیت این راهبرد آن است که می تواند درجه اشتغالزایی بالایی به همراه داشته باشد. ولی محدودیت ها و معایب زیادی به همراه دارد از جمله :

۱- این راهبرد نیاز به سطح سرمایه گذاری همه جانبه در کلیه بخش های اقتصادی دارد.

۲- نیازمند حمایت های شدید دولت ها در برقراری تعرفه های گمرکی بالایی می باشد. از آن جایی که ممکن است در عرصه تجارت بین الملل، کشورهای دیگر نیز دست به اقدامات متقابل بزنند، بنابراین در تجارت بین الملل و سطح آن، محدودیت ایجاد می کند.

۳- این راهبرد عمدتاً متکی به تکنولوژی های بومی و کاربر می باشد. بنابراین نوآوری ها و پیشرفت های تکنولوژیکی کم تر رخ می دهد.

۴- چون کالاهای داخلی خود را در معرض رقابت نمی بینند، مصرف کننده مجبور است هر جنس بنجلی را با کیفیت پایین و قیمت نامناسب خریداری کند. بنابراین حاکمیت مصرف کننده سلب می شود و بدین ترتیب قدرت رقابتی بنگاه ها در سطح جهانی کاهش می یابد.

۵- ضعف رقابت از سوی تولیدکنندگان و رقابت ناسالم بین آن ها باعث می گردد که روحیه تحقیق و توسعه و جایگاه آن در توسعه بعدی اجتماعی و اقتصادی و صنعتی به فراموشی سپرده شود.

۶- از منابع اقتصادی به طور بهینه ای استفاده نمی شود و مزیت های نسبی و مطلق راهنمایی برای تخصیص بهینه منابع نخواهد بود.

اتکاء عمده راهبرد توسعه صادرات بر توسعه صادرات محصولات به خارج می باشد. مزایای این راهبرد عبارتند از :

۱_ توسعه صادرات موجب می شود که تغییر و تحولات تکنولوژیکی به خوبی دنبال شود. و از این طریق تولید کنندگان با دانش های فنی روز نیز آشنا شوند.

۲_ استفاده از تکنولوژی های روز ، باعث می گردد که شیوه های نوین مدیریت ، بازاریابی ، روابط انسانی و بسته بندی های نوین به کار گرفته شود.

۳_ چون تفکر صادراتی شکل می گیرد ، کالاهایی می توانند صادر شوند که قدرت رقابت بالایی داشته باشند. بنابراین به کیفیت و بهره وری اهمیت داده می شود و مدیریت بهره وری منابع از سوی بنگاه های تولیدی و صنعتی در حد بالایی قرار می گیرد.

۴_ صادرات کالا باعث انتقال فرهنگ کار و فرهنگ ملی یک کشور به سایر کشورها می گردد.

۵_ با صادرات بیشتر ، اقتصاد ملی و سهم آن در اقتصاد جهانی بالاتر و تثبیت می گردد و منابع ارزی خوبی حاصل کشور می شود. که می تواند اهداف و فرآیند بعدی توسعه را سرعت بخشد.

۶_ توسعه صادرات باعث می شود که به نیازهای مشتریان و مصرف کنندگان اهمیت داده شود و بنابراین حاکمیت مصرف کننده حفظ می گردد.

راهبردهای رشد نا متوازن و رشد متوازن نیز از تجربیات جهانی می باشد. راهبرد رشد نا متوازن توسط (هیرشمن) اقتصاد دان آمریکایی مطرح شد. به نظر وی "توسعه اقتصادی فرایندی است نابرابر که به صورت زنجیره ای از عدم تعادل تحقق می یابد. زیرا هر بخش اقتصادی در مناطق مختلف هر کشور دارای استعداد های ویژه خود می باشد. برای برخی از پروژه ها بایستی سرمایه گذاری وسیعی صورت گیرد و فرآیند رشد از صنایع پیشرو به صنایع عقب افتاده انتقال یابد. و انتخاب قطب های پیشرو اولویت های برنامه های توسعه را براساس مزیت ها مشخص می کند". (فرجادی، ۱۳۷۱).

راهبرد رشد متوازن اولین بار توسط (راگنار نرکس) مطرح گردید. وی معتقد است "که کشش درآمدی و کشش قیمتی تقاضا برای محصولات کشاورزی و مواد خام اولیه کشورهای عقب افتاده تر از سوی کشورهای دیگر بسیار پایین می باشد. بنابراین نمی توان انتظار داشت که تقاضا برای محصولات آن ها ، آن چنان افزایش یابد که درآمد ملی آن ها را تا حد قابل قبولی افزایش دهد. علاوه بر این رقابت شدید در این بخش وجود دارد

و ممکن است کالاهای جانشین، خطراتی برای بخش کشاورزی داشته باشد. از این رو لازم است همگام با اتکاء به بخش کشاورزی، صنایع نیز توسعه یابند " .

راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی تجربه شده در دنیا به گونه ای دیگر در ۶ حالت قابل طبقه بندی هستند (گریفن، ۱۳۷۵) :

- استراتژی پولی

- استراتژی اقتصاد باز

- استراتژی صنعتی شدن

- استراتژی انقلاب سبز

- استراتژی توزیع مجدد درآمد و ثروت

- استراتژی های سوسیالیستی

راهبرد پولی :

ویژگی های کلی این راهبرد آن است که بازار می تواند تابلوی راهنمای مهمی برای تخصیص منابع باشد. دوران اقتصادی رکود و تورم با سیاست های پولی و مالی مناسب قابل کنترل هستند. کارآیی بازارها از طریق رقابت صورت می گیرد و ما را به اهداف اقتصاد کلان می رساند و بخش خصوصی باید محور توسعه باشد و نقش دولت به حداقل برسد و نقش دولت عمدتاً ایجاد فضای با ثبات برای مانور و گسترش فعالیت های بخش خصوصی می باشد. اهداف این راهبرد عبارتست از :

۱- ثبات اقتصادی و ایجاد بازارهای کارآمد

۲- بهبود تخصیص منابع و ارتقای سطح تولید، درآمد و بهبود سطح زندگی

۳- دستیابی به سطوح بالای پس اندازهای ملی جهت سرمایه گذاری بیشتر و رشد اقتصادی بالاتر

۴- به کارگیری هرچه کارآتر سرمایه با توجه به نوآوری و ابداعات

راهبرد اقتصاد باز:

این راهبرد نیز به سیاست هایی که در آن بخش خصوصی فعالانه و عمدتاً در تجارت خارجی تاثیر گذار است، تاکید دارد. بنابراین سیاست های ارزی، مقررات تعرفه ای، سهمیه ها، و موانع غیر تعرفه ای بر تجارت و سیاست هایی که سرمایه گذاری خارجی و بازگشت سرمایه را تضمین کند، دارای اهمیت می باشد. و در این راهبرد، موتور محرکه رشد اقتصادی، بخش تجارت خارجی می باشد. در این راهبرد، سرمایه گذاری های خارجی به صورت مستقیم، اخذ وام های تجارتي توسط نهادهای بین المللی، و کمک های خارجی همگی تاثیر دارند، و نه تنها انتقال بین المللی سرمایه از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته را باعث می گردد، بلکه دانش تکنولوژی و مهارت های مدیریتی کمک می کنند که بهره وری عوامل تولید و منابع موجود در کشورهای مذکور افزایش یابد.

راهبرد صنعتی شدن:

در چارچوب این راهبرد، چنان چه بخش صنعت توسعه یابد، می تواند موتور محرکه رشد سریع تر اقتصادی گردد. این راهبرد با سه رویکرد متفاوت تجربه شده است:

رویکرد اول؛ تاکید بر تولید کالاهای مصرفی صنعتی برای مصرف داخلی دارد که نیازمند حمایت های گمرکی شدید توسط دولت دارد.

رویکرد دوم؛ تاکید بر تولید کالاهای سرمایه ای صنعتی دارد که بایستی تحت نظارت و اداره دولت باشد.

رویکرد سوم؛ تاکید بر توسعه بخش صنعت جهت صادرات کالاهای صنعتی معین می باشد که ترکیبی از برنامه ریزی ارشادی دولت و کمک های مستقیم و غیر مستقیم دولت را می طلبد.

راهبرد انقلاب سبز:

توجه عمده این راهبرد معطوف به بخش کشاورزی می باشد، اهداف این راهبرد عمدتاً عبارتند از:

- افزایش تولیدات مواد غذایی و کاهش قیمت های نسبی محصولات غذایی که منجر به کاهش سطوح دستمزد ها خواهد شد و افزایش سود، امکان سرمایه گذاری بیشتر در سایر بخش ها را ممکن می سازد.

- توسعه و کمک به صنایع روستایی در ارتباط با بخش کشاورزی هم چون منسوجات، صنایع غذایی، مواد ساختمانی و نهاده های کشاورزی

- ایجاد اشتغال بیشتر در مناطق روستایی و شهری
- به کارگیری نهاده های نوین در بخش کشاورزی
- سرمایه گذاری در آبیاری ، حمل و نقل ، نیرو، تحقیقات کشاورزی و ترویج
- تحول در بخش کشاورزی و افزایش سطح عملکرد در واحد هکتار و بهبود بهره وری
- کمک به درآمد روستایی و تعدیل در توزیع درآمدهای شهری و روستایی

راهبرد توزیع مجدد ثروت و درآمدها :

این راهبرد توجه عمده خود را بر گروه های کم درآمد معطوف می کند، از طرق :

- ۱- ایجاد زمینه های اشتغال برای طبقات کم درآمد
- ۲- پرداخت های انتقالی به گروه های کم درآمد جامعه و یا به کارگیری سیاست های مالیاتی مناسب
- ۳- توجه به نیازهای اساسی مانند غذا ، پوشاک ، آموزش ، بهداشت ، مسکن.

راهبرد سوسیالیستی :

در این راهبرد ، مالکیت خصوصی بسیار محدود است . شرکت های صنعتی بزرگ در انحصار دولت هستند و شرکت های کوچک در قالب تعاونی ها سازماندهی می شوند . در بخش کشاورزی نیز مزارع دولتی، اشتراکی و تعاونی وجود دارند. برنامه ریزی اقتصادی عمدتاً متمرکز بوده و یک دستگاه برنامه ریزی ، مسئول جهت دهی و تصمیمات اقتصادی از بالا به پایین می باشد. نمونه آن شوروی سابق بود که راهبرد صنعتی شدن سوسیالیستی خود را با سه پیش فرض شروع کرد:

- تاکید بر صنعتی شدن سریع
- فشار بر بخش کشاورزی
- نرخ بالای انباشت سرمایه جهت سرمایه گذاری در تولیدات کالای سرمایه ای سنگین به زیان کالاهای مصرفی

دو نکته اساسی در مورد اتخاذ راهبردهای توسعه را بایستی در نظر گرفت:

الف) راهبرد های تجربه شده در کشورهای جهان دارای آثار متفاوتی بوده است. مثلا در راهبرد صنعتی شدن، هندوستان راهبرد صنعتی شدن را با تاکید بر کالاهای سرمایه ای و خود ا تکایی ، برزیل صنعتی شدن را از طریق استراتژی جایگزین واردات برگزید. و کره جنوبی راهبرد صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات فرآورده های صنعتی برنامه ریزی شده را برگزیدند و به کار گرفتند ، و آثار متفاوت این سه رویکرد به شرح جدول (۶) می باشد :

جدول (۶) : ارزش یابی سه رویکرد صنعتی شدن :

مدل هندی	مدل برزیلی	مدل کره جنوبی	
۳	۲	۱	۱. رشد تولیدات صنعتی
۱	۳	۲	۲. ثبات رشد
۳	۲	۱	۳. رشد صادرات صنعتی
۱	۱	۳	۴. توسعه صنایع کالای سرمایه ای
۳	۲	۱	۵. کارآیی تولیدات صنعتی
۳	۲	۱	۶. ایجاد اشتغال
۲	۳	۱	۷. میزان برابری
۳	۲	۱	۸. رشد درآمد سرانه

منبع: استراتژی های توسعه اقتصادی

ملاحظه می شود که رویکرد کره جنوبی در ۸ معیار مورد نظر ، در شش مورد در جایگاه اول قرار می گیرد.

ب) داشتن راهبرد معین برای توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی و شفاف گونه ، در شکل دادن حرکت فعالیت های بخش خصوصی و دولتی و جایگاه هر کدام بسیار نقش آفرین می باشد. مثلا در الگوی کره جنوبی ، تکلیف بخش خصوصی در حرکت های اقتصادی اش تا حد زیادی مشخص است. و بیش ترین منابع سرمایه گذاری با رویکرد توسعه صادرات و در زمینه های معین که بر اساس اولویت ها تعیین می گردد ، به کار گرفته می شود. از سویی تولیدات با جهت گیری صادراتی ، چگونگی مدیریت منابع سرمایه گذاری را نیز بازگو می کند.

تغییر و تحولات ساختاری در فرآیند توسعه اقتصادی :

تغییر و تحول ساختاری اقتصادی و جابجایی مشاغل در بخش های اقتصادی :

در فرایند صنعتی شدن یک جامعه ، شاهد جا به جایی نیروی کار و جمعیت فعال از بخش کشاورزی به بخش صنعتی و سپس خدمات می باشیم . و این جا به جایی خود گویای شکل گیری سه تمدن کشاورزی ، صنعتی و فرا صنعتی و تحولی بزرگ است که محرکه اصلی آن نیازهای تاریخی و انگیزه های پیشرفت از سوی جامعه بشری می باشد. در این تحول تاریخی و توأم با انقلاب صنعتی ، شاهد تحول در بخش کشاورزی می شویم و این بخش نقش های مهمی را در توسعه اقتصادی ایفا می کند:

۱- روابط فئودالیتنه حذف می شود.

۲- شیوه های جدید تولید حاکم می شود و تکنولوژی های نوین جایگزین تکنولوژی سنتی می گردد.

۳- بهره وری و کارآیی در این بخش افزایش می یابد و مزاد عوامل تولید کار و سرمایه از این بخش به سایر بخش ها (صنعت و خدمات) روانه می گردد.

۴- در فرایند صنعتی شدن و در مراحل اولیه ، بخش کشاورزی نیازهای صنعتی شدن و شهرنشینی را پاسخ می دهد و بین بخش کشاورزی و سایر بخش ها روابط زنجیره ای متقابل از طریق تبادل ستانده - نهاده به وجود می آید. و شاهد رشد روز افزون اولین گروه صنایع وابسته به این بخش می باشیم مانند بخش صنایع غذایی، نساجی، بسته بندی، تبدیلی و امثال آن .

۵- چنانچه روابط زنجیره ای بین سه بخش کشاورزی ، صنعت و خدمات در مسیری پیوسته رخ دهد. ساختار اقتصادی سالمی در اقتصاد آن کشور شکل می گیرد و جابه جایی نیروی کار در این سه بخش به صورت مولد و بهره ور صورت می گیرد. جداول زیر گویای تحول و جابه جایی جمعیت فعال در کشورهای منتخب می باشد:

جدول (۷) : توزیع جمعیت فعال در آمریکا

(درصد)

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۸۲۰	۷۲/۸	۱۲	۱۵/۲
۱۸۵۰	۶۴/۸	۱۷/۶	۱۷/۶
۱۸۷۰	۵۳/۸	۲۲/۶	۲۳/۶
۱۹۰۰	۳۷/۴	۲۹	۳۳/۶
۱۹۲۰	۲۶/۷	۳۳/۲	۴۰/۱
۱۹۴۰	۱۹/۳	۳۱/۱	۴۹/۶
۱۹۶۰	۸	۳۲	۶۰
۱۹۸۰	۴/۶	۲۹/۵	۶۶/۹
۱۹۹۰	۳/۵	۱۹	۷۸

منبع : جهان در آستانه قرن ۲۱

جدول (۸) : توزیع جمعیت فعال در فرانسه

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۹۰۱	۴۲	۳۰	۲۸
۱۹۴۶	۳۶	۳۲	۳۲
۱۹۷۰	۱۴	۴۰	۴۶
۱۹۷۵	۱۱	۳۹	۵۰
۱۹۸۰	۸/۹	۳۵/۸	۵۵/۳

منبع : همان

جدول (۹) : توزیع جمعیت فعال در برخی کشورهای منتخب براساس توسعه انسانی (درصد)

خدمات	صنعتی	کشاورزی	گروه کشورها
۲۵/۵	۱۰/۳	۶۴/۷	توسعه انسانی پایین :
۱۳/۳	۲/۷	۸۵	نیجر
۱۳/۱	۶/۲	۸۰/۶	سنگال
۳۸	۱۳/۳	۴۷/۷	پاکستان
۲۶/۱	۱۴/۱	۵۹/۸	توسعه انسانی متوسط
۳۶/۸	۹/۷	۵۳/۵	اندونزی
۸۹/۱	۱۴۶	۲۴/۹	سوریه
۴۶/۸	۹/۲	۴۳/۴	فیلیپین
۶۰/۸	۲۶/۳	۱۲/۹	توسعه انسانی بالا :
۳۹/۳	۱۹/۱	۴۱/۶	مالزی
۷۳/۶	۲۵/۶	۰/۸	سنگاپور
۷۸	۱۹	۳	آمریکا
۶۳/۵	۳۱/۷	۴/۸	آلمان غربی

منبع : گزارشات توسعه انسانی دبیرخانه سازمان ملل

قانون تحول جا به جایی جمعیت فعال و شاغلین از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات ، در بطن خود موجبات افزایش بهره وری در بخش کشاورزی می گردد. و علیرغم کاهش ساعات کار سرانه در بخش کشاورزی و روستایی ، شاخص بهره وری و تولیدات این حوزه به شدت افزایش می یابد . ساعات کار از حدود ۴۰۰۰ ساعت در سال ۱۸۳۰ به ۳۰۰۰ ساعت در سال ۱۹۲۸ و ۲۰۰۰ ساعت در سال ۱۹۸۰ در کشورهای پیشرفته افزایش می یابد(ژان فورستیه، ۱۳۶۱) .

جدول (۱۰) شاخص حجم تولیدات سرانه نیروی کار کشاورزی را طی سال های ۱۷۵۰ - ۱۹۷۹ در آمریکا و فرانسه نشان می دهد :

جدول (۱۰) : شاخص حجم تولید سرانه نیروی کار شاغلین بخش کشاورزی (۱۰۰=۱۹۳۹)

سال	فرانسه	آمریکا
۱۷۵۰-۱۸۰۰	۲۰	۱۵
۱۸۹۵-۱۹۰۰	۶۸	۶۲
۱۹۱۰-۱۹۱۳	۷۵	۷۳
۱۹۳۰-۱۹۳۴	۹۵	۸۹
۱۹۳۵-۱۹۳۹	۱۰۰	۹۴
۱۹۴۸-۱۹۴۹	۹۰	۱۵۰
۱۹۵۰-۱۹۵۱	۱۰۰	۱۶۰
۱۹۵۹-۱۹۶۳	۲۰۰	۲۶۰
۱۹۶۵-۱۹۶۹	۲۶۰	۳۴۰
۱۹۷۸-۱۹۷۹	۵۰۰	۶۰۰-۶۵۰

منبع : جهان در آستانه قرن ۲۱

با مقایسه جداول فوق در می یابیم که طی سال های ۱۸۰۰-۱۹۸۰ سهم نیروی کار در بخش کشاورزی در اشتغال حدود ۲۰ برابر کاهش یافته و از سوی دیگر شاخص بهره وری سرانه نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی تا ۴۰ برابر افزایش یافته است و این پدیده یعنی تحولی بزرگ در ساختار اقتصادی و تفکر بهره وری و تغییر و تحولات مداومی که در این زمینه رخ داده است.

تغییر و تحول ساختاری تکنولوژیکی و مدیریت بهره وری در فرایند توسعه :

در گذر تاریخی توسعه و از شیوه های سنتی تولید به شیوه های مدرن تولیدی ، تکنولوژی مرتبا تغییر می کند. می توان محورهای انقلاب های اساسی در تکنولوژی را بشرح زیر دانست :

- کاربرد ابزار سنگ، ساخت نیزه، تیر و کمان، آسیب بادی و آبی، چرخ نخ ریزی، چرخ چاه، چرخ کوزه گری

- کاربرد ماشین بخار که انقلاب صنعتی سده هیجدهم را تحقق بخشیده است.

- خط تولیدانبوه و زنجیره ای که انقلاب صنعتی اوایل سده بیستم را در پی داشت.

- کاربرد تکنولوژی اطلاعات که انقلاب صنعتی دهه ۱۹۷۰ را به همراه داشت.

آن چه مهم است، پیشرفت های تکنولوژی در طی زمان چون مبتنی بر دانش های انباشته شده جامعه بشری قرار می گیرد، سرعت تحولات شتابان می گردد و همین امر موجبات دگرگونی های عمیقی در زندگی بشری می گردد. در عین حال ، تکنولوژی ذاتا موجب پیشرفت نمی گردد، بلکه مدیریت به کارگیری آن که نیازمند بسترهای زیربنایی آموزشی ، فرهنگی و اجتماعی و مهارتی می باشد ، بسیار تعیین کننده می باشد.

مهم ترین نقش مدیریت توسعه صنعتی یک کشور در فرایند توسعه اقتصادی به کارگیری روش های بهبود یافته است که قدرت تطبیق پذیری نیروی کار با تحولات تکنولوژیکی و با هدف بهبود مستمر بهره وری را به وجود آورد. بنابراین در پی تغییر و تحولات تکنولوژیکی بایستی تغییر و تحولات دیگری متناسب و متجانس با آن صورت گیرد که به برخی از آنها اشاره می گردد:

۱- ترکیب نیروی کار دگرگون شود و سهم نیروی کار متخصص و انعطاف پذیر و با مهارت کافی در کل نیروی کار افزایش یابد. به عنوان مثال نسبت کارگران ساده در آمریکا در سال ۱۸۳۰ حدود ۵۶٪ می باشد که در سال ۱۹۱۰ به ۳۵٪ و در سال ۱۹۴۰ به ۱۸٪ می رسد ، و یا در فرانسه طی سال های ۱۹۵۴ الی ۱۹۷۵ تعداد مهندسان بیش از سه برابر و تعداد کادرهای فنی بیش از دو برابر شده است، در حالی که تعداد کارگران فقط ۱۱ درصد افزایش یافته است(فوراستیه، ۱۳۶۱).

۲- تحرک افقی و عمودی از طریق "غنی سازی شغلی"^{۱۵} و "توسعه شغلی"^{۱۶} نیروی کار و ایجاد انعطاف پذیری در ساختار سازمانی .

۳- پرورش احساس غرور و افتخار نسبت به شغل و مسئولیت پذیری از سوی نیروی کار.

۴- بهبود مداوم بهره وری در سازمان .

۵- اتخاذ راهبردهایی که تولیدات انبوه تر و تنوع تولیدات را جهت صرفه جویی ناشی از مقیاس و گسترش بازارها در پی داشته باشد.

۶- اعتقاد به حاکمیت مصرف کننده .

¹⁵Job enrichment

¹⁶ Job enlargement

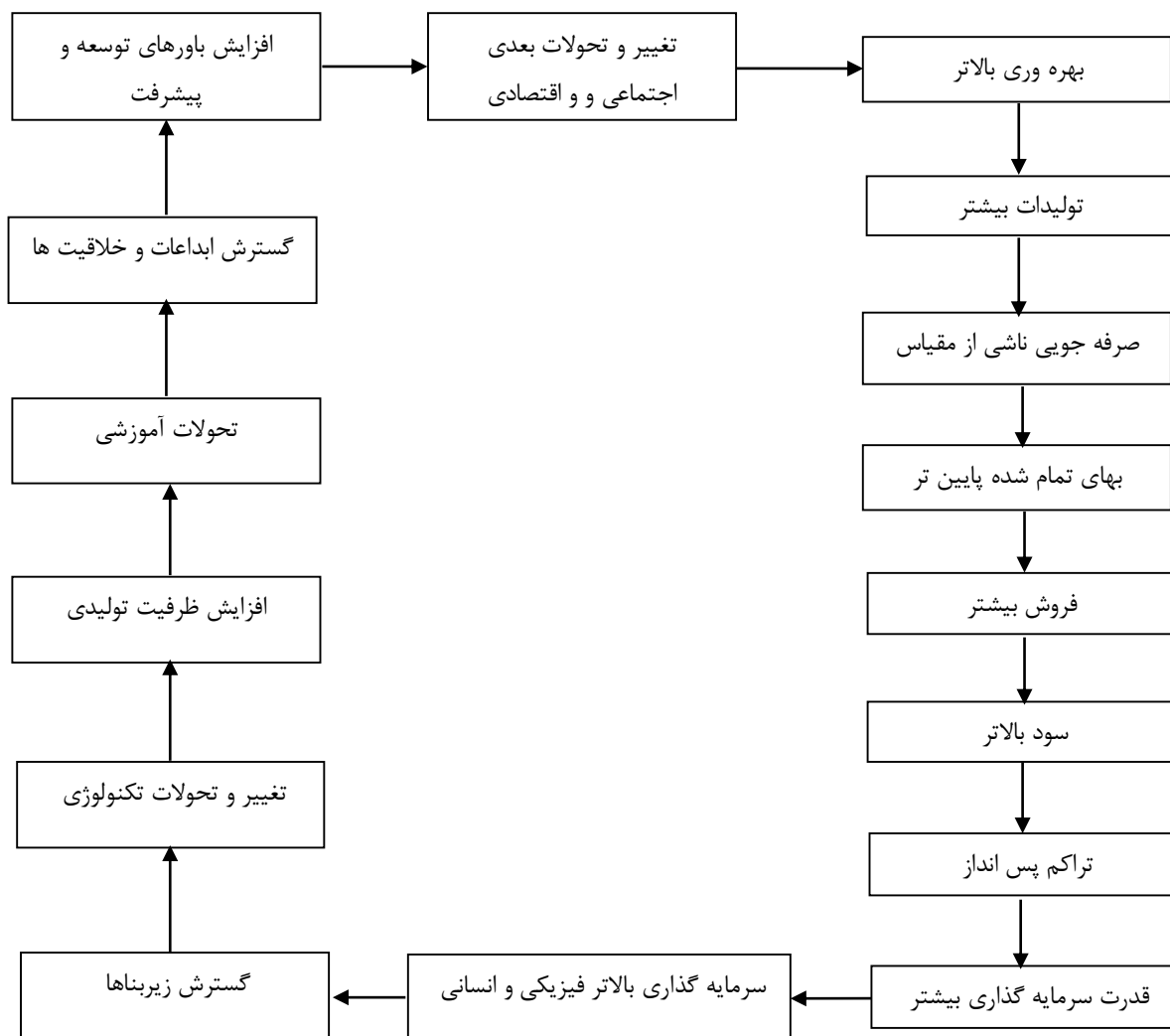
۷- اتخاذ راهبردهایی در سطح کلان و ملی به گونه ای که موجبات رقابت سالم و آزاد را فراهم آورد و رقابت موجبی شود برای شکل گیری خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی. زیرا رقابت سالم و آگاهانه در جهت حاکمیت مصرف کنندگان و مشتریان در بطن و ذات خود روحیات کارآفرینی را گسترش می دهد و این پدیده موجب گسترش خطوط تولید می گردد.

۸- روحیه توسعه طلبی در تسخیر بازارهای جهانی موجب گسترش روحیات همکاری در بین تولید کنندگان و سهامداران می گردد.

در دوران انتقال از یک جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی و سپس فراصنعتی و اطلاعات، شیوه های مدیریتی پدر سالارانه در نظام فئودالیتته جای خود را به شیوه مدیریت علمی بعد از انقلاب صنعتی می سپارد و سپس با تحولات بعدی تکنولوژیکی و تغییر و تحولات در ترکیب نیروی انسانی و اهمیت یافتن سرمایه انسانی و اجتماعی، شیوه های مدیریت مبتنی بر روابط انسانی در فرهنگ کار و فرهنگ سازمانی نمود می یابد، به گونه ای که مشارکت کارکنان فزاینده تر می گردد و زمینه های انطباق پذیری با تغییر و تحولات مداوم، بهتر فراهم می آید و تفکر مدیریت بهره وری بالاتر را به همراه خواهد داشت و بدین ترتیب سیکل جریان وار بهره وری - توسعه اقتصادی در بنگاه های تولیدی در سطح ملی فراهم می آید.

با افزایش مداوم بهره وری، تولیدات انبوه تر با بهای تمام شده ی پایین تر و در نتیجه قیمت فروش پایین تر را شاهد می شویم که نه تنها موجبی برای کنترل تورم می باشد، بلکه سطح استاندارد زندگی بهبود می یابد.

از سوی دیگر پذیرش تفکر بهره وری در فرایند تاریخی توسعه و بر اساس نیاز های جدید، تغییر و تحولات زیادی از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به وجود می آید، که با انطباق پذیری آن ها، بسترهای بعدی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی فراهم می گردد. نمودار شماره (۵) گویای این دگرگونی دایره وار می باشد:



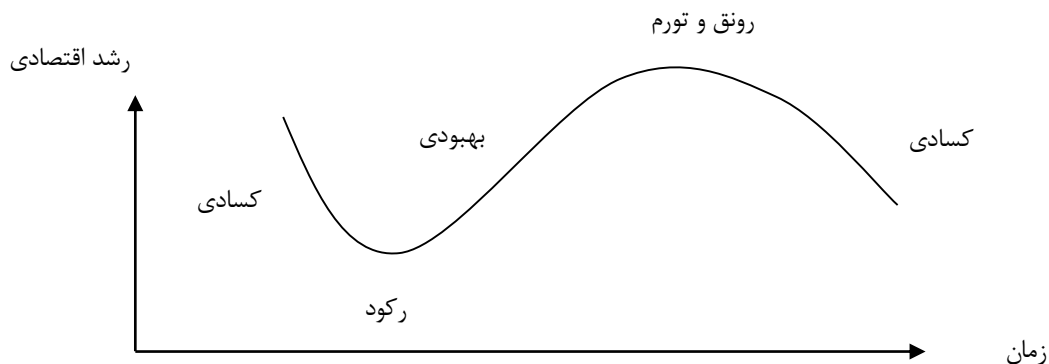
نمودار ۵: جریان دایره وار تغییر و تحولات ، بهره وری و توسعه

دوران رکودی و تورمی :

رخداد دوره های "رکودی"^{۱۷} و "تورمی"^{۱۸} که به سیکل های تجاری نیز مشهور می باشند، امری اجتناب ناپذیر است و در جریان رشد و توسعه اقتصادی به صورت امواج کوتاه مدت ، میان مدت و یا بلند مدت خود را نشان می دهند و هر سیکل اقتصادی شامل پدیده های کساد ، رکودی، بهبودی و رونق می باشد (تفضلی، ۱۳۷۲).

¹⁷ stagnationary -period

¹⁸ Inflationary- period



نمودار ۶: سیکل تجارتي

دوران رکودی و تورمی می تواند بر عملکرد بنگاه های تولیدی تاثیرات مثبت و منفی بگذارد . چنان چه دوره تورمی با نرخ های ملایم باشد می تواند موجب رشد و توسعه اقتصادی بالاتر و رونق کسب و کار شود. اما اگر تورم در سطح بالا و به مدت طولانی بر اقتصاد یک کشور حاکم شود، به تدریج ساختار بیمارگونه ای را به وجود می آورد که برون رفت از آن بسیار سخت می گردد. از سوی دیگر رکود اقتصادی می تواند اثرات نامطلوبی بر سرمایه گذاری و ظرفیت تولیدی بنگاه ها داشته باشد و می تواند مقدمات ورشکستگی کارخانجات و بیکاری شدید را در پی داشته باشد.

عوامل رقابتی در محیط صنعتی :

بر اساس مدل ارائه شده از سوی "پورتر"^{۱۹} هر بنگاه اقتصادی و تولیدی و صنعتی در میدان رقابت و محیط صنعتی که در آن حوزه فعالیت می کند ، تحت تاثیر پنج نیرو قرار می گیرد. این پنج نیرو عبارتند از رقبای فعلی ، رقبای بالقوه ، محصولات جایگزین ، عرضه کنندگان مواد اولیه و قطعات و توزیع کنندگان محصولات بنگاه (فرد، ۱۳۹۳).

رقبای بالفعل (موجود) :

رخدادهای زیر می تواند روی برنامه های بنگاه و عملکرد آن در ارتباط با رقبای موجود ، تاثیرات متقابل داشته باشد:

- وجود مزیت های رقابتی برای بنگاه و رقبای بنگاه . مزیت های رقابتی می تواند قیمت تمام شده پایین تر، کیفیت بالاتر، نیروی انسانی متخصص تر، تحقیق و توسعه توانمند تر ، وفاداری مشتریان ، برند تجارتي و یا قدرت مالی توانمند باشد.

¹⁹ porter

- واکنش رقبا و بنگاه ، مثلا تصمیمات رقبا برای پایین آوردن قیمت ، ارائه خدمات پس از فروش ، تغییرات در ویژگی های محصول

- چنان چه محصولات مورد نظر درجه فسادپذیری بالایی داشته باشد، مانند کارخانجات فرآورده های لبنی

- ادغام چند شرکت رقیب با یکدیگر

رقبای بالقوه (تازه واردان) :

برای هر بنگاه صنعتی ، ورود تازه واردان به بازار و عرضه محصولات ، اجتناب ناپذیر می باشد . ولی شدت ورود برای صنایع مختلف متفاوت می باشد . برای صنایعی که ویژگی های زیر را داشته باشد، تهدید رقبای بالقوه زیاد می باشد:

۱- با میزان یا سطح تولیدات اندک نیز بتوان وارد میدان فعالیت شد. و به عبارتی ، صرفه جویی ناشی از مقیاس تولید ، یک فرصت رقابتی به حساب نیاید.

۲- با فن آوری های نه چندان پیشرفته و تخصصی نیز بتوان به تولید محصول یا محصولات پرداخت

۳- نیاز به تجربه های بسیار بالا نباشد.

۴- مشتریان فعلی بنگاه های موجود چندان وفادار نباشد و به برندهای موجود پایبند نباشند.

۵- با سرمایه گذاری اندک نیز بتوان وارد حوزه تولید محصول یا محصولات موجود شد.

۶- کانال های توزیع را راحت بدست آورد و نیازمند تبلیغات گزاف نباشد.

۷- اگر ظرفیت موجود صنعتی مورد نظر بالا باشد.

۸- کارآفرینان جسور ، ریسک پذیر ، خلاق و مدیر و مدبر حتی در شرایط ورود سخت به صنعت مورد نظر می توانند رقبای سرسخت آینده باشند.

محصولات جایگزین:

محصولات جایگزین از دو جنبه می توانند معنادار شوند. جنبه اول به مفهوم واردات کالاهای مشابه خارجی که جایگزین محصولات داخلی می شوند و جنبه دوم آنکه بتوان در مصرف خانوارها و مصرف کنندگان نهایی جانشین کالاهای موجود شوند. و به ویژه اگر کالاهای جانشین با هدف "دامپینگ"²⁰ کالاهای موجود وارد بازار شوند.

عرضه کنندگان مواد اولیه و قطعات برای بنگاه:

هر بنگاه تولیدی و صنعتی وابسته به عرضه کنندگان مواد و قطعات می باشد و با توجه به ماهیت رقابتی و انحصاری بودن آن تاثیرات متفاوت به ویژه قیمت مواد اولیه و قطعات خواهند داشت. اگر عرضه کنندگان مواد اولیه و قطعات در جایگاه انحصاری باشند می توانند قیمت های بالایی را به بنگاه های خریدار مواد اولیه و قطعات تحمیل کنند و اگر موقعیت عرضه کنندگان رقابتی باشد، می توانند قیمت های پایین تری را به خریداران خود ارائه کنند. و در نتیجه قیمت مواد اولیه و قطعات در بهای تمام شده و فروش بنگاه ها نقش مهمی خواهد داشت.

توزیع کنندگان محصولات بنگاه:

در موارد زیر توزیع کنندگان محصولات برای یک بنگاه تولیدی و صنعتی می تواند تهدید جدی به عمل آید:

- ۱- توزیع کنندگان قدرت انحصاری در بازار داشته باشند.
 - ۲- حجم خریداری شده از سوی توزیع کنندگان بسیار بالا و انبوه باشد.
 - ۳- محصولات تولیدی دارای استانداردهای لازم و اجباری باشند و استانداردها همگن و همانند باشد.
 - ۴- شدت رقابت برای محصول در مصرف بالا باشد.
- باتوجه به موارد فوق الذکر، توزیع کنندگان محصولات قدرت چانه زنی بالاتری خواهند داشت و خواسته های خود را به تولیدکنندگان محصول تحمیل می کنند.

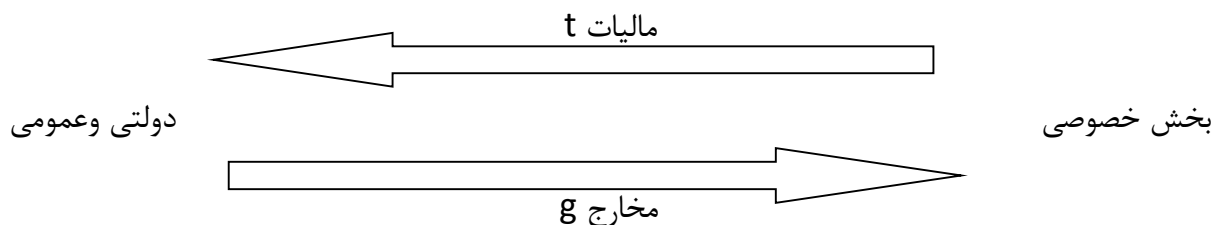
²⁰ Dumping

نظام مالیاتی و فضای کسب و کار:

نظام مالیاتی هر کشور نقش مهمی در فضای کسب و کار و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی هر کشور دارد. فضای کسب و کار مجموعه ای از شرایط و متغیرهای موثر بر کسب و کار فعالان و بنگاه های اقتصادی می باشد که معمولاً خارج از کنترل مدیریت فعالان اقتصادی می باشد.

از دهه ۱۹۸۰ به بعد بسیاری از اقتصاددانان و نظریه پردازان و سیاست گذاران اقتصادی عمده توجه خود را پیرامون بهبود فضای کسب و کار قرار دادند. در این زمینه (هرناندو دوستو) در طرح مفهوم فضای کسب و کار و سیاست گذاری برای رفع موانع بخش خصوصی به عنوان راهبرد اصلی توسعه اقتصادی، بیش از سایرین نقش داشته است. بانک جهانی از اواخر دهه ۱۹۹۰ به بعد گزارش هایی را پیرامون فضای کسب و کار منتشر می کند. مهم ترین شاخص های آن برای مقایسه کشورها عبارتند از: ثبات دارایی ها، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از سرمایه گذاران، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، کارایی نظام قضایی در الزام آور بودن قراردادهای و اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار می باشد (سالاری، ۱۳۹۰).

مالیات اگرچه از مهم ترین منابع درآمدی برای دولت ها می باشد، ولی ابزار مهم سیاست گذاری نیز به حساب می آید و از این طریق رابطه ای دوسویه و متقابل بین دولت و فعالان اقتصادی و جامعه به وجود می آید. سیاست گذاری های دولت ها در بستر سازی تحقق اهداف کلان اقتصادی مانند رشد و توسعه مستمر، توزیع عادلانه تر درآمدها و ثبات اقتصادی و اشتغال بهینه و کامل منابع انسانی، فیزیکی و مالی موجود می باشد. بنابراین هرچه قدر فضای کسب و کار از طریق سیاست گذاری های پویا و مناسب به ویژه سیاست های مالیاتی بهبود یابد و رونق اقتصادی حاکم شود، نه تنها بخش خصوصی بهتر رشد می کند و به رونق در می آید، بلکه در رابطه دوسویه بین بخش خصوصی و بخش دولتی و عمومی، پایه های مالیاتی و در نتیجه حجم مالیات های دولت نیز افزایش می یابد. می توان رابطه دوسویه و متقابل را به صورت نمودار زیر تجسم کرد:



نمودار ۷: رابطه متقابل بخش خصوصی و دولتی

حاصل این رابطه متقابل، شکل گیری دو شاخص مهم یعنی نسبت مالیات ها به تولید ناخالص داخلی ($\frac{t}{GDP}$) و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی ($\frac{g}{GDP}$) می باشد و تناسب این دو شاخص بیانگر میزان رابطه پویا بین بخش خصوصی و دولتی و عمومی می باشد.

اگرچه مالیات ها می تواند بخش عمده بودجه دولت ها را تشکیل دهد ، به گونه ای که بتوان گفت بودجه دولت ها مترادف مالیات می باشد ، ولی دولت ها با مدیریت توانمند مخارج خود از محل مالیات ها ، می توانند موجبات توسعه بخش خصوصی و افزایش رفاه و امنیت اجتماعی و شرایط مناسب تجارت بین المللی را فراهم آورند. از این رو نظام مالیاتی هر کشور بایستی دارای ویژگی هایی باشد تا بتواند بالاترین اثربخشی و کارایی را داشته باشد. مشخصات سیستم مالیاتی مطلوب عبارتند از:

۱_ عدالت مالیاتی ، به گونه ای که افراد جامعه ، نهادها و بخش های مختلف اقتصادی به نسبت سهم خود در تولید ناخالص داخلی کشور و فعالیت های خود ، مالیات بپردازند و فرار مالیاتی در حداقل خود قرار گیرد.

۲_ موجبات رشد فعالیت های مولد شود و از فعالیت های کاذب و غیرمولد نرخ های مالیاتی بالاتری دریافت شود.

۳_ انگیزه تولید بیشتر و صادرات بیشتر را در بر داشته باشد.

۴_ مالیات وضع شده بایستی از نظر زمان ، مکان و نحوه ی پرداخت و میزان مالیات پرداختی ، بسیار شفاف و منطقی باشد.

۵_ هزینه وصول مالیات در حداقل باشد.

۶_ اعتماد کامل بین دولت و نهاد مالیاتی و فعالان اقتصادی مودیان مالیاتی برقرار باشد.

۷_ از انعطاف پذیری و تنوع پذیری برخوردار باشد. و در شرایط مختلف رکودی و تورمی بتوان اصلاحاتی انجام داد به گونه ای که کم ترین فشار مالیاتی و بار مالیاتی بر دوش افراد جامعه تحمیل گردد.

۸_ نظام مالیاتی باید دارای تنوع منابع مالیاتی باشد و قابل درک و فهم برای کلیه مودیان مالیاتی باشد.

۹_ اخذ مالیات کم ترین انحراف را در مصرف کننده و تولیدکننده داشته باشد. به گونه ای که تعادل روزمره زندگی شغلی دچار مشکل نگردد. (رجبی راد و همتان ، ۱۳۹۳).

مالیات بر شرکت ها یکی از پایه های عمده مالیات های مستقیم می باشد . و در عمده کشورهای جهان بخش قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی دولت ها را تشکیل می دهد. ولی از جهت دیگر چون در اکثر کشورها

مجموع مالیات بر درآمد ها وجود دارد، مالیات بر شرکت ها نوعی مالیات مضاعف به حساب می آید. مالیات بر سود شرکت ها اگر چه روی هزینه های تولید نقشی ندارد و به مصرف کنندگان و مزد بگیران منتقل نمی شود ولی می تواند روی ساختار شرکت ها تاثیر بگذارد. و این نوع مالیات می تواند روی سود توزیع شده ، وام دریافتی و توسعه افقی و عمودی و تمرکز و سهام اثر بگذارد و هم چنین بازده خالص سرمایه را کاهش می دهد و هزینه استفاده از سرمایه را افزایش می دهد و می تواند روی سرمایه گذاری و تولید اثر منفی بگذارد. هم چنین معافیت مالیاتی استهلاک باعث می شود که هزینه سرمایه کاهش یابد و هرچه قدر استهلاک بیش تر باشد ، نرخ موثر مالیاتی کم تر خواهد بود و صرفه جویی مالیاتی برای سرمایه گذاری مالیاتی بیش تر می شود. و هرچه استهلاک بیش تر باشد ، و هرچه سرمایه گذاری بلندمدت تر باشد ، سود بیشتر و نرخ مالیاتی موثر کم تر می شود که در نتیجه تمایل به سرمایه گذاری بلند مدت را افزایش می دهد. اگر چه این مساله ممکن است ، درآمد مالیاتی دولت را در دوره ی موردنظر کاهش دهد ، ولی با تشویق سرمایه گذاری و تولید ، درآمد مالیاتی آینده دولت افزایش می یابد (پژویان و خسروی ، ۱۳۹۱).

آنچه مسلم است نهاد مالیاتی یک کشور در شکل دادن نظام مالیاتی مطلوب و چگونگی تحول آن در طی زمان نقش برجسته ای دارد. و نظام مالیاتی بایستی با شرایط اقتصادی و اجتماعی در زمان های مختلف ، منطبق باشد. علاوه بر آن وصول مالیات با توجه به شناخت عمیق از اوضاع می تواند کارایی و اثر بخشی کل اقتصاد را بهتر تضمین نماید.

نرخ بهره :

نرخ بهره به عنوان هزینه فرصت از دست رفته سرمایه گذاری محسوب می شود و چراغ راهنمایی است که انتظارات سرمایه گذاران از حداقل بازده مورد انتظار سرمایه گذاری را شکل می دهد. به گونه ای که انتظار سرمایه گذاران آن است که بازدهی سالانه سرمایه گذاری از متوسط نرخ بهره رایج سیستم پولی و بانکی کشور کم تر نباشد . و هرچه قدر نرخ های بهره تسهیلات بالاتر باشد ، هزینه تامین سرمایه افزایش می یابد و بر روی سرمایه گذاری ها به ویژه در عرصه تولید و صنعت اثر منفی خواهد گذاشت و ممکن است بسیاری از سرمایه گذاری های مولد توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند . زیرا نرخ بهره با ارزش خالص فعلی پروژه ها رابطه معکوس دارد. یعنی هرچه قدر نرخ های بهره بالاتر باشد ، ارزش خالص فعلی پروژه ها کاهش می یابد. ارزش خالص فعلی یک پروژه یک شاخص بلند مدت سود آوری در پروژه های تولیدی و صنعتی به حساب می آید (کلوانی ، ۱۳۹۰).

تورم :

تورم ملایم و در سطح پایین نه تنها ممکن است بر تصمیمات سرمایه گذاری اختلالی ایجاد نکند، بلکه موجبات رشد و توسعه و رونق اقتصادی می گردد. و موقتا نرخ سود سهم صاحبان بنگاه ها را افزایش می دهد و شرایط مساعدی را برای پس انداز و به تبع آن سرمایه گذاری فراهم می کند. اما تورم در سطوح بالا نظام قیمت ها را مختل می کند، باعث کاهش انگیزه سرمایه گذاری می شود و سرمایه ها عمدتا به سمت فعالیت های واسطه گری و دلالت گری می رود. ریسک سرمایه گذاری را افزایش می دهد، احتیاج به سرمایه گذاری در گردش بالاتر را به وجود می آورد، تورم و تغییرات شدید آن ارزش فعلی سرمایه گذاری هایی که دیر بازده هستند را کاهش می دهد و باعث ضرر و زیان به سرمایه گذاری های مورد نظر می گردد، عدم اطمینان را افزایش می دهد، و علاوه بر این تورم های بالا، هزینه تشکیل سرمایه گذاری های ثابت را افزایش می دهد

تورم ساختاری که عمدتا در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به وجود می آید، ناشی از کمبود زیربناها و زیرساخت های اقتصادی، گسترده بودن بخش دولتی و ضعف بخش خصوصی، وجود قوانین و مقررات بازدارنده فعالیت های تولیدی بخش خصوصی، گستردگی بخش خدمات نامتناسب با نیاز کشورها، گسترش بی رویه شهرنشینی، رشد سریع جمعیت، کسری مداوم بودجه های دولتی و ایجاد سازمان های غیر ضروری و بوروکراسی شدید، می باشد، که باعث محدودیت گسترش سرمایه گذاری خصوصی می گردد و سرمایه گذاری را کاهش می دهد (پژویان و خسروی، ۱۳۹۱).

سرمایه گذاری خارجی :

سرمایه گذاری خارجی یکی از عناصر مهم در رشد و توسعه اقتصادی، صنعتی و تولیدی کشورها به حساب می آید. بر اساس مطالعات صورت گرفته، اغلب بنگاه هایی که از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی وارد اقتصاد میزبان می شوند، به طور نسبی از فناوری مدرن و پیشرفته تری نسبت به بنگاه های داخلی برخوردارند و باعث می شود که فضای رقابتی شدیدتر شود. و تاثیر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی زمانی بیش تر خواهد شد که اقتصاد میزبان ظرفیت جذب سرمایه گذاری خارجی را داشته باشد، و ارتباط مناسبی نیز بین سرمایه گذاری داخلی و خارجی وجود داشته باشد. سرمایه گذاری خارجی منجر به انتقال سرمایه مالی، انتشار فناوری، تجربیات مدیریتی و تاریخی و سایر تجربیات مانند تجربیات بازاریابی و غیره می گردد.

اثرات سرمایه گذاری خارجی در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل بررسی و تعامل می باشد. به ویژه آنکه در حوزه سیاسی، استقلال و حاکمیت ملی کشورها بسیار مهم می باشد. چنان چه در کشوری بیکاری و رکود حاکم باشد و کمبود سرمایه وجود داشته باشد، ورود سرمایه های خارجی می تواند به رشد

اشتغال و تولید و درآمد ملی کمک نماید. البته بایستی توجه داشت که ورود سرمایه گذاری های خارجی به ویژه از سوی بنگاه های بزرگ خارجی موجب ضربه زدن به بنگاه های داخلی نگردد (شاه آبادی ، ولی نیا و انصاری ۱۳۹۱).

عوامل حقوقی :

برونتی و کیسانکو (۱۹۹۸) بررسی هایی را پیرامون قابلیت اعتماد به قوانین و محاسبه آن در بیش از ۷۰ کشور انجام دادند. قوانین و مقررات جاری اعم از قانون اساسی ، قوانین عادی ، آیین نامه ها و سیاست های حاکم بر تدوین و اجرای آن ها از مولفه های اصلی فضای کسب و کار هر کشوری به شمار می آیند. وکشورهایی که قوانین در آن ها ، کم تر مورد اعتماد می باشد ، سرمایه گذاری و رشد های اقتصادی پایین تری را تجربه کرده اند. تغییرات پی در پی و بیش از حد و غیره منتظره سیاست ها و قوانین و مقررات و دستورالعمل ها نشانه ای از غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب و کار و بی ثباتی آینده می باشد. و برعکس وجود ثبات نسبی و طول عمر مناسب سیاست ها و قوانین و مقررات ، ایجاد نوعی آرامش برای فعالان اقتصادی است که احساس آن ها را در فعالیت های اقتصادی و فضای کسب و کار مطمئن می سازد ، زیرا احساس می کنند در محیطی امن و پیش بینی پذیر قرار دارند (بحرینی ، ۱۳۸۹).

عوامل سیاسی :

عوامل سیاسی به مسایل داخلی و روابط بین المللی کشورها مربوط می گردد. در عرصه داخلی تغییر در سطوح مدیریتی عالی موجب تغییر در نگرش ها و سیاست گذاری های اقتصادی می گردد. به طور کلی هرگونه تغییر نهادی ، بر دامنه ریسک های سرمایه گذاری در بخش صنعت خواهد افزود واز منظر سرمایه گذاران خارجی این موضوع به لحاظ مشکلات بین المللی ایران با جهان بعد از انقلاب اسلامی ، بر ریسک های سرمایه گذاری افزوده است (رهبر ، خامنه ومحمدی ، ۱۳۸۶)

عوامل داخلی موثر بر عملکرد صنایع :

عوامل داخلی موثر را می توان به عوامل انسانی ، فیزیکی ، مالی وسایر عوامل تقسیم نمود. سرمایه انسانی مهم ترین سرمایه یک بنگاه به حساب می آید. وتوسعه منابع انسانی به معنای افزایش ظرفیت های یادگیری و ذخیره سازی مهارت ها ، دانش ها و تجربیات جهت گسترش فعالیت ها و تحقق هرچه بهتر اهداف کسب و کار می باشد (گروه ، مولفان ، ۱۳۷۸)

عوامل انسانی :

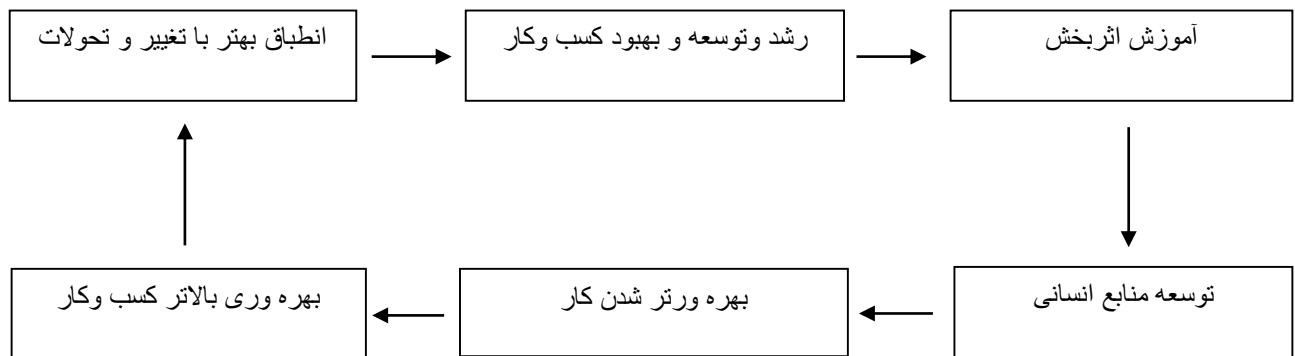
توسعه انسانی می تواند اثرات مثبت زیر را به همراه داشته باشد (کلوانی، ۱۳۹۳).

- ۱- منابع انسانی توسعه یافته موجب می شود که تغییر و تحول تکنولوژیکی سریع تر و بهتر به بار بنشیند.
- ۲- منابع انسانی توسعه یافته باعث می گردد که رقابت در دنیای واقعی معنادار شود.
- ۳- از طریق توسعه مداوم منابع انسانی می توان جریان مستمر بهره وری و کیفیت را به وجود آورد.
- ۴- توسعه منابع انسانی موجب می شود که مهارت های نیروی انسانی به ویژه مهارت های ادراکی گسترش یابد و افق دید وسیع تری را در درک از خود، سازمان و همکاران و کشور و جهان داشته باشد.

مدیریت مسئول مستقیم و اصلی به کار گیری بهینه منابع به ویژه منابع انسانی می باشد. در شیوه های مدیریت مبتنی بر تئوری (X) نوع نگاه به نیروی انسانی منفی و بد بینانه است. از دیدگاه این نوع مدیریت، نیروی انسانی ذاتا تنبل، مسئولیت ناپذیر و از زیر کار شانه خالی کن می باشد، بنابراین باید او را به شدت کنترل کرد و به او اطمینان نکرد. بر عکس تئوری (X)، شیوه مدیریت مبتنی بر تئوری (Y) به نیروی انسانی نگاه مثبتی دارد. او را ذاتا پرکار، خلاق و مسئولیت شناس می داند. اطمینان به نیروی انسانی در سطح بالایی می باشد و نیروی کار در تصمیم گیری ها به طور فعال مشارکت می کند و تفویض اختیار در سطح بالایی قرار دارد. (رضائیان، ۱۳۸۰)

آموزش مستمر و روز آمد موجب تقویت و توسعه مهارت های سه گانه مورد نیاز نیروی انسانی، یعنی مهارت های فنی و تخصصی، مهارت های سازمانی و اداری و مهارت های ادراکی می گردد. آموزش نیروی انسانی پویا در زنجیره نیازسنجی، برنامه ریزی، اجرا و تعیین اثر بخشی تحقق می یابد و هر چه قدر این زنجیره در قالب تفکری سیستماتیک و مبتنی بر شناخت و تجزیه و تحلیل باشد، آموزش اثربخش تر و کارآتر خواهد بود. اثربخشی از طریق مشاهده رفتاری، ارزیابی عملکرد، نظرسنجی و با توجه به شاخص هایی مانند، کاهش تعداد شکایات، کاهش ضایعات، کاهش اختلافات کارگری و کارفرمایی، افزایش تولید، تعداد پیشنهادات کارکنان، رضایت مندی مشتریان، تعداد مشتریان جدید، تعداد مبادلات روزانه، حجم فروش و کاهش غیبت ها و امثال آن، قابل تعیین و اندازه گیری می باشد (کلوانی، ۱۳۹۳).

رابطه ی بین آموزش و عملکرد بهره وری را می توان توسط نمودار زیر نشان داد:



نمودار ۸: جریان دایره وار آموزش - بهره وری

بلوغ سازمانی کارکنان به میزان مسئولیت پذیری و تغییر و تحول پذیری کارکنان گفته می شود و هر چه قدر سطح بلوغ سازمانی کارکنان بالاتر باشد ، سازمانی انعطاف پذیر شکل می گیرد. مهارت ، تخصص ، سازماندهی خوب نیروی کار ، فضای عملیاتی شاد و مطمئن ، انگیزش ، آموزش و شیوه های مدیریت در سطح بلوغ سازمانی کارکنان موثرتر می باشد.

هر بنگاه اقتصادی و تولیدی مجموعه ای از بخش های هماهنگ و در ارتباط باهم می باشد. بنابراین سازمان دهی مناسب نیروی کار از طریق ساختار سازمانی مناسب ، می تواند ارتباطات درون سازمانی و در نتیجه سرعت در همکاری و انجام فعالیت ها و گردش کارها موثرتر باشد ، و تحرک افقی و عمودی در سلسله مراتب سازمانی و در نتیجه توسعه شغلی و غنی سازی شغلی بهتر امکان پذیر می گردد. بنابراین سازمان دهی نیروی کار با نگاه سیستمی و نگرش سیستمی بسیار مهم می باشد.

" سیستم به مجموعه ای از عناصر و عوامل هماهنگ گفته می شود که جهت نیل به اهداف معین هم دیگر را توجیه می کنند" (فیروزآبادی، ۱۳۶۴).

در تفکر سیستمی هر فرد خود را متعلق به مجموعه ای می داند که در حکم خانواده دوم او محسوب می گردد. و این تفکر موجبی برای بهبود بهره وری می باشد.

عوامل فیزیکی :

مکان یابی و جا نمایی برای تاسیس بنگاه تولیدی عامل تعیین کننده در عملکرد می باشد ، زیرا نه تنها در میزان تشکیل سرمایه ثابت اثرگذار است ، بلکه در چگونگی هزینه های تولید مانند هزینه های حمل و نقل ،

تامین انرژی ، دسترسی به مواد اولیه ، دسترسی به نیروی انسانی مورد نیاز و توزیع محصولات به بازارهای مصرفی تاثیر به سزایی دارد.

جانمایی ماشین آلات و تجهیزات در درون بنگاه و چگونگی طراحی کارخانه نیز بسیار مهم می باشد. در جانمایی تسهیلات باید کارآیی ، ایمنی ، راحتی کار ، هزینه های حمل و نقل و کاهش جا به جایی مواد ، سطوح انبار ، نوع حرکت های ضروری مورد توجه قرار می گیرند.

ماشین آلات و تجهیزات و تاسیسات بخش مهمی از تکنولوژی می باشد که بعد سخت افزاری نامیده می شود . سایر عناصر تکنولوژی شامل دانش های تخصصی و اطلاعات ، مهارت های به کار گیری ، مدیریت و سازمان دهی آن می باشد که بعد نرم افزاری تکنولوژی را شامل می گردد . بدیهی است ، روز آمد بودن تکنولوژی در سرنوشت عملکرد بنگاه ها بسیار تعیین کننده می باشد (کلوانی ، ۱۳۹۳).

ارتباط مناسب بین نیروی کار در ایستگاه های کاری از عوامل مهم عملکرد بهره وری می باشد وضعیت های انجام کار از نظر نشستن ، ایستادن ، دیدن ، انواع کنترل ها از سوی نیروی کار ، وفشارهای کاری که به اصول ارگونومی مشهور می باشد ، بسیار مهم هستند. ایستادن زیاد می تواند منجر به فشار زیاد روی پاها و در نتیجه متورم شدن پاها و یا نرسیدن خون به عضلات و خستگی زیاد شود. چنان چه ارتفاع کار در سطح متعادلی نباشد و یا کنترل ابزار و ماشین و مواد و دسترسی به آن آسان نباشد ، نیروی انسانی راحت تر کار نمی کند و لازم است اصول زیر در هنگام ایستادن نیروی کار ، رعایت گردد (مرعشی ، ۱۳۸۱):

۱- ارتفاع میز کار متناسب تر کارگران تنظیم شود.

۲- در هنگام ایستادن ، وزن بدن به طور متناسب روی دوپا توزیع گردد.

۳- ابزار و مواد لازم به راحتی در دسترس باشد.

۴- کنترل مواد ایمنی مانند کار با سوئیچ ها و اهرم ها به راحتی صورت گیرد.

۵- مکان ایستادن مناسب باشد.

سایر عوامل داخلی :

در دنیای صنعتی رقابتی امروزی مدیریت هر بنگاه باید بهتر فکر کند ، بهتر تصمیم بگیرد ، دنیا را بهتر بشناسد ، بازارهای مختلف را بشناسد ، رقبای بالقوه و بالفعل را بشناسد. از این رو نیازمند مدیریت بهینه زمان

می باشد. هرچه قدر سیستم ها و فرایندهای کاری روزآمدتر و کارآمدتر باشند، مدیریت زمان میسرتر می گردد. بنابراین طراحی و پیاده سازی سیستم های توسعه منابع انسانی، سیستم های بازاریابی، سیستم های تولیدی، سیستم های مدیریت مشتریان، و سیستم های محاسبه و تجزیه تحلیل آمار و اطلاعات و شاخص های عملکرد شایسته و بایسته می باشد. به عنوان مثال طراحی و مدون نمودن سیستم محاسبه و تجزیه و تحلیل شاخص های عملکرد بهره وری به مدیریت کمک می کند که به طور مرتب عملکرد بهره وری سازمان خود را ردیابی کند، نقاط قوت و ضعف را شناسایی کند و با اجرای برنامه های بهبود، عملکرد بهره وری را در سطح بالاتری قرار دهد.

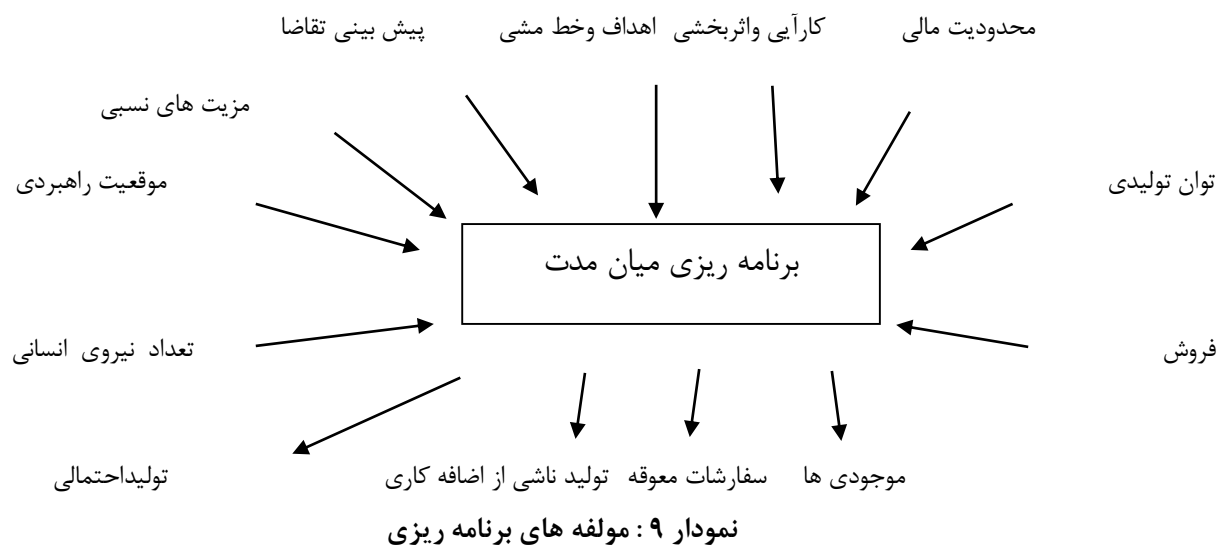
فرآیندهای کاری نیز مرتباً بایستی بهبود یابند و فرآیندهای بهبود یافته موجب می شود که در زمان و هزینه صرفه جویی شود، فعالیت های زاید حذف شوند و کارها راحت تر انجام گیرد، و از این طریق موجبات بهبود کارایی و اثر بخشی در عملکرد فراهم آیند. علاوه بر این بهبود مداوم فرآیندهای کاری موجب توسعه روحیه نوآوری، خلاقیت و روحیه مشارکت و انعطاف پذیری نیروی کار می گردد (کلوانی، ۱۳۹۳).

برنامه ریزی مبتنی بر داده ها و اطلاعات و شناخت، موجبات استفاده بهینه تر از منابع می گردد. در این راستا هرچه قدر قدرت تجزیه و تحلیل یک بنگاه وسیع تر باشد، تصمیم گیری های بهتر در برنامه ریزی ها مورد توجه قرار می گیرد.

داده های جامع ← اطلاعات بیشتر ← تجزیه و تحلیل بهتر ← شناخت بهتر ← تصمیم گیری بهتر

برنامه ریزی در مقاطع بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت صورت می گیرد. و هرچه قدر دیدگاه مدیریت بنگاه های تولیدی بلندمدت تر و آینده نگرتر باشد، می توانند با برنامه های عملیاتی مناسب و سیاست های مبتنی بر شناخت و تجزیه و تحلیل بهتر به اهداف کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت خود برسند.

می توان ورودی ها و خروجی های برنامه ریزی یک بنگاه را بر مبنای تجزیه و تحلیل در نمودار شماره (۹) ملاحظه نمود. (همان منبع):



به عنوان مثال ، اگر بنگاهی دارای تنوع تولید باشد، بایستی مزیت نسبی محصولات خود را نسبت به یکدیگر بداند. برای تعیین مزیت های نسبی محصولات نسبت به یکدیگر می توان از معیارهایی چون میزان تولید ، میزان فروش ، بهای تمام شده هر واحد محصول و ثبات در روند تولید و فروش و سود آوری و غیره استفاده نمود و باتوجه به مزیت های نسبی هر کدام به سیاست گذاری و هدف گذاری پرداخت . مثلا هر چقدر ضریب ثبات فروش یک محصول در طی زمان بالاتر از سایر محصولات باشد. بهتر می توان نسبت به فروش آن در بازار مطمئن شد و در نتیجه در اهداف فروش ، آن را در اولویت گذاشت. ضریب ثبات فروش محصولات از طریق معکوس انحراف معیار به دست می آید. بدین منظور بایستی میزان واریانس فروش را در یک دوره مثلا ۵ ساله به دست آورد، سپس انحراف معیار یعنی جذر آن را به دست آورد و آن را معکوس نمود. هر قدر معکوس انحراف معیار بیشتر باشد ، آن محصول در روند فروش با ثبات تر می باشد. هم چنین هر چه ضریب تغییر در روند فروش یک محصول کم تر باشد، آن محصول دارای روند فروش با ثبات تری می باشد.

(درینی و همکاران ، ۱۳۹۲) طی مطالعاتی پیرامون مدل یابی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت های کوچک و متوسط اتاق مازندران ، مدلی مفهومی یازده بعدی را طراحی نموده اند :

جدول (۱۱): مؤلفه ها و مستندات عوامل مهم داخلی مؤثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط

ابعاد	مؤلفه ها	مستندات
عوامل مدیریتی	احساس تعلق اعضا نسبت به شرکت ،مسئولیت پذیری اعضا ، میزان مشارکت اعضا، در تصمیم گیری ها ، بهره وری نیروی انسانی، سرعت تصمیم گیری ،برون سپاری ، ریسک پذیری ، خلاقیت و نوآوری، ارتباطات سازمانی ، پاسخگویی سریع و نیروی انسانی متخصص	(کیم و مون، ۲۰۰۷) (مورگان و توماس، ۲۰۰۶)، (کرایسر و ویور، ۲۰۰۶)، (سان ، یزدانی و آورند، ۲۰۰۵)، (برادفورد و فلورین، ۲۰۰۳)، (برن رویدر، ۲۰۰۲)، (هافمن و اسکولسر، ۲۰۰۱) و (رایس و کدکس، ۱۹۹۸)
عوامل بازاریابی و فروش	سرعت تحویل کالا ، مطلوبیت بسته بندی ، توزیع محصولات ،مزایای رقابتی در قیمت محصولات ،سرعت ارائه محصولات جدید به بازار ، مشتری گرایی، به کارگیری تبلیغات مناسب، به کارگیری سیستم های مؤثر باخورد، تجارت الکترونیک، برخورداری از نام تجاری و برند، مناسب بودن خدمات پس از فروش	(باربرو یودل، ۲۰۰۶)، (دیکسن و ویور و هوی، ۲۰۰۶)، (ویلکنسون و برودرز، ۲۰۰۶)، (آندرس و نوس، ۲۰۰۵)، (برن رویدر، ۲۰۰۲)، (پیل و بریج، ۱۹۹۸).
تولید و عملیات	برخورداری از استانداردهای بین المللی، ملاحظات زیست محیطی ، کیفیت کالاهای تولیدی ، میزان ضایعات تولیدی ، انعطاف پذیری ساختار تولید، توانمندی در تولید محصولات جدید، و کار آمدی هزینه های تولید.	(پاپ و فریمن، ۲۰۰۶)، (کویان، ۲۰۰۳)، (آندرس و ایرابین، ۲۰۰۲).
تحقیق و توسعه	میزان توجه تحقیق و توسعه ، برخورداری از تکنولوژی نوین تولید ، ارتباطات اثر بخش بین واحد تحقیق و توسعه و سایر واحدها ، دسترسی کارکنان به تحقیق و توسعه	(لی و کین ، ۲۰۰۷) ، (ویکسون و ویور و هوی ، ۲۰۰۶) ، (ویون پورت ، ۲۰۰۵) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) ، (کویان ، ۲۰۰۳) ، (دایس و کرکس ، ۱۹۹۸)، (پیلو بریج ، ۱۹۹۸)
مالی	برخورداری از حاشیه سود مناسب ، توان نقدینگی و منابع مالی ، تامین منابع مالی از مشتریان ، تامین سرمایه گذاری مالی جدید ، و تامین منابع مالی برای بکارگیری تکنولوژی جدید	(سمون و کیم ، ۲۰۰۷)، (پانسیموری ، ۲۰۰۷) ، (وود کرزو و استیج ورز ، ۲۰۰۶)، (دیکسون ، ویور و هوی ، ۲۰۰۶) ، (برگر و یودل ، ۲۰۰۶) ، (اندرسون و اندرسون ، ۲۰۰۷)، (پیل و بریج ، ۱۹۹۸).
فناوری اطلاعات	میزان بکارگیری سیستم اطلاعات مدیریت ، میزان بکارگیری فناوری اطلاعات ، میزان بروز شدن داده ها ، تاثیر فناوری در جمع آوری اطلاعات و تصمیم گیری ، افزایش سرعت در شناسایی اطلاعات	(دانگ و لین ، ۲۰۰۸) ، (سون ، کیم و مون ، ۲۰۰۷) ، (مارانت و رانگل ، ۲۰۰۷)، (مورگان و کلبورن و توماس، ۲۰۰۶)، (کرایسر و ویور ، ۲۰۰۶) ، (برگر و یودر ، ۲۰۰۶)، (لین و شانگ)، (اندرسون و فوس ، ۲۰۰۵)

مستندات	مؤلفه ها	ابعاد
(مارانت ، وگامی ورائگل ، ۲۰۰۷)، (لی و کین ، ۲۰۰۷) (لین و شانگ ، ۲۰۰۵) ، (سان و اورند ، ۲۰۰۵) ، (پیل و بریج ، ۱۹۹۸)	جذب نیروی زبده و کارآمده ، توانمندی نیروی انسانی ، نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی ، به کارگیری مشاوران خارجی و داخلی ، جذب و بکارگیری مدیران کارآمد	منابع انسانی
(لین و شانگ ، ۲۰۰۵) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) (لی و کیم ، ۲۰۰۷)	پیچیدگی ، رعایت سلسله مراتب، مشارکت پرسنل و زیردستان در تصمیمات، به کارگیری دستورالعمل ها و بخشنامه ها	ساختار سازمانی
(دانگ و لین ۲۰۰۸)، (ویکسون ، ویورو هاوی ، ۲۰۰۶)، (ویلکین سون و برادرز ، ۲۰۰۶)، (کرایسر و ویور ، ۲۰۰۶)، (کبکان ، ۲۰۰۳)، (واین و کرکس ، ۱۹۹۸)	ظرفیت فیزیکی کارخانه، تعداد پرسنل ، تعداد داده ها و ستانده ها، تعداد منابع موجود سازمان به صورت ثروت یا خالص دارایی ها	اندازه شرکت
(لی و کیم ، ۲۰۰۷) ، (کاپاپ و فری من ، ۲۰۰۶) ، (براد فورد و فلورین ، ۲۰۰۳) ، (برن رویدر ، ۲۰۰۲) ، (هافمن و اسکولوسر ۲۰۰۱) و (نایت ، ۲۰۰۱)	بررسی شاخص های تجارتي همچون مزیت های رقابتي ، انتخاب انتخاب استراتژی های محدود ، عملکرد و تصمیمات سرمایه گذاری در بازار محصول	استراتژی ها
(پانسیری ، ۲۰۰۷) ، (کیم ، ۲۰۰۷) ، (دیکسن و ویور هووی ، ۲۰۰۶) ، (کینگ و برگس ، ۲۰۰۶) (اندرسن و نرس ، ۲۰۰۵) ، (سان و آورند ، ۲۰۰۵) ، (دیج و پتی ، ۲۰۰۴) ، (کیان ، ۲۰۰۳) ، (گرین هالک ، ۲۰۰۰)	توافق اعضا برای اهداف، تعیین اهداف شفاف و روشن، به کار گیری سیستم های کنترلی مناسب ، انعطاف پذیری سیستم سازمانی ، به کار گیری سیستم های پاداش مناسب ، به کار گیری سیستم های پیشنهادات مناسب	سیستم سازمانی

مدیریت ریسک :

در فرهنگ وبستر ، ریسک به معنای در معرض خطر قرار گرفتن است. از نظر مارکوتیز ، ریسک انحراف معیار چند دوره یک متغیر است که در طول یک دوره معین و در یک موقعیت معین اتفاق می افتد. ویلیامز (۱۹۸۵)، ریسک را به صورت ترکیبی از خطر و فرصت نشان می دهد و از نظر اسپدینگ (۲۰۰۸) ریسک عبارت است از هر چیزی که مانع دستیابی سازمان به اهدافش می شود. مدیریت ریسک نظامی است که سازمان ضمن شناسایی و تحلیل ریسک ها مجموعه فنون و راهبردهایی را برای رویارویی آن اتخاذ می کند. میزان موفقیت مدیریت ریسک به میزان توانمندی در ارزیابی ریسک ها و به کار گیری ترکیب بهینه ای از راهبردها و وجود یک بازخور مناسب ، بستگی دارد . مدیریت ریسک متشکل از ۳ جزء اساسی می باشد : ۱- شناسایی و تحلیل ریسک ۲- فنون و راهبردهای رویارویی با ریسک ۳- بازخور مناسب . و این اجزاء اصول بنیادین مدیریت ریسک را شامل می گردد (حسینی و مطهری، ۱۳۹۳).

مدیریت ریسک به مدیریت ریسک استراتژیک، مدیریت ریسک عملیاتی، مدیریت ریسک گزارش‌گری و مدیریت ریسک عدم رعایت قوانین و مقررات تقسیم می‌شود. مدیریت ریسک بنگاه، اتفاقات بالقوه را به دو گروه ریسک و فرصت تقسیم می‌کند. حوادثی که تأثیرات منفی دارند، همان ریسک‌هایی هستند که مانع خلق ارزش می‌شوند و یا موجب تخریب ارزش موجود سازمان می‌گردد. و در مقابل، فرصت‌ها احتمال وقوع حوادثی هستند که تأثیر مثبت بر دستیابی به اهداف، خلق ارزش و حفظ ارزش دارند.

ریسک‌های استراتژیک در دو قالب درون‌سازمانی مانند استراتژی فروش، استراتژی مشتری‌مداری و برون‌سازمانی مانند عوامل اقتصادی و قانونی و محیط صنعتی، قرار می‌گیرند. مثلاً اگر در یک سازمان هرچه فروش و مشتری‌مداری نسبت به رقیبان همان صنعت بیش‌تر باشد، به این معنی است که این سازمان می‌تواند عملکرد بهتری نسبت به رقبایش داشته باشد (همان منبع).

مدیریت ریسک عملیاتی می‌تواند منجر به افزایش کارایی و عملکرد سازمان می‌گردد. بنابراین مدیریت ستانده، نهاده، گردش‌دارایی‌ها و تحلیل عملکرد فروش و توان مالی در این زمینه بسیار مهم می‌باشد. مدیریت ریسک گزارش‌گری در تلاش است که سودهای غیرقانونی و تقلب‌های مالی احتمالی در سازمان را به حداقل برساند و صحت و دقت اطلاعات مالی و غیر مالی را به حداکثر برساند. و گزارش‌گری نامطلوب مالی، ریسک کلی ورشکستگی مؤسسه را افزایش می‌دهد، و موجب کاهش عملکرد ارزش سازمان می‌گردد.

با ورود سازمان‌ها به محیط پیچیده و افزایش تعاملات سازمان با محیط بیرونی، سازمان‌ها چاره‌ای جز رعایت قوانین و مقررات را ندارند. بنابراین هر سازمانی در معرض طیف گسترده‌ای از ریسک‌های عدم رعایت قوانین و مقررات قرار می‌گیرد

ج) پیشنهاد مطالعات پیرامون موضوع:

براساس نتایج تحقیق و با توجه به رتبه میانگین شاخص‌ها از بین ۵۳ شاخص که به عنوان موانع اجرای خط‌مشی‌های صنعتی کشور انتخاب شده‌اند، ۱۱ متغیر به عنوان مهم‌ترین موانع تعیین شده‌اند (اعرابی و رزقی و رستمی، ۱۳۸۲):

۱- نبود شبکه اطلاعاتی کارآمد ۲- فقدان خط‌مشی‌ها و سیاست‌های جامع صنعتی ۳- عدم تطبیق مسئولیت‌های محوله با تخصص و دانش افراد ۴- ساختار نامناسب واحدهای صنعتی کشور برای حضور در بازار جهانی در رقابت‌های بین‌المللی ۵- عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته و فناوری جدید ۶- روشن نبودن اهداف ۷- فقدان اعتماد عمومی به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ۸- فقدان اختیار لازم در مجریان ۹- فعال نبودن

مراکز تحقیق و توسعه ۱۰- مراجع متعدد قانون گذاری ۱۱- ناپایداری نسبی و بی ثباتی قوانین ومقررات اقتصادی.

مهم ترین عوامل مؤثر در ریسک سرمایه گذاری در صنعت ایران عبارتنداز (میرزاخانی و نوری، ۱۳۹۲):

- تعدد، بی ثباتی و نامتناسب بودن بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کشور با شرایط جهانی صنعت

- رانت جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه

- عدم تعهد و پای بندی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی به اجرای صحیح قوانین

- بی ثباتی در شاخص های اقتصاد کلان به ویژه تورم و نرخ ارز

- بهره وری پایین و عدم رقابت پذیری قیمت تمام شده تولیدات داخلی با نمونه های مشابه خارجی

- بالابودن نرخ مالیاتی بخش صنعت به دلیل شفافیت این بخش و راحت الوصول بودن آن

- محدودیت ارتباطی با کشورهای دیگر به منظور ورود دانش فنی و ماشین آلات جدید در بخش صنعت

- توسعه نیافتگی بازار سرمایه و بوروکراتیک و رانتهی بودن تامین مالی از طریق شبکه بانکی کشور

- بالابودن نرخ سود تامین مالی طرح های سرمایه گذاری بدون در نظر گرفتن حاشیه سود صنایع

- فقدان قوانین کار مناسب به نفع کارگر و کارفرما در توسعه بخش صنعت

- فقدان زیرساخت های مناسب در بخش های تامین انرژی، راه ها و فناوری اطلاعات

- فقدان فرهنگ سازی مصرف کالاهای داخلی در جامعه

- فقدان مشوق های تولیدی مناسب به منظور حمایت از بخش صنعت

- وابستگی تولیدات صنعتی به ماشین آلات، مواد اولیه ودانش فنی وارداتی

ازبین عوامل فوق بر اسای مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، ۷ مورد اولویت دار به ترتیب جدول

شماره (۱۲) می باشد :

جدول (۱۲) : رتبه بندی مولفه های موثر بر افزایش ریسک سرمایه گذاری صنعتی در ایران

عنوان مؤلفه	رتبه	ضریب وزنی
بی ثباتی در اجرا و تغییرات مکرر در قوانین و مقررات در ارتباط با صنعت	۱	۰/۲۰۴
مشکلات پرداخت های بخش صنعت (مالیات ، حق بیمه ، تعرفه گمرکی، عوارض و....)	۲	۰/۱۸۱
تبعات نوسانات شاخص های اقتصاد کلان از قبیل تورم و نرخ ارز بر بخش صنعت	۳	۰/۱۶۳
عدم وجود محیط رقابتی	۴	۰/۱۴۰
تبعات مسائل سیاسی در سطح بین المللی و داخلی بر بخش صنعت	۵	۰/۱۲۱
مشکلات نظام تامین مالی در بخش صنعت (اخذ وام بانکی)	۶	۰/۱۱۷
ضعف فنی و عدم تامین زیرساخت های اولیه استقرار واحدهای صنعتی	۷	۰/۷۴

همان منبع

پژویان و خسروی (۱۳۹۱) در بررسی های خود با عنوان تاثیر تورم بر سرمایه گذاری خصوصی و سایر عوامل تاثیر گذار به نتایج زیر رسیده اند:

- هر واحد افزایش در سهم سرمایه گذاری دولتی ، باعث کاهش ۰/۰۰۰۱۱۵ در سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP می گردد، و از این رو سرمایه گذاری دولتی در پروژه هایی که به تولید کالا و خدمات رقیب برای بخش خصوصی می پردازند ، دارای اثر منفی روی سرمایه گذاری خصوصی می باشد.

- هر واحد افزایش در سهم مالیات بر شرکت ها از GDP ، حدود ۰/۰۰۲۱ واحد سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از GDP را کاهش می دهد. و مالیات موجب می شود که هزینه استفاده از سرمایه زیاد گردد و موجودی سرمایه مطلوب را کاهش می دهد و تاثیر منفی بر سرمایه گذاری خواهد داشت.

- تورم چنانچه از سطحی بالاتر رود، هر واحد افزایش در آن ، باعث کاهش سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP به میزان ۰/۰۱۳ واحد می گردد.

- بین نرخ بهره و سرمایه گذاری برون رانی وجود دارد ، به گونه ای که هر واحد افزایش در نرخ بهره حدود ۰/۰۱۳ واحد سهم سرمایه گذاری خصوصی از GDP را کاهش می دهد. بنابراین سیاست هایی که بر روی نرخ بهره اثرگذار باشند، می توانند میل به پس انداز و سرمایه گذاری را تحت تاثیر قرار دهند. البته کاهش نرخ بهره یا هر سیاست اقتصادی به صورت دستوری نمی تواند اثرات قابل قبول بر متغیر های واقعی اقتصادی

را به دنبال داشته باشد. دلیل آن ، این است که سیاست های دستوری در کوتاه مدت و موقتا ممکن است صورت گیرد ، اما در بلند مدت مؤثر نمی باشند. بنابراین سیاست هایی که در بلند مدت بتواند نرخ بهره را تحت تاثیر قرار دهد ، بر سرمایه گذاری مؤثر می باشد.

- هر واحد افزایش در تسهیلات بانکی برای حمایت از سرمایه گذاری حدود $10^{-8} \times 8/0$ واحد سهم سرمایه گذاری از GDP را افزایش می دهد. بنابراین با حمایت تشویق و سرمایه گذاری خصوصی به شکل تسهیلات و تامین اعتبار ، سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی افزایش می یابد و با توجه به کارایی بالاتر بخش خصوصی ، کارایی کل اقتصاد افزایش می یابد.

- اصلاحات صورت گرفته در اقتصاد ، تغییر سیاست های دولت ، گسترش و ترویج رقابت خارجی ، ایجاد فضای اطمینان و امنیت بر روی سرمایه گذاری بخش خصوصی اثر مثبت دارند. به گونه ای که هر واحد تغییر در سیاست ها جهت اصلاح ، حدود $0/203$ واحد سهم سرمایه گذاری از GDP را افزایش می دهد.

- هر واحد افزایش در تامین اعتبار از صندوق ذخیره ارزی برای حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی ، سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی از GDP را حدود $0/26$ واحد افزایش می دهد.

شاه آبادی و رحمانی (۱۳۸۹) در مطالعه ای ، نقش تحقیق و توسعه را در بهره وری بخش صنعت کشور مورد ارزیابی قرار دارند. نتایج مطالعات حاکی از آن است که سرمایه انسانی و انباشت سرمایه تحقیق و توسعه خارجی به ترتیب دارای بیش ترین تاثیر مثبت بر رشد بهره وری کل عوامل تولید بخش صنعت را دارا هستند. و نکته دیگر آن که تاثیر گذاری تحقیق و توسعه داخلی اثر کم رنگ تری بر بهره وری دارد ، زیرا سرمایه گذاری اندک در تحقیق و توسعه و فقدان تقاضا محور بودن فعالیت های تحقیقاتی از عوامل مؤثر آن می باشد. حسینی و مطهری (۱۳۹۳)، در مطالعاتی ، رابطه فنون مدیریت ریسک را با عملکرد شرکت های صنایع غذایی مورد بررسی قرار داده اند و خلاصه نتایج عبارتند از:

۱- در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری بین مدیریت ریسک استراتژیک و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام وجود ندارند. ولی در صنایع لوازم الکترونیک چنین نیست . و سازمان ها بهتر است از راهبردهایی استفاده کنند که در برابر ریسک های سیستماتیک مانند نرخ تورم ، نرخ بهره بانکی ، رونق و رکود اقتصادی و غیره تا حدودی مصونیت بدست آورند.

۲- در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری بین مدیریت ریسک عملیاتی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد. بنابراین شرکت ها برای بهبود عملکردشان باید روش هایی را برای افزایش کارایی و اثربخشی

فرآیند تولید و افزایش نسبت گردش دارایی ها اتخاذ نمایند. و هم چنین شرکت ها می توانند از روش های بهینه تر و مدرن تر تولیدی برای بهبود عملکرد خود استفاده کنند.

۳- در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری بین مدیریت ریسک گزارشگری و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد که ناشی از ضعف سیستم گزارش گری می باشد ، که باید سیستم های گزارشگری مورد نیاز جامع و واقع بینانه به کار گرفته شود.

۴- در سطح ۹۵٪ رابطه معناداری بین مدیریت ریسک عدم رعایت قوانین و مقررات و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد، که لازم است بسترسازی های مناسب صورت گیرد که حداقل هزینه های حقوقی به سازمان تحمیل گردد. مثلا گنجاندن قوانین و مقررات الزام آور در اساسنامه شرکت ، استفاده از مشاورین حقوقی خبره ، تلاش برای اخذ گواهینامه های تضمین کیفیت و ایمنی و غیره....

بیدختی و زرگر (۱۳۹۰) ، در بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط استان سمنان به نتایج زیر رسیده اند:

- در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود مشکلات مالی در بنگاه ها ، بالا بودن هزینه های تولید ، پایین بودن سطح استاندارد و کیفیت محصولات تولیدی ، مطلوب نبودن بسته بندی محصولات تولیدی ، از جمله مسائل و مشکلات درون سازمانی بنگاه های کوچک و متوسط صنعتی به حساب می آیند . در حالی که ضعف سیستم حمل و نقل کالا ، مطلوب نبودن قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری و مطلوبیت پایین عوامل محیطی مؤثر بر فعالیت بنگاه های کوچک و متوسط از جمله مشکلات برون سازمانی می باشد . هم چنین نتایج آزمون ها بیان گر آن است که تسهیلات و حمایت های مالی و غیر مالی به عمل آمده از بنگاه های کوچک و متوسط در چهار حوزه مالی ، فنی ، بازاریابی و مدیریتی ناکافی بوده ، و نتوانسته است برای این گونه بنگاه ها کارگشا باشد. به علاوه تجزیه و تحلیل های آماری پیرامون تسهیلات و حمایت های مالی و غیر مالی گویای موارد زیر می باشد:

- حدود یازده درصد از شرکت های کوچک و متوسط از حمایت های مالی برخوردار بوده اند.
- حدود ۷درصد از شرکت های کوچک و متوسط از حمایت های فنی و اطلاع رسانی برخوردار بوده اند.
- حدود ۹درصد از شرکت های کوچک و متوسط از حمایت های تجاری و بازاریابی برخوردار بوده اند.
- حدود ۷ درصد از شرکت های کوچک و متوسط از حمایت های مدیریتی برخوردار بوده اند.

- به طور کلی حمایت های در زمینه تهیه زمین و ساختمان مناسب ، راه اندازی واحد تحقیقاتی و تامین محقق ، بهبود قابلیت های تجاری و فروش ، استقرار و آموزش نظام کنترل کیفیت و بهینه سازی خطوط تولید کم و ناکافی بوده است.

جدول (۱۳) : اولویت بندی موانع و مشکلات شرکت های کوچک و متوسط استان سمنان به ترتیب عبارتند از :

اولویت رتبه	میانگین رتبه	شرح موانع و مشکلات
۱	۸/۳۹	کافی نبودن تسهیلات و حمایت های مالی
۲	۵/۲۷	مطلوب نبودن توانایی شرکت در شناخت بازار
۳	۴/۸۳	مناسب نبودن وضعیت قوانین و مقررات بازرگانی
۴	۴/۷۷	بالابودن هزینه های تولید
۵	۴/۷۵	مطلوب نبودن بسته بندی محصولات
۶	۴/۳۱	ضعف سیستم حمل و نقل
۷	۴/۲۹	مطلوب نبودن استاندارد و کیفیت محصولات
۸	۴/۲۳	مشکلات مالی شرکت ها
۹	۴/۱۷	مطلوب نبودن عوامل محیطی

منبع : همان

رحمانی، صداقت و حبیبی (۱۳۹۳) ، پژوهشی پیرامون تاثیر عوامل راهبردی داخلی بر عملکرد مالی منابع تولیدی پذیرفته شده در بورس انجام داده اند و تاثیر فن آوری اطلاعات ، منابع انسانی ، تحقیق و توسعه ، بازاریابی و حسابداری را بر عملکرد مالی بنگاه های مورد نظر مورد بررسی قرار داده اند. نتایج حاکی از آن است که همه متغیرهای فوق تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی شرکت های مورد نظر دارند و سرمایه گذاری بیش تر در آن ها می تواند موجب بهبود عملکرد گردد. فناوری و اطلاعات بیش تر و پیشرفته تر موجب کاهش هزینه ها می گردد. کارکنان رضایت مند، مشتریان را راضی تر نگه می دارند و تحقیق و توسعه موجب می شود که خدمات و کالاهای مبتکرانه تر تولید شود و از آن جهت مزیت های رقابتی می توان استفاده نمود و بازاریابی موثر یکی از اصلی ترین عوامل موفقیت می باشد.

علی بخشی و داداشیان و شمس (۱۳۹۰) تاثیر عوامل انگیزشی نیروی انسانی را در بهره وری کارخانجات پوشاک مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. و مولفه های مورد نظر در انگیزش و بهبود آن و در نتیجه بهبود بهره وری به صورت زیر می باشند:

۱. شرایط بهداشتی محیط کار ۲. امنیت شغلی ۳. نحوه های حمایت مدیر از ایده ها و نظرات جدید و ابتکارات ۴. میزان مسئولیت پذیری ۵. اقتدار مدیریت در تصمیم گیری ۶. نحوه تعامل با کارکنان ۷. تحقیق و تسلط مدیر در امور مربوط به حوزه مسئولیت ۸. مشخص بودن نقش فرد در گروه ۹. کیفیت سیستم گرمایشی و سرمایشی ۱۰. توجه به خلاقیت و ارائه ایده های جدید ۱۱. میزان نور محیط کار ۱۲. هماهنگی افراد در گروه ۱۳. استفاده از لوازم و وسایل استاندارد کار ۱۴. پاداش نقدی ۱۵. نحوه به کارگیری شیوه های تشویقی ۱۶. دادن قدرت تصمیم گیری ۱۷. مشخص بودن اهداف گروهی ۱۸. نحوه ی واگذاری مسئولیت ها ۱۹. عدم وجود آلودگی محیط ۲۰. مشخص بودن مسئولیت ها و وظایف ۲۱. میزان نزدیکی و رابطه صمیمی افراد در گروه ۲۲. نحوه نظارت و ارزیابی شغلی ۲۳. رفاقت ، دلسوزی و توجه به امور شخصی کارکنان ۲۴. سعی در کاهش دردهای جسمانی ناشی از فشار کاری ۲۵. اختصاص مقدار فضای لازم محیط کاری ۲۶. وام و تسهیلات ۲۷. طراحی مطلوب محیط کاری ۲۸. نحوه ی به کارگیری شیوه های تنبیهی ۲۹. چگونگی چیدمان و استقرار تجهیزات ۳۰. بهینه بودن تجهیزات ۳۱. تفویض اختیار ۳۲. میزان سهولت دسترسی به لوازم اداری محیط کار ۳۳. دارا بودن سوابق مدیریتی ۳۴. کار کردن به صورت گروهی ۳۵. رقابت میان گروه ها ۳۶. پاداش غیر نقدی و ۳۷. آموزش

از عوامل فوق الذکر ، ۵ مورد زیر به ترتیب در اولویت های اول تا پنجم قرار می گیرند : ۱. شیوه و سبک مدیریت ۲. شرایط محیط کار ۳. فعالیت های گروهی ۴. رضایت شغلی ۵. پاداش

عوامل فوق الذکر می توانند بر انگیزش نیروی انسانی تاثیر مثبت بگذارند و در نتیجه موجبات بهبود عملکرد کمی و کیفی محصولات و بهبود عملکرد بهره وری صنایع نساجی را فراهم آورد.

عمیدی و غمخواری (۱۳۸۸) ، طی مطالعه ای مهم ترین مشکلات و موانع توسعه بنگاه های کوچک و متوسط در ایران را به چهار گروه تقسیم کرده اند :

۱_ موانع بازار مانند خریدهای انحصاری ، نوسانات عرضه و تقاضا ، دسترسی به مواد اولیه در سطح کم که منجر به افزایش قیمت مواد اولیه می گردد و غیره

۲_ موانع مالی مانند مشکلات مربوط به ارائه ضمانت های بانکی ، تاخیر در دریافت مطالبات ناشی از فروش ، فشار نقدینگی و کمبود سرمایه در گردش و غیره

۳_ موانع عدم دسترسی به انواع اطلاعات ، مانند اطلاعات بازاریابی ، اطلاعات وضعیت مالی ، فناوری در صنایع کوچک و متوسط برای مشاوره به سرمایه گذاران برای انتخاب و شروع کسب و کار ، اطلاعات فنی و عملیاتی ، اطلاعات پیرامون چگونگی تامین مواد اولیه و غیره

۴_ سیاست‌های دولت ها مانند ناتوانی در ایجاد محیطی توانمند ساز برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ، موانع اداری و مقررات ، و فقدان نهادهای مناسب حل دعوی احتمالی و اختلافات و غیره ...

بر اساس ارزیابی های بانک جهانی مرتبه و جایگاه فضای کسب و کار ایران در بین ۱۷۸ کشور در وضعیت نامناسبی قرار دارد ، جداول بعدی گویای آن می باشد. .

جدول(۱۴) : بررسی مقایسه ای رتبه کسب و کار ایران در میان کشورهای جهان طی سال های ۲۰۰۷-۲۰۱۱

شاخص	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
رتبه کلی سهولت کسب و کار	۱۳۱	۱۳۵	۱۴۲	۱۳۱	۱۲۹
تاسیس و راه اندازی شرکت	۶۶	۷۷	۷۳	۴۹	۴۲
اخذ مجوز	۱۵۸	۱۶۴	۱۶۴	۱۴۴	۱۴۳
استخدام و اخراج نیروی کار	۱۴۳	۱۴۱	۱۳۷	۱۳۷	-
ثبت دارایی ها و مالکیت	۱۴۱	۱۴۳	۱۵۲	۱۵۴	۱۵۶
اخذ تسهیلات و اعتبارات	۶۲	۶۸	۱۰۹	۱۰۹	۸۹
حمایت از سرمایه گذاران	۱۵۸	۱۵۸	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۷
پرداخت مالیات	۹۴	۹۷	۱۰۷	۱۱۵	۱۱۵
تجارت برون مرزی	۱۲۹	۱۳۵	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۱
اجرای قرار دادها	۵۴	۵۷	۵۴	۵۴	۴۹
انحلال یک فعالیت	۱۱۰	۱۱۸	۱۰۹	۱۰۸	۱۱۱

منبع: بانک مرکزی و سیاست های اقتصادی (۱۳۸۷) و (۱۳۹۰) سالاری

جدول (۱۵) : شاخص مالیات در ایران در میان کشورها و رتبه کلی آن

شاخص	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
رتبه کلی مالیات	-	-	-	۱۰۷	۱۱۵	۱۱۵
تعداد پرداخت در سال	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۰
مدت زمان (ساعت)	۳۴۴	۳۴۴	۳۴۴	۳۴۴	۳۴۴	۳۴۴
میزان مالیات بر سود	-	-	-	-	۱۷/۸	۱۷/۸
میزان حق بیمه کارکنان در کل	-	-	-	-	۲۵/۹	۲۵/۹
نرخ کل مالیات	۴۴/۲	۴۴/۲	۴۴/۲	۴۴/۲	۴۴/۲	۴۴/۱

منبع : سالاری ، ۱۳۹۰

همان گونه که ملاحظه می شود اگرچه برخی از شاخص ها طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ تا حدودی بهبود یافته است اما در اکثر شاخص ها ، فاصله زیادی با استاندارد های جهانی وجود دارد . شایسته است که با تلاش های جدی در اصلاحات قوانین و سیاست های دولت بتوان طی سال های آینده موجبات بهبود کسب و کار را فراهم آورد و سرمایه گذاران و بنگاه های تولیدی بتوانند در شرایط رقابتی تر در سطح جهانی عمل نمایند.

بر اساس مطالعات به روز رسانی آمار و اطلاعات واحدهای صنعتی خانه صنعت و معدن و تجارت استان اصفهان (۱۳۹۴) حدود ۹۰۰۰ واحد صنعتی در شهرک های صنعتی و سایر نواحی استان اصفهان وجود دارند که حدود ۲۹۰۰ واحد در اصفهان هستند. از ۳۳۵۵ واحد صنعتی مورد بررسی حدود ۷۰ درصد فعال و حدود ۳۰٪ غیر فعال می باشند. متوسط ظرفیت در حال تولید حدود ۶۴٪ واحدهای فعال کمتر از ۵۰٪ و حدود ۲۸ درصد واحدهای فعال بین ۵۰ تا ۷۵ درصد ظرفیت و حدود ۹ درصد واحدهای فعال در بالاتر از ۷۵ درصد ظرفیت قرار دارند. و این در حالی است که مدیران ۶۴ درصد واحدهای صنعتی دارای سابقه کار و فعالیت بالای ۳۰ سال می باشند. حدود ۱۶/۸ درصد واحدهای صنعتی دارای واحد تحقیق و توسعه می باشند و حدود ۲۶ درصد دارای واحد بازاریابی و فروش و حدود ۱۵/۶ درصد دارای واحد آموزش می باشند و حدود ۳/۵ درصد از خدمات شرکت های مشاوره ای استفاده می کنند و حدود ۴/۴ درصد تمایل به استفاده از خدمات

شرکت های مشاوره ای دارند. حدود ۶۶/۲ درصد دارای گاز رسانی هستند و حدود ۱۱ درصد واحدهای صنعتی صادرات دارند و حدود ۱۸ درصد نیز مواد اولیه و تجهیزات از خارج وارد می کنند.

بر اساس مطالعات فوق مهم ترین مشکلات واحدهای صنعتی استان اصفهان به ترتیب اولویت عبارتند از :

۱. کاهش بازاری فروش
۲. مسایل پولی و مالی
۳. مالیات
۴. سرمایه در گردش
۵. نرخ بهره بالا
۶. تحریم ها
۷. واردات بی رویه
۸. بیمه
۹. عدم اجرای قوانین
۱۰. تکنولوژی
۱۱. نیروی انسانی متخصص

اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد ایران و مداخله و آزادی اقتصادی :

شاخص نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی معیاری برای اندازه دولت در اقتصاد هر کشوری به حساب می آید. جدول شماره ۱۱ گویای اندازه دولت مرکزی شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی ، اندازه دولت عمومی شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی و شهرداری ها و تامین اجتماعی و اندازه بخش عمومی^{۲۱} شامل وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی و شهرداری ها و تامین اجتماعی و شرکت های دولتی و بانک ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت می باشد. (چشمی و باز محمدی ، ۱۳۸۵):

جدول (۱۶) : اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد کشور :

شرح	دروه ی رونق درآمدهای نفتی	دوره انقلاب و جنگ	برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم- توسعه	برنامه چهارم توسعه
	۱۳۵۸-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	سال ۱۳۸۴	
اندازه دولت مرکزی	۴۵/۱	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۶/۴
اندازه دولت عمومی	۴۵/۶	۲۸/۲	۱۸/۸	۲۳/۸	۲۲/۶	۲۸/۶
اندازه بخش عمومی	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳	۷۲/۲

ماخذ : اداره بررسی های اقتصادی بانک مرکزی ۱۳۸۵

^{۲۱} در تعریف بخش عمومی ، نهادهایی مانند آستان قدس رضوی ، بنیاد جانبازان ، بنیاد شهید انقلاب اسلامی و غیره باید شامل آن شود ولی به لحاظ عدم دسترسی به اطلاعات آنها در این آمار و اطلاعات نیامده است.

جدول (۱۷) : منابع بودجه کل کشور به GDP

شرح	دوره رونق درآمدهای نفتی	دوره انقلاب و جنگ	برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم- توسعه	برنامه چهارم- توسعه
	۱۳۵۲-۵۷	۱۳۵۸-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴
بودجه کل کشور به GDP	۶۷/۲	۴۲/۵	۴۲/۷	۵۹/۷	۷۱/۹	۸۹/۵
بودجه شرکت های دولتی به GDP	۵۵	۲۴/۳	۲۶	۳۹	۴۶/۴	۶۳/۱
بودجه شرکت های دولتی به بودجه کل کشور	۸۰	۵۳/۹	۶۰/۵	۶۵/۳	۶۴/۶	۷۰/۵

جدول (۱۸) : اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد کشور با توجه به پرداخت های جاری و عمرانی

سال	دولت مرکزی			دولت عمومی			بخش عمومی	
	پرداخت جاری به GDP	پرداخت عمرانی به GDP	اندازه دولت مرکزی	پرداخت جاری به GDP	پرداخت عمرانی به GDP	اندازه دولت عمومی	پرداخت جاری به GDP	پرداخت عمرانی به GDP
۱۳۷۴	۱۵/۳	۶/۹	۲۲/۲	۱۶/۱	۷/۹	۲۴	۳۷/۵	۱۰/۴
۱۳۷۵	۱۵/۱	۷/۷	۱۲/۱	۱۶	۸/۷	۲۴/۷	۳۷	۱۱/۳
۱۳۷۶	۱۵/۴	۷	۲۲/۴	۱۶/۳	۷/۹	۲۴/۲	۴۰/۳	۱۰/۴
۱۳۷۷	۱۶/۲	۵/۳	۲۱/۵	۱۷	۶/۱	۲۳/۱	۴۵/۸	۱۰
۱۳۷۸	۱۵/۵	۵/۷	۲۱/۲	۱۶/۳	۶/۷	۲۳/۱	۴۱/۲	۱۰/۴
۱۳۷۹	۱۴/۲	۳/۹	۱۸/۱	۱۵	۵	۲۰	۴۰	۸/۹
۱۳۸۰	۱۵	۳/۶	۱۸/۷	۱۵/۸	۴/۹	۲۰/۷	۴۰/۳	۸/۸
۱۳۸۱	۱۵/۹	۵/۹	۲۱/۸	۱۶/۷	۷/۲	۲۳/۹	۴۲/۲	۱۰/۶
۱۳۸۳	۱۶/۱	۶/۷	۲۲/۷	۱۶/۷	۸/۲	۲۴/۹	۴۶/۵	۱۰/۸
۱۳۸۴	۱۹/۴	۶/۹	۲۶/۴	۲۰/۱	۸/۵	۲۸/۶	۶۱/۱	۱۱/۱

همان منبع

جدول (۱۹) : متوسط نرخ رشد مخارج دولت و بخش عمومی و تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ (درصد) :

شرح	دوره رونق درآمدهای نفت	دوره انقلاب و- جنگ	برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم- توسعه	برنامه چهارم- توسعه
	۱۳۵۲-۵۷	۱۳۵۸-۶۷	۱۳۶۸-۷۲	۱۳۷۳-۷۸	۱۳۷۹-۸۳	۱۳۸۴
کل مخارج دولت مرکزی	۱۳/۸	-۷/۹	۶/۲	۱/۷	۷/۴	۲۵/۶
کل مخارج دولت عمومی	۱۳/۸	-۷/۵	۶/۹	۱/۶	۷/۶	۲۵/۲
کل مخارج بخش عمومی	۲۶/۱	-۱۲/۸	۲۲/۵	-۱	۴/۵	۴۶/۸
تولید ناخالص داخلی GPD	۴/۶	-۲	۶/۹	۲/۹	۵/۷	۴/۴
نسبت رشد مخارج دولت مرکزی به رشد GPD	۳	۴	۰/۹	۰/۶	۱/۳	۵/۸
نسبت رشد مخارج دولت عمومی به رشد GPD	۳	۳/۸	۱	۰/۶	۱/۳۳	۴/۳۵
نسبت رشد مخارج بخش عمومی به رشد GPD	۵/۷	۶/۴	۳/۳	-۰/۳۵	۰/۸	۱۰/۶۴

منبع : بانک مرکزی و محاسبات محقق

بر اساس جداول فوق می توان نتیجه گرفت که تسلط بودجه ای دولت بر اقتصاد کشور طی برنامه های اول ، دوم ، سوم و چهارم توسعه کشور افزایش یافته است که بودجه شرکت های دولتی ، بانک ها و موسسات وابسته به دولت سهم عمده ای در آن دارد. به گونه ای که سهم بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۸۴ حدود ۸۹/۵ درصد می باشد. و سهم بودجه شرکت های دولتی در این سال ۶۳/۱ درصد می باشد که جایگاه گسترده این گونه نهادهای دولتی در کل اقتصاد کشور می باشد و افزایش هر سه نسبت منابع بودجه کل کشور به GDP، منابع شرکت های دولتی به GPD و نسبت بودجه شرکت های دولتی به کل بودجه کشور در سال ۱۳۸۴ گویای عدم پایبندی دولت در راستای اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور و برنامه چهارم توسعه مبنی بر کوچک کردن اندازه دولت و بخش عمومی در اقتصاد ایران می باشد.

علاوه بر نقش بودجه ای و تصدی گری دولت بایستی به نقش غیر بودجه ای دولت در اقتصاد کشور و فضای کسب و کار نیز توجه داشت. دولت از طریق سیاست ها، قوانین و مقررات که تدوین و اجرا و اعمال می کنند ، بر فضای کسب و کار و ابعاد خرد کلان اقتصاد تاثیر می گذارند.

درگاهی (۱۳۸۴) در بررسی ابعاد دخالت های غیر بودجه ای دولت در اقتصاد ایران شاخص اختلال دولت در اقتصاد را تدوین نموده است. این شاخص از سه جزء اختلال سیاست گذاری، اختلال مالکیت و تصدی های دولتی و اختلال تنظیم قوانین و مقررات دولتی تشکیل شده است که در سال ۲۰۰۶ برابر ۴/۵۱ می باشد. اهمیت نسبی هر یک از این اجزا به ترتیب برابر ۵۵، ۱۸، ۲۷ درصد می باشد و نشان دهنده آن است که دو عنصر سیاست گذاری و قوانین و مقررات دولت مجموعاً ۷۳ درصد اختلال را شامل می گردد. به عبارت دیگر در اقتصاد ایران سیاست های اتخاذ شده و قوانین و مقررات وضع شده از سوی دولت بیش از آن که موجب رفع موانع، کاستی ها و اختلالات بازارها شود، با تبدیل شدن به عامل اختلال، از کارایی تخصیص منابع می کاهد (چشمی و باز محمدی، ۱۳۸۵)

بنیاد هریتیج^{۲۲} و موسسه فریزر^{۲۳} سالانه اقدام به محاسبه و انتشار شاخص آزادی اقتصادی برای کشورهای جهان می نمایند. آزادی اقتصاد به عنوان عدم اعمال فشار یا محدودیت فراتر از حد لازم توسط دولت روی تولید، توزیع و یا مصرف کالاها و خدمات در مورد حفظ تقویت آزادی خود، تعریف می شود (همان)

متغیرهای مورد نظر در تعیین شاخص آزادی اقتصادی در ۱۰ طبقه تقسیم می شوند، که عبارتند از:

سیات های تجارتي، بار مالی دولت، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست پولی، جریان سرمایه و سرمایه گذاری خارجی، بانکداری و تامین مالی، دستمزد ها و قیمت ها، حقوق مالکیت، مقررات و تنظیمات دولتی و فعالیت بازارهای غیر رسمی و هر فاکتور نیز بر اساس یک مقیاس واحد از یک تا ۵ درجه بندی می شود، که هر چه امتیاز کسب شده کم تر باشد، درجه آزادی اقتصادی بالاتر می باشد و بر عکس.

در بین متغیرهای فوق دو متغیر بار مالی دولت که شامل نرخ های نهایی مالیات و تغییر سالیانه در نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی می باشد و مداخله دولت در اقتصاد که شامل سهم مصرف دولت از GDP، سهم درآمدهای حاصل از شرکت ها و مالکیت دولتی از کل درآمدهای دولت، تصدی گری دولت بر تجارت و صنعت و ستانده اقتصادی تولید شده توسط دولت می تواند نشانگر مناسبی برای نقش غیر بودجه ای دولت در اقتصاد باشد. (همان منبع)

مولفه مداخله دولت در اقتصاد برای کشور ایران در سال ۲۰۰۶ امتیاز ۵ را به خود اختصاص داده است که بیان گر بالاترین سطح مداخله دولت در اقتصاد ایران می باشد.

مولفه بار مالی دولت در شاخص سال ۲۰۰۶ دارای امتیاز ۳/۶ می شود که نشان گر تحمیل هزینه بالایی از سوی دولت بر اقتصاد ایران می باشد. نرخ های بالای مالیات بر درآمد، نرخ های متوسط مالیات بر شرکت ها

^{۲۲} Heritage foundation
^{۲۳} Fraser institute

و تغییرات زیاد در نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی ، دلایل بالا بودن بار مالی دولت در اقتصاد ایران می باشد.

روند شاخص آزادی اقتصادی طی سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ نشان گر تسلط بسیار زیاد دولت بر اقتصاد کشور می باشد. کم ترین آزادی اقتصادی با امتیاز ۴/۸۴ مربوط به سال ۲۰۰۱ و بیش ترین آزادی اقتصادی مربوط به سال ۲۰۰۵ با امتیاز ۴/۲۱ می باشد. دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ سال های برنامه سوم توسعه دوره بهبود آزادی اقتصادی به لحاظ کاهش تعرفه ها و موانع تجارتي و کاهش فعالیت های غیر رسمی در اقتصاد ایران است و افزایش تعرفه ها و موانع تجارتي و محدود شدن جریان سرمایه و سرمایه گذاری خارجی سبب کاهش شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۰۶ گردیده است که امتیاز ۴/۵۱ را شامل می گردد.

شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی و اختلالات دولت در اقتصاد که به عنوان شاخص ترکیبی اختلال دولت در اقتصاد از بعد غیر بودجه ای نامیده می شود ، برای سال ۲۰۰۶ برابر ۴/۵۶ می باشد و این امتیاز نشان گر سطح بالای مداخلات غیر بودجه ای دولت در اقتصاد کشور می باشد و سطح بالای تعرفه ها و موانع تجارتي ، سطح بالای تورم ، موانع زیاد برای جریان سرمایه و سرمایه گذاری خارجی با سطح بالای محدودیت ها در بخش بانکداری و تامین مالی ، سطح بالای مداخله در نظام قیمت ها و دستمزدها، سطح بسیار پایین حفظ حقوق مالکیت ، سطح بالای مقررات دولتی و فساد ناشی از آن و سطح بالای فعالیت در بازارهای غیر رسمی ، دلایل عمده بالا بودن سطح اختلال دولت در اقتصاد ایران می باشد (همان منبع).

فصل سوم

تجربیات توسعه صنعتی در ایران و جهان و مقایسه‌ی عملکردها

تجربه توسعه صنعتی در جهان و ایران و مقایسه عملکردها :

الف) تجربه جهانی :

توسعه صنعتی در جهان با تاخر زمانی خود به شکل های متفاوتی صورت گرفته است و در نتیجه عملکردهای متفاوتی نیز در برداشته است . بعضی کشورها به عنوان پیشگام و بعضی کشورها دنباله رو جریان صنعتی شدن بوده و هستند و خواهند بود. در عین حال طرح و نقشه یکسانی برای صنعتی شدن در دست نمی باشد . ولی این امکان وجود دارد که از تجربیات صنعتی شدن جهان درس هایی آموخت و از این تجربیات در به کار گیری استراتژی های موفق تر و کارآمد تر و اثر بخش تر توسعه صنعتی استفاده نمود تا حتی المقدور بتوان عوامل بیرونی مؤثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی را مناسب تر نمود و مثلاً جایگاه دولت ها و سیاست ها و برنامه های پولی ، مالی و ارزی و مقررات مربوطه را و شرایط رقابتی را موثرتر نمود. ویژگی های جریان صنعتی شدن بعد از انقلاب صنعتی را در جهان می توان به ابعاد مختلف زمانی به شرح زیر طبقه بندی نمود (نیلی وهمکاران ، ۱۳۸۲)

سال های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ میلادی :

- کل تولیدات صنعتی در اختیار کشورهای توسعه یافته آن زمان قرار داشت.
- کشورهای عقب افتاده و توسعه نیافته تر عمدتاً صادر کننده مواد خام اولیه بودند.
- روند صنعتی شدن غرب با تحولات فناوری حمل و نقل و جابه جایی نیروی کار روبرو می گردد.
- رشد مبادلات تجاری و گسترش بازارهای مبادلاتی از طریق کشفیات جدید به اوج خود می رسد.
- با افزایش بهره وری در کشاورزی و صنعتی شدن آن به تدریج مازاد عوامل سرمایه و کار سایر بخش ها سرازیر می گردد.
- نهاد جدید (دولت - ملت) شکل می گیرد.
- تغییرات تدریجی متناسب و متوازن در حوزه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی واجتماعی به وجود می آید.
- ارتباطات زنجیره ای پیشین و پسین بین صنایع به وجود می آید.
- نهادهای حقوقی و نهادی و مالکیتی متناسب با جریانات صنعتی شدن به وجود می آید.

- تقویت اقتصادهای ملی با رویکرد صادرات کالاهای صنعتی ساخته شده و ورود مواد خام و طبیعی و سپس اقتصاد باز مورد توجه قرار می گیرد

سال های ۱۹۱۰-۱۹۵۰:

- وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم

- رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰

- انقلاب کمونیستی شوروی سابق و تجربیات صنعتی شدن بلوک شرق اروپا و آمریکای لاتین با رویکرد سوسیالیستی با اولویت های اجتماعی و سیاسی نه اقتصادی و با توسعه ایدئولوژی و در تعارض با غرب و با نفی اقتصاد بازار

- تاکید بر خودکفایی و نگاه به درون برای صنعتی شدن و براساس **ستانده - نهاده** در تخصیص منابع

- تاکید بر انباشت سرمایه در زیربناها و صنایع مادر و سنگین به منظور استقلال

- استراتژی جایگزینی واردات جهت پاسخ گویی به نیازهای داخلی نه برای رویکرد صادراتی شدن و با تکیه بر تقاضا برای کالاهای مصرفی و حمایت از صنایع نوزاد (نوپا)

به طور کلی در اروپای شرقی سابق ، نبود ارتباطات تکنولوژیکی با خارج و فقدان فضای رقابتی در داخل و خارج و نبود نظام مالکیت کارآمد سبب شد که ساختار صنعت روز به روز ناکارآتر و عقب افتاده تر نسبت به جهان غرب سرمایه داری باقی بماند. در آمریکا نیز استراتژی جایگزینی واردات در اغلب موارد به شکست انجامید. سود اصلی نصیب شرکت های خارجی شد که توانستند در پس دیوارهای تعرفه ای از تشویق سرمایه گذاری و معافیت مالیاتی برخوردار شوند. در این منطقه واردات بسیار زیاد کالاهای سرمایه ای و واسطه ای توسط شرکت های خارجی و داخلی با کمک های مالی دولت ها ، تراز پرداخت ها بدتر و منجر به ایجاد صنایع سرمایه بری شد که محصولاتشان اغلب موافق عادت و الگوی مصرفی ثروت مندان بود و تاثیر ناچیزی بر اشتغال و توزیع عادلانه تر درآمدها و در نتیجه رفاه عمومی داشت . هم چنین دخالت در بازار ارز موجب اغتشاش صادرات مواد اولیه سنتی از طریق افزایش مصنوعی قیمت این گونه کالاها و برحسب پول خارجی شد. و این امر موجب شد که کشاورزان داخلی از رقابت در بازارهای جهانی بازمانند و از لحاظ توزیع درآمد به بهای افزایش سود صاحبان سرمایه ، در فقر قرار گیرند (نیلی و همکاران ، ۱۳۸۲).

سال های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ توسعه صنعتی شرق آسیا :

- طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، تولید جهانی ۵/۶ درصد و تجارت جهانی ۷/۳ درصد رشد داشت
- طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، تولید جهانی ۵/۶ درصد و تجارت جهانی ۷/۳ درصد رشد داشت.
- کشورهای صنعتی پیشرفته به عنوان اولین بازار صادراتی منطقه آسیا از نرخ تورم پایین و نرخ اشتغال بالا و نظام مالیاتی با ثباتی برخوردار بودند.
- دسترسی به بازارهای کشورهای صنعتی، دسترسی به سرمایه های خارجی جهانی، سهولت جابه جایی روش های تولیدی توسط کشورهای صنعتی و بنگاه های چند ملیتی به کشورهای با دستمزد پایین تر شرایط بکر و مناسبی برای ظهور موفقیت کشورهای شرق آسیا من جمله کره جنوبی گردد.
- گسترش صادرات سرلوحه تفکر صنعتی شدن کشورهای آسیای شرقی قرار گرفت و سیاست های جایگزینی واردات در بدو امر با توجه به این رویکرد بوده است.
- در الگوی کشورهای شرق آسیا، مزیت های نسبی از طریق ساز و کار بازار تعیین و جهت توسعه صادرات استفاده گردید.
- منافع ناشی از تولیدات صنعتی در مقیاس بزرگ نصیب شرکت های صادراتی شد. توسعه صنایع کاربر صادراتی موجب بهبود توزیع درآمدها گردید.
- صادرکنندگان داخلی به سطح قیمت های با رقابت جهانی می رسند.
- سیاست های آزاد سازی تجاری به مفهوم حذف محدودیت های مقداری و کاهش تعرفه های وارداتی در سطح عمومی ۱۵ درصد اجرا شد.
- یارانه های صادراتی به کار گرفته شده به گونه ای که موجب مقابله به مثل کشورهای طرف تجارتی نگردد.
- بخشودگی های مالیاتی و معافیت های تعرفه ای برای واردات مورد استفاده در صنایع صادراتی
- کاهش هزینه های انرژی و سایر خدمات عمومی مورد استفاده در صادرات
- کاهش نرخ بهره برای صادرکنندگان
- ارائه وام های تولیدی و سرمایه گذاری
- ارائه اعتبارات صادراتی و وام های ارزی
- گسترش خدمات بیمه ای و اعتبارات برای بازاریابی و تحقیق و توسعه

پیامد های مهم استراتژی توسعه صادرات بر اساس مشاهدات تجربی در جهان عبارتند از:

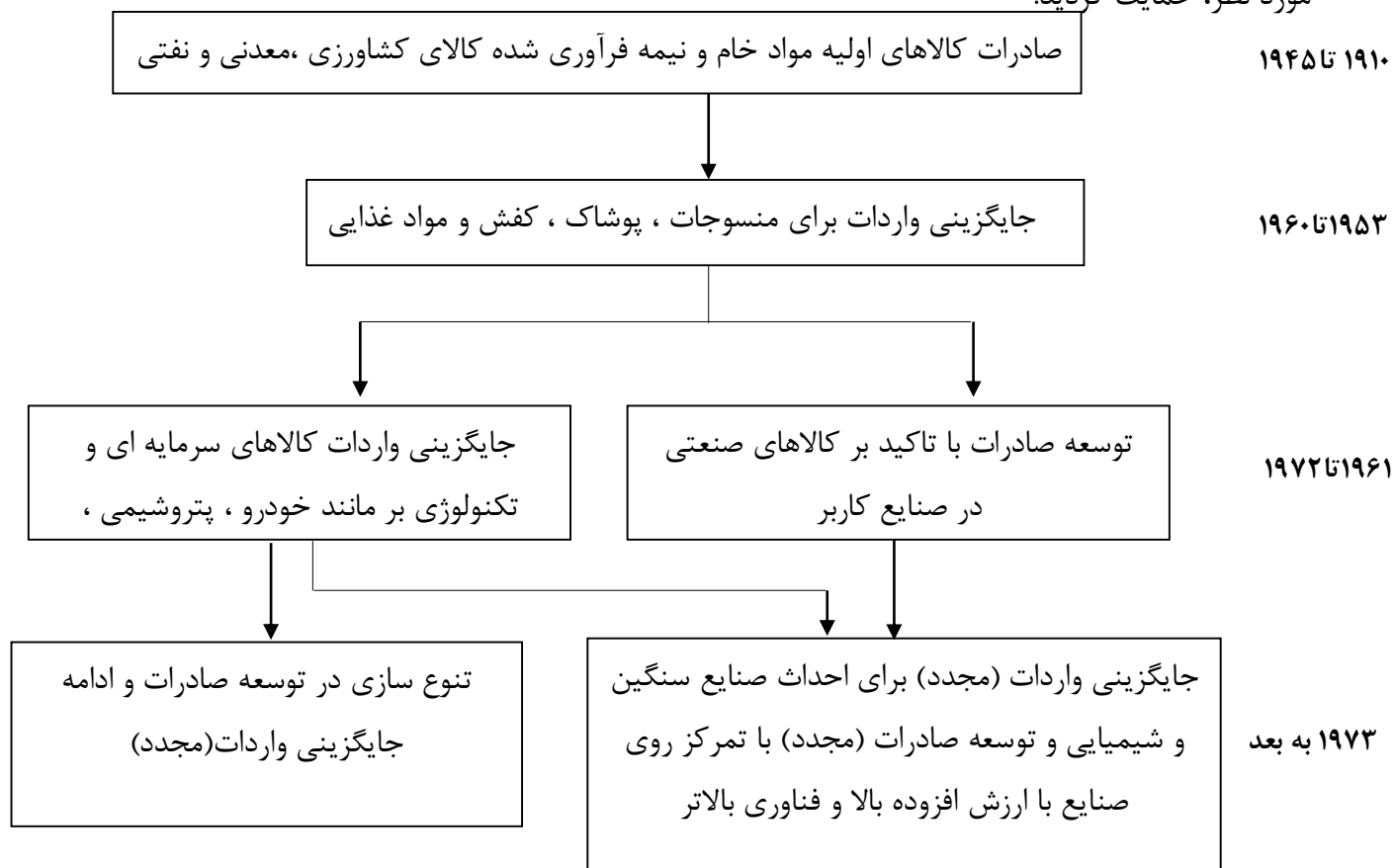
- ارتقای توان تولیدی و مدیریتی در سایه رقابت با خارج
- پیشرفت های نوآوری و خلاقیت از طریق تماس با ایده ها نوین
- شکل گیری بازار با محوریت و حاکمیت خریدار
- توسعه صنایع کاربر و در نتیجه اشتغال بیشتر در کنار صنایع سرمایه بر با مقیاس های تولیدات انبوه تر
- توزیع متناسب تر درآمدها

- امکانات توسعه بازار فروش با توجه به گسترش بازارهای محدود داخلی
- اجتناب از مواجهه با کسری بودجه و کمبود ارز خارجی و در نتیجه تورم های پایین تر

سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ رویکرد مجدد درون گرایی :

- اوج تنش های جنگ سرد بین بلوک شرق و بلوک غرب
- کاهش نرخ رشد تجارت جهانی به ۴/۵ درصد
- تقویت رویکرد درون گرایی
- عدم رعایت سلسله مراتب جایگزینی واردات از کالاهای مصرفی به کالاهای واسطه ای و سپس کالاهای سرمایه ای از سوی اکثر کشورهای در حال توسعه با توجه به تجربیات گذشته جهانی
- رعایت مرحله دوم استراتژی جایگزینی واردات از سوی کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی و تایوان با هدف ساخت کالاهای وارداتی سرمایه ای و واسطه ای در داخل برای صنایع صادراتی الزامی شد. و گسترش صنایع سرمایه بر با فناوری بالا در دستور کار قرار گرفت .
- مهم ترین درسی که از موفقیت های کره جنوبی در حمایت از صنایع نوپا باید قرار گرفت این است که دست یابی به توان صادراتی در صنایع نوپا در مدت زمان معینی و محدود ، یک عامل مهم برای تعیین قابلیت آن صنعت در کاهش هزینه ها و کسب رقابت پذیری جهانی است.
- در رویکرد مجدد درون گرایی و با مشاهده سوء آثاری از استراتژی جایگزینی واردات و برخی شکست ه

در این زمینه ، به پیش شرط هایی قبل از اجرای جایگزینی واردات نیاز می باشد : اول آن که رشد سریع صادرات در مرحله اول جایگزینی واردات باید به حدی می رسد که تقاضا در بازار داخلی را برای کالاهای واسطه ای و سرمایه ای افزایش می داد و یک قابلیت قوی برای ایجاد ارتباطات پسین به وجود می آمد. دوم آن که شرایط باید به نحوی آماده می شد که باتوجه به کمیابی نسبی سرمایه و مازاد نیروی کار در طول زمان اجرای جایگزینی واردات ، انباشت سرمایه و نیروی کار ماهر به آرامی صورت می گرفت . سوم آن که توانایی های فنی و تجارب صنعتی در طول زمان باید به مقدار کافی در کشور ارتقاء می یافت. در کشور موفقمانند کره در فرآیند جایگزینی واردات ، سیاست های حمایتی متناسب در طول زمان به اجرا درآمد. در مرحله اول حمایت از صنایع سبک محصولات و کالاهای نهایی بدون حمایت از کالاهای واسطه ای مورد استفاده در صنایع سبک به اجرا درآمد. در مرحله دوم حمایت از صنایع سبک و کالاهای واسطه ای مربوطه و عدم حمایت از کالاهای نهایی تولید شده صنایع سبک اعمال شد و در مرحله سوم حمایت از صنایع سنگین و کالاهای نهایی تولید شده در بخش صنایع شیمیایی و مهندسی و بدون حمایت از کالاهای واسطه ای و سرمایه ای مورد استفاده صنایع سنگین و شیمیایی مورد توجه قرار گرفت . و در مرحله چهارم از تولید داخلی محصولات واسطه ای و سرمایه ای مورد نیاز صنایع سنگین و شیمیایی بدون حمایت از محصولات نهایی تولید شده در صنایع مورد نظر، حمایت گردید.



نمودار ۱۰ : جریان تاریخی استراتژی توسعه صنعتی کره

سال های ۱۹۸۰ به بعد و فرآیند جهانی شدن :

از دهه ۱۹۸۰ به بعد گسترش تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات ، توسعه اقتصادی در جهان و کشورهای در حال توسعه دست خوش نوسانات شدید شده است و امروزه به دلیل پیچیدگی های زیاد در روش های تولیدی بین کشورهای مختلف ، تشخیص مبدا واقعی یک محصول خاص بسیار دشوار می باشد. چه بسا یک کالای خاص حاصل تعداد زیادی از اجزایی باشد که در کشورهای مختلف تولید می شوند، و معمولا نشان روی محصول نهایی نیز مربوط به کشوری است که کل اجزاء در آن مونتاژ می شوند و در این شرایط یک اتومبیل انگلیسی ، و یا یک کامپیوتر آمریکایی چه مفهومی خواهد داشت؟ و از سوی دیگر وقتی سه ناحیه آمریکای شمالی ، اروپا و شرق آسیا تا ۸۷ درصد تولید و ۸۰ درصد صادرات جهانی را به خود اختصاص داده اند، مفهوم توسعه صنعتی از سوی سایر کشورهای در حال توسعه در یک پازل کلی تر جهانی معنا می یابد (نیلی و همکاران ، ۱۳۸۲).

به طور کلی با توجه به مطالب مطروحه می توان گفت کشورهای در حال توسعه مانند ایران که در عصر جهانی شدن قرار دارند نه تنها نیازمند سیاست های متناسب و استراتژی های مناسب داخلی هستند ، بلکه بایستی بتوانند با هم پیوندی عمیق در اقتصاد صنعتی جهانی به طور توانمند و پویا جایگاه شایسته ای را در الگوی مشارکت و قرارگیری در زنجیره تولید جهانی با اقتصادی پایدار را بدست آورند.

(ب) - تجربه ایران :

تفکر توسعه صنعتی در ایران به مفهوم به کارگیری نیروی ماشین در دوران قاجاریه و با فعالیت هایی از سوی امیر کبیر آغاز شد ولی زمینه های لازم برای شکل گیری آن به عنوان یک فرآیند از صنعتی شدن کشور وجود نداشت ، و روابط تولیدی ارباب و رعیتی و فقدان فرهنگ شهرنشینی و عدم کفایت امکانات زیرساختی فیزیکی و انسانی و مدیریتی چندان موفق نبود. اگرچه صنایع کوچک رواج زیادی داشت به ویژه عمدتاً در اطراف تهران ولی به سبب فقدان فرهنگ توسعه صنعتی و باورهای آن به معنای فراگیر ، سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی بسیار ناچیز بود (شریف زادگان و نورایی ، ۱۳۹۴).

با مروری به جریان توسعه صنعتی در برنامه های توسعه قبل و بعد از انقلاب می توان به آسیب های اساسی جریان صنعتی شدن کشور پی برد. جدول شماره ۲۰ ، تصویری از ویژگی ها ، تاکیدات ، برنامه های مورد نظر را برای توسعه صنعتی کشور نشان می دهد :

جدول (۲۰) : برنامه های توسعه کشور قبل و بعد از انقلاب

عنوان برنامه	ویژگی ها	تاکیدات	اقدامات مهم	چالشها و فقدان ها
برنامه عمرانی هفت ساله اول سال های ۱۳۳۴-۱۳۲۷	-تعریف در قالب مجموعه ای از طرح ها و پروژه ها - توجه به صنایع مرتبط با بخش کشاورزی و معدن - اعتبار ۲۱ میلیارد ریال - ایجاد بسترهای آموزشی و مدیریتی	-توسعه بخش کشاورزی - اختصاص ۱۴/۳ درصد از اعتبارات برنامه به بخش صنایع و معادن یعنی ۵/۳ میلیارد ریال	- مذاکره با بانک بین المللی توسعه و ترمیم و موسسات داخلی غیر دولتی و موسسات تجارتي خارجی به منظور تکمیل منابع مالی برنامه - تاسیس سازمان برنامه و بودجه - ارائه راهنمایی و مشاوره به بخش خصوصی - ایجاد شهرک صنعتی کرج - شروع مراکز حرفه ای برای آموزش	-نبود سیاست مدون - پیرامون نقش دولت - ملی شدن صنعت نفت و تبعات آن
برنامه هفت ساله دوم سال های ۱۳۳۴-۱۳۴۱	-اعتبار کل برنامه ۱۵/۱ میلیارد ریال -ایجاد زیربنای فیزیکی - توسعه صنایع	- جلب بخش خصوصی و حمایت در بخش صنعت - اعتبار ۹/۴ میلیارد ریال مصوب برای بخش صنایع و معادن	- تاسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی - تصویب قانون حمایت از جلب سرمایه خارجی - اعتباری معادل ۲۵ میلیارد ریال وام خارجی در اختیار سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت -تاسیس بانک اعتبارات صنعتی جهت ارائه وام صنعتی -معافیت گمرکی و بخشودگی عوارض راه و شهرداری برای کارفرما -توسعه زیرساخت های فیزیکی مانند راه آهن ، راه سازی و غیره...	-
برنامه سوم عمرانی سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۲	-گسترش نسبی بخش خصوصی - تکیه بر تامین مواد خام ، مهارت های فنی ، امکانات بازار فروش -جایگزینی واردات به ویژه برای کالاهای مصرفی مانند صنایع غذایی ، نساجی ، محصولات چوبی و... - کل اعتبارات برنامه ۳۷ میلیارد ریال	-توسعه زیربنای صنعتی به عنوان اولین برنامه جامع صنعتی کردن کشور - تشویق بخش خصوصی در سرمایه گذاری در صنایع - توسعه سرمایه گذاری خارجی و کمک های فنی خارجی - توسعه بانک اعتبارات صنعتی و توسعه بانک صنعت و معدن -استفاده از آموزش های ضمن خدمت -۱۱/۷ درصد اعتبارات مصوب برای صنایع و معادن	-تشکیل مدارس فنی و حرفه ای -تشکیل دانشکده های صنعتی - معافیت گمرکی ماشین آلات و لوازم یدکی از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی - اعطای تسهیلات اعتباری - انعقاد قرارداد با مهندسان مشاور داخلی و خارجی برای انجام مطالعات فنی در اجرای طرح های صنعتی - ایجاد آزمایشگاه های صنعتی و تاسیس نواحی صنعتی برای کمک به صنایع کوچک و متوسط	رخداد اصلاحات ارضی و رشد سریع جمعیت شهرنشینی و عدم توازن و تعادل در تغییر و تحول اجتماعی

عنوان برنامه	ویژگی ها	تاکیدات	اقدامات مهم	چالشها و فقدان ها
برنامه چهارم عمرانی سال های ۱۳۴۷-۱۳۵۱	گسترش اعتبارات برنامه از ۴۸۰ میلیارد ریال به ۵۶۸ میلیارد ریال - استراتژی جایگزینی واردات برای کالاهای واسطه ای و سرمایه ای	- سهم صنایع و معادن از اعتبارات کل برابر ۲۲ درصد - توسعه بازارهای داخلی و خارجی - توسعه صادرات کالاهای صنعتی - تجهیز پس اندازهای کوچک از طریق توسعه بررسی - تداوم تسهیلات اعتباری - تعیین نرخ های بهره متفاوت و مخصوص برای صنایع و نواحی مختلف کشور	- رعایت ملاحظات منطقه ای - کنترل تاسیس کارخانجات در ۱۲۰ کیلومتری تهران - مشوق مالیاتی برای توسعه صنایع در سایر شهرها - انتقاد قرارداد با مشاورین داخلی و خارجی - اجرای مطالعات و تهیه طرح های صنعتی و در اختیار گذاشتن آنها برای سرمایه گذاران - تشکیل همایش های مربوط به صنایع	تداوم رشد سریع شهرنشینی و عدم تناسب در توسعه کشاورزی و بخش صنعت و خدمات
برنامه پنجم عمرانی سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۶	- کل اعتبار برنامه ۱۹۹۴ میلیارد ریال - تداوم استراتژی جایگزینی واردات - توسعه صنایع براساس مزیت های نسبی - توسعه صنایع کوچک و متوسط - توسعه صنایع اقماری و تغذیه کننده صنایع بزرگ	- حمایت از بخش خصوصی - حمایت از سرمایه گذاری مستقیم خارجی - کاهش تدریجی حمایت گمرکی در مورد کالاهای مصرفی به منظور افزایش کیفیت تولیدات داخلی - حمایت گمرکی از کالاهای واسطه ای و سرمایه ای - استفاده از فناوری کاربر در صنایع بزرگ و سنگین - اختصاص ۱۰ درصدی اعتبارات به بخش صنعت - توجه به ملاحظات منطقه ای	- تاسیس مرکز توسعه صادرات - اخذ گواهینامه ارزی واردات نهاده های ضروری مشروط به صدور بخشی از تولیدات صنایع به خارج - توسعه اعتبارات - توسعه خدمات بانکی - ایجاد مراکز آموزشی و تربیت حرفه ای - ایجاد مراکز پیمان کاری بین صنایع کوچک و متوسط و صنایع بزرگ	- شوک نفتی سال ۱۳۵۳ و تزریق بالای دلارهای نفتی و استراتژی رشد شتابان صنعتی شدن به جای استراتژی جایگزینی واردات و واردات بی رويه و عدم تعادل ساختاری اقتصادی و اجتماعی و وابسته شدن جریان توسعه صنعتی کشور به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به جای صادرات صنعتی
برنامه ششم عمرانی سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۱	-	-	-	به سبب وقوع انقلاب اسلامی اجرا نشد.
دوران ۱۳۵۷-۱۳۶۸ بدون برنامه منسجم	- فرار سرمایه داران - به هم ریختگی جریان - توسعه صنعتی کشور - تداوم افزایش درآمدهای نفتی - نقش مسلط و همه جانبه دولت در اقتصاد - گسترش مالکیت های دولتی - بحران جنگ - شدت یافتن تورم - بحران کسری بودجه	-	-	- چالش های انقلاب اسلامی و جنگ و فاقد برنامه منسجم برای توسعه صنعتی کشور

عنوان برنامه	ویژگی ها	تا کیدات	اقدامات مهم	چالشها و فقدان ها
برنامه اول توسعه اجتماعی و اقتصادی سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲	-شروع سیاست های آزاد سازی و سیاست های تعدیل اقتصادی - دستیابی برای خودکفایی - استراتژی جایگزینی واردات	- بازسازی کارخانه های تخریب شده - شکستن انحصار تجارت خارجی دولتی - خصوصی سازی - تک نرخی کردن ارز - حذف تدریجی سوبسیدهای غیر مستقیم - گسترش صنایع کوچک - توسعه فناوری - کاهش تمرکز صنایع در تهران - لغو بخشودگی حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاها و واسطه ای و سرمایه ای	-فعال کردن بورس -ایجاد مراکز توسعه فناوری صنعتی - ایجاد شهرک های صنعتی - ایجاد تشکل های صنعتی و معدنی	-عدم جامعیت سیاست ها - عدم توجه به نهادسازی -مشکل بدهی های خارجی - بی ثباتی در سیاست پولی و مالی و ارزی -عدم استراتژی توسعه صنعتی جامع
برنامه دوم توسعه اجتماعی و اقتصادی سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۸	-تداوم سیاست های تعدیل با شتاب کمتر - استراتژی جایگزینی واردات	-تداوم خصوصی سازی - مقابله با انحصار گرایی -تقویت بازار بورس -حمایت از سرمایه گذاری خارجی -توجه به روابط بین صنعتی برای صنایع کوچک ، متوسط و بزرگ -توجه به ملاحظات منطقه ای	-اصلاح سیاست های صادرات و واردات - واگذاری شرکت های تحت پوشش - حمایت از تولیدات با هدف افزایش قدرت رقابتی از طریق لغو معافیت های حقوق گمرکی و سود بازرگانی	-شروع برنامه با یک سال تاخیر - عدم جامعیت سیاست ها - عدم استراتژی توسعه صنعتی جامع
برنامه سوم توسعه اجتماعی و اقتصادی سال های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۴	-اصلاح ساختار اقتصاد ملی از طریق اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارآیی	-افزایش بهره وری در صنعت - ارتقای دانش حرفه ای - کاهش مداخله و انحصارات دولتی - تشویق سرمایه گذاری در صنایع کوچک - افزایش صادرات غیرنفتی - افزایش صادرات خدمات فنی و مهندسی	-تاسیس سازمان صنایع کوچک به منظور توسعه صنایع کوچک - تاسیس شورای برنامه ریزی در استانها با رعایت استانداردها - تدوین استراتژی توسعه صنعتی -تصویب سند چشم انداز توسعه کشور	-تغییر دولت در سال ۱۳۸۴ و عدم تصویب سند استراتژی توسعه صنعتی کشور

عنوان برنامه	ویژگی ها	تا کیدات	اقدامات مهم	چالشها و فقدان ها
برنامه چهارم توسعه اجتماعی و اقتصادی سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۸	-رشد تولید صنعتی و معدنی به طور متوسط سالانه ۱۱/۲ درصد - رشد متوسط سرمایه گذاری صنعتی و معدنی ۱۶/۹ درصد - سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی از ۱۴ درصد در سال ۸۳ به ۱۶/۲ درصد در سال ۸۸ - متوسط رشد صادرات صنعتی سالانه ۱۴/۸ درصد	-تهیه سند ملی توسعه بخش های صنعت و معدن - توسعه رقابت پذیر مبتنی بر توسعه فناوری - رشد اقتصادی پیوسته و با ثبات با اشتغال مولد - اقتصاد دانش محور - توسعه فعالیت ها بر اساس مزیت های نسبی - توانمند سازی بخش خصوصی و بهبود فضای کسب و کار	-تهیه قانون نحوه اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی که بر توسعه بخش تعاون ، خصوصی سازی و سلاماندهی شرکت های دولتی تاکید میکند. - تصویب قانون حمایت از شرکت های دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات - تصویب آیین نامه نحوه تاسیس و توسعه مناطق ویژه علم و فناوری	- تغییر دولت در سال ۱۳۸۴ با دید گاه های جدید و تاکید بر رشد متوازن و لزوم اصلاح مجدد سند استراتژی توسعه صنعتی - تغییر وزیر صنایع در سال ۱۳۸۶ و عدم تصویب سند استراتژی توسعه صنعتی کشور و تهیه سند آمایش صنعتی در دستور کار قرار گرفت که در نهایت تصویب نگردید . - روزمره زدگی و کوتاه مدت نگری
برنامه پنجم توسعه اجتماعی و اقتصادی سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۴	-حمایت از سرمایه گذاری خطر پذیر با رویکرد تحرک و کارآیی و خود اتکایی	- تدوین استراتژی توسعه صنعتی و معدنی با رویکرد رقابت پذیری	-تدوین و رونمایی سند راهبردی صنعت و معدن و تجارت کشور	-تغییر دولت در سال ۱۳۹۲ و بازنگری مجدد سند راهبردی توسعه صنعت و معدن و تدوین نهایی آن در سال ۹۳ و در انتظار تصویب

منبع : نورایی و شریف زادگان ، ۱۳۹۴

به طور کلی می توان گفت که سیاست های جایگزینی واردات در توسعه صنعتی کشور برنامه های اول و دوم دارای انسجام و وحدت و هماهنگی لازم نمی باشد، ولی شروعی برای شکل گیری برخی بسترهای لازم برای توسعه صنعتی می باشد و از سویی این گونه سیاست ها در برنامه سوم و چهارم عمرانی قبل از انقلاب با سیاست های صنعتی اتخاذ شده در کشورهای دیگر مانند کشورهای شرق آسیا هم خوانی دارد. از ویژگی های مهم این راهبرد ، حمایت از صنایع نوزاد و توسعه صنایع سنگین محصولات سرمایه ای و واسطه ای جهت توسعه صنعتی می باشد.

برنامه چهارم عمرانی کشور در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶ با حمایت از بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی ادامه یافت ، به طوری که حدود ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی وارد کشور شد. در این برنامه بر مبنای ایجاد صنایع جدید و توسعه صنایع بر اساس مزیت نسبی و افزایش صادرات صنعتی برای نخستین بار

جهت گیری صادراتی در برنامه ریزی کشور لحاظ شد و مرکز توسعه صادرات تاسیس شد. و گام های مهم دیگری نیز برداشته شد، من جمله ، اخذ گواهینامه ارزی برای واردات نهاده های ضروری منوط به صدور بخشی از این تولیدات به خارج شد. به منظور افزایش کیفیت کالاهای ساخت داخل به تدریج حمایت گمرگی در مورد کالاهای مصرفی کاهش داده شد. و صنایع سازنده کالاهای واسطه ای و سرمایه ای را به منظور کاهش واردات آن ها مورد حمایت گمرکی قرار داده شد ، و به منظور توسعه بخش خصوصی، میزان انتقال منابع مالی از بخش دولتی به بخش خصوصی افزایش یافت و اعتبارات سیستم بانکی و خدمات بانکی به ویژه بانک های تخصصی توسعه یافت . توسعه صنایع کوچک و متوسط با تشویق سرمایه گذاران و احداث صنایع اقماری و تغذیه کننده صنایع بزرگ در این زمینه ، اعطای کمک های فنی آموزشی و ایجاد مراکز پیمان کاری بین صنایع کوچک و متوسط و بزرگ از جمله دیگر سیاست ها بوده است. اما مهم ترین اختلال این برنامه شوک نفتی سال ۱۳۵۳ و افزایش شدید بهای نفت و تزریق بالای درآمدهای دولت در بودجه دولت و اقتصاد کلان کشور موجب شد که واردات بی رویه صورت بگیرد و صنایع داخلی آسیب ببینند. و متأسفانه جهت گیری صادراتی محصولات صنعتی از بین رفت و رشد اقتصادی کشور عمدتاً مبتنی بر منابع طبیعی قرار گرفت و اساس توسعه صنعتی بر صدور فرآورده های صنعتی قرار نگرفت.

در سال های بعد از انقلاب با افزایش اقتدار و جایگاه مدیریت دولتی ، توسعه بخش خصوصی با نگرش کارآفرینی و با قدرت رقابتی صادراتی مورد فراموشی قرار گرفت و نوعی برنامه های ارشادی دولتی تا سال های ۱۳۶۸ حاکم شد. و سیاست های تعدیل اقتصادی در برنامه اول مورد توجه قرار گرفت. ولی سیاست های این برنامه چندان یکپارچه نمی باشد و علاوه بر این نهادسازی ضروری برای ایجاد تفکر توسعه صنعتی مورد توجه قرار نمی گیرد ، به گونه ای که چگونه بتوان بخش خصوصی را در مسیر بلند مدت توسعه خود قرار داد. اگرچه در برنامه های اول و دوم سیاست هایی مانند تشویق صادرات ، مقابله با انحصار گرایی دولتی ، تقویت بازار بورس ، اصلاح بخش هایی از قانون کار ، حمایت مالی از تحقیقات و توسعه صنایع با فناوری پیشرفته و حمایت از صنایع کوچک و متوسط به اجرا درآمدند و یا مورد توجه قرار گرفته ، ولی جهت گیری معینی برای توسعه صنعتی بلند مدت تعریف نشده بود.

در برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب طی سال های ۱۳۷۹-۱۳۸۳، اگرچه اصلاحات ساختاری نهادی برای بخش عمومی جهت افزایش کارایی و افزایش بهره وری ملی و تقویت بخش غیر دولتی را نشان گرفته است و چهار موضوع مهم نظام اداری ، شرکت های دولتی ، انحصارات و تمرکز زدایی مورد توجه قرار می باشد، ولی جهت گیری های توسعه صنعتی بلند مدت در قالب راهبردی شفاف و معین وجود ندارد. اگرچه راهبرد توسعه صنعتی کشور تدوین شد ولی با تغییر دولت در سال ۱۳۸۴ به تصویب نرسید و در برنامه چهارم توسعه نگرش جدید رشد متوازن مطرح شد و اطلاعاتی در سند راهبردی توسعه صنعتی کشور ایجاد شد

ولی با تغییر وزیر صنایع در سال ۱۳۸۶ این سند نیز فراموش شد و بحث سند آمایش صنعتی مورد توجه قرار گرفت که در نهایت تصویب نشد و کوتاه مدت نگری و روزمرگی تداوم یافت. در برنامه پنجم توسعه نیز، راهبرد توسعه صنعتی و معدنی با رویکرد رقابت پذیری تدوین شد و با تغییرات در سال ۱۳۹۲ بازنگری مجدد شد و تصویب و اجرای آن در انتظار تصویب می باشد.

در جمع بندی تجربیات توسعه صنعتی کشور در برنامه های عمرانی و توسعه قبل و بعد از انقلاب گویای چالش ها و فقدان های زیر می باشد:

۱- ضعف نگرش سیستمی و جامع به توسعه صنعتی در راهبردی بلند مدت و عدم شکل گیری تفکر صنعتی شدن در فرهنگ عمومی جامعه

۲- تداوم سیاست های جایگزینی واردات بدون توجه به هدف مندی رقابتی کردن فعالیت های دولتی و خصوصی و نگرش توسعه صادرات

۳- وابستگی اقتصاد کشور و بودجه دولت به نفت و فقدان شکل گیری جایگاه شایسته دولت و بخش خصوصی در اقتصاد

۴- عدم پیوستگی بلند مدت در تفکر توسعه صنعتی در مسیری تکاملی و تحول آمیز

۵- نبود قانون رقابت داخلی و هم چنین نهاد حافظ رقابت به منظور ایجاد، ارتقاء، نظارت و حفظ فضای رقابتی

۶- ضعف توانمندی در جذب و ارتقای جایگاه سرمایه گذاری خارجی

۷- ضعف وجود زنجیره ارزش بین صنایع کوچک و متوسط و بزرگ و چگونگی توسعه بلندمدت آن ها

۸- تفوق نگرش درون گرایی بر تفکر برون گرایی، و در نتیجه جایگاه ضعیف استفاده از تجربیات جهانی در مدیریت توسعه صنعتی منطقه ای و کلان کشور

۹- حاکمیت تفکر کوتاه مدت بر تفکر بلند مدت و آینده نگر توسعه صنعتی کشور

ج) مقایسه عملکرد توسعه صنعتی ایران با برخی کشورهای منتخب جهانی :

متوسط رشد سرانه تولیدات صنعتی در سال های ۱۹۶۰-۱۹۹۹ در کشورهای آسیای شرقی ۱۵ درصد و ایران ۵/۶ درصد ، در کشورهای صنعتی ۳/۹ درصد و در کشور کره جنوبی ۶/۸ درصد ، در آمریکا ۲/۴ درصد و در کانادا ۲/۴ درصد می باشد.

ارقام فوق الذکر گویای آن است که بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد فرصت های توسعه اقتصادی و صنعتی برای کشورهای شرق آسیا فراهم شده است . و این فرصت برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیز به وجود آمده است. اما سوال اساسی این است که چرا کشوری هم چون ایران و کره جنوبی که تقریباً فرایند توسعه صنعتی خود را هم زمان آغاز کردند ولی از نظر شاخص های توسعه صنعتی فاصله عمیقی با هم دیگر دارند؟

در پاسخ به سوال فوق ، مهم ترین عنصر را بایستی در استراتژی های توسعه صنعتی اتخاذ شده از سوی دو کشور ایران و کره جنوبی جستجو نمود. کره جنوبی استراتژی توسعه صادرات فرآورده های برنامه ریزی شده را بعد از استراتژی جایگزینی واردات و ایران هم چنان استراتژی جایگزینی واردات را اتخاذ کردند. از این رو اقتصاد کره جنوبی توانست با رویارویی با اقتصاد باز جهان و در نتیجه تغییر و تحولات اساسی من جمله در حوزه ی بهره وری و تکنولوژی و جایگاه شایسته بخش خصوصی و بخش دولتی ، اقتصادی رقابتی را پذیرا شود، در حالی که اقتصاد ایران در درون لاک خود زندگی کرد و در نتیجه تغییر و تحولات ساختاری اساسی را شاهد نبود و نهادهای بخش خصوصی ، بخش دولتی ، پولی و مالی و سایر نهادهای جامعه صنعتی مخصوصاً نهاد فرهنگ اجتماعی و مدیریت جامعه در راستای هم دیگر و در تعامل رقابتی سازنده با جهان منطبق نگردید. از سوی دیگر در اقتصادهای آسیای شرقی ، بهره وری و مدیریت آن تحت تاثیر بهبود فناوری ، آموزش ، تجارت و روابط بین بنگاهی و سرمایه ، نقش مهمی در توسعه صنعتی ایفا نمود ، در حالی که در اقتصاد ایران ، جریان توسعه صنعتی متکی به درآمدهای نفتی گردید.

مقایسه نسبت واردات صنعتی و صادرات صنعتی به کل واردات و صادرات ، گویای جایگاه تحول بخش صنعت کشور در سطح پایین تر از کشورهای صنعتی و کشورهای آسیای شرقی می باشد . متوسط واردات صنعتی به کل واردات در ایران طی سال های ۱۹۶۰ - ۱۹۹۰ برابر ۶۶/۹ درصد و متوسط صادرات صنعتی به کل صادرات طی همین سال ها برابر ۲/۴۷ درصد می باشد ، که گویای عدم تعادل بسیار بالا در جایگاه اقتصاد صنعتی جهان می باشد . و این در حالی است که متوسط واردات صنعتی به کل واردات در کشورهای صنعتی و آسیای شرقی به ترتیب برابر ۶۰/۸ درصد و ۶۶/۴ درصد و متوسط صادرات صنعتی به کل صادرات کشورهای مورد نظر به ترتیب برابر ۷۷/۶ درصد و ۴۴/۱ درصد می باشد (نیلی وهمکاران ، ۱۳۸۲) .

از مقایسه اعداد فوق به این نتیجه می‌رسیم که کشورهای شرق آسیا در دوران مورد نظربه گونه‌ای در تجارت بین‌الملل رابطه‌ای پویا و جایگاه متعادلی را کسب نموده‌اند. و می‌توان گفت که کشورهای مذکور توانسته‌اند از محل صادرات صنعتی ارزش مورد نیاز واردات صنعتی را تامین مالی نمایند. در حالی که در ایران چنین اتفاقی نیفتاده است و به گونه‌ای تجارت خارجی ایران وابسته به صادرات نفت می‌باشد. از این رو با توجه به ساختار شکننده درآمدهای نفتی و بی‌ثباتی شدید قیمت آن، شاهد بی‌ثباتی در فرایند توسعه صنعتی کشور می‌باشیم. به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و ارزش افزوده این بخش تابع مستقیم درآمدهای نفتی می‌باشد.

بررسی روند حرکت اقتصاد جهانی گویای حرکت تجارت جهانی به سمت محصولات با فناوری بالا می‌باشد، یعنی محصولاتی که دارای ارزش افزوده بالایی می‌باشند و حاشیه سود بالایی دارند. و کشورهایی که بتوانند این گونه محصولات را تولید کنند و صادر نمایند، شاهد رشد بالایی در بخش صنعت خود خواهند بود.

طی سال‌های دهه ۱۳۷۰ در اقتصاد ایران به طور متوسط ۵۰ درصد ارزش افزوده صنعتی توسط صنایع متکی به منابع طبیعی، ۱۵ تا ۲۰ درصد توسط صنایع با فناوری پایین و به طور متوسط ۳۱ درصد توسط صنایع با فناوری متوسط و حدود ۲ تا ۲/۵ درصد توسط صنایع با فناوری بالا حاصل گردیده است (همان).

اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور قبل و بعد از انقلاب، موجب شد که صنایع کشور قدرت رقابتی خود را در سطح جهانی از دست بدهند و مقیاس تولید آن‌ها در سطح نیازهای داخلی بماند. و نیل به خودکفایی بعد از انقلاب بر شدت این استراتژی افزوده وابعادی گسترده پیدا کرده است و مولفه‌های زیر نتایج آن بوده است: ۱- بی‌توجهی به بازارهای جهانی ۲- تولید عمده‌ی کالاها بدون توجه به کارایی و اثربخشی ۳- به کارگیری روش‌های پرهزینه تولید با فناوری نامناسب و عدم تحولات مناسب مدیریتی و تکنولوژیکی ۴- بی‌توجهی به اندازه بازارهای داخلی ۵- بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی تولید محصولات ۶- کم‌توجهی به ارزیابی جامع پروژه‌های تولیدی ۷- ورود نامناسب فعالان اقتصادی به عرصه صنعت بدون تفکر استراتژیک و تفکر رقابتی جهانی ۸- کم‌توجهی به مدیریت مالی و تجزیه و تحلیل‌های عملی عملکرد بهره‌وری ۹- اتکاء به درآمدهای نفتی ۱۰- عدم شکل‌گیری ارتباط پویا و متعالی بین بخش خصوصی و بخش دولتی ۱۱- شکل‌گیری ساختار انحصاری بازار. به عنوان مثال وجود درآمدهای نفتی و در اختیار دولت قرار گرفتن برای هزینه کردن، موجب شده است که بیشتر یک شبکه توزیع درآمد شکل بگیرد تا یک فرآیند تولید درآمد، و ایجاد بنگاه‌های عمومی در بخش صنعت و گسترش آن با توجه به درآمدهای نفتی عملکرد کل اقتصاد کلان کشور و حوزه‌ی صنعت را تحت تاثیر قرار داده است. مثلاً بدهی شرکت‌ها و موسسات دولتی به سیستم بانکی یکی از عوامل اصلی بسط پایه پولی و به تبع آن ایجاد تورم در

اقتصاد ایران بوده است، از طرفی حضور و فعالیت بنگاه های عمومی در بازارهای صنعتی توأم با اعمال سیاست های حمایتی که عمدتاً در قالب سیاست های جایگزینی واردات و به نیت خودکفایی انجام شده است، منجر به ایجاد ساختاری انحصاری و متمرکز در اکثر بازارهای کشور شده است و قدرت انحصاری موجود در این گونه بازارها با نگاهی درون گرا، همواره به دنبال کسب حمایت های بیشتر بوده است و تحت این شرایط، بخش صنعت به یک شبکه توزیع درآمد برای هزینه شدن درآمدهای نفتی و اعتباری کشور تبدیل شده است که بروز انواع فعالیت های رانت جویانه را به دنبال داشته است. وجود انحصار در بازار فروش محصولات و بازار خرید عوامل تولید از دو جهت موجب ضربه زدن به بخش صنعت شده است: اول آن که کیفیت محصولات مورد توجه قرار نمی گیرد و قیمت ها رقابتی نمی شوند و دلیلی برای بهبود بهره وری وجود ندارد. ازسویی بین بنگاه های بزرگ و کوچک رابطه ای استثمار گرانه به وجود می آید و امکان رشد صنایع کوچک از آن ها سلب می گردد (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲).

جدول (۲۱): روند شاخص های صنعتی در ایران و کشورهای منتخب طی سال های ۱۹۶۰-۱۹۹۹

عنوان شاخص	دوره زمانی	ایران	کشورهای صنعتی	کشورهای آسیای شرقی	کره جنوبی	سنگاپور	مالزی	کانادا	ایتالیا	ژاپن	آمریکا
متوسط رشد سرانه تولیدات صنعتی	۱۹۶۰-۱۹۹۹	۵/۶	۳/۹	۱۵/۳	۱۶/۸۵	۱۶/۶۶	۱۴/۲۵	۲/۴	۳/۱	۴/۸	۲/۴
	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱۰/۴	۷/۱	۱۴	۱۶	۲۲/۱۷	۱۰/۸۲	۵	۶/۷	۱۲/۶	۴/۶
	۱۹۷۰-۱۹۸۰	۴/۸	۳/۹	۲۳/۹	۲۴/۸۹	۲۴/۳۸	۲۴/۷۲	۲/۵	۳/۳	۴/۱	۱/۲
	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۳/۳	۲/۷	۱۲/۲	۱۵/۹۶	۱۲/۳۳	۸/۶۳	۱/۱	۱/۸	۳/۵	۱/۱
	۱۹۹۰-۱۹۹۹	۲/۸	۲/۴	۹/۳	۸/۱۲	۹/۷	۱۱/۰۶	۱/۱	۱	۰/۳	۲/۱

عنوان شاخص	دوره زمانی	ایران	کشورهای صنعتی	کشورهای آسیای شرقی	کره جنوبی	سنگاپور	مالزی	کانادا	ایتالیا	ژاپن	آمریکا
نسبت ارزش افزوده صنعت به سرمایه (بهره وری سرمایه)	۱۹۶۰-۱۹۹۹	۰/۶۸	۰/۹۹	۰/۷۹	۰/۹۴	۰/۷	۰/۷۱	۰/۸۲	۱/۱۱	۰/۹۹	-
	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۰/۶۳	۱/۰۵	۰/۷۸	۰/۹۷	۰/۷۳	۰/۶۱	۰/۹۲	۱/۰۶	۱/۰۹	-
	۱۹۷۰-۱۹۸۰	۰/۶۲	۰/۹۷	۰/۷۷	۰/۹۳	۰/۶۷	۰/۷۲	۰/۸۰	۱/۱۲	۰/۹۷	-
	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۰/۶۹	۰/۹۶	۰/۷۷	۰/۹۸	۰/۷	۰/۷۱	۰/۷۷	۱۲/۱	۰/۹۹	-
	۱۹۹۰-۱۹۹۹	۰/۷۸	۰/۹۶	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۷۱	۰/۸۷	-
	۱۹۶۰-۱۹۹۹	۹/۷	۲۵/۶	۲۰/۳	۲۴/۹۳	۲۳/۹۷	۱۸/۴۵	۱۷/۷	۲۴/۸	۳۰/۵	-
نسبت ارزش افزوده صنعت به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۵/۷	۳۱/۱	۱۲/۸	۱۶/۵۹	۱۷/۱۳	۹/۷۷	۲۱/۱	۲۷/۷	۳۴/۷	-
	۱۹۷۰-۱۹۸۰	۸	۲۶/۴	۱۹/۳	۲۴/۹۴	۲۴/۳۳	۱۷/۲۵	۱۸/۴	۲۸/۶	۳۲/۱	-
	۱۹۸۰-۱۹۹۰	۱۱/۷	۲۳/۵	۲۳/۳	۲۹/۴۲	۲۶/۸۸	۲۰/۷۷	۱۶/۵	۲۵/۱	۲۸/۸	-
	۱۹۹۰-۱۹۹۹	۱۴/۵	۲۱/۱	۲۶/۷	۲۹/۴۲	۲۴/۹۳	۲۷/۱	۱۵/۴	۲۰/۵	۲۵/۶	-

منبع (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲).

عنوان شاخص	دوره زمانی	ایران	کشورهای صنعتی	کشورهای آسیای شرقی	کره جنوبی	سنگاپور	مالزی	کانادا	ایتالیا	ژاپن	آمریکا
نسبت واردات صنعتی به کل واردات (درصد)	-۱۹۶۰-۱۹۹۹	۶۶/۹	۶۰/۸	۶۶/۴	۵۷/۶۴	۶۱/۴۱	۶۹/۵۳	۷۸/۴	۵۱/۲	۳۱/۶	۶۳/۵
	-۱۹۶۰-۱۹۷۰	۵۸/۳	۵۰/۶	۶۱/۲	۵۵/۹	۴۵/۳۷	۵۲/۳۱	۷۳/۶	۴۰/۷	۲۱/۸	۵۱/۳
	-۱۹۷۰-۱۹۸۰	۷۱/۹	۵۴/۶	۶۲/۲	۵۳/۲۸	۵۵/۹۵	۶۳/۰۸	۷۶/۲	۴۳/۴	۲۱/۶	۵۵/۷
	-۱۹۸۰-۱۹۹۰	۷۰/۱	۶۲	۶۴/۸	۵۵/۹۳	۶۱/۴۴	۷۳/۰۴	۷۹/۳	۵۱/۸	۳۰/۱	۶۶/۶
	-۱۹۹۰-۱۹۹۹	۶۷/۱	۷۴/۳	۷۶/۳	۶۴/۵۳	۸۰/۵	۸۴/۵۳	۸۳	۶۷/۶	۵۱/۳	۷۷/۷
	-۱۹۶۰-۱۹۹۹	۲/۴۷	۷۷/۶	۴۴/۱	۸۴/۰۲	۵۳	۳۲/۷۷	۵۳/۶	۸۴/۴	۹۴/۴	۶۸/۷
نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات (درصد)	-۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱/۵۷	۷۱/۹	۲۰/۴	۶۳/۰۸	۲۷/۲۲	۵/۳۸	۴۲/۸	۷۹/۲	۹۱/۵	۶۴/۵
	-۱۹۷۰-۱۹۸۰	۰/۷۷	۷۶/۶	۳۱/۳	۸۴/۴	۴۰/۹۷	۱۳/۷۱	۴۹/۵	۸۳	۹۴/۲	۶۶/۱
	-۱۹۸۰-۱۹۹۰	۰/۹۹	۷۸/۴	۴۷/۸	۹۱/۶۳	۵۷/۵۵	۳۲/۹	۵۷/۱	۸۵/۹	۹۶	۶۸/۹
	-۱۹۹۰-۱۹۹۹	۶/۷۴	۸۲/۵	۷۲/۳	۹۲/۵۳	۸۰/۵۴	۷۰/۸۳	۶۲/۴	۸۸/۷	۹۵/۲	۷۸/۳

بهره وری در اقتصاد ایران و بنگاه های صنعتی کشور و استان اصفهان:

سهم بهره وری در رشد اقتصادی هر کشور بسیار مهم می باشد. سهم بهره وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی مالزی در برنامه اول بین سال های ۱۹۸۱-۱۹۹۰ به طور متوسط ۰/۱۳ ، در برنامه دوم ۱۹۹۱-۲۰۰۰ حدود ۲۵/۵ درصد و در برنامه جامع سوم ۲۰۰۱-۲۰۱۰ حدود ۴۲/۵ درصد می باشد که روندی فزاینده را نشان می دهد. سهم بهره وری از رشد اقتصادی ژاپن طی سال های ۱۹۸۰-۱۹۸۴ حدود ۵۲/۲

درصد، سال های ۱۹۸۵-۱۹۸۹ حدود ۶۰/۷ درصد و طی سال های ۱۹۸۰-۲۰۰۰ حدود ۶۸/۵ درصد بوده است (سازمان بهره وری آسیایی، ۲۰۰۴).

جدول (۲۲) : سهم بهره وری در رشد اقتصادی ایران را نشان می دهد:

برنامه های پنج ساله	برنامه اول ۱۳۶۸-۱۳۷۲	برنامه دوم ۷۴-۷۸	برنامه سوم ۷۹-۸۳	برنامه چهارم توسعه ۸۴-۸۸	برنامه پنجم توسعه ۸۹-۹۳
رشد بهره وری نیروی کار	۴/۲٪	۰/۴٪	۲/۱٪	۲/۹٪	۰/۶٪
رشد بهره وری سرمایه	۵٪	۰/۲٪	۰/۲٪	۰/۲٪	۲/۹٪
رشد بهره وری کل عوامل تولید	۴/۴٪	۰/۱٪	۱/۴٪	۱/۱٪	۱/۹٪
سهم بهره وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی	۶۴٪	صفر	۲۸٪	۲۵٪	صفر

منبع : بانک مرکزی

در برنامه پنجم توسعه کشور اهداف پیش بینی شده برای رشد بهره وری نیروی کار ، سرمایه و کل عوامل تولید به ترتیب ۳/۹ درصد، ۰/۱٪ و ۲/۴٪ می باشد. متاسفانه عملکرد برابر صفر می باشد. جدول شماره ۲۳ تغییرات شاخص های بهره وری را در ایران نشان می دهد.

جدول (۲۳) : تغییرات شاخص های بهره وری در اقتصاد کشور (درصد)

سال	تغییر شاخص بهره وری نیروی کار	تغییر شاخص بهره وری سرمایه	تغییر شاخص بهره وری کل عوامل تولید
۱۳۷۹	۲	۲/۵	۲/۳

-۱/۷	- ۲/۴	-۰/۹	۱۳۸۰
۲/۵	۳/۲	۳/۷	۱۳۸۱
۴/۳	۳/۴	۵/۲	۱۳۸۲
۰/۴	-۰/۳	۱/۱	۱۳۸۳
۲	۱/۴	۲/۹	۱۳۸۴
۳/۱	۱/۸	۴/۹	۱۳۸۵
۴	۲/۹	۶/۵	۱۳۸۶
-۱/۱	- ۴/۴	۳/۵	۱۳۸۷
-۱/۸	- ۳/۶	-۱/۲	۱۳۸۸
۴/۱	۱/۵	۸/۳	۱۳۸۹
۰/۴	- ۰/۴	۵	۱۳۹۰
-۷/۶	- ۸/۸	- ۷/۳	۱۳۹۱
- ۴/۴	- ۳/۴	- ۵/۲	۱۳۹۲
۲/۱	۱/۴	۳/۲	۱۳۹۳
۶/۳	- ۷/۸	۳۱/۸	کل
۰/۳۵	-۰/۴۸	۱/۶	متوسط سالانه

منبع : نشریه دنیای اقتصاد شماره ۳۶۳۱، ۱۳۹۴)

اطلاعات مربوطه گویای آن است که طی ۱۸ سال بهره وری کل عوامل تولید در مجموع ۶/۳ درصد رشد داشته است که متوسط سالانه آن ۰/۳۵ می باشد و این درحالی است که بهره وری سرمایه به طور متوسط سالانه برابر ۰/۴۸- و شاخص بهره وری نیروی کار نیز به طور متوسط فقط ۱/۶ درصد رشد داشته است.

یکی از فاکتورهای بسیار مهم در بهبود بهره وری و بهره وری اقلام واسطه ای تولید به ویژه انرژی می باشد. بهره وری انرژی گویای آن است که ازای هر واحد انرژی که معادل بشکه نفت خام می باشد، چه میزان تولید ناخالص داخلی و یا ارزش افزوده بدست آمده است.

جدول (۲۴): ارزش افزوده و میزان بهره وری انرژی در کارگاه های صنعتی ده نفر کارکن به بالا به قیمت ثابت

شرح	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
تعداد کارگاه	۱۶۲۸۳	۱۶۰۱۸	۱۶۰۵۷	۱۷۵۹۳	۱۷۰۶۳	۱۶۱۲۹	۱۵۳۰۱	۱۴۹۶۲
مصرف انرژی میلیون بشکه معادل نفت خام	۱۵۳/۲	۱۵۵/۸	۱۷۱/۶	۱۸۲/۹	۱۸۶/۶	۱۹۸/۲	۲۱۱/۳	۲۲۴/۶
سرانه مصرف هر کارگاه هزار بشکه	۹/۴۱	۹/۷۳	۱۰/۶۹	۱۰/۴	۱۰/۹۴	۱۲/۲۹	۱۳/۸۱	۱۵/۰۱
ارزش افزوده- میلیارد ریال	۱۸۱۲۶۸	۱۹۲۴۲۲	۲۲۲۵۶۳	۲۵۵۳۲۱	۲۴۴۹۳۱	۲۴۵۰۵۶	۲۳۶۱۰۰	۱۹۳۱۱۲
بهره وری انرژی (بشکه-میلیون ریال)	۱/۱۸	۱/۲۴	۱/۳	۱/۴	۱/۳۱	۱/۲۴	۱/۱۲	۰/۸۶
رشد بهره وری انرژی (درصد)	-	۵/۰۸	۴/۸۴	۷/۷	۶/۴	۵/۳۴	۹/۷	۲۳/۲
بهره وری هر کارگاه (ارزش افزوده / تعداد کارگاه) میلیارد ریال	۱۱/۱۳	۱۲/۰۱	۱۳/۹۲	۱۴/۵۲	۱۴/۳۷	۱۵/۹	۱۵/۴۳	۱۲/۹

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

تعداد کارگاه های صنعتی مورد نظر طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در مجموع کاهش یافته است ، در حالی که روند میزان مصرف انرژی توسط آن ها کاملاً فزاینده می باشد، و در نتیجه سرانه مصرف انرژی هر کارگاه به طور متوسط روندی فزاینده داشته است. سرانه مصرف انرژی به ازای هر کارگاه در سال ۱۳۸۳ برابر ۹/۴۱ هزار بشکه معادل نفت خام می باشد، و این مقدار در سال ۱۳۹۰ به ۱۵/۰۱ هزار بشکه معادل نفت خام رسیده است، یعنی حدود ۶۰٪ افزایش نشان می دهد.

بهره وری انرژی در صنایع مورد نظر نه تنها در سطح مناسبی قرار ندارند، بلکه رشد آن در سال های ۱۳۸۷ به بعد منفی گردیده است و با روندی تقریباً فزاینده منفی شده است.

ارزش افزوده سرانه هر کارگاه صنعتی به طور متوسط طی سال های ۱۳۸۲-۱۳۹۰ برابر ۱۳/۷ میلیارد ریال می باشد که نامناسب می باشد، زیرا ارزش افزوده حاصل جمع بهای کلیه عوامل تولید شامل اجاره ، مالیات ، حقوق و دستمزد ، استهلاک ، بیمه کارخانه و سود و سایر جبران خدمات نیروی کار می باشد. و ارزش افزوده بخش صنایع بایستی به گونه ای باشد که سهم ارزش افزوده صنعت به تولید ناخالص داخلی کشور حداقل به ۲۰ الی ۲۵ درصد برسد. علاوه بر این میزان مالیات های دولت افزایش یابد و در ضمن سود حاصله برای بنگاه های تولیدی به گونه ای باشد که بتوانند هزینه تامین سرمایه را جبران کنند و قدرت مالی و نقدینگی کافی نیز برای طرح های توسعه و تغییر و تحولات تکنولوژیکی و سایر برنامه های بهبود بهره وری به وجود بیاید.

متوسط سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی طی سال های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ حدود ۱۵/۳ درصد می باشد. که این مقدار از متوسط سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی در کشورهای تازه صنعتی شده مانند کره جنوبی ، سنگاپور و مالزی و کشورهای صنعتی یعنی حدود ۲۵٪ بسیار پایین تر می باشد.

متوسط رشد اقتصادی کشور طی سال های ۸۱-۸۶ حدود ۶/۹ درصد می باشد که این مقدار در دوره ۸۷-۹۱ به ۱/۱٪ رسیده است که گویای سایه های رکود اقتصادی طی این سال ها می باشد و نتیجه آن تشدید رکود در سال های ۹۱ و ۹۲ با نرخ رشد اقتصادی منفی می باشد. در عین حال متوسط رشد ارزش افزوده صنعت طی سال های ۸۱-۸۶ حدود ۸ درصد و طی سال های ۸۷-۹۱ حدود ۳/۸ درصد می باشد. اگر چه بخش صنعتی نیز دارای رشد کاهنده می گردد ولی متوسط آن در سال های ۸۱-۹۱ بالاتر از متوسط رشد اقتصادی کل کشور می باشد ، یعنی ۶/۰۳ درصد در مقابل ۴/۳ درصد. از سویی در سال ۹۱ رشد اقتصادی تولید ناخالص داخلی کشور ۶/۸-درصد است ، در حالی که رشد ارزش افزوده صنعت در همین سال ۸/۵-درصد ، که گویای آن است که رشد صنعت تحت تاثیر شدید رشد اقتصادی کشور می باشد. می توان نتیجه گرفت که در دوران رکودی شدید مانند سال های ۹۱ و ۹۲ تقاضای داخلی برای محصولات صنعتی بشدت کاهش می یابد و به خاطر کاهش قدرت عمومی افراد جامعه ، هزینه های مصرفی کشور و خانوارها با رشد منفی روبرو شده است. از سویی دیگر رشد سرمایه گذاری نیز در بخش صنعت منفی گردیده است. بنابراین دو عنصر مهم تقاضای کل جامعه یعنی مصرف خانوارها و سرمایه گذاری به ویژه سرمایه گذاری بخش خصوصی با انقباض شدید روبرو گردیده است.

جدول (۲۵) : رشد هزینه های مصرفی و سهم بخش خصوصی و دولتی از آن به قیمت ثابت سال ۸۳ (درصد)

سال	رشد هزینه های مصرفی	هزینه های مصرفی نهایی - بخش خصوصی	هزینه های نهایی بخش دولتی	رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	ماشین آلات	ساختمان
۱۳۸۰	۵/۴۲	۴/۷۲	۰/۶	۲۴/۶	۱۷/۲	۱۶/۸
۱۳۸۱	۹/۳۶	۸/۶۲	۰/۶۴	۶/۶۸	-۲/۲۹	۱۷/۹۷
۱۳۸۲	۱/۹۹	۱/۲	۰/۷۹	۶/۳۷	۴/۶۲	۳/۹۲
۱۳۸۳	۸/۷۴	۶/۹۳	۱/۸۱	۷/۹	۷/۲۳	۱/۴۵
۱۳۸۴	۷/۵۷	۶/۵۸	۰/۹۹	۴/۶۵	۱/۲	۶/۹۶
۱۳۸۵	۷/۹۹	۶/۶۲	۱/۳۸	-۱/۴	-۰/۷۸	-۱/۲۷
۱۳۸۶	۸/۵۸	۱۰/۱۶	-۱/۵۸	۱۱/۱۴	۰/۷۳	۲۱/۴۸
۱۳۸۷	-۲/۸۹	-۳/۰۵	۰/۱۶	۱۰/۹۸	۳/۲۵	۱۷/۴۷
۱۳۸۸	۱/۹۴	۱/۹۲	۰/۰۲	۲/۹۴	۱/۱۳	۴/۲۴
۱۳۸۹	۲/۷۸	۳/۴۵	-۰/۶۷	۳/۸۵	۳/۴۱	۱/۰۲
۱۳۹۰	۲/۹	۳/۴۷	-۰/۵۷	۳/۵۱	۲/۹۳	۱/۳۱
۱۳۹۱	-۳/۵۶	-۱/۴۵	-۱/۱۱	-۲۳/۸	-۱۶/۳	-۱۶/۴۱
۱۳۹۲	-۰/۶۲	-۰/۸۷	۰/۲۴	-۶/۸۶	-۶/۱۹	-۱/۷۲
متوسط	۳/۹۲	۳/۷۲	۰/۳	۳/۹	۱/۲۳	۰/۶۳

منبع : بانک مرکزی

جدول (۲۶) : سهم بخش های صنعت از تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۸۳ (درصد)

گروه صنایع	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	متوسط
غذایی و آشامیدنی	۱/۹۱	۱/۷۲	۱/۶۲	۱/۷۶	۱/۸۹	۱/۵۹	۱/۴۸	۱/۶۳	۲	۲/۱	۲/۵۳	۱/۸۶
نساجی و پوشاک	۱/۳۳	۰/۹۸	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۶۵	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۵۹	۰/۶۷	۰/۸
چوب	۰/۳۶	۰/۱	۰/۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۱	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱
کاغذ، مقوا و چاپ	۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۳	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۲۴	۰/۲۹
چهارگروه اول	۳/۸۱	۳/۱۲	۲/۸۷	۳	۳/۱۳	۲/۵۸	۲/۵۶	۲/۷	۳/۱	۳/۱	۳/۵	۳/۰۴
شیمیایی	۲/۷۷	۲/۶۷	۲/۸۹	۳/۴	۳/۲	۳/۰۶	۲/۹۵	۳/۳۲	۲/۹۱	۳/۳۳	۳/۵۲	۳/۰۹
کانی غیر فلزی	۱/۶۳	۱/۸۵	۱/۷۱	۱/۶۳	۱/۷۵	۱/۹۵	۲/۱۴	۲/۴	۲/۵۸	۲/۳۵	۲/۵۹	۲/۰۵
فلزات اساسی	۱/۹۲	۲/۲۶	۲/۳۸	۲/۳۲	۲/۱۳	۲/۱۹	۲/۱۲	۱/۹	۲/۰۸	۲/۱۵	۲/۲۹	۲/۱۶
ماشین آلات و تجهیزات	۴/۱۳	۴/۶۳	۴/۶۱	۴/۶۸	۵/۰۷	۴/۶۷	۵/۰۵	۵/۴۹	۵/۷۳	۵/۷۱	۴/۴۲	۴/۹۳
چهار گروه دوم	۱۰/۴۵	۱۱/۴۱	۱۱/۵۹	۱۲/۰۳	۱۲/۱۵	۱۱/۸۷	۱۲/۲۶	۱۳/۱۱	۱۳/۳	۱۳/۵۴	۱۲/۸۲	۱۲/۲۳
مجموع کل سهم صنعت	۱۲/۲۶	۱۴/۵۳	۱۴/۴۶	۱۵/۰۳	۱۵/۲۹	۱۴/۴۵	۱۴/۸۲	۱۵/۸۲	۱۶/۴۱	۱۶/۶۴	۱۶/۳۲	۱۵/۲۷
متوسط دوره	۱۴/۳۴				۱۶				۱۵/۱۷			

منبع : بانک مرکزی و محاسبات محقق

جدول (۲۷): رشد تولید ناخالص داخلی و سهم صنعت و رشد ارزش افزوده صنعت به قیمت ثابت سال ۱۳۸۲ (درصد)

سال	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	متوسط
رشد تولید ناخالص داخلی	۸/۱۲	۸/۴۲	۴/۶۴	۶/۳۲	۶/۰۷	۷/۷۴	۰/۶۴	۱/۲۷	۶/۴۸	۴/۳	-۶/۷۸	۴/۳
جایگاه صنعت در رشد GDP	۱/۷۱	۱/۵	۰/۶	۱/۵۳	۱/۱۹	۰/۲۹	۰/۴۵	۱/۲	۱/۶۶	۰/۹۲	-۱/۴	۰/۱۸۸
سهم صنعت در رشد GDP	٪ ۲۱	٪ ۱۸	٪ ۱۳	٪ ۲۴	٪ ۲۰	٪ ۳/۷	٪ ۷۰	٪ ۹۵	٪ ۱۸	٪ ۲۲	-٪ ۲۰/۷	٪ ۲۰/۵
جایگاه سایر بخش ها در رشد GDP	۶/۴۱	۶/۹۲	۴/۰۴	۴/۸	۴/۸۸	۷/۴۵	۰/۱۹	۰/۰۷	۴/۸۲	۳/۳۸	-۵/۳۸	٪ ۳/۴
سهم سایر بخش ها در رشد GDP	٪ ۷۹	٪ ۸۲	٪ ۸۷	٪ ۷۶	٪ ۸۰	٪ ۹۶/۳	٪ ۳۰	٪ ۵	٪ ۸۲	٪ ۷۸	-٪ ۷۹/۳	٪ ۷۸/۵
رشد ارزش افزوده صنعت	۱۲/۵۴	۱۰/۵۱	۴/۱	۱۰/۵۱	۷/۹۳	۱/۹۴	۳/۱۱	۸	۱۰/۴۹	۵/۶۳	-۸/۴۶	٪ ۶/۰۳
متوسط رشد GDP	٪ ۶/۸۹					٪ ۱/۱۸					-	
متوسط رشد ارزش افزوده صنعت	٪ ۷/۹۱					٪ ۳/۷۶					-	
رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول صنایع	۶/۵۹	-۳	-۰/۸۱	۲/۴۷	۲/۲	-۲/۲۴	-۰/۱۳	۱/۲	۳/۸۲	۰/۷۲	۱/۰۱	٪ ۱/۰۸
رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم صنایع	۵/۹۷	۱۳/۵۲	۴/۹۱	۸/۰۴	۵/۷۳	۴/۱۸	۳/۲۴	۶/۸	۶/۶۷	۴/۹۱	-۹/۴۵	٪ ۴/۹۶
متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول صنایع	٪ ۰/۸۷					٪ ۱/۳۲					-	
متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم صنایع	٪ ۷/۰۶					٪ ۲/۴۳					-	

منبع: بانک مرکزی و محاسبات محقق

جدول (۲۸) : سهم هریک از بخش ها از ارزش صنعت

(درصد)

سال	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	متوسط
صنایع غذایی	۱۳/۴۱	۱۱/۸۷	۱۱/۲۳	۱۱/۷	۱۲/۳۹	۱۱	۹/۹۶	۱۰/۳۳	۱۲/۱۹	۱۳/۲۶	۱۵/۴۹	۱۲/۰۸
صنایع نساجی	۹/۳۲	۶/۷۴	۵/۴۹	۵/۵۲	۵/۱۸	۴/۵۲	۴/۹۵	۴/۳۷	۴/۴۷	۳/۵۳	۴/۰۸	۵/۲۹
صنایع چوب	۲/۵۲	۰/۷	۰/۶۷	۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۶۲	۰/۳۵	۰/۳۷	۰/۷
صنایع کاغذ	۱/۴۸	۲/۱۷	۲/۴۷	۲/۱۳	۲/۴۹	۱/۹۷	۱/۹۴	۱/۸۷	۱/۶۵	۱/۴۸	۱/۴۹	۱/۹۲
صنایع شیمیایی	۱۹/۴۳	۱۸/۳۸	۱۹/۹۸	۲۲/۶۲	۲۰/۹	۲۱/۱۷	۱۹/۹	۲۰/۹۹	۱۷/۷	۲۰/۰۱	۲۱/۵۶	۲۰/۲۴
صنایع کانی غیر فلزی	۱۱/۴۲	۱۲/۷۴	۱۱/۸۶	۱۰/۸۲	۱۱/۴۶	۱۳/۵	۱۴/۴۲	۱۵/۲	۱۵/۷۴	۱۴/۱۱	۱۵/۸۷	۱۳/۳۸
صنایع فلزات اساسی	۱۳/۴۷	۱۵/۵۶	۱۶/۴۲	۱۵/۴۵	۱۳/۹۴	۱۵/۱۴	۱۴/۳۲	۱۱/۹۹	۱۲/۷	۱۲/۹۴	۱۴/۰۵	۱۴/۱۸
صنایع ماشین آلات	۲۸/۹۶	۳۱/۸۵	۳۱/۸۸	۳۱/۱۷	۳۳/۱۹	۳۲/۲۶	۳۴/۰۹	۳۴/۷۳	۳۴/۹۳	۳۴/۳۳	۳۷/۱۰	۳۲/۲۳
۴ گروه اول	۲۶/۷۳	۲۱/۴۸	۱۹/۸۶	۱۹/۹۴	۲۰/۵۱	۱/۹۳	۱۷/۲۷	۱۷/۰۸	۱۸/۹۳	۱۸/۶۲	۲۱/۴۳	۲۰
۴ گروه دوم	۷۳/۲۷	۷۸/۵۲	۸۰/۱۴	۸۰/۰۶	۷۹/۴۸	۸۲/۰۷	۸۲/۷۹	۸۲/۹۲	۸۱/۰۷	۸۱/۳۸	۸۱/۵۷	۸۰
متوسط سهم ۴ گروه اول	٪ ۲۱/۰۸					٪ ۱۸/۶۸					-	
متوسط سهم ۴ گروه دوم	٪ ۷۸/۹۲					٪ ۸۱/۳۲					-	

منبع: بانک مرکزی و محاسبات محقق

جدول (۲۹) : سهم ارزش افزوده صنایع در ایران و کشورهای آسیایی منتخب در سال ۲۰۰۸ (درصد)

نام کشور	مالزی	ژاپن	کره	اندونزی	ایران
سهم ارزش افزوده صنایع کوچک	۴/۷	۱۳/۷	۲۱/۲	۵/۸	۲۱
سهم ارزش افزوده صنایع متوسط	۲۱/۲	۴۳/۳	۲۰	۵/۶	۴
سهم ارزش افزوده صنایع بزرگ	۷۴/۱	۴۳/۷	۵۸/۸	۸۸/۴	۷۵

منبع: نیلی و همکاران

متوسط رشد ۴ گروه صنایع غذایی، نساجی، چوب و کاغذ و مقوای طی سال های ۸۱-۹۱ به طور سالیانه برابر ۱/۰۸ درصد و متوسط رشد ۴ گروه صنایع شیمیایی، محصولات غیر فلزی و فلزات اساسی و ماشین آلات و تجهیزات به طور سالیانه برابر ۴/۹۶ درصد می باشد. سهم ۴ گروه اول در کل رشد سالانه حدود ۲۰٪ و سهم ۴ گروه دوم در کل رشد سالانه برابر ۸۰ درصد می باشد، که گویای ساختار نامناسب صنعت می باشد. علاوه بر این روند سهم هریک از بخش های صنعتی از ارزش افزوده کل صنعت طی سال های مورد نظر تغییر چندانی نکرده است، که گویای عدم تعادل و تحول اساسی در ساختار صنعت می باشد، به ویژه آنکه ترکیب سهم ارزش افزوده صنایع کوچک و متوسط و بزرگ در ایران در مقایسه با کشورهای آسیای شرقی بیانگر جایگاه نامناسب صنایع متوسط در زنجیره صنعتی کشور می باشد.

سهم بخش صنعت و معدن از اقتصاد کشور به قیمت های جاری با نوسانات زیادی روبرو بوده است. کم ترین سهم بخش صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی ۷/۸ درصد در سال ۱۳۵۸ می باشد. در سال ۱۳۷۶ سهم به ۱۸ درصد می رسد که تا سال های ۱۳۸۰ در همین حد باقی می ماند ولی از سال های ۱۳۸۰ به بعد روند نزولی می یابد و در سال های ۱۳۹۱ به ۱۱/۸ درصد می رسد. ولی سهم صنعت و معدن به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳ دارای روندی فزاینده می باشد که تفاوت این دو روش (قیمت جاری و ثابت) در تغییر قیمت های نسبی می باشد، بدین معنا که قیمت نسبی بخش صنعت و معدن نسبت به کل اقتصاد کاهش یافته است. از این رو سهم بخش صنعت و معدن به قیمت های جاری روندی کاهشی می یابد. بنابراین می توان گفت بخش صنعت و معدن بر حسب مقادیر حقیقی سهم بیش تری از کالاها و خدمات را در اقتصاد تولید کرده است، از سوی دیگر قیمت کالاها صنعتی و معدنی در مقایسه با سایر قیمت کالاها و خدمات کم تر، افزایش یافته است. یکی از دلایل آن می تواند واردات بی رویه کالاها مشابیه خارجی باشد و چون

کنترل قیمت در این بخش راحت تر صورت می گیرد قیمت محصولات صنعتی و معدنی به نسبت سایر قیمت کالاها و خدمات کم تر افزایش یافته است (بانک مرکزی ، نماگرهای اقتصادی) .

از نظر ارزش افزوده ، عمده ترین فعالیت های صنعتی در ایران در بخش صنایع مواد و محصولات شیمیایی ، تولیدات فلزات اساسی ، صنایع ت مواد غذایی و آشامیدنی و صنایع سایر محصولات کانی غیر فلزی و صنایع ذغال کک ، پالایشگاه های نفت و سوخت هسته ای صورت می گیرد ، که به جز صنایع غذایی، ساختار عمده بخش صنعت ایران مبتنی بر مواد و منابع می باشد (اژدری و حیدری ، ۱۳۹۴) .

بررسی آمارهای رسمی نشان می دهد که ارزش افزوده بخش صنعت و معدن طی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ به طور متوسط سالیانه ۶/۶ درصد رشد کرده است. در سال ۱۳۹۱ به دلیل تشدید تحریم های اقتصادی ، بروز شوک ارزی و مشکلات مربوطه ، بخش صنعت رشد منفی ۸/۵ درصد را تجربه کرده است که رشد منفی در سال ۱۳۹۲ نیز ادامه می یابد . رشد بالقوه بخش صنعت در سال ۱۳۸۳ حدود ۸ درصد بوده است که با روندی کاهنده در سال ۱۳۹۲ به ۰/۵ درصد می رسد و بیان گر آن است که یک دوره زمانی طی شده است تا این وضعیت به وجود آمده است، که لزوماً به معنای ناتوانی بخش صنعت و معدن نمی باشد. بنابراین با تمهیداتی می توان رشد بالقوه و توان بالقوه بخش صنعت و معدن را به فعل در آورد و شاهد رشد بالاتر بخش صنعت باشیم (همان منبع) .

در مطالعاتی برای الگوسازی تجربی برای ارزش افزوده بخش صنعت چهار فاکتور مهم می تواند بر رشد اقتصادی و ارزش افزوده صنعت و توان رقابتی محصولات صنعتی تاثیر گذار باشد، تولید و انتقال فناوری ، سرمایه گذاری و انباشت سرمایه فیزیکی ، سیاست های ارزی و درآمد های نفتی. نتایج کلی این مطالعه عبارتست از :

۱- به ازای هر یک درصد افزایش درآمدهای نفتی برای بلند مدت ، حدود ۰/۴۸ درصد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن افزایش می یابد.

۲- هر یک درصد افزایش در سرمایه گذاری بخش صنعت و معدن در بلند مدت موجب افزایش ۰/۹ درصد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن می گردد. بین سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن به طور متوسط سالیانه ۱۰/۵ درصد رشد کرده است که شاهد رشد های مثبت ارزش افزوده این بخش می باشیم . در حالی که سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن طی سالهای ۸۴ تا ۹۱ به طور متوسط ۵/۵ درصد رشد کرده است ، که شاهد رشد های منفی ارزش افزوده این بخش در سال های ۹۱ و ۹۲ می باشیم.

۳- اگر نرخ ارز حقیقی یک درصد افزایش یابد ، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به میزان ۰/۵۶ درصد افزایش می یابد.

۴- چنانچه واردات کالاهای سرمایه ای به میزان یک درصد افزایش یابد ، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن حدود ۰/۳۹ درصد افزایش می یابد. (همان منبع) .

جدول (۳۰) : برخی از نماگرها مربوط به صنایع کوچک (۱۰ - ۴۹ نفر) در کل کشور (میلیارد ریال)

نماگرها	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	متوسط
تعداد کارگاه	۱۳۰۴۲	۱۲۳۰۰	۱۱۴۴۰	۱۰۷۱۱	۱۰۴۸۹	۱۰۳۵۵	۹۹۷۳	۹۷۷۲	۱۱۰۱۰
درصد تغییرات	۷/۳	-۵/۷	-۷	-۶/۴	-۲/۱	-۱/۲	-۳/۷	-۲	-۲/۶
تعداد شاغلین - هزار نفر	۲۸۹	۲۷۳	۲۵۶	۲۴۴	۲۳۵	۲۳۸	۲۳۰	۲۲۱	۲۲۳
درصد تغییرات	۸/۲	-۵/۵	-۶/۳	-۴/۷	-۳/۷	۱/۳	-۳/۴	-۳/۹	-۲/۳
جبران خدمات کل	۱۰۲۱۱	۱۱۷۲۶	۱۲۷۶۱	۱۳۷۳۰	۱۵۸۶۹	۲۰۶۱۶	۲۳۲۶۹	۲۷۲۰۱	۱۶۷۹۸
درصد تغییرات	۲۰/۸	۱۴/۷	۸/۹	۷/۶	۱۵/۶	۲۹/۹	۱۲/۹	۱۶/۹	۱۵/۹
ارزش تولیدات	۹۳۵۱۱	۹۸۷۶۰	۱۰۰۵۱۸	۱۲۶۱۶۷	۱۶۱۱۸۷	۲۶۲۶۸۱	۲۷۳۶۸۲	۲۹۸۹۴۸	۱۷۶۹۳۲
درصد تغییرات	۳۸/۶	۵/۶	۱/۸	۲۵/۵	۲۷/۸	۵۰/۶	۱۲/۸	۹/۲	۲۱/۴۵
میزان صادرات - میلیون دلار	۴۲۴	۳۷۶	۳۸۶	۴۷۷	۵۹۳	۵۳۲	۸۷۱	۷۱۱	۵۴۶
درصد تغییرات	۳۰/۸	۱۱/۳	۲/۵	۲۳/۱	۲۴/۸	-۶/۹	۵۷/۸	-۱۸/۴	۱۵/۶۴
ارزش سرمایه گذاری	۶۳۰۹	۶۴۲۲	۴۹۸۸	۵۲۵۰	۵۲۶۸	۸۳۲۷	۹۳۰۶	۱۳۵۱۸	۷۳۸۶
درصد تغییرات	۶۳/۷	۱/۸	-۲۲/۳	۵/۳	۵/۳	۰/۳	۱۱/۸	۴۶	۲۰/۶
ارزش نهاد	۶۵۱۶۷	۶۸۱۸۱	۶۹۸۵۳	۹۰۵۱۷	۱۱۲۴۴۰	۱۷۴۰۲۰	۱۹۷۷۲۸	۲۱۶۶۳۴	۱۲۴۳۱۸
درصد تغییرات	۳۸/۲	۴/۶	۲/۵	۲۹/۶	۲۴/۲	۵۴/۸	۱۳/۶	۹/۶	۲۲/۱۴
ارزش ستانده	۹۷۹۳۲	۱۰۳۰۵۲	۱۰۴۹۴۶	۱۳۰۹۱۸	۱۶۶۸۲۰	۲۴۸۸۰۲	۲۸۰۴۰۴	۳۰۸۹۲۶	۱۸۰۲۲۵
درصد تغییرات	۳۸/۷	۵/۲	۱/۸	۲۴/۷	۲۷/۵	۴۹/۲	۱۲/۷	۱۰/۲	۲۱/۲۵
ارزش افزوده	۳۲۷۶۵	۳۶۸۷۰	۳۵۰۹۴	۴۰۴۰۱	۵۴۴۸۰	۷۴۷۸۳	۸۲۶۷۳	۹۲۲۹۲	۵۶۱۷۰
درصد تغییرات	۳۱/۴	۶/۴	۰/۶	۱۵/۱	۳۴/۸	۳۷/۳	۱۰/۶	۱۱/۶	۱۸/۴۸
ارزش افزوده سرانه شاغلین	۰/۱۱۳	۰/۱۳۵	۰/۱۳۷	۰/۱۶۶	۰/۲۳	۰/۳۱۴	۰/۳۶	۰/۴۱۸	۰/۲۲۳
درصد تغییرات	-	۱۹/۴۷	۱/۴۸	۲۱/۱۷	۳۸/۵۵	۳۶/۵	۱۴/۶۵	۱۶/۱۱	۲۱/۱۳
متوسط شاغلین هر بنگاه	۲۲/۶	۲۲/۲	۲۲/۳۸	۲۲/۷۸	۲۲/۶	۲۲/۹۸	۲۳/۰۶	۲۲/۶۲	۲۲/۶
درصد تغییرات	-	-۱/۷۷	۰/۸۱	۱/۷۸	-۰/۷۹	۱/۶۸	۰/۳۵	-۱/۹	۰/۰۲۳
متوسط سرانه جبران خدمات هر کارکن	۰/۰۳۵	۰/۰۴۳	۰/۰۵	۰/۰۵۶	۰/۰۶۶	۰/۰۸۷	۰/۱	۰/۱۲۳	۰/۰۷
درصد تغییرات	-	۲۲/۸۸	۱۶/۲۸	۱۲	۱۷/۸۶	۳۱/۸۲	۱۴/۹۴	۲۳	۱۹/۸۲
شاخص قیمت تولید کننده	۴۱/۵	۵۲	۵۳/۷	۶۸/۳	۱۰۰	۱۲۹	۱۶۵/۴	۱۹۲	-
درصد تغییرات	۱۷/۸	۲۵/۳	۳/۳	۲۷	۴۶/۶	۳۹	۲۸/۲	۱۶/۱	۲۵/۴

منبع : طرح آمارگیری کارگاه های صنعتی - مرکز آمار و محاسبات محقق

جدول (۳۱) : مقایسه برخی نماگرهای صنایع کوچک (۱۰- ۴۹ نف) در کشور و استان اصفهان سال های ۹۰- ۹۳

شرح نماگر	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	متوسط
تعداد کل بنگاه ها :					
کشور	۱۰۴۸۱	۱۰۳۵۵	۹۹۷۳	۹۷۷۲	۱۰۱۴۵
اصفهان	۱۲۸۴	۱۲۲۵	۱۱۵۳	۱۰۳۰	۱۱۷۳
سهم اصفهان (درصد)	۱۲/۲۵	۱۱/۸۳	۱۱/۵۶	۱۰/۵۴	۱۱/۵۵
تعداد کل شاغلین :					
کشور	۲۳۷۲۳۹	۱۳۷۶۷۵	۲۳۰۰۳۵	۲۲۱۱۴۵	۲۰۶۵۲۴
اصفهان	۳۰۱۲۹	۲۸۲۳۶	۲۷۰۹۸	۲۵۰۷۸	۲۷۶۳۵
سهم اصفهان (درصد)	۱۲/۷	۱۱/۸۸	۱۱/۷۸	۱۱/۳۴	۱۱/۹۳
ارزش جبران خدمات کار (میلیارد ریال) :					
کشور	۱۵۸۶۹	۲۰۶۱۶	۲۳۲۶۹	۲۷۲۰۱	۲۱۷۳۹
اصفهان	۱۹۹۲	۳۶۰۱	۲۸۳۶	۳۱۷۶	۲۹۰۱
سهم اصفهان (درصد)	۱۲/۶	۱۷/۵	۱۲/۲	۱۱/۷	۱۳/۵
ارزش افزوده (میلیارد ریال) :					
کشور	۵۴۴۷۹	۷۴۷۸۳	۸۷۳۷۴	۹۲۲۹۲	۷۷۲۳۲
اصفهان	۷۵۰۱	۹۰۱۴	۱۰۱۵۶	۱۰۵۶۸	۹۳۱۰
سهم اصفهان (درصد)	۱۳/۶	۱۲/۱۱	۱۱/۶۲	۱۱/۴۵	۱۲/۲
ارزش تولید (میلیارد ریال) :					
کشور	۱۶۲۱۶۷	۲۴۲۶۸۱	۲۷۳۶۹۳	۲۹۸۹۴۸	۲۴۴۳۷۳
اصفهان	۲۲۸۰۰	۲۷۴۱۲	۳۳۲۹۰	۳۱۶۸۷	۲۸۷۹۷
سهم اصفهان (درصد)	۱۴/۲	۱۱/۳	۱۲/۱۶	۱۰/۶	۱۲/۰۷
ارزش سرمایه گذاری (میلیارد ریال) :					
کشور	۵۲۶۸	۸۳۲۷	۹۳۰۷	۱۳۵۸۹	۹۱۲۳
اصفهان	۷۲۸	۹۳۲	۱۳۱۷	۳۵۸۷	۱۶۱۶
سهم اصفهان (درصد)	۱۳/۸	۱۱/۲	۱۴/۶۹	۲۶/۴	۱۶/۴۵

ادامه جد ول (۳۱) : مقایسه برخی نماگرهای صنایع کوچک (۱۰ - ۴۹ نفر) در کشور و استان اصفهان

شرح نماگر	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	متوسط
تعداد شاغلین سرانه هر بنگاه :					
کشور	۲۲/۶	۲۲/۹۵	۲۳/۰۷	۲۲/۶۳	۲۲/۸
اصفهان	۲۳/۵	۲۳/۰۵	۲۳/۵	۲۴/۳۵	۲۳/۶
جبران خدمات سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) :					
کشور	۱/۵	۲	۲/۳۳	۲/۷۸	۲/۱۵
اصفهان	۱/۵۵	۲/۹۴	۲/۴۶	۳/۰۸	۲/۵۱
ارزش افزوده سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) :					
کشور	۵/۲	۷/۲۲	۸/۷۶	۹/۴۵	۷/۶۶
اصفهان	۵/۸۴	۷/۳۶	۸/۸۱	۱۰/۲۶	۸/۰۷
ارزش تولید سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) :					
کشور	۱۵/۴۷	۲۳/۴۴	۲۷/۴۴	۳۰/۶	۲۴/۲۴
اصفهان	۱۷/۷۶	۲۲/۳۸	۲۸/۸۷	۳۰/۷۶	۲۴/۹۴
ارزش سرمایه گذاری سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) :					
کشور	۰/۵	۰/۸۱	۰/۹۳	۱/۳۹	۰/۹۱
اصفهان	۰/۵۷	۰/۷۶	۱/۱۴	۳/۴۸	۱/۴۹
جبران خدمات سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) :					
کشور	۰/۰۶۷	۰/۰۸۷	۰/۱	۰/۱۲۳	۰/۰۹۴
اصفهان	۰/۰۶۶	۰/۱۳	۰/۱	۰/۱۲۷	۰/۱۱
ارزش افزوده سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) :					
کشور	۰/۲۳	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۴۱۷	۰/۳۴
اصفهان	۰/۲۵	۰/۳۲	۰/۳۸	۰/۴۲	۰/۳۴
سرمایه گذاری سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) :					
کشور	۰/۰۲۲	۰/۰۳۵	۰/۰۴۱	۰/۰۰۶	۰/۰۲۶
اصفهان	۰/۰۲۴	۰/۰۳۳	۰/۰۴۹	۰/۱۴	۰/۰۶۲
تولید سرانه هر کارکن (میلیارد ریال) :					
کشور	۰/۶۸	۱/۰۲	۱/۲	۱/۳۵	۱/۰۶
اصفهان	۰/۷۶	۰/۹۷	۱/۲۳	۱/۲۶	۱/۰۶

منبع : طرح آمارگیری بنگاه های فعال ۱۰ نفر به بالا ، مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

جدول (۳۲) : مقایسه مصرف انرژی در بنگاه های بزرگ صنعتی (۱۰ نفر کارکن به بالا) در کشور و استان اصفهان

شرح	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	متوسط
تعداد کل بنگاه ها :									
کشور	۱۷۵۹۳	۱۷۰۶۳	۱۶۱۲۹	۱۵۳۰۱	۱۴۹۶۲	۱۴۷۸۴	۱۴۶۹۷	۱۴۴۵۲	۱۵۶۲۳
اصفهان	۲۲۱۷	۱۹۹۹	۱۹۰۷	۱۸۷۶	۱۸۳۲	۱۷۹۴	۱۷۲۵	۱۵۶۱	۱۸۶۴
ارزش افزوده - میلیارد ریال کشور	۳۴۸۰۰۳	۴۰۸۳۰۰	۴۲۰۷۶۲	۴۹۲۶۳۰	۶۲۴۳۳۲	۸۴۸۲۲۳	۱۲۰۰۱۴۸	۱۳۳۲۳۶۵	۷۰۹۳۴۵
اصفهان	۶۳۰۵۷	۷۳۸۹۹	۵۳۲۱۸	۶۸۳۵۶	۸۸۸۱۳	۹۶۸۱۱	۱۰۴۲۰۴	۱۴۱۵۰۶	۸۵۳۵۸
مصرف انرژی (هزار بشکه معادل نفت خام) :									
کشور	۱۸۲۸۵۳	۱۸۶۸۹۸	۱۹۸۲۳۷	۲۱۱۲۷۹	۲۲۴۵۷۳	۲۳۰۴۱۸	۲۴۶۷۹۵	۲۶۰۹۲۸	۲۱۷۷۴۸
اصفهان	۴۱۰۹۵	۴۵۰۴۰	۴۴۶۶۶	۴۹۹۹۳	۴۷۵۰۴	۵۱۸۲۹	۴۴۶۰۹	۴۶۹۲۷	۴۶۴۵۸
ارزش افزوده سرانه هر بنگاه (میلیارد ریال) :									
کشور	۱۹/۷۸	۲۳/۹۳	۲۶/۰۹	۳۲/۳	۴۱/۷۳	۵۷/۳۷	۸۱/۶۶	۹۲/۲	۴۶/۸۸
اصفهان	۲۸/۴۴	۳۶/۹۷	۲۷/۹	۳۶/۴۴	۴۸/۴۸	۵۳/۹۶	۸۹/۴	۹۰/۶۵	۵۱/۵۳
مصرف سرانه انرژی هر بنگاه (هزار بشکه) :									
کشور	۱۰/۳۹	۱۰/۹۴	۱۲/۳	۱۳/۸	۱۵	۱۵/۶	۱۶/۸	۱۸/۰۵	۱۴/۱۱
اصفهان	۱۸/۵۴	۲۲/۵	۲۳/۴	۲۶/۶۵	۲۵/۹	۲۸/۹	۲۵/۸۶	۳۰/۰۶	۲۵/۲۲
بهره وری انرژی هر بنگاه (هزار ریال / بشکه) :									
کشور	۱۹۰۴	۲۱۸۷	۲۱۲۱	۲۳۴۰	۲۷۸۲	۳۶۷۸	۴۸۶۱	۵۱۰۸	۳۱۲۳
اصفهان	۱۵۳۴	۱۶۴۳	۱۱۹۲	۱۳۶۷	۱۸۷۲	۱۸۶۷	۳۴۵۷	۳۰۱۶	۱۹۹۴

منبع : نتایج آمارگیری بهره وری انرژی - مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

یافته های مهم جدول شماره ۳۰:

تعداد کل بنگاه های کوچک از ۱۳۰۴۲ در سال ۸۶ به ۹۷۷۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است که به طور متوسط سالانه رشد ۲/۶ - را نشان می دهد. تعداد کل شاغلین نیز از ۲۸۹ هزار نفر به ۲۲۱ هزار نفر کاهش یافته که گویای متوسط رشد سالانه حدود ۲/۳ - می باشد. و آمار های فوق حاکی از آن است که بنگاه های کوچک عمدتاً از سال های ۸۷ به بعد تحت تاثیر عوامل بیرونی و داخلی، دچار مشکلات و تنگنا های مختلفی می شوند.

ارزش جبران خدمات نیروی کار از ۱۰۲۱۱ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۲۷۲۰۱ میلیارد ریال در سال ۹۳ افزایش یافته (به قیمت های جاری) که متوسط رشد سالانه حدود ۱۵/۸ درصد را نشان می دهد. با توجه به این که تعداد بنگاه ها و شاغلین آن ها طی سال های مورد نظر کاهش یافته است، می توان گفت افزایش سالانه پرداخت جبران خدمات به لحاظ افزایش تورم در حقوق و دستمزدها می باشد.

میزان صادرات بنگاه های کوچک در کل کشور از ۴۲۴ میلیون دلار در سال ۸۶ به ۵۴۶ میلیون دلار افزایش یافته است، که به طور متوسط رشد سالانه ۱۵/۶۴ درصد را بازگو می کند. که بخشی از آن به لحاظ تورم می باشد. بنابراین اگرچه صادرات فوق گویای تلاش صنعتگران و وجود پتانسیل در این حوزه می باشد ولی مقدار آن چندان قابل توجه نمی باشد. اما از سویی با حمایت های لازم در بسترسازی عوامل بیرونی و با رخداد تحولاتی در عوامل داخلی می توان شاهد افزایش صادرات در حوزه صنعت به ویژه صنایع کوچک باشیم.

ارزش افزوده به قیمت های جاری برای بنگاه های کوچک در سال ۸۶ حدود ۳۲۷۶۵ میلیارد ریال می باشد، و در سال ۹۳ به ۵۶۱۷۰ میلیارد رسیده است که بیان گر متوسط رشد سالانه ۱۸/۵ درصد است. ارزش افزوده سرانه نیروی کار از ۰/۱۱۲ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۰/۴۱۸ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است که رشد سالانه ۲۱ درصدی را گویا می باشد. متوسط سالانه ارزش افزوده نیروی کار ۲۲۳۰۰۰۰۰ تومان است که بخش مهم آن به لحاظ تورم می باشد. شاخص قیمتی تولیدکننده طی سال های مورد نظر به طور متوسط حدود ۲۵٪ افزایش یافته که گویای تورم سالانه به همین مقدار در حوزه تولید می باشد. بنابراین می توان گفت عملکرد واقعی صنایع کوچک به قیمت های ثابت طی سال های مورد نظر بسیار ناچیز می باشد، و عملکرد های پایین اولاداعی کننده آن است که بنگاه ها از ظرفیت های موجودشان در سطح مناسبی استفاده نمی کنند، در ثانی گویای بحران مالی و نقدینگی می باشد. لازم به ذکر است که ارزش افزوده حاصل جمع بهای کلیه عوامل تولید (حقوق و دستمزد، استهلاک دارایی های ثابت، هزینه بهره، اجاره، بیمه کارخانه، مالیات و سود خالص می باشد. در جایی که سهم جبران خدمات کار در ارزش افزوده سرانه نیروی کار به طور

متوسط سالانه حدود ۳۲٪ می باشد، و چنان چه سایر بهای عوامل تولید نیز از آن کسر شود، سود خالص سالانه بسیار ناچیز خواهد شد. بنابر این می توان گفت مهم ترین عصبی دست بنگاه ها و مهم ترین منبع تامین مالی برای توسعه و ماندن در میدان رقابت دنیای صنعتی گران با تغییر و تحولات سریع و روزافزون بسیار ضعیف می باشد، و این پدیده می تواند یکی از علل مهم کاهش فعالیت ها و یا تعطیلی برخی از بنگاه ها باشد.

یافته های مهم جدول شماره ۳۱ :

– تعداد بنگاه های کوچک در کل کشور از ۱۰۴۸۱ در سال ۹۰ به ۹۷۷۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است، که متوسط رشد سالانه ۲/۳ – را نشان می دهد. تعداد بنگاه های کوچک در استان اصفهان طی سال های مذکور از ۱۲۸۴ به ۱۰۳۰ مورد کاهش یافته که گویای متوسط رشد سالانه ۶/۶ – می باشد. بنابراین نرخ کاهش تعداد بنگاه های کوچک در استان اصفهان نسبت به کل کشور حدود سه برابر می باشد و قابل تامل می باشد.

– تعداد شاغلین در بنگاه های کوچک در کل کشور از ۲۳۷۲۳۹ نفر در سال ۹۰ به ۲۲۱۱۴۵ نفر در سال ۹۳ تقلیل یافته، که گویای متوسط رشد سالانه ۲/۳ – می باشد. مقادیر فوق در استان اصفهان به ترتیب برابر ۳۰۱۲۸ و ۲۵۰۷۸ و ۵/۶ – می باشد. بنابراین نرخ کاهش شاغلین در استان اصفهان نسبت به کل کشور حدود ۲/۵ برابر بیش تر است. و این در حالی است که بنگاه های کوچک در استان اصفهان به طور متوسط سالانه سهم ۱۲ درصدی از کل اشتغال و تعداد بنگاه های کوچک را به خود اختصاص داده اند.

متوسط تعداد شاغلین در هر بنگاه کوچک در کل کشور ۲۲/۸ نفر و در استان اصفهان حدود ۲۳/۶ نفر می باشد، یعنی میزان اشتغال زایی هر بنگاه کوچک در استان اصفهان بیشتر از کل کشور است.

– متوسط رشد سالانه پرداخت جبران خدمات نیروی کار در کل کشور ۲۳ درصد و در استان اصفهان ۱۹/۸ درصد می باشد. ارزش جبران خدمات کار به طور سرانه برای هر بنگاه کوچک در کل کشور و استان اصفهان به ترتیب برابر ۲/۱۵ و ۲/۱ میلیارد ریال طی سال های مذکور می باشد. با این حال ارزش جبران خدمات سرانه نیروی کار در کل کشور و استان اصفهان به ترتیب برابر ۰/۰۹۴ و ۰/۱۱ میلیارد ریال می باشد. به عبارتی هر شاغل در بنگاه های کوچک استان اصفهان ۱/۱۷ بربر هر شاغل در کل کشور دریافتی بیش تری دارد (۱۷٪ بالاتر).

– ارزش افزوده سرانه هر بنگاه کوچک طی سال های ۹۰ – ۹۳ در کل کشور ۷/۶۶ میلیارد ریال و در استان اصفهان حدود ۸/۰۷ میلیارد ریال می باشد، که به طور متوسط هر بنگاه کوچک در استان اصفهان نسبت به

کل کشور حدود ۵٪ ارزش افزوده بالاتری را داشته است. با توجه به تنگناهای بیش تر بر سر راه بنگاه های کوچک استان اصفهان، صنعتگران استان توانسته اند عملکرد بالاتری داشته باشند، که خود گویای پتانسیل ها و تجربیات ارزنده استان می باشد. از سوی دیگر بخشی از عملکرد بالاتر بنگاه های کوچک استان نسبت به کل کشور به خاطر سرمایه گذاری سرانه بیش تر بوده است. ارزش سرمایه گذاری به ازای هر کارکن طی سال های مورد نظر به طور متوسط سالانه در کل کشور ۰/۰۲۶ و در استان اصفهان ۰/۰۶۲ میلیارد ریال می باشد، یعنی سرمایه گذاری سرانه در استان اصفهان حدود ۲/۴ برابر بیشتر است. نتیجه آنکه تزریق سرمایه به بنگاه های کوچک در بهبود عملکرد آن ها تاثیر مثبت دارد، البته تلاش صنعتگران را نبایستی فراموش کرد. و چنانچه مشکلات مالی و نقدینگی آن ها مرتفع شود، می توان شاهد شکوفایی بخش مهمی از بنگاه های صنعتی باشیم.

یافته های مهم جدول شماره ۳۲ :

__ بنگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا در سطح کشور از ۱۷۵۹۳ در سال ۸۶ به ۱۴۴۵۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است، یعنی در مجموع ۳۱۴۱ واحد صنعتی غیر فعال شده اند و به طور متوسط شاهد متوسط رشد سالانه ۶٪ - می باشیم. در استان اصفهان تعداد کل بنگاه ها از ۲۲۱۷ در سال ۸۶ به ۱۵۶۱ مورد در سال ۹۳ رسیده است که متوسط رشد سالانه ۱۰٪ - را نشان می دهد. بنابراین نرخ غیر فعال شدن بنگاه ها در استان اصفهان به طور متوسط سالانه حدود ۱/۷ برابر نسبت به کل کشور می باشد.

__ میزان مصرف انرژی از سوی کل بنگاه ها صنعتی ۱۰ نفر به بالا در سطح کل کشور از ۱۸۲۸۵۳ هزار بشکه معادل نفت خام در سال ۸۶ به ۲۶۰۹۲۸ هزار بشکه رسیده است، که گویای متوسط رشد سالانه ۶/۱٪ می باشد. این مقدار در استان اصفهان از ۴۱۰۹۵ هزار بشکه در سال ۸۶ به ۴۶۹۲۷ هزار بشکه در سال ۹۳ رسیده است که رشد سالانه ۴/۷۳٪ در صدی را نشان می دهد. که نسبت به کل کشور در سطح کم تری قرار دارد، که بخش مهم آن به لحاظ آن است که بنگاه ها در استان اصفهان بیشتر غیر فعال شده اند و یا با نرخ بیش تری از فعالیت آن ها کاسته شده است

__ هر بنگاه صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا در سطح کل کشور در سال ۸۶ به طور سرانه حدود ۱۹/۸ میلیارد ریال ارزش افزوده به قیمت های جاری داشته است که به ۹۲/۲ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است، و متوسط رشد سالیانه ۵۲/۲٪ درصد را نشان می دهد. مقدار ارزش افزوده هر بنگاه در استان اصفهان به طور متوسط از ۲۸/۴۴ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۹۰/۶۵ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است که گویای متوسط رشد سالانه ۳۱/۲٪ می باشد که بسیار کم تر از متوسط کل کشور می باشد.

— میزان مصرف سرانه انرژی از سوی هر بنگاه در کل کشور در سال ۸۶ برابر ۱۰/۳۹ هزار بشکه معادل نفت خام می باشد که در سال ۹۳ به ۱۸/۰۵ هزار بشکه رسیده است ، و حاکی از متوسط رشد سالانه ۱۰/۵٪ می باشد . مقدار مصرف انرژی برای هر بنگاه به طور سرانه در استان اصفهان در سال ۸۶ برابر ۱۸/۵۴ و در سال ۹۳ برابر ۳۰/۰۶ هزار بشکه می باشد که نشان گر متوسط رشد سالانه ۸/۹٪ می باشد که نسبت به متوسط مصرف انرژی در سطح کل کشور کم تر می باشد.

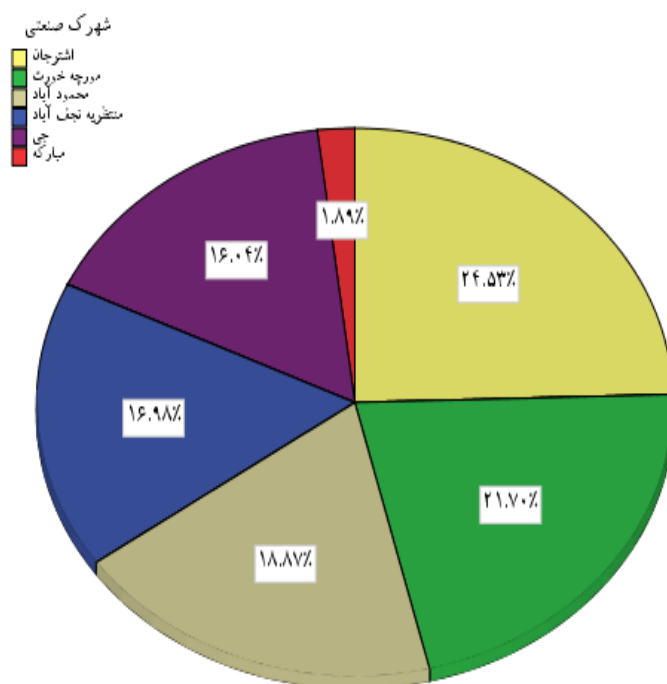
— بهره وری انرژی هر بنگاه (ارزش افزوده تقسیم بر میزان مصرف انرژی) در کل کشور در سال ۸۶ برابر ۱۹۰۴ هزار ریال به ازای مصرف هر بشکه انرژی معادل نفت خام می باشد که این مقدار در سال ۹۳ به ۵۱۰۸ هزار ریال می رسد که متوسط رشد سالانه ۲۴٪ می باشد . در استان اصفهان بهره وری انرژی هر بنگاه به طور متوسط از ۱۵۳۴ هزار ریال به ۳۰۱۶ هزار ریال در سال ۹۳ رسیده است و متوسط رشد سالانه ۱۳/۸٪ را نشان می دهد . بنابر این متوسط بهره وری انرژی برای هر بنگاه در استان اصفهان در سطح پایین تری نسبت به متوسط کل کشور می باشد و رشد سالانه آن نیز کم تر می باشد ، نتیجه آن که مدیریت بهره وری و تجزیه و تحلیل آن یکی از ضعف های مهم داخلی بنگاه های صنعتی در استان اصفهان می باشد که می تواند یکی از علل کاهش فعالیت ها توسط بنگاه ها باشد.

لازم به ذکر است که ارقام فوق الذکر بر مبنای قیمت های جاری می باشد و محاسبات در صفحات قبلی گویای نامناسب بودن بهره وری انرژی به قیمت های ثابت می باشد .

فصل چهارم

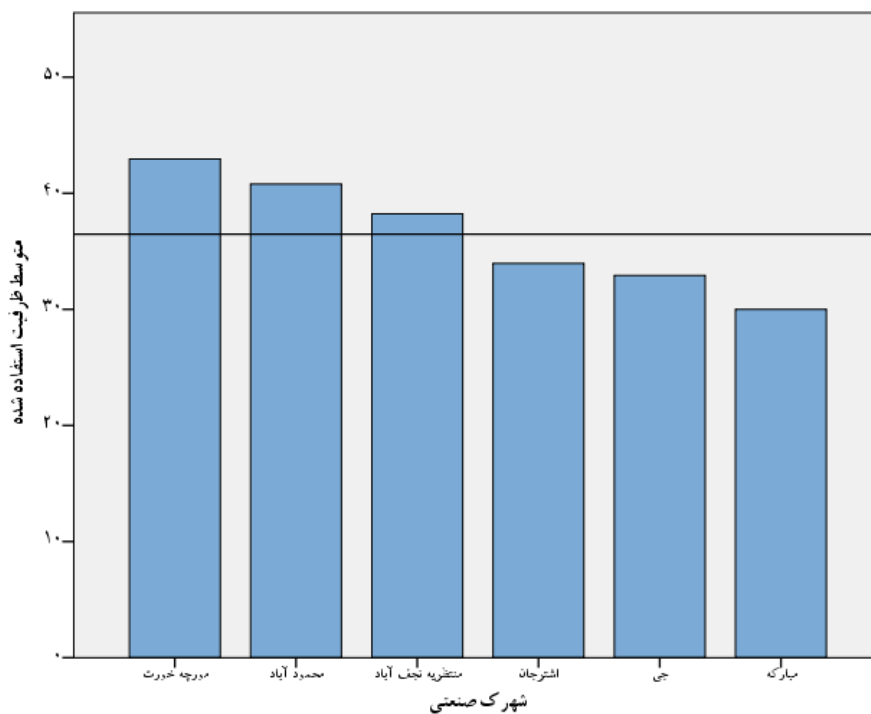
تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات نظرات کارفرمایان واحدهای صنعتی و تولیدی

یافته های پرسش نامه های نظرات کارفرمایان بنگاه های نیمه فعال

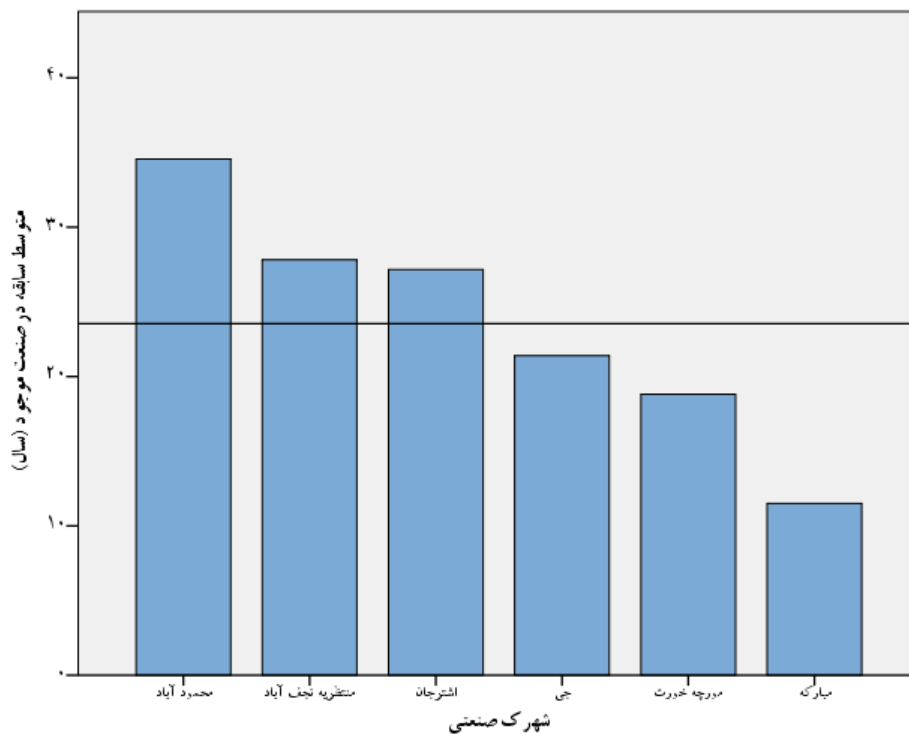


نمودار ۱۱: سهم مشارکت شهرک ها در این تحقیق

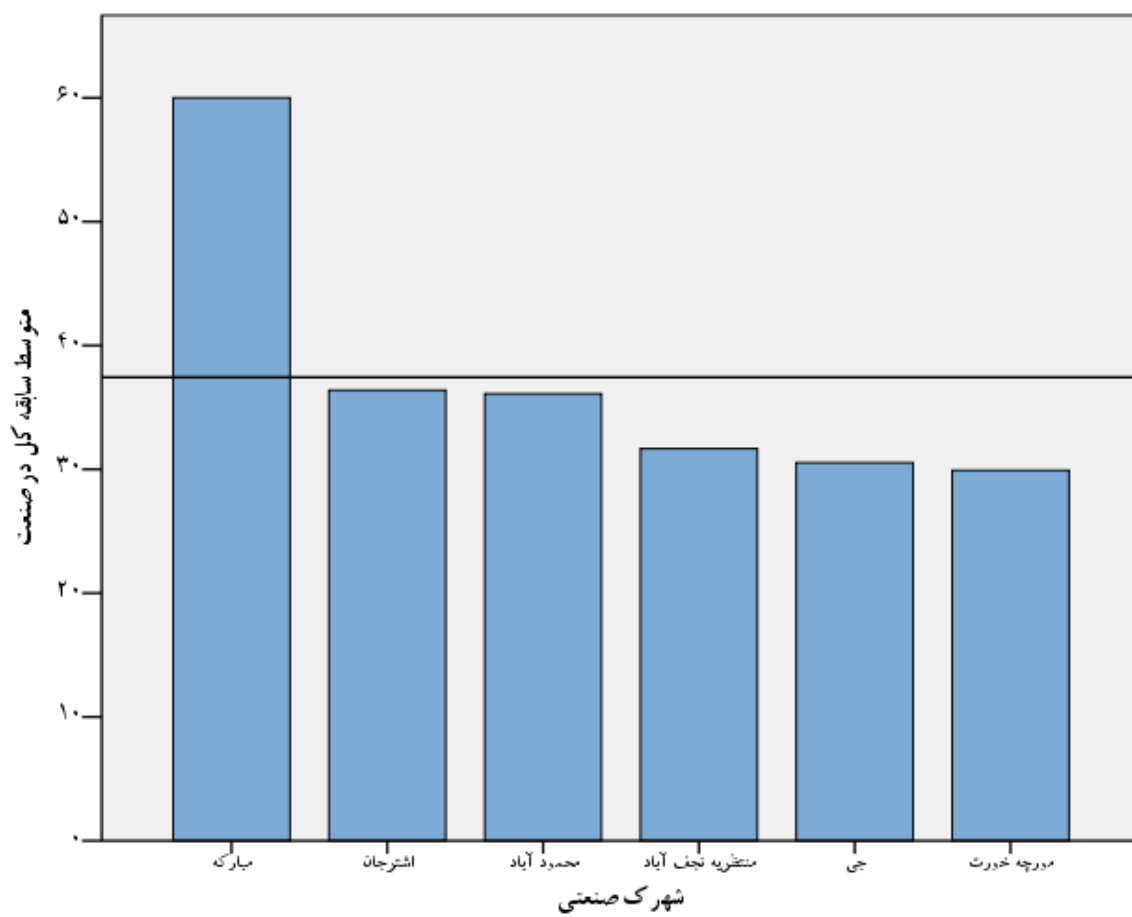
متوسط ظرفیت استفاده شده به تفکیک شهرک های صنعتی



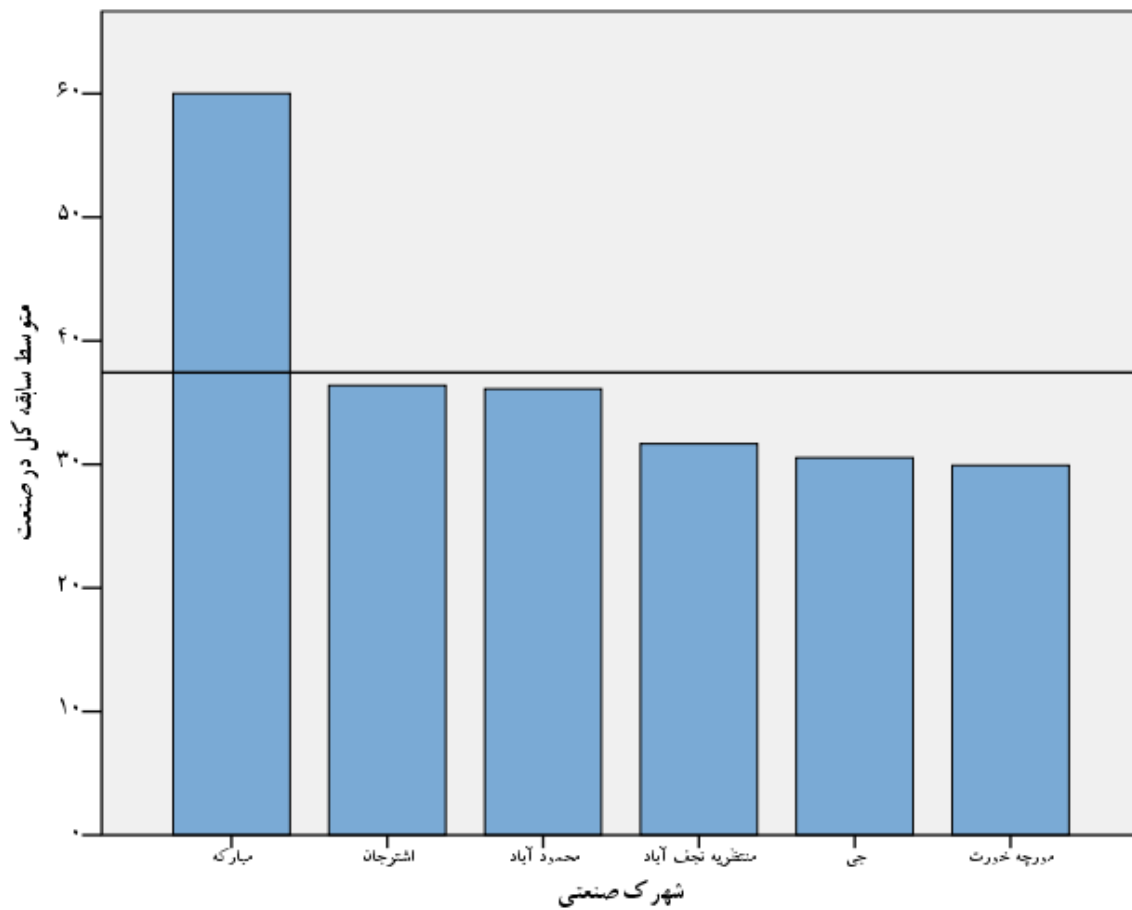
نمودار ۱۲ : ظرفیت استفاده شده از واحد های صنعتی به تفکیک شهرک



نمودار ۱۳ : متوسط سابقه کار در فعالیت مرتبط واحد های صنعتی به تفکیک شهرک

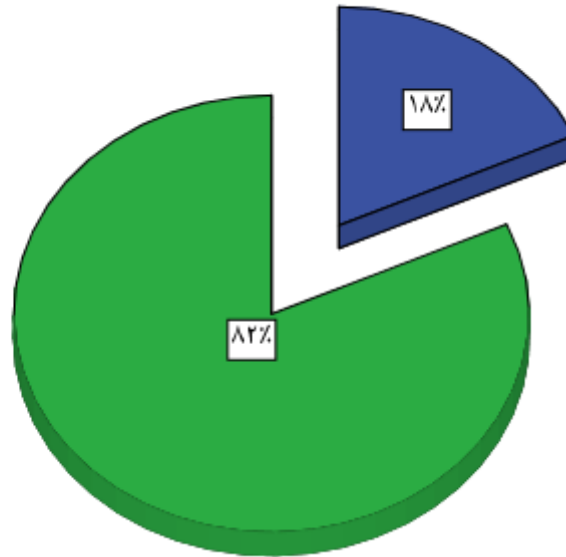


نمودار ۱۴: متوسط سابقه کار در فعالیت مرتبط صنعتی به تفکیک شهرک



نمودار ۱۴: متوسط سابقه کل فعالیت در صنعت به تفکیک شهرک

صادرات
 بله
 خیر



نمودار ۱۵: صادرات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	19	17.9	18.3	18.3
	خیر	85	80.2	81.7	100.0
	Total	104	98.1	100.0	
Missing	0	1	.9		
	System	1	.9		
	Total	2	1.9		
Total		106	100.0		

Statistics

درصد وابستگی به ماشین آلات وارداتی

N	Valid	98
	Missing	8
	Mean	36.96%
	Median	30.00
	Std. Deviation	34.011
	Range	100
	Minimum	0
	Maximum	100

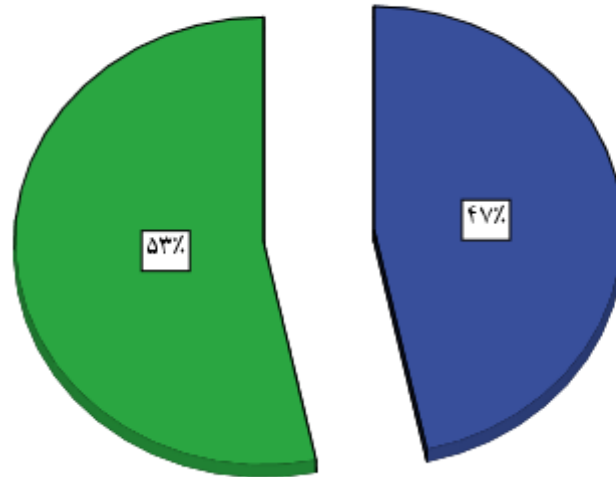
Statistics

درصد وابستگی به مواد اولیه وارداتی

N	Valid	97
	Missing	9
	Mean	22.06%
	Median	10.00
	Std. Deviation	24.222
	Range	100
	Minimum	0
	Maximum	100

همکاری با شرکت های دولتی

بله
خیر

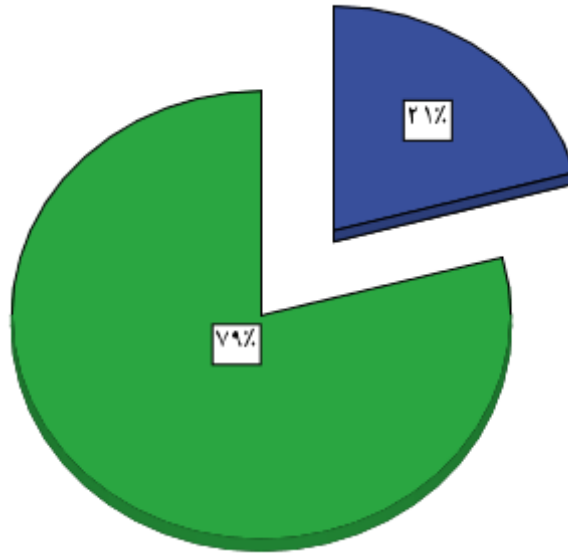


نمودار ۱۶: همکاری با شرکت های دولتی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	48	45.3	46.6	46.6
	خیر	55	51.9	53.4	100.0
	Total	103	97.2	100.0	
Missing	System	3	2.8		
	Total	106	100.0		

پرداخت به موقع شرکتهای دولتی

بله
خیر

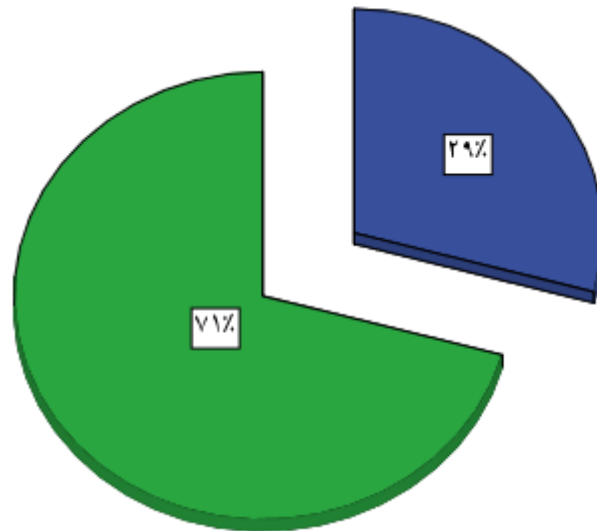


نمودار ۱۷ : پرداخت به موقع شرکت های دولتی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	15	14.2	20.8	20.8
	خیر	57	53.8	79.2	100.0
	Total	72	67.9	100.0	
Missing	System	34	32.1		
	Total	106	100.0		

معوقه بانگی

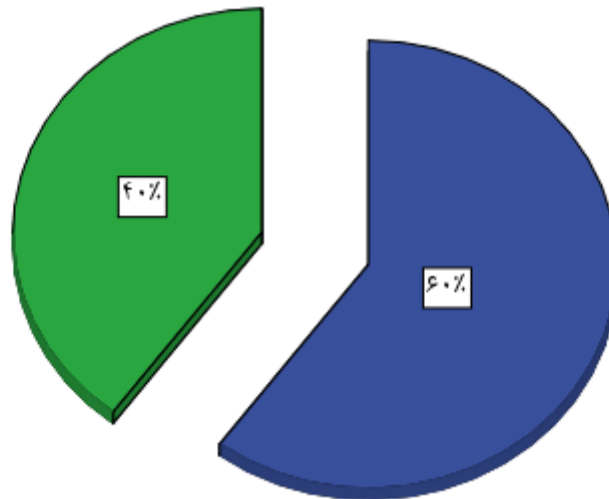
بله
خیر



نمودار ۱۸ : معوقه بانگی

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid بله	31	29.2	29.2	29.2
خیر	75	70.8	70.8	100.0
Total	106	100.0	100.0	

واحد بازاریابی

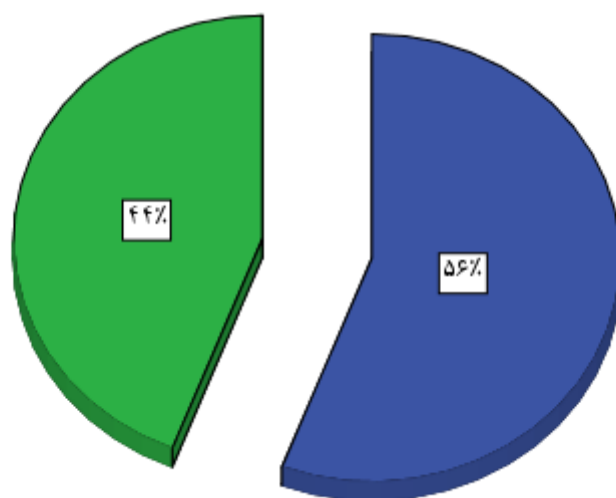


نمودار ۱۹: واحد بازاریابی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	62	58.5	60.2	60.2
	خیر	41	38.7	39.8	100.0
	Total	103	97.2	100.0	
Missing	System	3	2.8		
	Total	106	100.0		

واحد تحقیق و توسعه

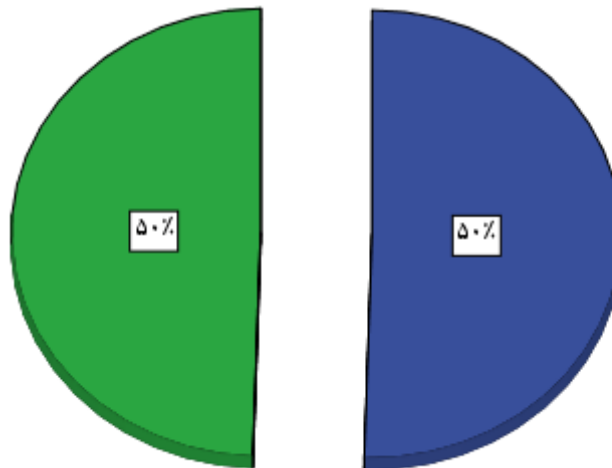
بله
خیر



نمودار ۲۰: واحد تحقیق و توسعه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	57	53.8	55.9	55.9
	خیر	45	42.5	44.1	100.0
	Total	102	96.2	100.0	
Missing	System	4	3.8		
	Total	106	100.0		

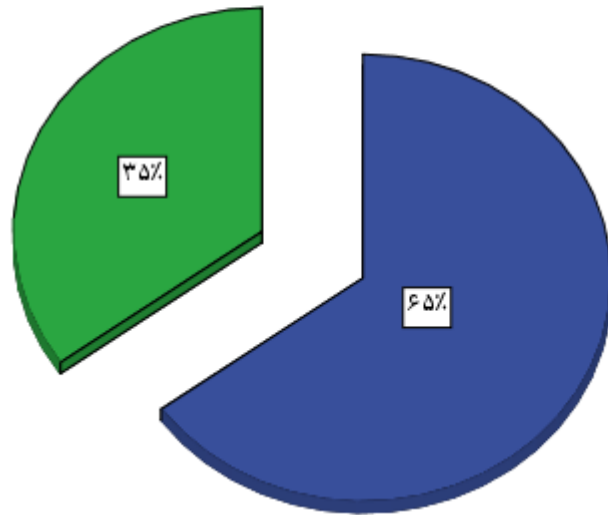
واحد آموزش
 بله
 خیر



نمودار ۲۱: واحد آموزش

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	51	48.1	50.5	50.5
	خیر	50	47.2	49.5	100.0
	Total	101	95.3	100.0	
Missing	System	5	4.7		
	Total	106	100.0		

استفاده از مشاور



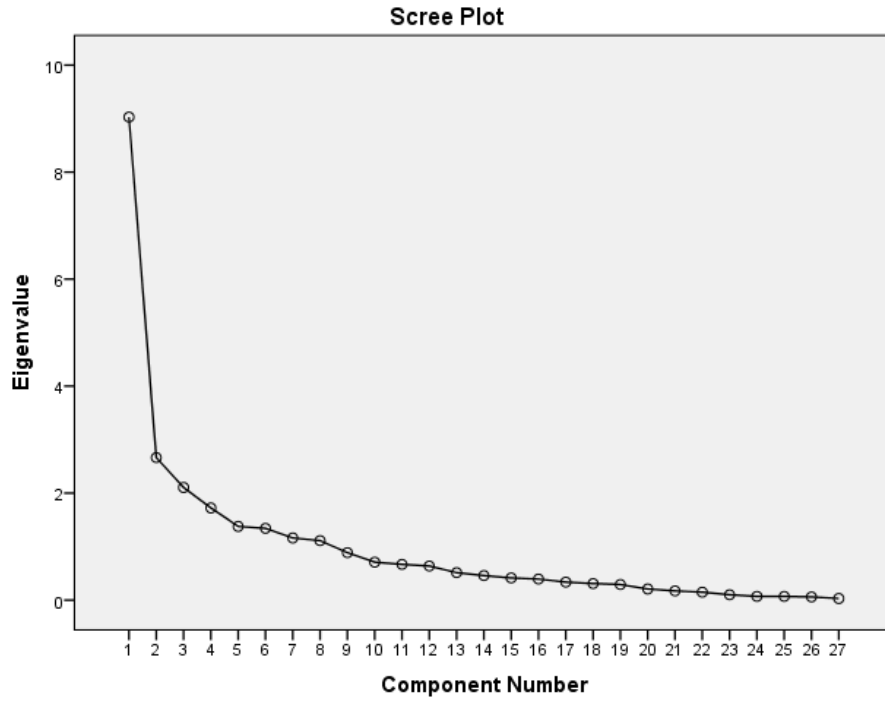
نمودار ۲۲: استفاده از مشاور

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بله	67	63.2	65.0	65.0
	خیر	36	34.0	35.0	100.0
	Total	103	97.2	100.0	
Missing	System	3	2.8		
	Total	106	100.0		

جدول (۳۳) : تحلیل اجزا اصلی برای عوامل داخلی Principle Component Analysis

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Total Variance Explained		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
	1	9.028	33.438	33.438	9.028	33.438	33.438	4.145	15.350
2	2.664	9.867	43.305	2.664	9.867	43.305	3.150	11.666	27.016
3	2.106	7.799	51.104	2.106	7.799	51.104	2.716	10.059	37.075
4	1.723	6.382	57.486	1.723	6.382	57.486	2.539	9.406	46.480
5	1.377	5.101	62.588	1.377	5.101	62.588	2.473	9.158	55.638
6	1.342	4.969	67.557	1.342	4.969	67.557	2.100	7.777	63.415
7	1.162	4.303	71.860	1.162	4.303	71.860	2.009	7.439	70.855
8	1.112	4.120	75.980	1.112	4.120	75.980	1.384	5.125	75.980
9	.887	3.286	79.266						
10	.710	2.628	81.895						
11	.668	2.475	84.369						
12	.638	2.362	86.731						
13	.514	1.902	88.633						
14	.459	1.701	90.334						
15	.415	1.535	91.870						
16	.394	1.458	93.328						
17	.337	1.247	94.575						
18	.310	1.149	95.724						
19	.291	1.079	96.803						
20	.209	.774	97.577						
21	.174	.643	98.220						
22	.148	.548	98.768						
23	.101	.373	99.141						
24	.071	.262	99.403						
25	.069	.257	99.660						
26	.060	.224	99.884						
27	.031	.116	100.000						

Extraction Method: Principal Component Analysis.



نمودار ۲۳ : نمودار آرنجی

جدول (۳۴) : KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	.641
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square 855.172
	df 351
	Sig. .000

جدول (۳۵) : Rotated Component Matrix^a

	Component							
	1	2	3	4	5	6	7	8
رکود	-.033	.405	-.128	.087	.041	.226	.747	.059
یارانه ها	.273	.739	.023	.258	-.027	.024	-.008	-.076
تسهیلات	-.027	-.064	-.060	.041	.024	-.018	.179	.881
تورم	.611	.349	.272	.194	.184	-.017	-.011	-.126
مالیات	-.003	.826	.143	.170	.128	.038	.113	.031
واردات	.056	.186	-.054	.142	.880	.186	-.025	-.070
قاچاق	.290	.091	-.115	.118	.848	.002	.116	.163
تامین قیمت و ثبات	.507	.430	.299	.114	.114	.065	-.241	.374
تحریم	.820	.270	-.158	-.055	.141	.099	.016	.026
وصول مطالبات	-.119	.521	.373	.170	.101	.363	-.104	.365
بیمه های اجباری	.097	.589	.433	-.051	.236	.121	.310	-.219
قانون کار	.095	.439	.605	.003	.181	.134	.386	-.075
قوانین صنایع	.309	.165	.483	.538	-.015	.246	.291	-.042
قوانین پولی	.182	.048	.720	.274	.091	.091	.077	.113
سیاست ارزی	.858	.028	.144	.108	.089	.110	.078	.091
محیط زیست	.182	.186	.748	.060	-.211	.152	-.030	-.100
بی ثباتی در قوانین صنعت	.512	.114	.230	-.191	.028	.441	-.255	.200
قوانین گمرکی	.790	-.061	.218	.064	.251	.142	-.058	-.200
قوانین صادراتی	.641	-.126	.183	.311	.072	.225	.274	-.032
ترجیح مصرف کنندگان	.312	.010	.283	.209	.655	.086	.183	-.017
تعدد تولید کننده	.029	-.106	.285	.090	.121	-.056	.748	.165
فقدان فن آوری	.141	.283	.099	.782	.214	-.072	.072	.188
تحولات تکنولوژی	-.024	.134	.182	.821	.172	.286	-.006	-.066
شبکه های توزیع	.295	.309	-.008	.518	.220	.339	.303	.031
قیمت گذاری	.379	.444	.248	.329	.259	.365	.043	.050
ریسک سرمایه گذاری	.154	.140	.147	.240	.093	.727	.380	.122
فقدان راهبرد توسعه	.279	.033	.157	.164	.143	.767	-.019	-.149

هشت گروه اصلی عوامل بیرونی :

- | | |
|---|---|
| ۱_ محدودیت های صادراتی و تورم | ۵_ واردات و قاچاق |
| ۲_ مالیات و بیمه های اجباری و یارانه ها | ۶_ فقدان راهبرد توسعه و ریسک سرمایه گذاری |
| ۳_ قوانین کار ، پولی و ارزی | ۷_ تعدد تولید کننده و دوران رکود |
| ۴_ تکنولوژی | ۸_ تسهیلات بانکی |

مجموعه جداول (۳۶) : جداول فراوانی عوامل بیرونی

رکود

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	2	1.9	1.9	1.9
	کم	7	6.6	6.8	8.7
	متوسط	9	8.5	8.7	17.5
	زیاد	25	23.6	24.3	41.7
	بسیار زیاد	60	56.6	58.3	100.0
	Total	103	97.2	100.0	
Missing	System	3	2.8		
Total		106	100.0		

یارانه ها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	4	3.8	4.1	4.1
	کم	14	13.2	14.4	18.6
	متوسط	19	17.9	19.6	38.1
	زیاد	28	26.4	28.9	67.0
	بسیار زیاد	32	30.2	33.0	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

تسهیلات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	3	2.8	3.0	3.0
	کم	6	5.7	6.1	9.1
	متوسط	7	6.6	7.1	16.2
	زیاد	21	19.8	21.2	37.4
	بسیار زیاد	61	57.5	61.6	99.0
	43	1	.9	1.0	100.0
Total	99	93.4	100.0		
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

تورم

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	کم	4	3.8	4.2	4.2
	متوسط	17	16.0	17.9	22.1
	زیاد	33	31.1	34.7	56.8
	بسیار زیاد	41	38.7	43.2	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

مالیات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	1	.9	1.0	1.0
	کم	1	.9	1.0	2.0
	متوسط	7	6.6	7.1	9.2
	زیاد	28	26.4	28.6	37.8
	بسیار زیاد	61	57.5	62.2	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

واردات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	12	11.3	12.0	12.0
	کم	15	14.2	15.0	27.0
	متوسط	18	17.0	18.0	45.0
	زیاد	23	21.7	23.0	68.0
	بسیار زیاد	32	30.2	32.0	100.0
	Total	100	94.3	100.0	
Missing	System	6	5.7		
Total		106	100.0		

قاچاق

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	11	10.4	11.8	11.8
	کم	13	12.3	14.0	25.8
	متوسط	16	15.1	17.2	43.0
	زیاد	24	22.6	25.8	68.8
	بسیار زیاد	29	27.4	31.2	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

تامین قیمت و ثبات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	1	.9	1.0	1.0
	کم	6	5.7	6.3	7.3
	متوسط	20	18.9	20.8	28.1
	زیاد	22	20.8	22.9	51.0
	بسیار زیاد	47	44.3	49.0	100.0
	Total	96	90.6	100.0	
Missing	System	10	9.4		
Total		106	100.0		

تحریم

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	5	4.7	5.1	5.1
	کم	10	9.4	10.1	15.2
	متوسط	15	14.2	15.2	30.3
	زیاد	30	28.3	30.3	60.6
	بسیار زیاد	39	36.8	39.4	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

وصول مطالبات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	2	1.9	2.0	2.0
	کم	6	5.7	6.1	8.1
	متوسط	9	8.5	9.1	17.2
	زیاد	29	27.4	29.3	46.5
	بسیار زیاد	53	50.0	53.5	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

بیمه های اجباری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	5	4.7	5.1	5.1
	کم	7	6.6	7.1	12.1
	متوسط	24	22.6	24.2	36.4
	زیاد	29	27.4	29.3	65.7
	بسیار زیاد	34	32.1	34.3	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

قانون کار

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	2	1.9	2.0	2.0
	کم	15	14.2	15.3	17.3
	متوسط	29	27.4	29.6	46.9
	زیاد	23	21.7	23.5	70.4
	بسیار زیاد	29	27.4	29.6	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

قوانین صنایع

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	3	2.8	3.1	3.1
	کم	19	17.9	19.6	22.7
	متوسط	35	33.0	36.1	58.8
	زیاد	20	18.9	20.6	79.4
	بسیار زیاد	20	18.9	20.6	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

قوانین پولی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	1	.9	1.0	1.0
	کم	9	8.5	9.2	10.2
	متوسط	18	17.0	18.4	28.6
	زیاد	28	26.4	28.6	57.1
	بسیار زیاد	42	39.6	42.9	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

سیاست ارزی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	4	3.8	4.2	4.2
	کم	8	7.5	8.3	12.5
	متوسط	21	19.8	21.9	34.4
	زیاد	27	25.5	28.1	62.5
	بسیار زیاد	36	34.0	37.5	100.0
	Total	96	90.6	100.0	
Missing	System	10	9.4		
Total		106	100.0		

محیط زیست

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	6	5.7	6.5	6.5
	کم	16	15.1	17.2	23.7
	متوسط	30	28.3	32.3	55.9
	زیاد	20	18.9	21.5	77.4
	بسیار زیاد	21	19.8	22.6	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

بی ثباتی در قوانین صنعت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	1	.9	1.1	1.1
	کم	6	5.7	6.3	7.4
	متوسط	15	14.2	15.8	23.2
	زیاد	29	27.4	30.5	53.7
	بسیار زیاد	44	41.5	46.3	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

قوانین گمرکی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	6	5.7	6.3	6.3
	کم	17	16.0	17.9	24.2
	متوسط	16	15.1	16.8	41.1
	زیاد	25	23.6	26.3	67.4
	بسیار زیاد	31	29.2	32.6	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

قوانین صادراتی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	12	11.3	15.4	15.4
	کم	22	20.8	28.2	43.6
	متوسط	13	12.3	16.7	60.3
	زیاد	13	12.3	16.7	76.9
	بسیار زیاد	18	17.0	23.1	100.0
	Total	78	73.6	100.0	
Missing	System	28	26.4		
Total		106	100.0		

ترجیح مصرف کنندگان

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	14	13.2	15.6	15.6
	کم	20	18.9	22.2	37.8
	متوسط	22	20.8	24.4	62.2
	زیاد	16	15.1	17.8	80.0
	بسیار زیاد	18	17.0	20.0	100.0
	Total	90	84.9	100.0	
Missing	System	16	15.1		
Total		106	100.0		

تعدد تولید کننده

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	2	1.9	2.1	2.1
	کم	14	13.2	14.7	16.8
	متوسط	31	29.2	32.6	49.5
	زیاد	23	21.7	24.2	73.7
	بسیار زیاد	25	23.6	26.3	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

فقدان فن آوری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	4	3.8	4.3	4.3
	کم	18	17.0	19.4	23.7
	متوسط	31	29.2	33.3	57.0
	زیاد	25	23.6	26.9	83.9
	بسیار زیاد	15	14.2	16.1	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

تحولات تکنولوژی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	4	3.8	4.4	4.4
	کم	17	16.0	18.9	23.3
	متوسط	28	26.4	31.1	54.4
	زیاد	27	25.5	30.0	84.4
	بسیار زیاد	14	13.2	15.6	100.0
	Total	90	84.9	100.0	
Missing	System	16	15.1		
Total		106	100.0		

شبکه های توزیع

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	8	7.5	8.9	8.9
	کم	13	12.3	14.4	23.3
	متوسط	28	26.4	31.1	54.4
	زیاد	26	24.5	28.9	83.3
	بسیار زیاد	15	14.2	16.7	100.0
	Total	90	84.9	100.0	
Missing	System	16	15.1		
Total		106	100.0		

قیمت گذاری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	13	12.3	13.8	13.8
	کم	17	16.0	18.1	31.9
	متوسط	25	23.6	26.6	58.5
	زیاد	23	21.7	24.5	83.0
	بسیار زیاد	16	15.1	17.0	100.0
	Total	94	88.7	100.0	
Missing	System	12	11.3		
Total		106	100.0		

ریسک سرمایه گذاری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	1	.9	1.0	1.0
	کم	2	1.9	2.0	3.0
	متوسط	12	11.3	12.0	15.0
	زیاد	35	33.0	35.0	50.0
	بسیار زیاد	50	47.2	50.0	100.0
	Total	100	94.3	100.0	
Missing	System	6	5.7		
Total		106	100.0		

فقدان راهبرد توسعه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	خیلی کم	2	1.9	2.1	2.1
	کم	4	3.8	4.3	6.4
	متوسط	8	7.5	8.5	14.9
	زیاد	32	30.2	34.0	48.9
	بسیار زیاد	48	45.3	51.1	100.0
	Total	94	88.7	100.0	
Missing	System	12	11.3		
Total		106	100.0		

جدول (۳۷) : پایایی زیر آزمون عوامل خارجی

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.832	27

جدول (۳۸) : پایایی زیر آزمون عوامل داخلی

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.946	35

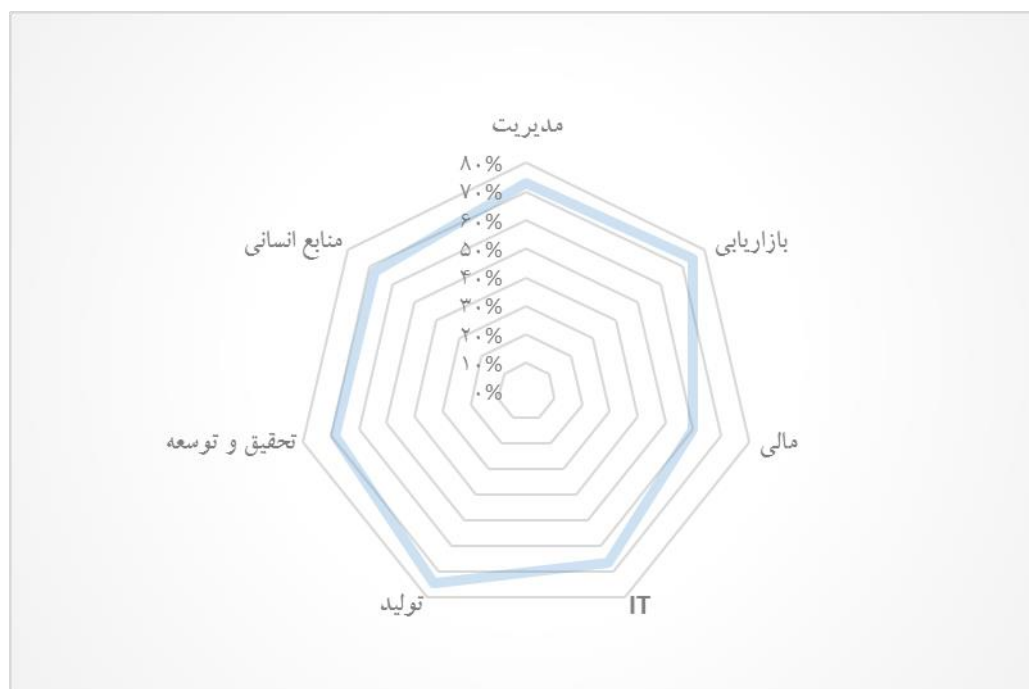
جدول (۳۹) : پایایی کلی آزمون

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.861	62

جدول (۴۰) : اطلاعات آماری مربوط به عوامل داخلی

		مدیریت	بازاریابی	مالی	IT	تولید	تحقیق و توسعه	منابع انسانی
N	Valid	99	98	99	96	99	92	99
	Missing	7	8	7	10	7	14	7
	Mean	3.64	3.74	3.00	3.32	3.71	3.44	3.38
	Median	3.67	3.83	3.00	3.33	3.80	3.50	3.43
	Mode	4	4	2	4	4	4	3
	Range	3	3	4	4	3	4	4
	Minimum	2	2	1	1	2	2	1
	Maximum	5	5	5	5	5	5	5
	%	73%	75%	60%	66%	74%	69%	68%



نمودار ۲۴ : نمودار رادار عوامل داخلی

مجموعه جداول (۴۱) : جداول فراوانی عوامل داخلی

برنامه ریزی و سازماندهی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	5	4.7	5.1	6.1
	نسبتاً مناسب	24	22.6	24.5	30.6
	مناسب	55	51.9	56.1	86.7
	بسیار مناسب	13	12.3	13.3	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

تفویض اختیار

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	6	5.7	6.5	6.5
	نسبتاً مناسب	22	20.8	23.7	30.1
	مناسب	55	51.9	59.1	89.2
	بسیار مناسب	10	9.4	10.8	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

شرح شغل

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	3	2.8	3.1	3.1
	نسبتاً مناسب	28	26.4	28.6	31.6
	مناسب	53	50.0	54.1	85.7
	بسیار مناسب	14	13.2	14.3	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

انگیزه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	12	11.3	12.4	13.4
	نسبتاً مناسب	37	34.9	38.1	51.5
	مناسب	32	30.2	33.0	84.5
	بسیار مناسب	15	14.2	15.5	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

مشارکت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	3	2.8	3.1	3.1
	نامناسب	7	6.6	7.2	10.3
	نسبتاً مناسب	43	40.6	44.3	54.6
	مناسب	36	34.0	37.1	91.8
	بسیار مناسب	8	7.5	8.2	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

ریسک پذیری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.2	2.2
	نامناسب	6	5.7	6.5	8.6
	نسبتاً مناسب	27	25.5	29.0	37.6
	مناسب	46	43.4	49.5	87.1
	بسیار مناسب	12	11.3	12.9	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

بازار محصول

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	5	4.7	5.4	5.4
	نسبتاً مناسب	21	19.8	22.6	28.0
	مناسب	48	45.3	51.6	79.6
	بسیار مناسب	19	17.9	20.4	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
	Total	106	100.0		

توزیع

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	10	9.4	10.8	10.8
	نسبتاً مناسب	29	27.4	31.2	41.9
	مناسب	48	45.3	51.6	93.5
	بسیار مناسب	6	5.7	6.5	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
	Total	106	100.0		

بازاریابی و فروش

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	6	5.7	6.3	7.3
	نسبتاً مناسب	39	36.8	40.6	47.9
	مناسب	44	41.5	45.8	93.8
	بسیار مناسب	6	5.7	6.3	100.0
	Total	96	90.6	100.0	
Missing	System	10	9.4		
	Total	106	100.0		

کیفیت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	4	3.8	4.1	4.1
	نسبتاً مناسب	5	4.7	5.2	9.3
	مناسب	47	44.3	48.5	57.7
	بسیار مناسب	41	38.7	42.3	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

قیمت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	5	4.7	5.3	5.3
	نسبتاً مناسب	10	9.4	10.5	15.8
	مناسب	53	50.0	55.8	71.6
	بسیار مناسب	27	25.5	28.4	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

مشاورین بازار

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	5	4.7	5.4	5.4
	نامناسب	23	21.7	24.7	30.1
	نسبتاً مناسب	27	25.5	29.0	59.1
	مناسب	28	26.4	30.1	89.2
	بسیار مناسب	10	9.4	10.8	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

محاسبه و تجزیه و تحلیل بهره وری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	14	13.2	14.7	14.7
	نسبتاً مناسب	32	30.2	33.7	48.4
	مناسب	38	35.8	40.0	88.4
	بسیار مناسب	11	10.4	11.6	100.0
	Total	95	89.6	100.0	
Missing	System	11	10.4		
Total		106	100.0		

سرمایه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	4	3.8	4.1	4.1
	نامناسب	31	29.2	31.6	35.7
	نسبتاً مناسب	30	28.3	30.6	66.3
	مناسب	25	23.6	25.5	91.8
	بسیار مناسب	8	7.5	8.2	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

نقدینگی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	10	9.4	10.1	10.1
	نامناسب	34	32.1	34.3	44.4
	نسبتاً مناسب	29	27.4	29.3	73.7
	مناسب	20	18.9	20.2	93.9
	بسیار مناسب	6	5.7	6.1	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

سرمایه در گردش

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	8	7.5	8.2	8.2
	نامناسب	34	32.1	35.1	43.3
	نسبتاً مناسب	34	32.1	35.1	78.4
	مناسب	14	13.2	14.4	92.8
	بسیار مناسب	7	6.6	7.2	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

سیستم اطلاعات مدیریت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.2	2.2
	نامناسب	14	13.2	15.1	17.2
	نسبتاً مناسب	32	30.2	34.4	51.6
	مناسب	37	34.9	39.8	91.4
	بسیار مناسب	8	7.5	8.6	100.0
	Total	93	87.7	100.0	
Missing	System	13	12.3		
Total		106	100.0		

روز آمدی داده ها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.1	2.1
	نامناسب	15	14.2	16.0	18.1
	نسبتاً مناسب	31	29.2	33.0	51.1
	مناسب	38	35.8	40.4	91.5
	بسیار مناسب	8	7.5	8.5	100.0
	Total	94	88.7	100.0	
Missing	System	12	11.3		
Total		106	100.0		

IT تکنولوژی اطلاعات

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	4	3.8	4.6	4.6
	نامناسب	18	17.0	20.7	25.3
	نسبتاً مناسب	32	30.2	36.8	62.1
	مناسب	24	22.6	27.6	89.7
	بسیار مناسب	9	8.5	10.3	100.0
	Total	87	82.1	100.0	
Missing	System	19	17.9		
Total		106	100.0		

تامین مواد اولیه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	4	3.8	4.1	4.1
	نامناسب	13	12.3	13.3	17.3
	نسبتاً مناسب	17	16.0	17.3	34.7
	مناسب	53	50.0	54.1	88.8
	بسیار مناسب	11	10.4	11.2	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

دسترسی به قطعات یدکی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.0	2.0
	نامناسب	8	7.5	8.2	10.2
	نسبتاً مناسب	28	26.4	28.6	38.8
	مناسب	53	50.0	54.1	92.9
	بسیار مناسب	7	6.6	7.1	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

کنترل کیفیت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.0	2.0
	نامناسب	2	1.9	2.0	4.1
	نسبتاً مناسب	16	15.1	16.3	20.4
	مناسب	58	54.7	59.2	79.6
	بسیار مناسب	20	18.9	20.4	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
	Total	106	100.0		

تکنولوژی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.1	2.1
	نامناسب	4	3.8	4.1	6.2
	نسبتاً مناسب	22	20.8	22.7	28.9
	مناسب	47	44.3	48.5	77.3
	بسیار مناسب	22	20.8	22.7	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
	Total	106	100.0		

روزآمدی فرآیندهای تولید

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.1	1.1
	نامناسب	6	5.7	6.4	7.4
	نسبتاً مناسب	29	27.4	30.9	38.3
	مناسب	41	38.7	43.6	81.9
	بسیار مناسب	17	16.0	18.1	100.0
	Total	94	88.7	100.0	
Missing	System	12	11.3		
	Total	106	100.0		

R&D تحقیق و توسعه

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	3	2.8	3.4	3.4
	نامناسب	15	14.2	17.0	20.5
	نسبتاً مناسب	34	32.1	38.6	59.1
	مناسب	25	23.6	28.4	87.5
	بسیار مناسب	11	10.4	12.5	100.0
	Total	88	83.0	100.0	
Missing	System	18	17.0		
Total		106	100.0		

هماهنگی R&D با سایر حوزه‌ها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	3	2.8	3.4	3.4
	نامناسب	20	18.9	22.5	25.8
	نسبتاً مناسب	29	27.4	32.6	58.4
	مناسب	30	28.3	33.7	92.1
	بسیار مناسب	7	6.6	7.9	100.0
	Total	89	84.0	100.0	
Missing	System	17	16.0		
Total		106	100.0		

نوآوری و خلاقیت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.1	1.1
	نامناسب	13	12.3	14.1	15.2
	نسبتاً مناسب	25	23.6	27.2	42.4
	مناسب	34	32.1	37.0	79.3
	بسیار مناسب	19	17.9	20.7	100.0
	Total	92	86.8	100.0	
Missing	System	14	13.2		
Total		106	100.0		

روند تنوع تولید

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	نامناسب	13	12.3	14.9	14.9
	نسبتاً مناسب	23	21.7	26.4	41.4
	مناسب	35	33.0	40.2	81.6
	بسیار مناسب	16	15.1	18.4	100.0
	Total	87	82.1	100.0	
Missing	System	19	17.9		
Total		106	100.0		

دوره های آموزش

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	4	3.8	4.1	4.1
	نامناسب	11	10.4	11.2	15.3
	نسبتاً مناسب	39	36.8	39.8	55.1
	مناسب	37	34.9	37.8	92.9
	بسیار مناسب	7	6.6	7.1	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

امکانات آموزشی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	7	6.6	7.2	7.2
	نامناسب	20	18.9	20.6	27.8
	نسبتاً مناسب	38	35.8	39.2	67.0
	مناسب	27	25.5	27.8	94.8
	بسیار مناسب	5	4.7	5.2	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

سطح مهارت ها

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	4	3.8	4.1	5.1
	نسبتاً مناسب	32	30.2	32.7	37.8
	مناسب	51	48.1	52.0	89.8
	بسیار مناسب	10	9.4	10.2	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
Total		106	100.0		

مسئولیت پذیری

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.0	2.0
	نامناسب	6	5.7	6.1	8.1
	نسبتاً مناسب	37	34.9	37.4	45.5
	مناسب	48	45.3	48.5	93.9
	بسیار مناسب	6	5.7	6.1	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
Total		106	100.0		

رفاهی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	12	11.3	12.4	13.4
	نسبتاً مناسب	37	34.9	38.1	51.5
	مناسب	41	38.7	42.3	93.8
	بسیار مناسب	6	5.7	6.2	100.0
	Total	97	91.5	100.0	
Missing	System	9	8.5		
Total		106	100.0		

قدردانی

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	1	.9	1.0	1.0
	نامناسب	10	9.4	10.1	11.1
	نسبتاً مناسب	45	42.5	45.5	56.6
	مناسب	39	36.8	39.4	96.0
	بسیار مناسب	4	3.8	4.0	100.0
	Total	99	93.4	100.0	
Missing	System	7	6.6		
	Total	106	100.0		

تغیر و تحول

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بسیار نامناسب	2	1.9	2.0	2.0
	نامناسب	7	6.6	7.1	9.2
	نسبتاً مناسب	46	43.4	46.9	56.1
	مناسب	38	35.8	38.8	94.9
	بسیار مناسب	5	4.7	5.1	100.0
	Total	98	92.5	100.0	
Missing	System	8	7.5		
	Total	106	100.0		

جدول (۴۲) : پایایی زیر آزمون مدیریت (سوالات ۱ تا ۶ عوامل داخلی)

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.756	6

جدول (۴۳) : پایایی زیر آزمون بازاریابی (سوالات ۷ تا ۱۲ عوامل داخلی)

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.798	6

جدول (۴۴) : پایایی زیر آزمون مالی (سوالات ۱۳ تا ۱۶ عوامل داخلی)

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.841	4

جدول (۴۵) : پایایی زیر آزمون IT (سوالات 17 تا ۱۹ عوامل داخلی)

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.866	3

جدول (۴۶) : پایایی زیر آزمون تولید (سوالات ۲۰ تا ۲۴ عوامل داخلی)

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.817	5

جدول (۴۷) : پایایی زیر آزمون تحقیق و توسعه (سوالات ۲۵ تا ۲۸ عوامل داخلی)

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.903	4

جدول (۴۸) : پایایی زیر آزمون منابع انسانی (سوالات ۲۹ تا ۳۵ عوامل داخلی)

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
.862	7

جدول (۴۹) : نمره کلی عوامل داخلی و خارجی

Statistics

		عوامل داخلی	عوامل خارجی
N	Valid	99	103
	Missing	7	3
	Mean	3.48	3.79
	Median	3.54	3.81
	Mode	4	4
	Range	3	3
	Minimum	2	2
	Maximum	5	5

آزمون های آماری

فرضیه اول:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت میزان استفاده از ظرفیت وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول ANOVA I : (۵۰)

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	1427.558	5	285.512	.595	.704
Within Groups	42213.048	88	479.694		
Total	43640.606	93			

تفاوت معنا داری از بابت استفاده از ظرفیت موجود بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

فرضیه دوم:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت امتیاز عوامل داخلی وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول ANOVA II : (۵۱)

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	37387.543	83	450.452	.621	.846
Within Groups	4354.857	6	725.810		
Total	41742.400	89			

تفاوت معنا داری بین نمره کلی عوامل داخلی بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

فرضیه سوم:

آیا بین شهرک های صنعتی تفاوتی از بابت امتیاز عوامل خارجی وجود دارد یا خیر؟

فرض H_0 : تفاوت وجود ندارد

فرض H_1 : تفاوت وجود دارد

جدول (۵۲) : ANOVA III

ظرفیت استفاده شده

	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Between Groups	34878.504	74	471.331	.956	.579
Within Groups	7891.167	16	493.198		
Total	42769.670	90			

تفاوت معنا داری بین نمره کلی عوامل خارجی بین شهرک های مورد مطالعه وجود ندارد.

محتوای مصاحبه مستقیم و مکالمات تلفنی با واحدهای غیر فعال و تعطیل شده :

بر اساس مصاحبه های صورت گرفته با تنی چند از کارفرمایان و هم چنین تنظیم پرسشنامه از طریق مکالمات تلفنی با ۳۵ بنگاه غیر فعال نتایج زیر حاصل گردیده است:

- به طور متوسط هر بنگاه تعطیل شده و غیر فعال در آخرین سال فعالیت خود دارای ۴۲ نفر پرسنل بوده است.

- هر بنگاه به طور متوسط ۵/۲ سال غیر فعال می باشد.

- حدود ۸۸ درصد بنگاه های موردنظر به خارج صادراتی نداشته و حدود ۱۲ درصد صادرات داشته اند.

- حدود ۴۰ درصد بنگاه های موردنظر به موسسات و بانک ها بدهی دارند.

- حدود ۴۳ درصد بنگاه های مورد نظر به طور متوسط ۳۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی دارند.

- حدود ۱۷/۶ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به ماشین آلات خارجی و وارداتی وابسته هستند و حدود ۹ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به دانش فنی خارجی وابستگی دارند.

- حدود ۴۱ درصد بنگاه های مورد نظر معتقدند که تحریم های اقتصادی بر فعالیت های تولیدی آن ها اثر منفی داشته است.

عمده ترین مشکلات و موانع فعالیت های تولیدی بنگاه های تعطیل شده :

اولویت بر اساس فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی نسبی	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی	علل و موانع و مشکلات
۵	۸/۹	۸/۹	۱۴	تحریم های اقتصادی و محدودیت های انتقال پول
۶	۱۸/۴	۹/۵	۱۵	رکود اقتصادی
۲	۳۱/۱	۱۲/۷	۲۰	واردات بی روبه و فقدان رقابت محصولات و بالا بودن بهای تمام شده
۵	۴۱/۲	۱۰/۱	۱۶	عدم کفایت سرمایه در گردش و نقدینگی و طولانی شدن پرداخت مطالبات
۴	۵۲	۱۰/۸	۱۷	فشار مالیاتی و قوانین مالیاتی
۱	۶۵/۳	۱۳/۳	۲۱	بهره بالای تسهیلات و قوانین سیستم بانکی و پولی و هزینه بالای مالی
۳	۷۷/۳	۱۲	۱۹	بیمه و قوانین کار و تامین اجتماعی و مشکلات کارگری و کارفرمایی
۶	۸۶/۸	۹/۵	۱۵	فقدان ثبات بازار و عدم پیش بینی شرایط بازار و عدم برنامه ریزی بلند مدت و بحران جهانی و نوسانات شدید قیمت مواد اولیه
۷	۹۳/۱	۶/۳	۱۰	بوروکراسی اداری و مقررات دست و پاگیر و پر حجم بودن اقتصاد دولتی و انحصارگری
۹	۹۶/۲	۳/۲	۵	رقابت ناسالم و فعالیت های قاچاق
۸	۱۰۰	۳/۷	۶	سایر موارد : مانند ضعف حسابداری مالی، عدم آشنایی به قراردادها و عدم اطلاعات کافی پیرامون قوانین و شرایط سرمایه گذاری و رفتار نامناسب مسئولین ذیربط دولتی مانند مامور مالیات و بیمه و ادارات دیگر
-----	-----	۱۰۰	۱۵۸	جمع کل

گزارش محتوای مصاحبه حضوری با گروهی از کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال مستقر در شهرک های صنعتی (شهرک های مورچه خورت ، منتظریه واشترجان وجی) :

- ۱_ بسیاری از قوانین مالیاتی، بیمه، بانکی و پولی به طور شفاف و به موقع اطلاع رسانی نمی گردد.
- ۲_ برخی از مسئولین و نمایندگان نهادهای مالیاتی، بیمه، آب و برق و گاز رفتار بسیار ناشایسته، مغرورانه و با کم ترین درک از شرایط تولید و صنعت و با تفکر ماموریم و معذوریم دارند.
- ۳_ بهترین کمک دولت به ما آن است که چوب لاچرخ ما نگذارد و بگذارد ما کار کنیم.
- ۴_ اگر تاکنون بنگاه خود را نبسته ایم، به خاطر آن است که ۲۰ سال، ۳۰ سال جوانی خود را تباه کرده ایم و اکنون با شرایط سنی بالا نه می توانیم واسطه گری کنیم و نه شاگردی برای دیگران.
- ۵_ بسیاری از مطالبات ما از سوی نهادهای دولتی به موقع پرداخت نمی شود. با تاخیر زمانی زیاد به گونه ای که ارزش سرمایه ما در طی زمان بشدت کاهش می یابد و بر نقدینگی و وضعیت مالی ما اثر منفی خواهد داشت.
- ۶_ واردات بی رویه و منفعت جویانه و رانت جویانه موجب کاهش تقاضای کالاهای ما می شود.
- ۷_ چنانچه حمایت های لازم صورت گیرد، ما می توانیم با چند برابر کردن تولید موجود، تا دو سه برابر به ایجاد اشتغال جدید و مستقیم کمک کنیم.
- ۸_ حدود ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده می دهیم، ۲۵ درصد مالیات بر سود عملکرد و ۲۴ درصد هم بیمه کارفرمایی. دیگر چه توان مالی باقی می ماند که بخواهیم به توسعه فکر کنیم و یا تحولات تکنولوژیکی را دنبال کنیم.
- ۹_ در گرفتن مالیات عدالت رعایت نمی گردد.
- ۱۰_ اگر بخواهیم طرح توسعه بدهیم و ساختمان جدیدی بسازیم، بایستی بیمه آن را نیز بپردازیم که فشار مضاعف می شود.
- ۱۱_ دیدگاه برخی از مسئولین آن است که ما خون مردم را می مکیم.
- ۱۲_ صنعت و تولید و صنعتگر و تولیدکننده دارای جایگاه و منزلت با احترام و ارز شمند خود نیست و در این مملکت کار و کسب درآمد از طریق تلاش واقعی بی معناست و به جایی نمی رسد.

۱۳_ قیمت مواد اولیه در بازار بسیار بی ثبات می باشد و با روندی افزایشی مداوم که بهای تمام شده محصولات ما را بسیار تحت الشعاع قرار می دهد و قدرت رقابتی ما در بازار کاهش می یابد.

۱۴_ قوانین کار و تامین اجتماعی به گونه ای است که برخی از کارگران و نیروی کار سوء استفاده می کنند و اختلافات را دامن می زنند.

۱۵_ بسیاری از فعالیت ها ، وابسته به بخش ساختمان و مسکن هستند. اگر این بخش به رونق درآید، فعالیت ما نیز رونق می گیرد. در حال حاضر که رکود است، بستر صادراتی نیز فراهم نیست و در نتیجه تقاضا برای محصولات ما کاهش یافته و انبارها نیز دارای موجودی های بسیاری می باشد.

۱۶_ دیدگاه بلند مدت و برنامه ریزی بلند مدت نداریم و به لحاظ شرایط بسیار متغیر این کار امکان پذیر نمی باشد.

۱۷_ عمده ی واحد های تولیدی کوچک و متوسط فاقد حوزه های تحقیق و توسعه و بازاریابی هستند. و مدیریت سنتی و تجربی حاکم است.

۱۸_ بسیاری از بنگاه های کوچک و متوسط فاقد سیستم های تجزیه و تحلیل عملکرد خود به طور جامع می باشند.

گزارش محتوای مصاحبه با تنی چند از کارشناسان بانکی و مالیاتی پیرامون بنگاه های تولیدی :

۱_ طرح های توجیهی مالی و اقتصادی به صورت جامع تهیه نمی شود و بسیاری از آن ها صرفا با هدف گرفتن وام و اعتبارات نوشته می شود.

۲_ نظارت بر چگونگی خرج اعتبارات طرح های سرمایه گذاری ضعیف است و ممکن است بخشی از تسهیلات عرضه شده به سایر بخش ها مانند بخش ساختمان و مسکن و فعالیت و واسطه گری هدایت شود.

۳_ قوانین سخت گیرانه و متعدد به ویژه در امور مالیاتی از پیچیدگی های نهاد مالیاتی کشور می باشد.

۴_ گرایش به فرار مالیاتی شدید می باشد. و اعتماد بین نهاد مالیاتی و نهاد صنعتی کشور ضعیف می باشد.

۵_ بسیاری از کارفرمایان از قوانین و آئین نامه های مالیاتی اطلاعات کافی ندارند و مشاورینی که برای تهیه گزارش های مالی به کار می گیرند ، بعضا خود موجب پیچیده شدن پرونده مالیاتی آن ها می گردد.

یافته های پرسشنامه نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال:

یافته های سوالات کلی:

- متوسط سابقه کار کارفرمایان در کل صنعت ۳۸ سال
- متوسط سابقه کار کارفرمایان در صنعت موجود ۲۲ سال
- متوسط ظرفیت تولیدی فعال موجود بنگاه ها ۳۸ درصد
- متوسط تعداد پرسنل موجود در بنگاه ها ۳۹ نفر که در گذشته به طور متوسط ۸۰ نفر بوده است و به طور متوسط حدود ۵۰٪ نیروی کار خود را تعدیل کرده اند.
- حدود ۸۰٪ بنگاه های تولیدی مورد مطالعه صادرات ندارند.
- حدود ۳۷٪ بنگاه ها وابستگی به تکنولوژی خارجی و ۲۲٪ وابستگی به واردات مواد اولیه دارند.
- حدود ۴۵٪ واحدهای صنعتی با شرکت ها و نهادهای دولتی همکاری دارند ولی ۸۰٪ آن ها در وصول مطالبات خود دچار مشکل هستند.
- عمده ی بنگاه های تولیدی مورد مطالعه فاقد واحد بازاریابی و تحقیق و توسعه و آموزش می باشند.
- حدود ۳۵٪ از بنگاه ها از مشاورین استفاده نمی کنند.

یافته های سوالات عوامل بیرونی:

- بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل عوامل اصلی ، ۸ گروه موانع بیرونی تاثیرگذار در کاهش فعالیت بنگاه ها عبارتند از:
- محدودیت ها و موانع صادراتی
 - مالیات، بیمه های اجتماعی و یارانه
 - قوانین و مقررات دست و پاگیر
 - تکنولوژی و فن آوری بیرونی و تحولات آن در جهان
 - واردات بی رویه کالا و قاچاق کالا

_ فقدان راهبرد توسعه صنعتی و ریسک سرمایه گذاری

_ تعدد تولیدکننده، رکود اقتصادی و ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف کالاهای مشابه خارجی

_ تسهیلات پولی و بانکی جهت تامین سرمایه

با توجه به طیف لیکرت امتیاز کلی عوامل بیرونی تاثیرگذار بر فعالیت موجود بنگاه ها حدود ۳/۷۸ از ۵ یعنی بیش از ۷۵٪ می باشد.

فراوانی نسبی عوامل تاثیرگذار بیرونی عبارتند از (به ترتیب اولویت):

مالیات ها ۸۴٪	ریسک سرمایه گذاری ۸۰٪	رکود اقتصادی ۸۰٪
تسهیلات بانکی ۷۹٪	وصول مطالبات خود ۷۸٪	فقدان راهبرد توسعه صنعتی ۷۶٪
بی ثباتی در قوانین ۷۰٪	تورم ۶۹٪	قوانین پولی و بانک ۶۷٪
نوسانات قیمت ها ۶۶٪	تحریم ها ۶۶٪	بیمه های اجباری ۶۱٪
حذف یارانه های انرژی ۵۸٪	قوانین گمرکی ۵۳٪	واردات بی رویه ۵۲٪
قاچاق ۵۰٪	قانون کار ۵۰٪	تعدد تولیدکننده ۴۶٪
شبکه توزیع نامناسب ۳۹٪	ضعف تحولات تکنولوژیکی ۳۹٪	قوانین وزارت صنایع ۳۸٪
قوانین صادراتی ۳۰٪	ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف محصولات خارجی مشابه ۳۳٪	

۷ گروه عوامل نامناسب داخلی تاثیرگذار به ترتیب اولویت ، عبارتند از:

۱_ وضعیت مالی و نقدینگی

۲_ وضعیت IT

۳_ منابع انسانی

۴_ وضعیت تحقیق و توسعه

۵_ تولید و عملیات تولیدی

۶_ مدیریت

۷_ بازاریابی

از دیدگاه های کارفرمایان مورد مطالعه عوامل تاثیرگذار داخلی بر وضعیت فعالیت موجودشان حدود ۲۵٪ سهم و امتیاز دارد.

مقدار فراوانی عوامل داخلی ضعیف و نامناسب تاثیرگذار بر فعالیت های موجود عبارتند از

نام حوزه	شرح مولفه ها	فراوانی بنگاه ها (%)
مدیریت	وضعیت برنامه ریزی و سازماندهی	۲۸/۲
	تفویض اختیار به پائین دستی	۲۶/۵
	تدوین و شفافیت شرح شغل کارکنان	۲۹/۲
	روحیه پرکاری و انگیزه کاری کارکنان	۴۷/۱
	مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها	۵۰
	ریسک پذیری و مدیریت ریسک	۳۳/۱
بازاریابی	شناسایی بازار محصولات	۲۴/۵
	سیستم توزیع محصولات در بازار	۳۶/۸
	حوزه فروش و بازاریابی	۴۳/۷
	کیفیت محصولات نسبت به رقبا	۸/۵
	قیمت محصولات نسبت به رقبا	۱۴/۱
	استفاده از مشاورین بازاریابی	۵۱/۹
مالی	سیستم تجزیه و تحلیل مالی و بهره وری	۴۳/۴
	وضعیت تامین سرمایه	۶۱/۳
	نقدینگی و وضعیت مالی شرکت	۶۸/۹
	وضعیت سرمایه در گردش	۷۱/۷
تکنولوژی اطلاعات IT	روزآمدی آمار و اطلاعات	۴۵/۳
	وجود امکانات حوزه تکنولوژی اطلاعات	۵۱
	سیستم اطلاعات مدیریت	۴۵/۳

۳۱/۱	دسترسی به مواد اولیه	تولید
۳۵/۸	دسترسی به قطعات یدکی	
۱۷/۹	کنترل کیفیت	
۲۵/۵	سطح تکنولوژی موجود شرکت	
۳۴	روزآمدی فرآیندهای تولیدی	
۴۹/۱	تشکیلات حوزه تحقیق و توسعه	تحقیق و توسعه
۴۹/۱	هماهنگی حوزه تحقیق و توسعه و سایر حوزه ها	
۳۶/۸	نوآوری و خلاقیت	
۳۴	روند تنوع تولید در طی زمان	
۵۱	وضعیت دوره های آموزشی کارکنان	منابع انسانی
۶۱/۳	وجود امکانات آموزشی	
۳۴/۹	سطح مهارت های کارکنان	
۴۲/۵	سطح مسئولیت پذیری کارکنان	
۴۷/۱	امکانات رفاهی کارکنان	
۵۲/۸	روحیه قدردانی و سپاسگذاری کارکنان	
۵۱/۹	تغییر و تحول پذیری کارکنان	

نمودار راداری :

یافته های نمودار راداری گویای آن است که بین حوزه های مختلف درون بنگاهی عدم تقارن وجود دارد ، که به معنای عدم هماهنگی بین حوزه های مختلف می باشد .

بنابر این می توان گفت یکی از عارضه های مهم داخلی بنگاه های مورد مطالعه ، ضعف نگرش سیستمی می باشد .

فصل پنجم

خلاصه یافته ها ، نتیجه گیری و پیشنهادات

عوامل بیرونی تاثیر گذار بر فعالیت ها و عملکرد صنایع :

طی مطالعاتی توسط اعرابی و رزقی و رستمی در سال ۱۳۸۲، از ۵۳ شاخص به عنوان موانع اجرایی خط مشی های صنعتی کشور ۱۱ متغیر به عنوان مهم ترین موانع تعیین شده اند:

- نبود شبکه اطلاعاتی کارآمد
 - فقدان خط مشی ها و سیاست های جامع توسعه صنعتی در کشور
 - عدم تطبیق مسئولیت های محوله با تخصص و دانش افراد
 - ساختار نامناسب واحدهای صنعتی کشور برای حضور در بازار جهانی در رقابت های بین المللی
 - عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته و فناوری جدید
 - روشن نبودن اهداف توسعه صنعتی
 - فقدان اعتماد عمومی به سرمایه گذاری در بخش صنعت
 - فقدان اختیار لازم در مجریان
 - فعال نبودن مراکز تحقیق و توسعه
 - مراجع متعدد قانون گذاری
 - ناپایداری نسبی و بی ثباتی قوانین و مقررات
- بر اساس مطالعات میرزاخانی ونوری (۱۳۹۲) مهم ترین عوامل موثر در ریسک سرمایه گذاری در صنعت ایران عبارتند از:

- تعدد ، بی ثباتی و نامتناسب بودن بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کشور با شرایط جهانی صنعت
- رانت جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه سرمایه گذاری
- بی ثباتی در شاخص های اقتصاد کلان به ویژه نرخ تورم و نرخ ارز
- بهره وری پایین و عدم رقابت پذیری قیمت تمام شده تولیدات داخلی با نمونه های مشابه خارجی
- عدم تعهد و پایبندی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی به اجرای صحیح قوانین

- بالا بودن نرخ مالیاتی از بخش صنعت به دلیل شفافیت این بخش و راحت الوصول بودن آن
 - محدودیت ارتباطی با کشورهای دیگر به منظور ورود دانش فنی و ماشین آلات جدید در بخش صنعت
 - توسعه نیافتگی بازار سرمایه و بوروکراتیک و رانته بودن تامین مالی از طریق شبکه بانکی کشور
 - بالا بودن نرخ سود تامین مالی طرحهای سرمایه گذاری بدون در نظر گرفتن حاشیه سود صنایع
 - فقدان قوانین کار مناسب به نفع کارگر و کار فرما در توسعه بخش صنعت
 - فقدان فرهنگ سازی مصرف کالاهای داخلی در جامعه
 - فقدان مشوق های تولیدی مناسب به منظور حمایت از بخش صنعت
 - وابستگی تولیدات صنعتی به ماشین آلات ، مواد اولیه و دانش فنی وارداتی
- بید دختی و زرگر در (۱۳۹۰) مطالعاتی پیرامون موانع پیرامون موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و بزرگ استان سمنان انجام داده اند که نتایج عمده عبارتند از:
- ضعف سیستم حمل و نقل کالا
 - مطلوب نبودن قوانین و مقررات بازرگانی ، تجارتي
 - ضعف تسهیلات و تامین منابع مالی
 - ضعف حمایت های فنی و اطلاع رسانی
 - ضعف حمایت های تجارتي و بازاریابی و مطلوب نبودن توانایی شرکت ها در شناخت بازار
 - ضعف حمایت های مدیریتی
- عمیدی و غمخواری (۱۳۸۸) طی مطالعاتی مهم ترین مشکلات وموانع توسعه وفعالیت های بنگاه های کوچک ومتوسط در ایران را به ۴ گروه زیر طبقه بندی نموده اند:
- موانع بازار مانند خرید های انحصاری ، نوسانات عرضه وتقاضا ، دسترسی به مواد اولیه و بالابودن قیمت آن
 - موانع مالی مانند مشکلات مربوط به ارائه ضمانت های بانکی ، تاخیر در دریافت مطالبات ناشی از فروش ، فشار نقدینگی و کمبود سرمایه در گردش

- موانع عدم دسترسی به انواع اطلاعات مانند اطلاعات بازاریابی ، اطلاعات وضعیت مالی ، اطلاعات فناوری و مشاوره ، اطلاعات فنی و عملیاتی ، اطلاعات چگونگی تامین مواد اولیه و غیره جهت انتخاب و شروع کسب و کار و توسعه کسب و کار

- سیاست های دولت مانند ناتوانی در ایجاد محیطی توانمند ساز برای بنگاه های کوچک و متوسط ، موانع اداری و مقررات ، فقدان نهادهای مناسب حل دعاوی احتمالی و اختلافات

بر اساس مطالعات صورت گرفته توسط خانه صنعت و معدن جهت به روز رسانی آمار و اطلاعات واحدهای صنعتی استان اصفهان در سال ۱۳۹۴ ، مهم ترین مشکلات واحدهای صنعتی استان اصفهان به ترتیب اولویت عبارتند از :

- کاهش بازار فروش ، مسائل پولی و مالی و نقدینگی ، سرمایه در گردش ، نرخ بهره بالای تسهیلات

- تحریم اقتصادی ، واردات بی رویه ، بیمه ، عدم اجرای قوانین ، به روز نبودن تکنولوژی

- حدود ۶۴ درصد واحدهای فعال در کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت هستند.

- فقط حدود ۲۶ درصد واحدها دارای حوزه بازاریابی و فروش هستند .

- فقط حدود ۳/۵ درصد از خدمات شرکت های مشاوره ای استفاده می کنند .

- فقط حدود ۱۱ درصد واحدهای صنعتی دارای صادرات می باشند.

- حدود ۱۸ درصد واحدهای صنعتی مواد اولیه و تجهیزات از خارج وارد می کنند.

- فقط ۱۵/۶ درصد واحدها دارای بخش آموزش می باشند.

بر اساس ارزیابی های بانک جهانی مرتبه و جایگاه فضای کسب و کار ایران در بین ۱۷۸ کشور جهان وضعیت نامناسبی دارد.

شخص	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
رتبه کلی کسب و کار	۱۳۱	۱۳۵	۱۴۲	۱۳۱	۱۲۹
تاسیس و راه اندازی	۶۶	۷۷	۷۳	۴۹	۴۲
اخذ مجوز	۱۵۸	۱۶۴	۱۶۴	۱۴۴	۱۴۳
استخدام و اخراج نیروی کار	۱۴۳	۱۴۵	۱۳۷	۱۳۷	-
ثبت دارایی ها و مالکیت ها	۱۴۱	۱۴۳	۱۵۲	۱۵۴	۱۵۶
اخذ تسهیلات و اعتبارات	۶۲	۶۸	۱۰۹	۱۰۹	۸۹
حمایت از سرمایه گذاران	۱۵۸	۱۵۸	۱۶۴	۱۶۷	۱۶۷
پرداخت مالیات	۹۴	۹۷	۱۰۷	۱۱۵	۱۱۵
تجارت برون مرزی	۱۲۹	۱۳۵	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۱
اجرای قراردادها	۵۴	۵۷	۵۲	۵۴	۴۹
انحلال یک فعالیت	۸۱۰	۱۱۸	۱۰۹	۱۰۸	۱۱۱

- لازم به توضیح است که رتبه ایران در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در ۱۸۹ کشور جهان با توجه به شاخص های اثر گذار در فضای کسب و کار به ترتیب رتبه ۱۵۲ و ۱۱۹ حاصل گردیده است

بر اساس گزارش بانک جهانی در مورد بیش از ۱۰۰۰۰ بنگاه از ۸۰ کشور جهان ، مهم ترین موانع پیش روی آنها در سال ۲۰۱۰ به شرح زیر می باشد :

(درصد)

رتبه		بنگاه های کوچک		بنگاه های متوسط		بنگاه های بزرگ		کل بنگاه ها	
۱	تامین مالی	۳۸/۹	تامین مالی	۳۸	عدم ثبات سیاست ها	۲۹/۸	تامین مالی	۳۶/۵	
۲	تورم	۳۶/۹	قوانین و مالیات	۳۷/۲	تامین مالی	۲۷/۹	تورم	۳۴/۶	
۳	قوانین و مالیات	۳۵/۵	تورم	۳۶/۱	تورم	۲۶/۲	عدم ثبات سیاست ها	۳۴/۴	
۴	عدم ثبات سیاست ها	۳۵	عدم ثبات سیاست ها	۳۶	جرایم خیابانی	۲۳/۹	قوانین و مالیات	۳۳/۵	
۵	جرایم خیابانی	۳۰/۱	نرخ مبادله	۲۹/۷	فساد	۲۳/۴	نرخ مبادله	۲۸	
۶	فساد	۳۰/۱	فساد	۲۷/۴	نرخ مبادله	۲۲/۴	فساد	۲۷/۷	
۷	نرخ مبادله	۲۸/۹	جرایم خیابانی	۲۵/۵	جرایم سازمان یافته	۲۱/۷	جرایم خیابانی	۲۷/۲	
۸	جرایم سازمان یافته	۲۶/۹	جرایم سازمان یافته	۲۳/۴	قوانین و مقررات مالیات	۲۱/۴	جرایم سازمان یافته	۲۴/۵	
۹	شیوه های ضد رقابتی	۲۳/۸	شیوه های ضد رقابتی	۲۱/۹	زیرساخت ها	۱۸/۲	شیوه های ضد رقابتی	۲۱/۹	
۱۰	زیرساخت ها	۱۶/۳	زیرساخت ها	۱۷/۲	شیوه های ضد رقابتی	۱۶/۹	زیرساخت ها	۱۷	
۱۱	قضایی	۱۳/۸	قضایی	۱۴/۴	قضایی	۱۱/۶	قضایی	۱۳/۷	

عوامل داخلی و تاثیر گذار بر فعاليت ها و عملکرد صنايع :

طی مطالعاتی توسط درینى و همکاران (۱۳۹۳) ، عوامل داخلی موثر بر فعاليت ها و عملکرد صنايع استان مازندران که در يازده حوزه به شرح زیر می باشد:

مؤلفه های تاثیر گذار بر عملکرد	حوزه
احساس تعلق اعضا نسبت به شرکت ، مسئولیت پذیری کارکنان ، میزان مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ، برون سپاری ، ریسک پذیری ، پاسخ گویی سریع و نیروی انسانی متخصص ، بهره وری نیروی انسانی ، سرعت تصمیم گیری ، خلاقیت و نوآوری ، ارتباطات سازمانی	مدیریتی
سرعت تحویل کالا ، مطلوبیت بسته بندی ، توزیع محصولات ، مزایای رقابتی در قیمت محصولات ، سرعت ارائه محصولات جدید به بازار ، مشتری گرایی ، به کار گیری تبلیغات مناسب ، سیستم های بازخورد موثر تجارت الکترونیک ، برخورداری از نام تجاری و برند مناسب ، خدمات پس از فروش	بازاریابی وفروش
برخورداری از استانداردهای بین المللی ، ملاحظات زیست محیطی ، کیفیت کالاهای تولیدی ، میزان ضایعات تولیدی ، انعطاف پذیری ساختار تولید ، توانمندی در تولید محصولات جدید ، هزینه تولید	تولید عملیات
میزان توجه به تحقیق و توسعه ، برخورداری از تکنولوژی نوین ومدرن ، ارتباطات اثربخش واحد تحقیق و توسعه با سایر واحدها ، دسترسی کارکنان به تحقیق و توسعه	تحقیق وتوسعه
برخورداری از حاشیه سود مناسب ، برخورداری از توان نقدینگی و منابع مالی مناسب برای سرمایه گذاری جدید و به کارگیری تکنولوژی جدید و طرح های توسعه ، مقدار داده ها و ستانده ها	مالی
میزان به کارگیری سیستم اطلاعات مدیریت ، میزان به کارگیری فن آوری اطلاعات ، میزان به روز شدن داده ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات و به کار گیری آن ها در تصمیم گیری ها ، سرعت در شناسایی اطلاعات	فناوری اطلاعات
نیروی کارآمد و زبده و متخصص ، توانمندی نیروی انسانی با تحصیلات دانشگاهی ، به کارگیری مشاوران خارجی و داخلی ، به کارگیری دستورالعمل های شفاف و روزآمد	منابع انسانی
رعایت سلسله مراتب ، مشارکت پرسنل و زیر دستان در تصمیمات ، جو اعتماد و اطمینان، به کارگیری دستورالعمل های شفاف و روآمد	ساختار سازمانی
بررسی شاخص های تجاری هم چون مزیت های رقابتی ، انتخاب استراتژی های محدوده عملکردی و تصمیمات سرمایه گذاری و بازار و محصول	استراتژی
تعیین اهداف روشن و شفاف و توافق برای آن ، سیستم های کنترل و نظارت مناسب ، سیستم های مناسب پاداش ، سیستم پیشنهادات مناسب ، انعطاف پذیری سیستم های سازمانی	سیستم های سازمانی

بیدختی و زرگر در مطالعات خود (۱۳۹۰) در بررسی موانع موجود بنگاه های کوچک و متوسط استان سمنان با سطح اطمینان ۰/۹۷ مشکلات داخلی زیر را مطرح می کنند:

- مشکلات مالی

- بالا بردن هزینه های تولید

- پایین بودن سطح استاندارد و کیفیت محصولات تولیدی

- مطلوب نبودن بسته بندی محصولات تولیدی

رحمانی ، صداقت و حبیبی در سال ۱۳۹۳ در پژوهشی پیرامون تاثیر عوامل راهبردی داخلی بر عملکرد مالی صنایع تولیدی پذیرفته شده در بورس به این نتیجه رسیده اند ، که عوامل زیر تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارند و سرمایه گذاری بیش تر در آنها بهبود عملکرد آن ها را در بر دارد:

- فن آوری اطلاعات مناسب

- منابع انسانی کارآمد

- تحقیق و توسعه

- بازاریابی و سیستم های حسابداری

علی بخشی و دادا شیان و شمس (۱۳۹۰) انگیزش نیروی انسانی در بهره وری کارخانجات پوشاک را مورد بررسی قرار دادند و مولفه های زیر را در بهبود عملکرد موثر می دانند:

<u>شرایط بهداشتی محیط کار</u>	<u>میزان مسئولیت پذیری</u>	<u>حمایت از ایده ها و نظرات</u>	<u>رقابت گروهی</u>
<u>کیفیت سیستم سرمایش و گرمایش</u>	<u>نحوه واگذاری مسئولیت ها</u>	<u>توجه به امور شخصی کارکنان</u>	<u>امنیت شغلی</u>
<u>مشخص بودن نقش فرد در گروه</u>	<u>نحوه نظارت و ارزیابی شغلی</u>	<u>نحوه ی تعامل با کارکنان</u>	<u>روابط صمیمی</u>
<u>تخصص و مدیریت در حوزه مسئولیت</u>	<u>دادن قدرت تصمیم گیری</u>	<u>توجه به خلاقیت و نوآوری</u>	<u>لوازم کار استاندارد</u>
<u>عدم وجود آلودگی در محیط کار</u>	<u>رفاقت ، دلسوزی و همدلی</u>	<u>طراحی مطلوب محیط کار</u>	<u>مشخص بودن اهداف</u>
<u>مشخص بودن مسئولیت ها و وظایف</u>	<u>هماهنگی افراد در گروه</u>	<u>سوابق مدیریتی برای مدیران</u>	<u>وام و تسهیلات</u>
<u>اقتدار مدیریت در تصمیم گیری</u>	<u>پاداش نقدی و غیر نقدی</u>	<u>چیدمان و استقرار تجهیزات</u>	<u>آموزش</u>
<u>نحوه ی به کار گیری شیوه های تنبیهی</u>	<u>فضای لازم محیط کار</u>	<u>شیوه های تشویقی مناسب</u>	<u>میزان نور محیط کار</u>

از بین عوامل فوق الذکر موارد زیر اولویت های اول تا پنجم را به خود اختصاص داده اند:

۱_ شیوه و سبک مدیریت ۲_ شرایط محیط کار ۳_ فعالیت های گروهی ۴_ رضایت شغلی ۵_ پاداش

خلاصه یافته های بهره وری در اقتصاد ملی و عملکرد بهره وری صنایع کوچک و متوسط :

سهم بهره وری در رشد اقتصادی ایران

برنامه های پنج ساله	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم	اهداف برنامه پنجم توسعه
۷۲-۱۳۶۸	۷۸-۱۳۷۴	۸۳-۱۳۷۹	۸۸ - ۱۳۸۴	۹۳-۱۳۸۹	۳/۹	پنجم توسعه
رشد بهره وری کار	۴/۲	۰/۴	۲/۱	۲/۹	-۰/۶	
رشد بهره وری سرمایه	۵	-۰/۲	۱/۲	۰/۲	-۲/۹	۱
رشد بهره وری کل عوامل تولید	۴/۴	-۰/۱	۱/۴	۱/۱	-۱/۹	۲/۴
سهم بهره وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی	۶۴	صفر	۲۸	۲۵	صفر	۳۰

تغییرات شاخص های بهره وری در اقتصاد کشور

تغییر شاخص بهره وری کل عوامل تولید	تغییر شاخص بهره وری سرمایه	تغییر شاخص بهره وری نیروی کار	سال
۲/۲	۲/۵	۲	۱۳۷۹
-۱/۷	-۲/۴	-۰/۹	۱۳۸۰
۳/۵	۳/۲	۳/۷	۱۳۸۱
۴/۳	۳/۴	۵/۲	۱۳۸۲
۰/۴	-۰/۳	۱/۱	۱۳۸۳
۲	۱/۴	۲/۹	۱۳۸۴
۳/۱	۱/۸	۴/۹	۱۳۸۵
۴	۱/۹	۶/۵	۱۳۸۶
-۱/۱	-۴/۴	۳/۵	۱۳۸۷
-۱/۸	-۳/۶	-۱/۲	۱۳۸۸
۴/۱	۱/۵	۸/۳	۱۳۸۹
۰/۴	-۰/۴	۵	۱۳۹۰
-۷/۶	-۸/۸	-۷/۳	۱۳۹۱
-۴/۴	-۳/۴	-۵/۲	۱۳۹۲
۲/۱	۱/۴	۳/۲	۱۳۹۳
۶/۳	-۷/۸	۳۱/۸	کل
۰/۳۵	-۰/۴۸	۱/۶	متوسط سالانه

خلاصه عملکرد صنایع کوچک و متوسط و بزرگ طی سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۰ (میلیون ریال)

متوسط	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	شرح
۱۳۵۶۷	۱۲۴۳۲	۱۲۷۳۴	۱۳۴۰۶	۱۴۲۴۸	۱۴۸۶۴	۱۳۷۱۹	تعداد کارگاه های کوچک و متوسط (عدد)
۸۶	۸۵	۸۵/۲	۸۵/۳	۸۶	۸۷	۸۸	سهم در کل کارگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا (درصد)
۳۹۱۹۵۴	۳۸۱۰۱۰	۳۹۴۹۶۳	۴۰۳۵۴۵	۳۸۴۶۹۶	۳۹۷۵۹۱	۳۸۹۹۱۹	تعداد شاغلین (نفر)
۳۳/۷	۳۰/۷	۳۱/۶	۳۲/۳	۳۵	۳۶	۳۶/۴	سهم شاغلین (درصد)
۲۹	۳۰/۷	۳۱	۳۰/۱	۲۷	۲۶/۸	۲۸/۴	متوسط شاغلین هر کارگاه (نفر)
۳۲۹۴۴۲۹۶	۲۸۳۸۷۴۶۰	۳۲۸۱۷۹۰۰	۳۴۳۰۷۸۴۰	۳۳۸۰۰۴۷۰	۳۷۲۷۶۸۶۰	۳۱۰۷۵۲۵۰	ارزش افزوده (میلیون ریال به قیمت ثابت ۸۳)
۱۴/۱۵	۱۴/۷	۱۳/۹	۱۴	۱۳/۸	۱۴/۶	۱۳/۹	سهم از کل ارزش افزوده صنایع ۱۰ نفر به بالا
۲۴۲۸	۲۲۸۳	۲۵۷۷	۲۵۵۹	۲۳۷۳	۲۵۰۸	۲۲۶۵	ارزش افزوده سرانه هر کارگاه به طور متوسط قیمت ثابت (میلیون ریال)
۸۵/۶	۸۴/۵	۸۳/۱	۸۵	۸۷/۸۶	۹۳/۷۶	۷۹/۷	ارزش افزوده سرانه هر کارکن به طور متوسط قیمت ثابت
۰/۴۱	- ۱۱/۴	۰/۷	۷/۸	- ۵/۳۸	۱۰/۷۳	-	رشد ارزش افزوده هر کارگاه (درصد) به قیمت ثابت
۱/۲۶	۱/۶۹	- ۲/۲۴	- ۳/۲۶	- ۶/۳	۱۷/۶۴	-	رشد ارزش افزوده سرانه هر کارکن (درصد)
۶۰۸۹۵۰۲۷	۹۲۲۰۱۲۱۷	۶۸۹۲۱۵۶۹	۵۹۱۹۳۶۵۶	۵۶۴۷۸۸۸۷	۵۰۹۲۲۷۸۰	۳۷۶۵۱۰۵۴	ارزش افزوده به قیمت جاری (میلیون ریال)
۱۵۵/۸	۲۴۲	۱۷۴/۵	۱۴۶/۷	۱۴۶/۸	۱۲۸/۱	۹۶/۶	ارزش افزوده سرانه هر کارکن به قیمت جاری (میلیون ریال)

۲۱	۳۸/۶۸	۱۸/۹۵	۰	۱۴/۶	۳۲/۶	-	رشد ارزش افزوده سرانه هر کارکن به قیمت جاری (درصد)
۲۱۸۴	۲۲۱۲	۲۲۱۳	۲۳۱۸	۲۳۳۴	۲۲۱۴	۱۸۱۲	تعداد کارگاه های بزرگ
۱۳/۹	۱۵	۱۴/۸	۱۴/۷	۱۴	۱۳	۱۲	سهم در تعداد کل
۷۷۹۳۵۹	۸۶۱۹۷۳	۸۵۴۷۵۸	۸۴۸۲۳۸	۷۱۴۴۴۵	۷۱۵۲۶۵	۶۸۱۴۶۴	تعداد شاغلین کارگاه های بزرگ
۶۶/۳	۶۹/۳	۶۸/۴	۶۷/۷	۶۵	۶۴	۶۳/۶	سهم در تعداد شاغلین
۲۰۰۰۷۱۲۰۳	۱۶۴۷۲۴۵۴۰	۲۰۳۲۸۲۱۰۰	۲۱۰۷۴۸۱۶۰	۲۱۱۱۴۰۵۳۰	۲۱۸۰۴۴۱۴۰	۱۹۲۴۸۷۷۵۰	ارزش افزوده به قیمت ثابت کارگاه های بزرگ
۹۲۰۷۰	۷۴۴۸۹	۹۱۸۵۸	۹۰۹۱۸	۹۰۴۶۳	۹۸۴۸۴	۱۰۶۲۲۹	ارزش افزوده سرانه هر کارگاه بزرگ قیمت ثابت
۶/۵۵	۱۸/۹	۱/۰۳	۰/۵۱	۸/۱	۷/۳	-	رشد ارزش افزوده سرانه هرکارگاه به قیمت ثابت
۳۶۶۶۸۲۹۳۸	۵۳۲۱۳۱۲۱۶	۴۲۵۷۰۸۳۷۷	۳۶۱۵۶۸۱۳۶	۳۵۱۸۶۱۳۹۶	۲۹۷۰۸۰۱۷۵	۲۳۱۷۴۸۳۳۰	ارزش افزوده به قیمت جاری در کارگاه های بزرگ
۴۶۶	۶۱۷	۴۹۸	۴۲۶	۴۹۲	۴۲۰	۳۴۰	ارزش افزوده سرانه هرکارکن به قیمت جاری (میلیون ریال)
۲۶۲/۳	۱۹۱/۱	۲۳۷/۸	۲۴۸/۵	۲۹۵/۵	۳۰۴/۸	۲۸۲/۵	ارزش افزوده سرانه هرکارکن در کارگاه های بزرگ به قیمت ثابت
-۶/۹۶	-۱۹/۶	-۴/۳	-۱۵/۹	-۳	۷/۹	-	رشد ارزش افزوده سرانه هرکارکن به قیمت ثابت
۳۵۷	۳۹۰	۳۸۶	۳۶۶	۳۰۶	۳۲۳	۳۷۶	تعداد شاغلین هرکارگاه بزرگ به طور متوسط

جایگاه بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت (۱۳۸۳): (درصد)

متوسط سالانه	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	شرح
۳/۰۴	۳/۵	۳/۱	۳/۱	۲/۷	۲/۵۶	۲/۵۸	۳/۱۳	۳	۲/۸۷	۳/۱۲	۳/۸۱	سهم ۴ گروه صنایع غذایی، نساجی، چوب، و کاغذ در تولید ناخالص داخلی
۱۲/۲۳	۱۲/۸۲	۱۳/۵۴	۱۳/۳	۱۳/۱۱	۱۲/۲۶	۱۱/۸۷	۱۲/۱۵	۱۲/۰۳	۱۱/۵۹	۱۱/۴۱	۱۰/۳۵	سهم ۴ گروه صنایع شیمیایی کانی غیر فلزی و فلزات اساسی و ماشین آلات در GDP
۱۵/۲۵	۱۶/۳۲	۱۶/۶۴	۱۶/۴۱	۱۵/۸۲	۱۴/۸۳	۱۴/۴۵	۱۵/۲۹	۱۵/۰۳	۱۴/۴۶	۱۴/۵۳	۱۲/۲۶	سهم کل صنعت در تولید ناخالص داخلی
۱۶						۱۴/۳۴						متوسط دوره سهم صنعت در GDP
۴/۳	۶/۷۸	۴/۳	۶/۴۸	۱/۲۵	-۰/۶۴	۷/۷۴	۶/۰۷	۶/۳۲	۴/۶۴	۸/۴۲	۸/۱۲	رشد تولید ناخالص داخلی
۲۰/۵	۲۰/۷	۲۲	۱۸	۹۵	۷۰	۳/۷	۲۰	۲۴	۱۴	۱۸	۲۱	سهم صنعت در رشد تولید ناخالص داخلی
۶/۰۳	۸/۴۲	۵/۶۳	۱۰/۴۹	۸	۳/۱۲	۱/۹۴	۷/۹۳	۱۰/۵۱	۴/۲	۱۰/۵۱	۱۲/۵۴	رشد ارزش افزوده صنعت
۱/۱۸						۶/۸۹						متوسط رشد تولید ناخالص داخلی

متوسط سالانه	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	شرح
۳/۷۶						۷/۹۱						متوسط رشد ارزش افزوده صنعت
۱/۰۸	۱/۰۱	۰/۷۲	۳/۸۲	۱/۲	۰/۱۳	۲/۲۴	۲/۲	۲/۴۷	۰/۸۱	۳	۶/۵۹	رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول
۴/۹۶	۹/۴۵	۴/۹۱	۶/۶۷	۶/۸	۳/۲۴	۴/۱۸	۵/۷۳	۸/۰۴	۴/۹۱	۱۳/۵۲	۵/۹۷	رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم
۱/۳۲						۰/۸۷						متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه اول
۲/۴۳						۷/۰۶						متوسط رشد ارزش افزوده ۴ گروه دوم
۲۰	۲۱/۴۳	۱۸/۶۲	۱۸/۹۳	۱۷/۲۸	۱۷/۲۷	۱۷/۹۳	۲۰/۵۲	۱۹/۹۴	۱۹/۸۶	۲۱/۴۸	۲۶/۷۳	سهام ۴ گروه اول صنایع در کل ارزش افزوده
۸۰	۷۸/۵۷	۸۱/۳۸	۸۵/۰۷	۸۲/۹۲	۸۲/۷۳	۸۲/۰۷	۷۹/۴۸	۸۰/۰۶	۸۰/۱۴	۷۸/۵۲	۷۳/۲۷	سهام ۴ گروه دوم صنایع در کل ارزش افزوده
۱۸/۶۸						۲۱/۰۸						متوسط سهم ۴ گروه اول در کل ارزش افزوده
۸۱/۳۲						۷۸/۹۲						متوسط سهم ۴ گروه دوم در کل ارزش افزوده

روند شاخص های توسعه صنعتی در ایران و کشورهای منتخب طی سال های ۱۹۶۰ - ۱۹۹۹ :

عنوان شاخص	دوره زمانی	ایران	کشورهای صنعتی	آسیای شرقی	کره جنوبی	سنگاپور	مالزی	کانادا	ایتالیا	ژاپن	آمریکا
متوسط رشد سرانه تولیدات صنعتی (درصد)	-۱۹۶۰ ۱۹۹۹	۵/۶	۳/۹	۱۵/۳	۱۶/۸۵	۱۶/۶۶	۱۴/۲۵	۲/۴	۳/۱	۴/۸	۲/۴
	-۱۹۶۰ ۱۹۷۰	۱۰/۴	۷/۱	۱۴	۱۶	۲۲/۱۷	۱۰/۸۲	۵	۶/۷	۱۲/۶	۴/۶
	-۱۹۷۰ ۱۹۸۰	۴/۸	۳/۹	۲۳/۹	۲۴/۸۹	۲۴/۳۸	۲۴/۷۱	۲/۵	۳/۳	۴/۱	۲/۲
	-۱۹۸۰ ۱۹۹۰	۳/۳	۲/۷	۱۲/۲	۱۵/۸۶	۱۲/۴۳	۸/۶۳	۱/۱	۱/۸	۳/۵	۱/۱
	-۱۹۹۰ ۱۹۹۹	۲/۸	۲/۴	۹/۳	۸/۱۲	۹/۷	۱۱/۰۶	۱/۱	۱	۰/۳	۲/۱
نسبت ارزش افزوده صنعت به سرمایه (بهره وری سرمایه)	-۱۹۶۰ ۱۹۹۹	۰/۶۸	۰/۹۹	۰/۷۹	۰/۹۴	۰/۷	۰/۷۱	۰/۸۲	۱/۱۱	۰/۹۹	-
	-۱۹۶۰ ۱۹۷۰	۰/۶۳	۱/۰۵	۰/۷۸	۰/۹۷	۰/۷۳	۰/۶۱	۰/۹۲	۱/۰۶	۱/۰۹	-
	-۱۹۷۰ ۱۹۸۰	۰/۶۲	۰/۹۷	۰/۷۷	۰/۹۳	۰/۶۷	۰/۷۲	۰/۸۰	۱/۱۲	۰/۹۷	-
	-۱۹۸۰ ۱۹۹۰	۰/۶۹	۰/۹۶	۰/۷۷	۰/۹۸	۰/۷	۰/۷۱	۰/۷۷	۱/۱۲	۰/۹۹	-
	-۱۹۹۰ ۱۹۹۹	۰/۷۸	۰/۹۶	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۳	۱/۰۷	۰/۸۷	-
نسبت ارزش افزوده صنعت به تولید ناخالص داخلی (درصد)	-۱۹۶۰ ۱۹۹۹	۹/۷	۲۵/۶	۲۰/۳	۲۴/۹۳	۲۳/۹۷	۱۸/۴۵	۱۷/۷	۲۴/۸	۳۰/۵	-
	-۱۹۶۰ ۱۹۷۰	۵/۷	۳۱/۱	۱۲/۸	۱۶/۵۹	۱۷/۱۳	۹/۵۵	۲۱/۱	۲۷/۷	۳۴/۷	-
	-۱۹۷۰ ۱۹۸۰	۸	۲۶/۴	۱۹/۳	۲۴/۹۴	۲۴/۳۳	۱۷/۲۵	۱۸/۴	۲۸/۶	۳۲/۱	-
	-۱۹۸۰ ۱۹۹۰	۱۱/۷	۲۳/۵	۲۳/۳	۲۹/۴۲	۲۶/۸۸	۲۰/۷۷	۱۶/۵	۲۵/۱	۲۸/۸	-
	-۱۹۹۰ ۱۹۹۹	۱۴/۵	۲۱/۱	۲۶/۷	۲۹/۴۲	۲۴/۹۳	۲۷/۱	۱۵/۴	۲۰/۵	۲۵/۶	-

۰/۲	۳۱/۶	۵۱/۲	۷۸/۴	۶۹/۵۳	۶۱/۴۱	۵۷/۶۴	۶۶/۴	۶۰/۸	۶۶/۹	-۱۹۶۰ ۱۹۹۹	نسبت واردات صنعتی به کل واردات (درصد)
۱/۳	۲۱/۸	۴۰/۷	۷۳/۶	۵۲/۳۱	۴۵/۳۷	۵۵/۹	۶۱/۲	۵۰/۶	۵۸/۳	-۱۹۶۰ ۱۹۷۰	
۵/۷	۲۱/۶	۴۳/۴	۷۲/۲	۰۸/۶۳	۵۵/۹۵	۵۵/۹	۶۱/۲	۵۰/۶	۷۱/۹	-۱۹۷۰ ۱۹۸۰	
۶/۶	۳۰/۱	۵۱/۸	۷۹/۳	۷۳/۰۴	۶۱/۴۴	۵۵/۹۳	۶۴/۸	۶۲	۷۰/۱	-۱۹۸۰ ۱۹۹۰	
۷/۷	۵۱/۳	۶۷/۶	۸۳	۸۴/۵۳	۸۰/۱۵	۶۴/۵۳	۷۶/۳	۷۴/۳	۶۷/۱	-۱۹۹۰ ۱۹۹۹	
۰/۷	۹۴/۴	۸۴/۴	۵۳/۶	۳۲/۷۷	۵۳	۸۴/۰۲	۴۴/۱	۷۷/۶	۲/۴۷	-۱۹۶۰ ۱۹۹۹	
۴/۱۵	۹۱/۵	۷۹/۲	۴۲/۸	۵۱/۳۸	۲۷/۲۲	۶۳/۰۸	۲۰/۴	۷۱/۹	۱/۵۷	-۱۹۶۰ ۱۹۷۰	
۱۶/۱	۹۴/۲	۸۳	۴۹/۱۵	۱۳/۷۱	۴۰/۹۷	۸۶/۶	۳۱/۳	۷۶/۶	۰/۷۷	-۱۹۷۰ ۱۹۸۰	
۸/۹	۹۶	۸۵/۹	۵۷/۱	۳۲/۹	۵۷/۵۵	۹۱/۶۳	۴۷/۸	۷۸/۴	۰/۹۹	-۱۹۸۰ ۱۹۹۰	
۸/۳	۹۵/۲	۸۸/۷	۶۲/۴	۷۰/۸۳	۸۰/۵۴	۹۲/۵۳	۷۲/۳	۸۲/۵	۶/۷۴	-۱۹۹۰ ۱۹۹۹	

خلاصه یافته های جایگاه دولت در اقتصاد :

(درصد)

شرح	دوره رونق درآمدهای نفتی ۱۳۵۲-۵۷	دوره انقلاب و جنگ ۶۷-۱۳۵۸	برنامه اول ۱۳۶۸-۷۲	برنامه دوم ۱۳۷۳-۷۸	برنامه سوم ۱۳۷۹-۸۳	برنامه چهارم سال ۱۳۸۴
اندازه دولت مرکزی	۴۵/۸	۲۷/۳	۱۷/۴	۲۲/۱	۲۰/۶	۲۶/۴
اندازه دولت عمومی	۴۵/۶	۲۸/۲	۱۸/۸	۲۲/۸	۲۲/۶	۲۸/۶
اندازه بخش عمومی	۶۳/۱	۴۰/۸	۳۹/۳	۵۰/۶	۵۳	۷۲/۲
نرخ رشد مخارج دولت مرکزی به قیمت ثابت ۸۳	۱۳/۸	-۷/۹	۶/۲	۱/۷	۷/۴	۳۵/۶
نرخ رشد مخارج دولت عمومی به قیمت ثابت ۸۳	۱۳/۸	-۷/۵	۶/۹	۱/۶	۷/۶	۳۵/۲
نرخ رشد مخارج بخش عمومی به قیمت ثابت ۸۳	۲۶/۱	-۱۲/۸	۲۲/۵	-۱	۴/۵	۴۶/۸
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۸۳	۴/۶	-۲	۶/۹	۲/۹	۵/۷	۴/۴
نسبت رشد مخارج دولت مرکزی به رشد تولید ناخالص داخلی	۳	۴	۰/۹	۰/۶	۱/۳	۵/۸
نسبت رشد مخارج دولت عمومی به رشد تولید ناخالص داخلی	۳	۳/۸	۱	۰/۶	۱/۳۳	۴/۳۵
نسبت رشد مخارج بخش عمومی به رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۷	۶/۴	۳/۳	-۰/۳۵	۰/۸	۱۰/۶۳
نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی (درصد)	۶۷/۲	۴۲/۵	۴۲/۷	۵۹/۷	۷۱/۹	۸۹/۵
نسبت بودجه شرکت های دولتی به تولید ناخالص داخلی	۵۵	۲۴/۳	۲۶	۳۹	۴۶/۴	۶۳/۱
نسبت بودجه شرکت های دولتی به کل بودجه کشور	۸۰	۵۳/۹	۶۰/۵	۶۵/۳	۶۴/۶	۷۰/۵

نسبت پرداخت های جاری و عمرانی به تولید ناخالص داخلی طی سال های ۱۳۷۴ - ۱۳۸۴

متوسط اندازه دولت مرکزی	۱۵/۸۷ درصد	متوسط نسبت پرداخت جاری دولت مرکزی به تولید ناخالص داخلی
	۲۱/۸	متوسط نسبت پرداخت عمرانی دولت مرکزی به تولید ناخالص داخلی
متوسط اندازه دولت عمومی	۱۶/۶۵ درصد	متوسط نسبت پرداخت جاری دولت عمومی به تولید ناخالص داخلی
	۷/۰۶ درصد	متوسط نسبت پرداخت عمرانی دولت عمومی به تولید ناخالص داخلی
متوسط اندازه بخش عمومی	۴۳/۶ درصد	متوسط نسبت پرداخت جاری بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی
	۱۰/۲ درصد	متوسط نسبت پرداخت عمرانی بخش عمومی به تولید ناخالص داخلی

یافته های مهم مقایسه عملکرد صنایع استان اصفهان با کل کشور :

– تعداد کل بنگاه های کوچک از ۱۳۰۴۲ در سال ۸۶ به ۹۷۷۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است که به طور متوسط سالانه رشد ۲/۶ – را نشان می دهد. تعداد کل شاغلین نیز از ۲۸۹ هزار نفر به ۲۲۱ هزار نفر کاهش یافته که گویای متوسط رشد سالانه حدود ۲/۳ – می باشد. و آمار های فوق حاکی از آن است که بنگاه ها عمدتاً از سال های ۸۷ به بعد تحت تاثیر عوامل بیرونی و داخلی، دچار مشکلات و تنگنا های مختلفی می شوند

– ارزش جبران خدمات نیروی کار از ۱۰۲۱۱ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۲۷۲۰۱ میلیارد ریال در سال ۹۳ افزایش یافته (به قیمت های جاری) که متوسط رشد سالانه حدود ۱۵/۸ درصد را نشان می دهد. با توجه به این که تعداد بنگاه ها و شاغلین آن ها طی سال های مورد نظر کاهش یافته است ، می توان گفت افزایش سالانه پرداخت جبران خدمات به لحاظ افزایش تورم در حقوق و دستمزدها می باشد.

– میزان صادرات بنگاه های کوچک در کل کشور از ۴۲۴ میلیون دلار در سال ۸۶ به ۵۴۶ میلیون دلار افزایش یافته است، که به طور متوسط رشد سالانه ۱۵/۶۴ درصد را بازگو می کند. که بخشی از آن به لحاظ تورم می باشد. بنابراین اگرچه صادرات فوق گویای تلاش صنعتگران و وجود پتانسیل در این حوزه می باشد ولی مقدار آن چندان قابل توجه نمی باشد. اما از سویی با حمایت های لازم در بسترسازی عوامل بیرونی و با رخداد تحولاتی در عوامل داخلی می توان شاهد افزایش صادرات در حوزه صنعت به ویژه صنایع کوچک باشیم.

– ارزش افزوده به قیمت های جاری برای بنگاه های کوچک در سال ۸۶ حدود ۳۲۷۶۵ میلیارد ریال می باشد، و در سال ۹۳ به ۵۶۱۷۰ میلیارد رسیده است که بیان گر متوسط رشد سالانه ۱۸/۵ درصد است. ارزش افزوده سرانه نیروی کار از ۰/۱۱۲ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۰/۴۱۸ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است که رشد سالانه ۲۱ درصدی را گویا می باشد. متوسط سالانه ارزش افزوده نیروی کار ۲۲۳۰۰۰۰۰ تومان است که بخش مهم آن به لحاظ تورم می باشد. شاخص قیمتی تولیدکننده طی سال های مورد نظر به طور متوسط حدود ۲۵٪ افزایش یافته که گویای تورم سالانه به همین مقدار در حوزه تولید می باشد. بنابراین می توان گفت عملکرد واقعی صنایع کوچک به قیمت های ثابت طی سال های مورد نظر بسیار ناچیز می باشد، و عملکرد های پایین اولا تداعی کننده آن است که بنگاه ها از ظرفیت های موجودشان در سطح مناسبی استفاده نمی کنند، در ثانی گویای بحران مالی و نقدینگی می باشد. لازم به ذکر است که ارزش افزوده حاصل جمع بهای کلیه عوامل تولید (حقوق و دستمزد، استهلاک دارایی های ثابت، هزینه بهره، اجاره، بیمه کارخانه، مالیات و سود خالص می باشد. در جایی که سهم جبران خدمات کار در ارزش افزوده سرانه نیروی کار به طور متوسط سالانه حدود ۳۲٪ می باشد، و چنان چه سایر بهای عوامل تولید نیز از آن کسر شود، سود خالص سالانه بسیار ناچیز خواهد شد. بنابر این می توان گفت مهم ترین عصبای دست بنگاه ها و مهم ترین منبع تامین مالی برای توسعه و ماندن در میدان رقابت دنیای صنعتی گران با تغییر و تحولات سریع و روزافزون بسیار ضعیف می باشد، و این پدیده می تواند یکی از علل مهم کاهش فعالیت ها و یا تعطیلی برخی از بنگاه ها باشد.

– تعداد بنگاه های کوچک در کل کشور از ۱۰۴۸۱ در سال ۹۰ به ۹۷۷۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است، که متوسط رشد سالانه ۲/۳ – را نشان می دهد. تعداد بنگاه های کوچک در استان اصفهان طی سال های مذکور از ۱۲۸۴ به ۱۰۳۰ مورد کاهش یافته که گویای متوسط رشد سالانه ۶/۶ – می باشد. بنابراین نرخ کاهش تعداد بنگاه های کوچک در استان اصفهان نسبت به کل کشور حدود سه برابر می باشد و قابل تامل می باشد.

– تعداد شاغلین در بنگاه های کوچک در کل کشور از ۲۳۷۲۳۹ نفر در سال ۹۰ به ۲۲۱۱۴۵ نفر در سال ۹۳ تقلیل یافته، که گویای متوسط رشد سالانه ۲/۳ – می باشد. مقادیر فوق در استان اصفهان به ترتیب برابر

۳۰۱۲۸ و ۲۵۰۷۸ و ۵/۶ - می باشد . بنابراین نرخ کاهش شاغلین در استان اصفهان نسبت به کل کشور حدود ۲/۵ برابر بیش تر است . و این در حالی است که بنگاه های کوچک در استان اصفهان به طور متوسط سالانه سهم ۱۲ درصدی از کل اشتغال و تعداد بنگاه های کوچک را به خود اختصاص داده اند.

متوسط تعداد شاغلین در هر بنگاه کوچک در کل کشور ۲۲/۸ نفر و در استان اصفهان حدود ۲۳/۶ نفر می باشد ، یعنی میزان اشتغال زایی هر بنگاه کوچک در استان اصفهان بیشتر از کل کشور است .

__ متوسط رشد سالانه پرداخت جبران خدمات نیروی کار در کل کشور ۲۳ درصد و در استان اصفهان ۱۹/۸ درصد می باشد. ارزش جبران خدمات کار به طور سرانه برای هر بنگاه کوچک در کل کشور و استان اصفهان به ترتیب برابر ۲/۱۵ و ۲/۱ میلیارد ریال طی سال های مذکور می باشد. با این حال ارزش جبران خدمات سرانه نیروی کار در کل کشور و استان اصفهان به ترتیب برابر ۰/۰۹۴ و ۰/۱۱ میلیارد ریال می باشد. به عبارتی هر شاغل در بنگاه های کوچک استان اصفهان ۱/۱۷ بر ا بر هر شاغل در کل کشور دریافتی بیش تری دارد .

__ ارزش افزوده سرانه هر بنگاه کوچک طی سال های ۹۰ - ۹۳ در کل کشور ۷/۶۶ میلیارد ریال و در استان اصفهان حدود ۸/۰۷ میلیارد ریال می باشد ، که به طور متوسط هر بنگاه کوچک در استان اصفهان نسبت به کل کشور حدود ۵٪ ارزش افزوده بالاتری را داشته است . با توجه به تنگناهای بیش تر بر سر راه بنگاه های کوچک استان اصفهان ، صنعتگران استان توانسته اند عملکرد بالاتری داشته باشند ، که خود گویای پتانسیل ها و تجربیات ارزنده استان می باشد . از سوی دیگر بخشی از عملکرد بالاتر بنگاه های کوچک استان نسبت به کل کشور به خاطر سرمایه گذاری سرانه بیش تر بوده است . ارزش سرمایه گذاری به ازای هر کارکن طی سال های مورد نظر به طور متوسط سالانه در کل کشور ۰/۰۲۶ و در استان اصفهان ۰/۰۶۲ میلیارد ریال می باشد ، یعنی سرمایه گذاری سرانه در استان اصفهان حدود ۲/۴ برابر بیشتر است . نتیجه آنکه تزریق سرمایه به بنگاه های کوچک در بهبود عملکرد آن ها تاثیر مثبت دارد ، البته تلاش صنعتگران را نایستی فراموش کرد . و چنان چه مشکلات مالی و نقدینگی آن ها مرتفع شود ، می توان شاهد شکوفایی بخش مهمی از بنگاه های صنعتی باشیم.

__ بنگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا در سطح کشور از ۱۷۵۹۳ در سال ۸۶ به ۱۴۴۵۲ مورد در سال ۹۳ رسیده است ، یعنی در مجموع ۳۱۴۱ وا حد صنعتی غیر فعال شده اند و به طور متوسط شاهد متوسط رشد سالانه ۶٪ - می باشیم . در استان اصفهان تعداد کل بنگاه ها از ۲۲۱۷ در سال ۸۶ به ۱۵۶۱ مورد در سال ۹۳ رسیده است که متوسط رشد سالانه ۱۰٪ - را نشان می دهد . بنابراین نرخ غیر فعال شدن بنگاه ها در استان اصفهان به طور متوسط سالانه حدود ۱/۷ برابر نسبت به کل کشور می باشد.

__ میزان مصرف انرژی از سوی کل بنگاه ها صنعتی ۱۰ نفر به بالا در سطح کل کشور از ۱۸۲۸۵۳ هزار بشکه معادل نفت خام در سال ۸۶ به ۲۶۰۹۲۸ هزار بشکه رسیده است ، که گویای متوسط رشد سالانه ۶/۱٪ می باشد . این مقدار در استان اصفهان از ۴۱۰۹۵ هزار بشکه در سال ۸۶ به ۴۶۹۲۷ هزار بشکه در سال ۹۳ رسیده است که رشد سالانه ۴/۷۳٪ در صدی را نشان می دهد.، که نسبت به کل کشور در سطح کم تری قرار دارد ، که بخش مهم آن به لحاظ آن است که بنگاه ها در استان اصفهان بیشتر غیر فعال شده اند و یا با نرخ بیش تری از فعالیت آن ها کاسته شده است

__ هر بنگاه صنعتی ۱۰ نفر کا رکن به بالا در سطح کل کشور در سال ۸۶ به طور سرانه حدود ۱۹/۸ میلیارد ریال ارزش افزوده به قیمت های جاری داشته است که به ۹۲/۲ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است ، ومتوسط رشد سالیانه ۵۲/۲٪ درصد را نشان می دهد. مقدار ارزش افزوده هر بنگاه در استان اصفهان به طور متوسط از ۲۸/۴۴ میلیارد ریال در سال ۸۶ به ۹۰/۶۵ میلیارد ریال در سال ۹۳ رسیده است که گویای متوسط رشد سالانه ۳۱/۲٪ می باشد که بسیار کم تر از متوسط کل کشور می باشد.

__ میزان مصرف سرانه انرژی از سوی هر بنگاه در کل کشور در سال ۸۶ بر ۱۰/۳۹ هزار بشکه معادل نفت خام می باشد که در سال ۹۳ به ۱۸/۰۵ هزار بشکه رسیده است ، و حاکی از متوسط رشد سالانه ۱۰/۵٪ می باشد . مقدار مصرف انرژی برای هر بنگاه به طور سرانه در استان اصفهان در سال ۸۶ برابر ۱۸/۵۴ و در سال ۹۳ برابر ۳۰/۰۶ هزار بشکه می باشد که نشان گر متوسط رشد سالانه ۸/۹٪ می باشد که نسبت به متوسط مصرف انرژی در سطح کل کشور کم تر می باشد.

__ بهره وری انرژی هر بنگاه (ارزش افزوده تقسیم بر میزان مصرف انرژی) در کل کشور در سال ۸۶ برابر ۱۹۰۴ هزار ریال به ازای مصرف هر بشکه انرژی معادل نفت خام می باشد که این مقدار در سال ۹۳ به ۵۱۰۸ هزار ریال می رسد که متوسط رشد سالانه ۲۴٪ می باشد . در استان اصفهان بهره وری انرژی هر بنگاه به طور متوسط از ۱۵۳۴ هزار ریال به ۳۰۱۶ هزار ریال در سال ۹۳ رسیده است و متوسط رشد سالانه ۱۳/۸٪ را نشان می دهد . بنابر این متوسط بهره وری انرژی برای هر بنگاه در استان اصفهان در سطح پایین تری نسبت به متوسط کل کشور می باشد و رشد سالانه آن نیز کم تر می باشد ، نتیجه آن که مدیریت بهره وری و تجزیه و تحلیل آن یکی از ضعف های مهم داخلی بنگاه های صنعتی در استان اصفهان می باشد که می تواند یکی از علل کاهش فعالیت ها توسط بنگاه ها باشد.

لازم به ذکر است که ارقام فوق الذکر بر مبنای قیمت های جاری می باشد و محاسبات در صفحات قبلی گویای نامناسب بودن بهره وری انرژی به قیمت های ثابت می باشد .

خلاصه محتوای مصاحبه مستقیم و مکالمات تلفنی با واحدهای غیر فعال و تعطیل شده :

بر اساس مصاحبه های صورت گرفته با تنی چند از کارفرمایان و هم چنین تنظیم پرسشنامه از طریق مکالمات تلفنی با ۳۵ بنگاه غیر فعال نتایج زیر حاصل گردیده است:

- به طور متوسط بنگاه تعطیل شده و غیر فعال در آخرین سال فعالیت خود دارای ۳۲ نفر پرسنل بوده است.
- هر بنگاه به طور متوسط ۵/۲ سال است که غیر فعال می باشد.
- حدود ۸۸ درصد بنگاه های موردنظر به خارج صادراتی نداشته و حدود ۵ درصد صادرات داشته اند.
- حدود ۴۰ درصد بنگاه های موردنظر به موسسات و بانک ها بدهی دارند.
- حدود ۴۳ درصد بنگاه های مورد نظر به طور متوسط ۳۰ درصد به مواد اولیه خارجی وابستگی دارند.
- حدود ۱۷/۶ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به ماشین آلات خارجی و وارداتی وابسته هستند و حدود ۹ درصد بنگاه ها به طور متوسط ۳۰ درصد به دانش فنی خارجی وابستگی دارند.
- حدود ۴۱ درصد بنگاه ها معتقدند که تحریم های اقتصادی بر فعالیت تولیدی آن ها اثر منفی داشته است

عمده ترین مشکلات و موانع فعالیت های تولیدی بنگاه های تعطیل شده :

اولویت بر اساس فراوانی نسبی	فراوانی تجمعی نسبی	فراوانی نسبی (درصد)	فراوانی	علل و موانع و مشکلات
۵	۸/۹	۸/۹	۱۴	تحریم های اقتصادی و محدودیت های انتقال پول
۶	۱۸/۴	۹/۵	۱۵	رکود اقتصادی
۲	۳۱/۱	۱۲/۷	۲۰	واردات بی رویه و فقدان رقابت محصولات و بالا بودن بهای تمام شده
۵	۴۱/۲	۱۰/۱	۱۶	عدم کفایت سرمایه در گردش و نقدینگی و طولانی شدن پرداخت مطالبات
۴	۵۲	۱۰/۸	۱۷	فشار مالیاتی و قوانین مالیاتی
۱	۶۵/۳	۱۳/۳	۲۱	بهره بالای تسهیلات و قوانین سیستم بانکی و پولی و هزینه بالای مالی
۳	۷۷/۳	۱۲	۱۹	بیمه و قوانین کار و تامین اجتماعی و مشکلات کارگری و کارفرمایی
۶	۸۶/۸	۹/۵	۱۵	فقدان ثبات بازار و عدم پیش بینی شرایط بازار و عدم برنامه ریزی بلند مدت و بحران جهانی و نوسانات شدید قیمت مواد اولیه
۷	۹۳/۱	۶/۳	۱۰	بوروکراسی اداری و مقررات دست و پاگیر و پر حجم بودن اقتصاد دولتی و انحصارگری
۹	۹۶/۲	۳/۲	۵	رقابت ناسالم و فعالیت های قاچاق
۸	۱۰۰	۳/۷	۶	سایر موارد : مانند ضعف حسابداری مالی، عدم آشنایی به قراردادهای و عدم اطلاعات کافی پیرامون قوانین و شرایط سرمایه گذاری و رفتار نامناسب مسئولین ذیربط دولتی مانند مامور مالیات و بیمه و ادارات دیگر
----	----	۱۰۰	۱۵۸	جمع کل

خلاصه گزارش محتوای مصاحبه حضوری با گروهی از کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال مستقر در شهرک های صنعتی:

- ۱_ بسیاری از قوانین مالیاتی، بیمه، بانکی و پولی به طور شفاف و به موقع اطلاع رسانی نمی گردد.
- ۲_ برخی از مسئولین و نمایندگان نهادهای مالیاتی، بیمه، آب و برق و گاز رفتار بسیار ناشایسته، مغرورانه و با کمترین درک از شرایط تولید و صنعت و با تفکر ماموریم و معذوریم دارند.
- ۳_ بهترین کمک دولت به ما آن است که چوب لاچرخ ما نگذارد و بگذارد ما کار نکنیم.
- ۴_ اگر تاکنون بنگاه خود را نبسته ایم، به خاطر آن است که ۲۰ سال، ۳۰ سال جوانی خود را تباه کرده ایم و اکنون با شرایط سنی بالا نه می توانیم واسطه گری کنیم و نه شاگردی برای دیگران.
- ۵_ بسیاری از مطالبات ما از روی نهادهای دولتی به موقع پرداخت نمی شود. با تاخیر زمانی زیاد به گونه ای که ارزش سرمایه ما در طی زمان بشدت کاهش می یابد و بر نقدینگی وضعیت مالی ما اثر منفی خواهد داشت.
- ۶_ واردات بی رویه و منفعت جویانه و رانت جویانه موجب کاهش تقاضای کالاهای ما می شود.
- ۷_ چنان چه حمایت های لازم صورت گیرد، ما می توانیم با چند برابر کردن تولید موجود، تا دو- سه برابر به ایجاد و اشتغال جدید، مستقیم کمک کنیم.
- ۸_ ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده می دهیم، ۲۵ درصد مالیات بر سود عملکرد و ۲۴ درصد هم بیمه کارفرمایی. دیگر چه توان مالی باقی می ماند که بخواهیم به توسعه فکر کنیم و یا تحولات تکنولوژیکی را دنبال کنیم.
- ۹_ در گرفتن مالیات عدالت رعایت نمی گردد.
- ۱۰_ اگر بخواهیم طرح توسعه بدهیم و ساختمان جدیدی بسازیم، بایستی بیمه آن را نیز بپردازیم که فشار مضاعف می شود.
- ۱۱_ دیدگاه برخی از مسئولین آن است که ما خون مردم را می مکیم.

۱۲_ صنعت و تولید و صنعتگر و تولیدکننده دارای جایگاه و منزلت با احترام و ارزشمند خود نیست و در این مملکت کار و کسب درآمد از طریق تلاش واقعی بی معناست و به جایی نمی رسد.

۱۳_ قیمت مواد اولیه در بازار بسیار بی ثبات می باشد و با روندی افزایشی مداوم که بهای تمام شده محصولات ما را بسیار تحت الشعاع قرار می دهد و قدرت رقابتی ما در بازار کاهش می یابد.

۱۴_ قوانین کار و تامین اجتماعی به گونه ای است که برخی از کارگران و نیروی کار سوء استفاده می کنند و اختلافات را دامن می زنند.

۱۵_ بسیاری از فعالیت ها وابسته به بخش ساختمان و مسکن هستند. اگر این بخش به رونق درآید، فعالیت ما نیز رونق می گیرد. در حال حاضر که رکود است، بستر صادراتی نیز فراهم نیست و در نتیجه تقاضا برای محصولات ما کاهش یافته و انبارها نیز دارای موجودی های بسیاری می باشد.

۱۶_ دیدگاه بلند مدت و برنامه ریزی بلند مدت نداریم و به لحاظ شرایط بسیار متغیر این کار امکان پذیر نمی باشد.

۱۷_ عمده ی واحد های تولیدی کوچک و متوسط فاقد حوزه های تحقیق و توسعه و بازاریابی هستند. و مدیریت سنتی و تجربی حاکم است.

۱۸_ بسیاری از بنگاه های کوچک و متوسط فاقد سیستم های تجزیه و تحلیل عملکرد خود به طور جامع می باشند.

خلاصه گزارش محتوای مصاحبه با تنی چند از کارشناسان امور بانکی و مالیاتی پیرامون بنگاه های تولیدی و صنعتی:

۱_ طرح های توجیهی مالی و اقتصادی به صورت جامع تهیه نمی شود و بسیاری از آن ها صرفا با هدف گرفتن وام و اعتبارات نوشته می شود.

۲_ نظارت بر چگونگی خرج اعتبارات طرح های سرمایه گذاری ضعیف است و ممکن است بخشی از تسهیلات عرضه شده به سایر بخش ها مانند بخش ساختمان و مسکن و فعالیت و واسطه گری هدایت شود.

۳_ قوانین سخت گیرانه و متعدد به ویژه در امور مالیاتی از پیچیدگی های نهاد مالیاتی کشور می باشد.

۴_ گرایش به فرار مالیاتی شدید می باشد. و اعتماد بین نهاد مالیاتی و نهاد صنعتی کشور ضعیف می باشد.

۵_ بسیاری از کارفرمایان از قوانین و آئین نامه های مالیاتی اطلاعات کافی ندارند و مشاورینی که برای تهیه گزارش های مالی به کار می گیرند بعضا خود موجب پیچیده شدن پرونده مالیاتی آن ها می گردد.

خلاصه یافته های پرسشنامه نظرات کارفرمایان واحدهای تولیدی نیمه فعال:

یافته های سوالات کلی:

- _ متوسط سابقه کار کارفرمایان در کل صنعت ۳۸ سال
- _ متوسط سابقه کار کارفرمایان در صنعت موجود ۲۲ سال
- _ متوسط ظرفیت تولیدی فعال موجود بنگاه ها ۳۸ درصد
- _ متوسط تعداد پرسنل موجود در بنگاه ها ۳۹ نفر که در گذشته به طور متوسط ۸۰ نفر بوده است و به طور متوسط حدود ۵۰٪ نیروی کار خود را تعدیل کرده اند.
- _ حدود ۸۰٪ بنگاه های تولیدی مورد مطالعه صادرات ندارند.
- _ حدود ۳۷٪ بنگاه ها وابستگی به تکنولوژی خارجی و ۲۲٪ وابستگی به واردات مواد اولیه دارند.
- _ حدود ۴۵٪ واحدهای صنعتی با شرکت ها و نهادهای دولتی همکاری دارند ولی ۸۰٪ آن ها در وصول مطالبات خود دچار مشکل هستند.
- _ بیشتر بنگاه های تولیدی مورد مطالعه فاقد واحد بازاریابی و تحقیق و توسعه و آموزش می باشند.
- _ حدود ۳۵٪ از بنگاه ها از مشاورین استفاده نمی کنند.

یافته های سوالات عوامل بیرونی:

- بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل عوامل اصلی ، ۸ گروه موانع بیرونی تاثیرگذار در کاهش فعالیت بنگاه ها عبارتند از:
- _ محدودیت ها و موانع صادراتی
 - _ مالیات، بیمه های اجتماعی و یارانه
 - _ قوانین و مقررات دست و پاگیر
 - _ تکنولوژی و فن آوری بیرونی و تحولات آن در جهان
 - _ واردات بی رویه کالا و قاچاق کالا
 - _ فقدان راهبرد توسعه صنعتی و ریسک سرمایه گذاری

_ تعدد تولیدکننده، رکود اقتصادی و ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف کالاهای مشابه خارجی

_ تورم و تسهیلات بانکی جهت تامین سرمایه

با توجه به طیف لیکرت امتیاز کلی عوامل بیرونی تاثیرگذار بر فعالیت موجود بنگاه ها حدود ۳/۷۸ از ۵ یعنی بیش از ۷۵٪ می باشد.

فراوانی عوامل تاثیرگذار بیرونی عبارتند از (به ترتیب اولویت):

مالیات ها ۸۴٪	ریسک سرمایه گذاری ۸۰٪	رکود اقتصادی ۸۰٪
تسهیلات بانکی ۷۹٪	وصول مطالبات خود ۷۸٪	فقدان راهبرد توسعه صنعتی ۷۶٪
بی ثباتی در قوانین ۷۰٪	تورم ۶۹٪	قوانین پولی و بانک ۶۷٪
نوسانات قیمت ها ۶۶٪	تحریم ها ۶۶٪	بیمه های اجباری ۶۱٪
حذف یارانه های انرژی ۵۸٪	قوانین گمرکی ۵۳٪	واردات بی رویه ۵۲٪
قاچاق ۵۰٪	قانون کار ۵۰٪	تعدد تولیدکننده ۴۶٪
شبکه توزیع نامناسب ۳۹٪	ضعف تحولات تکنولوژیکی ۳۹٪	قوانین وزارت صنایع ۳۸٪
قوانین صادراتی ۳۰٪	ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف محصولات خارجی مشابه ۳۳٪	

هفت گروه عوامل تاثیرگذار داخلی نامناسب عبارتند از:

۱_ وضعیت مالی و نقدینگی	۲_ وضعیت تکنولوژی اطلاعات	۳_ حوزه منابع انسانی
۴_ حوزه تحقیق و توسعه	۵_ حوزه تولید و عملیات تولیدی	۶_ حوزه مدیریت
۷_ حوزه بازاریابی		

از دیدگاه های کارفرمایان مورد مطالعه عوامل تاثیرگذار داخلی بر وضعیت فعالیت موجودشان حدود ۲۵٪ سهم و امتیاز دارد.

مقدار فراوانی عوامل داخلی ضعیف و نامناسب تاثیرگذار بر فعالیت های موجود عبارتند از

نام حوزه	شرح مولفه ها	فراوانی بنگاه ها (%)
مدیریت	وضعیت برنامه ریزی و سازمان دهی	۲۸/۲
	تفویض اختیار به پائین دستی	۲۶/۵
	تدوین و شفافیت شرح شغل کارکنان	۲۹/۲
	روحیه پرکاری و انگیزه کاری کارکنان	۴۷/۱
	مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها	۵۰
	ریسک پذیری و مدیریت ریسک	۳۳/۱
بازاریابی	شناسایی بازار محصولات	۲۴/۵
	سیستم توزیع محصولات در بازار	۳۶/۸
	حوزه فروش و بازاریابی	۴۳/۷
	کیفیت محصولات نسبت به رقبا	۸/۵
	قیمت محصولات نسبت به رقبا	۱۴/۱
	استفاده از مشاورین بازاریابی	۵۱/۹
مالی	سیستم تجزیه و تحلیل مالی و بهره وری	۴۳/۴
	وضعیت تامین سرمایه	۶۱/۳
	نقدینگی و وضعیت مالی شرکت	۶۸/۹
	وضعیت سرمایه در گردش	۷۱/۷
تکنولوژی اطلاعات IT	روزآمدی آمار و اطلاعات	۴۵/۳
	وجود امکانات حوزه تکنولوژی اطلاعات	۵۱
	سیستم اطلاعات مدیریت	۴۵/۳
تولید	دسترسی به مواد اولیه	۳۱/۱
	دسترسی به قطعات یدکی	۳۵/۸

۱۷/۹	کنترل کیفیت	
۲۵/۵	سطح تکنولوژی موجود شرکت	
۳۴	روزآمدی فرآیندهای تولیدی	
۴۹/۱	تشکیلات حوزه تحقیق و توسعه	تحقیق و توسعه
۴۹/۱	هماهنگی حوزه تحقیق و توسعه و سایر حوزه ها	
۳۶/۸	نوآوری و خلاقیت	
۳۴	روند تنوع تولید در طی زمان	
۵۱	وضعیت دوره های آموزشی کارکنان	منابع انسانی
۶۱/۳	وجود امکانات آموزشی	
۳۴/۹	سطح مهارت های کارکنان	
۴۲/۵	سطح مسئولیت پذیری کارکنان	
۴۷/۱	امکانات رفاهی کارکنان	
۵۲/۸	روحیه قدردانی و سپاسگذاری کارکنان	
۵۱/۹	تغییر و تحول پذیری کارکنان	

آزمون فرضیه ها:

۱- در استفاده از ظرفیت تولیدی موجود بین شهرک های صنعتی مختلف ، تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

۲- از نظر عوامل داخلی و امتیاز آن در بین شهرک های صنعتی مختلف ، تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

۳- از نظر عوامل بیرونی و امتیاز آن در بین شهرک های صنعتی مختلف ، تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری:

الف) مهم ترین عوامل و موانع و علل بیرونی موثر در عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی عبارتند از:

۱- نامناسب بودن مقررات و قوانین دولتی و طولانی بودن فرایندهای اجرایی و بی ثباتی و ناکارآمدی آن ها

نشانه های منفی:

- نامناسب بودن فضای کسب و کار
- کثرت و فراوانی قوانین و مقررات
- حجم بالای بوروکراسی و رشد بی رویه بخش عمومی و توقف اقتصاد دولتی و انحصارگری
- بی ثباتی در بسیاری از قوانین و عدم نگرش جامع در وضع قوانین
- مراجع متعدد و قانونگذاری
- عدم تعهد لازم در اجرای صحیح قوانین از سوی برخی نهادهای دولتی و بخش عمومی
- عدم پاسخ گویی مناسب و شفاف و مسئولانه نسبت به ارباب رجوع و وجود فساد و رشوه و رانت جویی و منفعت طلبی

۲- نامناسب بودن قوانین مالیاتی و فرهنگ مالیاتی :

نشانه های منفی :

- بی عدالتی در اخذ مالیات و فشار مالیاتی بر بخش تولید و صنعت
- عدم اعتماد لازم بین مودیان مالیاتی بخش تولید و صنعت با نهاد مالیاتی
- عدم اطلاع کافی مودیان از قوانین مالیاتی و اطلاع رسانی ضعیف نهاد مالیاتی در این زمینه
- بالا بودن نرخ کلی مالیات به گونه ای که این نرخ حدود ۴۲٪ می باشد. (بر اساس ارزیابی های بانک جهانی)
- بالا بودن رتبه کلی مالیات (حدود ۱۱۵) در بین کشورهای جهان
- تعداد زیاد دفعات پرداخت مالیات

- مدت زمان زیاد برای پرداخت مالیات

- ضعف سیاست های مالیاتی در حمایت کافی و انگیزشی از بخش تولید و صنعت و برخورد های سلیقه ای

- فشار مالیاتی از طریق جریمه های مالیاتی تعویق مالیات پرداخت

۳- مسائل پولی، بانکی، ارزی و نقدینگی و مالی

نشانه های منفی:

- بالا بودن نرخ سود وام های بانکی که می تواند توجیه اقتصادی و NPV بسیاری از سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی را از بین ببرد. هر چه نرخ بهره پائین تر باشد، NPV یعنی ارزش خالص فعلی پروژه های تولیدی و صنعتی بهبود می یابد.

- عدم کفایت و توجه کافی به ارزیابی طرح های توجیه اقتصادی از سوی نهاد پولی کشور و مصادره نکردن های بیهوده

- عدم نظارت بر اعطای وام های تولیدی و صنعتی و انحراف بخشی از منابع بخش تولید و صنعت به سایر بخش ها

- عدم کفایت تسهیلات اعطایی بانک ها و روی آوری به تحصیل به سرمایه از سایر منابع با بهره های بسیار گزاف

- عدم اطلاع رسانی شفاف قوانین و مقررات پولی و بانکی از سوی نهاد پولی به سرمایه گذاران

- تفوق نگرش نهاد پولی و بانکی کشور در کسب سودآوری نسبت به ایفای نقش خود در توسعه اقتصادی و صنعتی

- موانع و مشکلات جذب سرمایه گذاری خارجی و عدم مشارکت فعالان اقتصادی در این زمینه

- کاهش مداوم ارزش پول ملی و بالا رفتن هزینه سرمایه گذاری به ازای هر واحد تولید و هر واحد به کارگیری نیروی انسانی

- ضعف سیاست های ارزی کشور در تشویق صادرات و عدم اجرای تعهدات ارزی بانکی در گشایش اعتبارات ارزی

- رکود سپرده های ملی و عدم انگیزه کافی برای سرمایه گذاری مولد

۴- قوانین کار و تامین اجتماعی و بیمه و ضعف اخلاق کار

نشانه های منفی:

- وجود اختلافات شدید و زیاد کارگری کارفرمایی
- ضعف وجود قوانین کار مناسب به نفع دو طبقه کارگر و کارفرما در توسعه بخش صنعت
- وجود رفتارهای نامناسب از سوی برخی از مسئولین بیمه با فعالین اقتصادی و مصادره های بیهوده
- جریمه های بالای دیرکرد پرداخت حق بیمه ها
- سوء استفاده های احتمالی نیروی کار از قوانین کار موجود و نحوه ی رسیدگی به اختلافات در شوراهای مربوطه
- اخذ حق بیمه های گوناگون مثلا اگر ساختمان جدیدی احداث شود، بیمه می گیرند.

۵- ریسک بالای سرمایه گذاری در حوزه تولید و صنعت

نشانه های منفی:

- بی ثباتی بازار و نوسانات شدید قیمت ها به ویژه قیمت مواد اولیه
- بالا بودن هزینه های تولید و بهای تمام شده کالاها و خدمات و نهادهای تولیدی و تورم بالا
- عدم شناسایی بازارهای هدف
- بی ثباتی برنامه ها و سیاست ها و قوانین دولتی و گمرکی و بی ثباتی سیاسی منطقه و عدم تفکر آینده نگری و راهبردی
- تحریم های اقتصادی و محدودیت صادرات و واردات ماشین آلات و مواد اولیه و دانش فنی خارجی و عدم امنیت در انتقالات پولی و محدودیت در این زمینه
- عدم اطمینان به آینده و بازگشت سرمایه
- ضعف فرهنگ و رقابت سالم و ورود قارچ گونه رقبای بالقوه به بازار

- ضعف نهادهای حقوقی مناسب در قوانین تجارت به ویژه در پوشش ورشکستگی احتمالی بخشی از صنعتگران

- تغییر و تحولات شدید در برنامه های دولت ها به لحاظ تغییر در سطوح مدیریت مالی

- واردات بی رویه کالاهای مشابه خارجی و به صورت قاچاق و قانونی

- ضعف و نبود استراتژی توسعه بلند مدت برای توسعه صنعتی

- ضعف مدیریت ریسک در شناسایی انواع ریسک های حوزه ی صنعت و تولید، ارزیابی و تجزیه و تحلیل ریسک

۶- رکود اقتصادی و ضعف ترجیحات مصرف کنندگان در مصرف تولیدات داخلی

نشانه های منفی:

- بالا بودن قیمت کالاها و خدمات و بهای تمام شده نسبت به قدرت خرید جامعه و گرانی بسیار بالا به لحاظ روند تورم بالای سال ۹۲

- فقدان رقابت محصولات داخلی از نظر قیمت و کیفیت نسبت به کالاهای مشابه خارجی

- کاهش رشد اقتصادی و تداوم روند آن از سال های ۸۷ و منفی شدن آن در سال های ۹۰ و ۹۱ و ۹۲

- کاهش نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و تولید از سال های ۸۷ به بعد

- وجود ظرفیت های خالی کارخانجات و فقدان زمینه های جذب نیروی کار و بالا بودن تعداد بیکاران و کمبود تقاضا نسبت به عرضه

لازم به ذکر است که متوسط نرخ تورم طی ۴۰ سال گذشته در اقتصاد ایران ۲۰٪ و عدم تناسب رشد درآمد سرانه با آن می تواند در حرکت خود به تدریج موجبات کاهش تقاضای موثر را به وجود آورد

ب) مهم ترین عوامل نامناسب داخلی موثر بر عملکرد فعالیت های بنگاه های تولیدی و صنعتی عبارتند از:

۱- حوزه ی مدیریت:

- ضعف مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها

- ضعف روحیه پرکاری و انگیزش کاری

- ضعف ریسک پذیری و مدیریت ریسک

۲- حوزه ی بازاریابی:

- ضعف عدم استفاده از مشاورین بازاریابی

- حوزه فروش و بازاریابی

- سیستم توزیع محصولات در بازار

۳- حوزه ی مالی:

- وضعیت سرمایه در گردش

- نقدینگی و تامین سرمایه و وضعیت مالی

- سیستم تجزیه و تحلیل مالی و بهره وری

۴- حوزه ی تکنولوژی اطلاعات (IT):

- روزآمدی آمار و اطلاعات

- وجود امکانات حوزه تکنولوژی اطلاعات

- سیستم اطلاعات مدیریت

۵-حوزه ی تولید:

- دسترسی به قطعات یدکی و مواد اولیه

- روزآمدی فرایندهای تولیدی

- سطح تکنولوژی های موجود

۶-حوزه ی تحقیق و توسعه:

- تشکیلات و امکانات تحقیق و توسعه

- ضعف هماهنگی حوزه تحقیق و توسعه با سایر حوزه ها

- فراوری و تنوع محصولات

۷- منابع انسانی:

- آموزش و امکانات آموزشی

- روحیه قدردانی و سپاسگذاری و تغییر و تحول پذیری کارکنان

- سطح مسئولیت پذیری کارکنان

ج) عارضه های اساسی که می تواند موجبی بر تاثیرات منفی عوامل بیرونی و داخلی موثر بر توسعه صنعتی و فعالیت بنگاه های تولیدی و صنعتی و کل اقتصاد کلان باشد بر اساس تحلیل جامعه شناختی محقق نسبت به توسعه اقتصادی و صنعتی:

عارضه اول: فقدان درک عمیق و علمی جریان تاریخی توسعه و صنعتی شدن و قانونمندی های آن:

- توسعه اقتصادی و صنعتی جریانی است تاریخی، تدریجی و مبتنی بر تضادهای تاریخی و نیازها که نظام های اقتصادی متفاوتی را بوجود می آورد. و در این فرایند تاریخی شاهد رخدادهای زیر می باشیم:

۱_ نظام برده داری ← نظام نئودالیه ← نظام سرمایه داری بازرگانی ← نظام سرمایه داری صنعتی رقابتی ← نظام سرمایه داری صنعتی انحصاری ← نظام سرمایه داری با قدرت همسنگ نهادهای دولت، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری و سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی

۲_ اقتصادی روستایی و خانگی ← اقتصاد روستایی ← اقتصاد شهری ← اقتصاد ملی ← اقتصاد منطقه ای ← اقتصاد جهانی

۳_ دوران تمدن کشاورزی ← دوران تمدن صنعتی شدن ← دوران تمدن خدماتی ← دوران تمدن اطلاعاتی و ارتباطاتی

۴_ گذر تاریخی جامعه سنتی و شیوه های تولیدی کاربر ← جامعه مدرن و شیوه های نوین تولید سرمایه بر و تخصص طلب ← جامعه مبتنی بر دانش

۵_ توسعه بر اساس منابع فیزیکی و طبیعی ← توسعه مبتنی بر سرمایه انسانی و اجتماعی

قانونمندی های حاکم بر جامعه صنعتی و خدماتی و ارتباطاتی نوین امروزی:

۱_ دنیای فعلی دنیای گران صنعتی و خدماتی و ارتباطی پیچیده با تغییر و تحولات مداوم با نیازهای متنوع و فزاینده می باشد.

۲_ دنیای امروز دنیای رقابت کردن در سطح جهانی است. و مولفه های رقابت تعریف گردیده است.

۳_ دنیای امروز مبتنی بر پرکاری، خلاقیت و نوآوری، روحیات توسعه طلبی می باشد.

۴_ دنیای امروز مشارکت بالای افراد جامعه را در توسعه و فعالیت اقتصادی می طلبد. به گونه ای که نرخ مشارکت ۵۰٪ باشد.

۵_ دنیای امروز مبتنی بر تفکر راهبردی و آینده پژوهی و آینده نگری می باشد.

۶_ دنیای امروز مبتنی بر شناخت ناشی از واقعیات داخلی و بیرونی جهت تصمیمات بهتر در فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری می باشد.

۷_ دنیای امروز دنیای روابط پویای متقابل بین جایگاه بخش خصوصی و جایگاه بخش دولتی و عمومی و هم افزایی بین آن ها است. به گونه ای که جایگاه دولت و بخش عمومی بسترسازی زیربنای فیزیکی و انسانی برای توسعه بلندمدت می باشد. و دخالت های مستقیم دولت عمدتاً به دخالت های غیرمستقیم و از طریق تدوین قوانین و مقررات تسهیل کننده فضای کسب و کار تبدیل می گردد.

۸_ دنیای امروزی دنیای شکل گیری تفکر مولد در زنجیره تولید ثروت، توزیع ثروت و مصرف ثروت می باشد.

۹_ دنیای امروز دنیای مبتنی بر مدیریت بهینه زمان است

۱۰_ دنیای امروز دنیای منطق، عقلانیت و تدوین مقررات مناسب و اجرای مناسب قوانین و پایبندی افراد جامعه به قوانین و مقررات می باشد. دنیای امروز مبتنی بر پذیرش و ایفای نقش مسئولیت اجتماعی و ملی در فعالیت های اقتصادی می باشد.

۱۱_ جهت زیستن در دنیای گران امروزی لازم است درآمدهای سرانه تا سطح ۵۰۰۰۰ دلار افزایش یابد و بهره وری هر ساعت نیروی کار به ۳۰ الی ۴۰ دلار برسد.

۱۲_ دنیای امروز دنیای وابستگی ها در عین تعامل پویا با کشورهای جهان جهت تجارت خارجی پویا می باشد.

عارضه دوم: عدم شکل‌گیری روابط پویای متقابل در ساختار اقتصادی بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و در نتیجه شکل‌گیری ساختار نامناسب و ناسالم اقتصادی:

در گذر تاریخی توسعه و گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن بر اساس قانون تحول، جابه‌جایی نیروی انسانی و جمعیت فعال از بخش کشاورزی به بخش صنعت و سپس خدمات صورت می‌گیرد. و این جابه‌جایی بر اساس رابطه ژان فوراسیته توجیه پذیر می‌باشد.

$$E = \frac{C}{P} , \quad \frac{\text{میزان مصرف فرآورده های آن بخش}}{\text{بهره وری در آن بخش}} = \text{ایجاد اشتغال در هر بخش اقتصادی}$$

به عبارتی ایجاد اشتغال در هر بخش اقتصادی رابطه مستقیم با میزان مصرف فرآورده های آن بخش و رابطه معکوس با بهره وری آن بخش دارد.

جابه‌جایی نیروی کار در بخش‌های اقتصادی در مسیر تکاملی و تحول خود تا جایی ادامه می‌یابد که:

اولاً سهم بخش کشاورزی بین ۵ تا ۱۰ درصد، سهم بخش صنعت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و سهم بخش خدمات ۵۰ تا ۶۰ درصد می‌شود.

ثانیاً درآمد سرانه نیروی کار در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات تا حد زیادی نزدیک به هم و حتی برابر شود.

ثالثاً تفکر مدیریت بهره‌وری در بخش کشاورزی و صنعت بسیار نهادینه گردد و تفکر بهره‌وری در بخش خدمات نیز با شدت کم‌تری نسبت به بخش صنعت و کشاورزی بوجود بیاید.

رابعاً سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی در ارزش افزوده ملی متناسب سهم اشتغال هر بخش در کل اشتغال ملی می‌باشد.

در حال حاضر در اقتصاد ایران سهم بخش کشاورزی در اشتغال حدود ۲۳٪، سهم بخش صنعت حدود ۲۷٪ و سهم بخش خدمات حدود ۵۰٪ می‌باشد. بنابراین سهم بخش صنعت در ارزش افزوده بایستی حدود ۲۵ الی ۳۰٪ باشد، در حالی که طی سال‌های گذشته این مقدار حدود ۱۵٪ به طور سالیانه می‌باشد و معنایش آن است که جایگاه بهره‌وری در این بخش در حد شایسته‌ای نمی‌باشد.

توزیع جمعیت فعال در آمریکا

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۸۲۰	۷۲/۸	۱۲	۱۵/۲
۱۸۵۰	۶۴/۸	۱۷/۶	۱۷/۶
۱۸۷۰	۵۲/۸	۲۲/۶	۲۳/۶
۱۹۰۰	۳۷/۴	۲۹	۳۳/۶
۱۹۴۰	۱۹/۳	۳۱/۱	۴۹/۶
۱۹۶۰	۸	۳۲	۶۰
۱۹۸۰	۴/۶	۲۹/۵	۶۶/۹
۱۹۹۰	۳/۵	۱۹	۷۸

توزیع جمعیت فعال در فرانسه

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۹۰۱	۴۲	۳۰	۲۸
۱۹۴۶	۳۶	۳۲	۳۲
۱۹۷۰	۱۴	۴۰	۴۶
۱۹۷۷	۱۱	۳۹	۵۰
۱۹۸۰	۸/۹	۳۵/۸	۵۵/۳

توزیع جمعیت شاغل بر اساس سطح توسعه انسانی

گروه کشورها	کشاورزی	صنعت	خدمات
توسعه انسانی پائین:	۶۴/۷	۱۰/۳	۲۵/۵
نیجریه	۸۵	۲/۷	۱۳/۳
سنگال	۸۰/۶	۶/۲	۱۳/۲
پاکستان	۴۸/۷	۱۳/۳	۳۸
توسعه انسانی متوسط:	۵۹/۸	۱۴/۱	۲۶/۱
اندونزی	۵۳/۵	۹/۷	۳۶/۸
سوریه	۲۴/۹	۱۶	۸۹/۱
فیلیپین	۴۳/۳	۹/۲	۴۶/۹
توسعه انسانی بالا:	۱۲/۹	۲۶/۳	۶۰/۸
مالزی	۴۱/۶	۱۹/۱	۳۹/۳
سنگاپور	۰/۸	۲۵/۶	۷۳/۶
آمریکا	۳	۱۹	۷۸

شاخص بهره وری سرانه نیروی کار کشاورزی

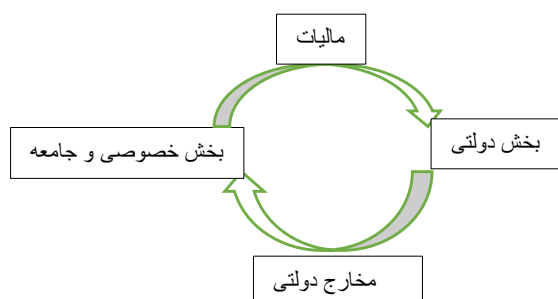
سال	فرانسه	آمریکا
۱۷۵۰-۱۸۰۰	۲۰	۱۵
۱۹۰۰-۱۸۹۵	۶۸	۶۲
۱۹۱۲-۱۹۱۰	۷۵	۷۳
۱۹۳۴-۱۹۳۰	۹۵	۸۹
۱۹۳۹-۱۹۳۵	۱۰۰	۹۴
۱۹۴۹-۱۹۴۸	۹۰	۱۵۰
۱۹۵۹-۱۹۵۰	۱۰۰	۱۶۰
۱۹۶۳-۱۹۵۹	۲۰۰	۲۶۰
۱۹۶۹-۱۹۶۵	۲۶۰	۳۴۰
۱۹۷۹-۱۹۷۸	۵۰۰	۶۵۰-۶۰۰

عارضه سوم: فقدان نگرش سیستمی در سطح کلان و خرد:

۱- فقدان نگرش سیستمی در جایگاه دولت و بخش عمومی و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد:

در اقتصاد ایران نسبت $\frac{G}{GDP}$ برای دولت مرکزی حدود ۲۸٪ و نسبت $\frac{T}{GDP}$ حدود ۷ الی ۸ درصد می باشد. در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی این دو نسبت بسیار نزدیک هستند. یعنی اگر متوسط $\frac{G}{GDP}$ در کشورهای صنعتی حدود ۴۵٪ می باشد، نسبت $\frac{T}{GDP}$ نیز در همین حد کمی کم تر است. معنایش آن است که درآمد دولت در کشورهای پیشرفته و صنعتی مترادف ۹۰-۹۵٪ مالیات ها می باشد. در حالی که در اقتصاد ایران این نزدیکی ملاحظه نمی شود. با توجه به اینکه نسبت $\frac{\text{مخارج بخش عمومی}}{GDP}$ حدود ۷۰٪ می باشد، نشان از آن است که جایگاه بخش دولتی و بخش خصوصی جایگاه تکاملی نمی باشد. درآمدهای نفت و گاز

طی ۱۰۰ سال گذشته عاملی برای عدم شکل‌گیری روابط پویای جایگاه دولت و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد کشور می‌باشد، و شاهد زنجیره پویای زیر نمی‌باشیم:



بنابراین بر حجم بودن بدنه دولت و بخش عمومی در اقتصاد نه به شکل تکاملی بلکه به شکل تحکیم تصدی‌گری و دخالت‌های زیاد و حجم مقررات و قوانین دست و پاگیر زیاد موجبی است که درجه آزادی اقتصادی در سطح بسیار نا معکوس می‌باشد. و در نتیجه جایگاه دولت و جایگاه بخش خصوصی به صورت یک سیستم کلی در خدمت هم دیگر در نمی‌آیند و رقابت به معنای واقعی شکل نمی‌گیرد

لازم به ذکر است که شاخص اختلال دولت در اقتصاد از ۵ برابر ۴/۵ می‌باشد که معنایش آن است که سیاست‌ها و مقررات دولتی خود عامل بزرگی در عدم کارایی تخصیص منابع می‌باشد. از سوی دیگر شاخص آزادی اقتصادی طی سال‌های گذشته حدود ۴/۲ تا ۴/۸ بوده است که نشان از تسلط بسیار زیاد دولت بر اقتصاد و کشور می‌باشد یعنی آزادی اقتصاد محدود است.

نتیجه‌ی دیگر این فقدان، آن است که به جای آن که دولت و نهادهای دولتی بسترساز توسعه فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه فعالان اقتصادی خصوصی گردد و فعالان اقتصادی در رونق و شکوفایی قرار گیرند و با عملکردهای بالاتر مالیات بیشتر بپردازند، با فضای نامناسب کسب و کار ناشی از اختلافات دولت با عملکرد پائین روبرو می‌شوند.

۲- فقدان نگرش سیستمی در درون بنگاه‌ها:

ضعف و نبود نگرش سیستمی در درون بنگاه‌ها موجب می‌شود که حوزه‌های گوناگون تولید، مالی، اداری، تحقیق و توسعه، فنی و مهندسی، حوزه بازرگانی و حوزه مدیریت هماهنگی لازم را نداشته باشند و در نتیجه عملکرد کارآیی و اثربخشی در سطح پائین تری قرار گیرد و از ظرفیت‌های موجود استفاده بهینه به عمل نیاید.

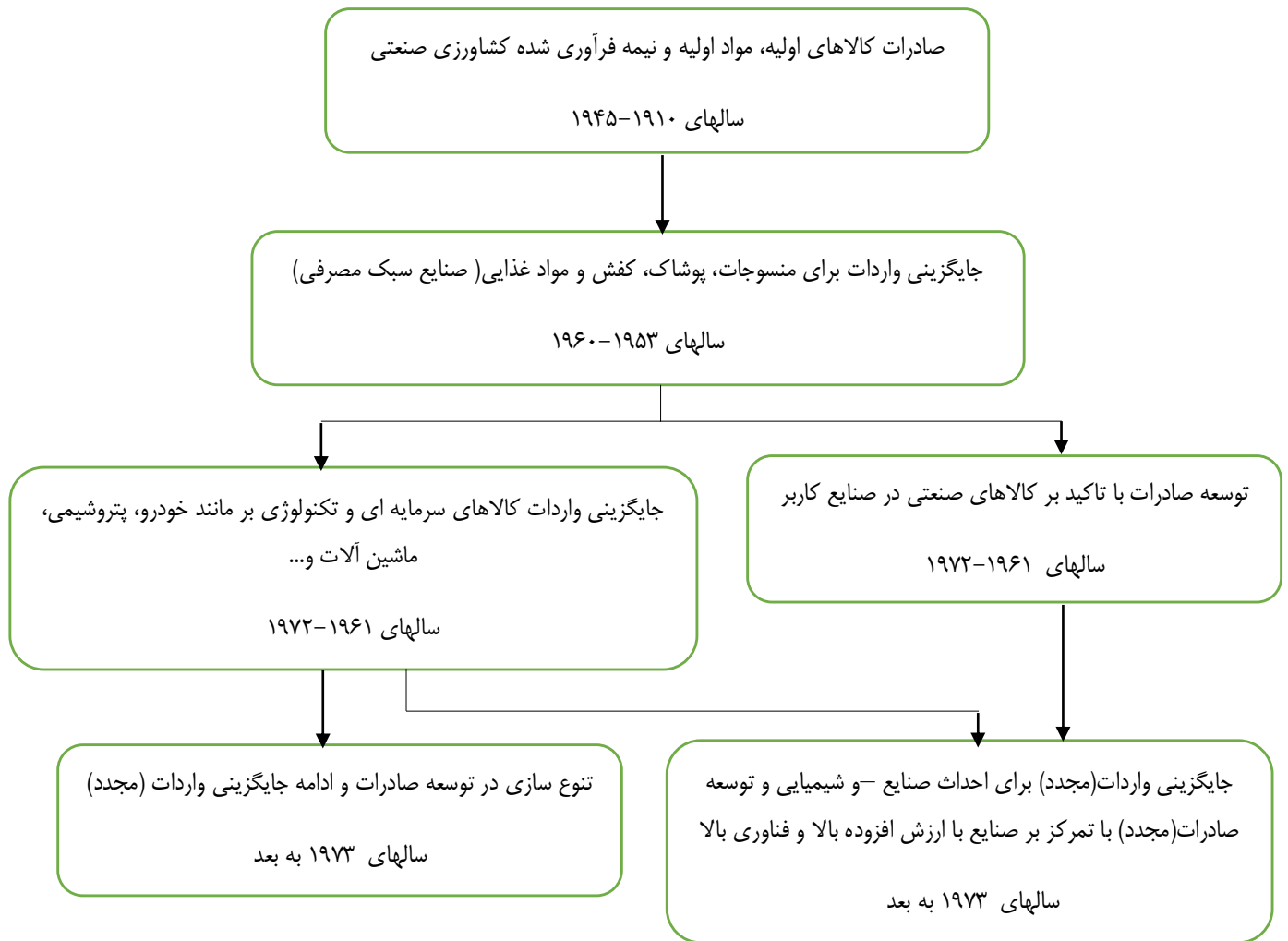
۳- فقدان نگرش سیستمی در روابط بین عوامل فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظام اقتصادی کشور:

هر جامعه ای و هر سیستمی متشکل از فرهنگی و سیاسی و اقتصادی می باشد. به عبارتی دیگر در هر نظام اقتصادی سه گروه فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که بایستی در راستای اهداف توسعه و اهداف اقتصاد کلان یعنی توزیع عادلانه تر درآمدها، ثبات اقتصادی و استفاده از ظرفیت های فیزیکی و انسانی و مالی جهت تحقق اشتغال کامل و رشد و توسعه مستمر اقتصادی، به طور متناسب و هماهنگ در خدمت هم دیگر باشند و متجانس باشند. به عنوان مثال چنان چه نظام اقتصادی یک کشور سرمایه داری می باشد. بایستی فرهنگ سرمایه داری در سه گروه عوامل فرهنگی و سیاسی و اقتصادی نمود پیدا کند. این عمل باعث می شود که درون بنگاهای تولیدی دولتی و خصوصی همه افراد شاغل در توسعه سرمایه ها بکوشند. بدیهی است که اختلافات کارگری- کارفرمایی نیز به حداقل خواهد رسید. فرهنگ پرکاری و فرهنگ رقابت نیز رشد یافته و شکوفا می گردد.

عارضه چهارم: فقدان راهبرد توسعه اقتصادی و صنعتی بلند مدت، پیوسته، جامع و انعطاف پذیر:

در چارچوب استراتژی توسعه صنعتی بلند مدت، اولاً مسیر توسعه صنایع برای بلند مدت مشخص می گردد. ثانياً سیاست های دولت و نهادهای مالیاتی و پولی و ارزی و سایر نهادها و در راستای آن به حرکت در می آیند. مثلاً اگر استراتژی جایگزینی واردات می باشد، بایستی جایگاه دولت و سیاست های گمرکی، پولی و مالی در راستای آن به سیاست گذاری بپردازند. تجربه جهانی در کشورهای در حال توسعه و در حوزه جنوب شرقی آسیا گویای آن است که کشورهایی مانند کره جنوبی بعد از دهه ۱۹۵۰ بیمه استراتژی های توسعه صنعتی مناسبی را به اجرا آورده اند. و کره جنوبی در دهه ۱۹۶۰ استراتژی توسعه صادرات فرآورده های صنعتی برنامه ریزی شده را به اجرا درآورده. استراتژی که موجب شد صنایع کره جنوبی در رقابت با صنایع دیگر کشور بتوانند حرکت کنند و دولت ما نیز در این راستا سیاست های حمایتی خود را به اجرا درآورده اند.

دسترسی به سرمایه های خارجی، دسترسی به بازارهای جهانی، سهولت جابه جایی شیوه های تولیدی از کشورهای صنعتی به کشورهایی مانند کره جنوبی با دستمزدهای پائین تر، تعیین مزیت های نسبی از طریق ساز و کار بازار، منافع ناشی از تولیدات با مقیاس بزرگ، سیاست های آزادسازی تجارتي و کاهش تعرفه های وارداتی تا سطح ۱۵٪، یارانه های صادراتی، بخشودگی مالیاتی، معافیت تعرفه ای برای واردات مورد نیاز صنایع صادراتی، کاهش هزینه های انرژی، کاهش نرخ بهره برای صادرکنندگان، ارائه وام های تولیدی و سرمایه گذاری، ارائه اعتبارات صادراتی، گسترش خدمات بیمه ای و اعتبارات برای بازاریابی و تحقیق و توسعه از زمره سیاست گذاری های در راستای استراتژی توسعه صادرات در کره جنوبی می باشد.



مسیر تاریخی تحولات راهبرد توسعه صنعتی کره جنوبی

در ایران اگر چه در سال های قبل از انقلاب و بعد از انقلاب شاهد برنامه های توسعه زیر می باشیم:

- برنامه عمرانی هفت ساله اول سال های ۱۳۲۷-۱۳۳۴

- برنامه عمرانی هفت ساله دوم سال های ۱۳۳۴-۱۳۴۱

- برنامه عمرانی سوم سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۶

- برنامه چهارم عمرانی سال های ۱۳۴۷-۱۳۵۱

- برنامه پنجم عمرانی سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۶

- برنامه ششم عمرانی سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۱ (وقوع انقلاب)
 - دوران سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۸ بدون برنامه
 - برنامه اول بعد از انقلاب سال های ۱۳۶۸-۱۳۷۲
 - برنامه دوم بعد از انقلاب سال های ۱۳۷۴-۱۳۷۸
 - برنامه سوم بعد از انقلاب سال های ۱۳۷۹-۱۳۸۳
 - برنامه چهارم بعد از انقلاب سال های ۱۳۸۴-۱۳۸۸
 - برنامه پنجم توسعه سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۴
- به دلایل زیر طی سال های موردنظر راهبرد صنعتی شدن و توسعه صنعتی به صورت پیوسته و متناسب مقتضیات زمان و به طور پویا شکل نگرفته است:
- ضعف نگرش سیستمی و جامع به جریان توسعه صنعتی در راهبردی بلندمدت
 - عدم شکل گیری تفکر صنعتی شدن در فرهنگ عمومی جامعه
 - تداوم سیاست های جایگزینی واردات بدون توجه به هدفمندی رقابتی کردن فعالیت های دولتی و خصوصی و نگرش توسعه صادرات
 - وابستگی اقتصاد کشور و بودجه دولت به نفت و فقدان شکل گیری جایگاه شایسته دولت و بخش خصوصی
 - نبود قانون رقابت داخلی و همچنین نهاد حمایتی رقابت به منظور ایجاد فضای رقابتی
 - ضعف شکل گیری زنجیره ارزش بین صنایع کوچک، متوسط و بزرگ و چگونگی توسعه بلند مدت آن ها
 - تفوق نگرش درون گرایی به برون گرایی
 - حاکمیت تفکر کوتاه مدت به تفکر بلند مدت و آینده نگر توسعه صنعتی
 - سلیقه ای عمل کردن دولت ها بعد از انقلاب
 - بحران انقلاب، جنگ، تحریم ها و ...

عارضه پنجم: ضعف ساختار صنعت کشور و عملکرد پائین آن ها

- صنایع کوچک و متوسط در مجموع حدود ۸۵ تا ۹۰٪ تعداد کل کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا را تشکیل می دهد، در حالی که سهم آنها در ارزش افزوده حدود ۱۴/۵٪ می باشد. سهم ارزش افزوده کل صنعت در تولید ناخالص داخلی طی دهه ۸۰ تاکنون حدود ۱۵ درصد می باشد. در حالی که سهم آن در اشتغال حدود ۲۵٪ می باشد. یعنی بخش صنعت نتوانسته نسبت به سهم خود در اشتغال ملی، سهم متناسب در تولید ناخالص داخلی داشته باشد.

- سهم ارزش افزوده صنایع متوسط در ارزش افزوده حدود ۵٪ می باشد ولی در کشورهایی مانند ژاپن ۴۳٪، کره جنوبی ۲۰٪ و در مالزی ۲۱٪ می باشد.

- متوسط سهم ۴ گروه صنایع مواد غذایی، نساجی، چوب و کاغذ و مقوا در کل ارزش افزوده صنعتی طی یک روند طولانی مدت حدود ۲۰٪ و سهم ۴ گروه صنایع شیمیایی، غیر فلزی، فلزات اساسی و ماشین آلات حدود ۸۰٪ می باشد.

- ساختار عمده بخش صنعت کشور مبتنی بر مواد می باشد.

- متوسط سهم ارزش افزوده صنعت به تولید ناخالص حدود ۱۵ درصد می باشد، در حالی که در کشورهایی مانند کشورهای صنعتی ۲۱٪، در کشورهای شرق آسیا ۲۷٪، در کره جنوبی حدود ۳۰٪، در سنگاپور حدود ۳۵٪ و در ژاپن حدود ۲۶٪ می باشد.

- متوسط ارزش افزوده سرانه هر کارکن در کارگاه های کوچک و متوسط حدود ۱۶ میلیون تومان به قیمت جاری و حدود ۸/۵ میلیون تومان به قیمت ثابت می باشد. و این در حالی است که متوسط حقوق و دستمزد سالیانه یک کارکن به طور متوسط ۱۰ الی ۱۲ میلیون تومان می باشد و به قیمت جاری. یعنی اگر حقوق و دستمزد، اجاره، بیمه کارخانه، استهلاک و سود را در محاسبه ارزش افزوده در نظر بگیریم، سهم سود در ارزش افزوده بسیار ناچیز می باشد یعنی مهم ترین منبع وجوه نقد و ابزار مالی بنگاه ها بسیار ضعیف می باشد و از این رو یکی از دلایل کمبود نقدینگی بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط سودآوری پائین می باشد. و این در حالی است که ارزش افزوده سرانه هر کارکن در کارگاه های بزرگ صنعتی حدود ۴۷ میلیون تومان به قیمت های جاری بطور متوسط در سال های ۸۵-۹۰ می باشد.

با توجه به موارد فوق می توان گفت، اولاً رابطه زنجیره ای پویا و پیوسته و تحول آمیز در ساختار ضعیف بوجود نیامده است. ثانیاً عملکردهای پائین صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ گویای عدم تحولات لازم به ویژه در عرصه تکنولوژی و روزآمدی آن در صنایع کوچک و متوسط می باشد و در ضمن تعداد

بالای آن‌ها اما با عملکردهای پائین می‌تواند نشان از زاید بودن بخشی از صنایع کوچک و متوسط در زنجیره سرمایه‌گذاری صنعتی باشد.

عارضه ششم: فقدان شکل‌گیری تفکر رقابتی مبتنی بر مدیریت بهره‌وری

- عدم تغییر و تحولات متناسب همه‌جانبه در عرصه‌های مدیریتی، تکنولوژی، نهادی، زیربنایی و فرهنگی و اجتماعی و آموزشی در طی زمان بر اساس نیازهای تاریخی

- وابسته شدن اقتصاد کلان و بودجه دولت‌ها به درآمدهای نفت و گاز و رشد بی‌رویه دولت و بخش عمومی و انحصاری شدن اقتصاد

- عدم تحقق اهداف رشد اقتصادی مبتنی بر رشد بهره‌وری در برنامه‌های پنج‌ساله

- تداوم طولانی مدت استراتژی جایگزینی واردات و مهیا نشدن زمینه‌ها برای استراتژی توسعه صادرات

- رایج شدن تفکر رقابتی در سطح ملی با درک نادرست از واژه رقابت و در نتیجه تعداد زیاد کارخانجات در زمینه‌های مشخص فعالیت ولی اکثراً ناکارآمد مانند کارخانجات متعدد سنگبری، ماکارونی‌سازی، فرش ماشینی و غیره و کوچک ماندن ظرفیت‌های تولیدی و عدم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید.

- رانت جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه سرمایه‌گذاری صنعتی و تولیدی

- فقدان تحولات لازم در نهادهای پولی، مالی، گمرک، بازرگانی، صادرات، واردات، کار و تامین اجتماعی در راستای اقتصاد و رقابتی

- فقدان جایگاه شایسته آموزش و تحقیق و توسعه و مشاوره و بازاریابی در اکثر واحدهای تولیدی کوچک و متوسط

- ورود برخی از سرمایه‌گذاران به بخش تولید و صنعت که اصلاً روحیات صنعتی و تولیدی نداشته‌اند، صرفاً جهت گرفتن امکانات و نام کارخانه‌داری به یدک کشیدن.

- تفوق تفکر پولداری و ثروت‌اندوزی غیر مولد بر تفکر مدیریت مولد سرمایه و تفکر تولیدی و صنعتی

جمع‌بندی و تحلیل کارشناسی اقتصاد و تحولات بلندمدت موردنیاز:

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته و بررسی عملکرد رشد اقتصادی کشور و رشد اقتصادی حوزه صنعت به ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و با توجه به بررسی تاریخی از جایگاه جامعه‌شناسی توسعه صنعتی می‌

توان واقعیات های زیر را برای اقتصاد ملی در سطح کلان و برای توسعه صنعتی و بنگاه های کوچک و متوسط به طور اخص و خرد، تصویر نمود:

۱_ اقتصاد کلان کشور در فرایند تاریخی توسعه خود یک جریان تکاملی پیوسته را طی نکرده است و عناصر متجانس و متناسب خود را در عرصه تکنولوژی، مدیریت، منابع انسانی، بازاریابی، رقابت جهانی، نهادی و سازمانی را به صورت یک سیستم به هم پیوسته و هماهنگ بوجود نیاورده است.

۲_ به لحاظ وابسته شدن اقتصاد و دولت به درآمدهای نفت و گاز به مدت طولانی جایگاه دولت و بخش عمومی و جایگاه بخش خصوصی در یک زنجیره تکاملی و پیوسته و در ارتباط با هم در اقتصاد نهادینه و متعالی نگردیده است و در نتیجه عمده منابع سرمایه گذاری با تفکری مبتنی بر فرهنگ بهره وری و مدیریت بهره وری به کار گرفته نشده است.

۳_ راهبرد بلند مدت توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی به خوبی معنادار نگردیده است و تفکر روزمره زدگی و کوتاه مدت بر تفکر بلند مدت و آینده نگر غلبه یافته است.

۴_ زنجیره تولید ثروت، به کارگیری ثروت، توزیع ثروت و مصرف ثروت با تفکر اقتصادی عمدتاً رانت جویانه، در سایه تورم طولانی مدت، غیر مولد شکل گرفته و تفکر مولد در این زنجیره ضعیف می باشد.

۵_ ساختار صنعت کشور تحولات و پویایی لازم را پیدا نکرده است که بتواند در اقتصاد جهانی قابل رقابت باشد.

۶_ تورم طولانی مدت، تحریم ها و سایر مسایل داخلی و بین المللی موجب شده است که گرانی بیش از حدی حاکم شود و گرانی بیش از حد از دلایل مهم کاهش قدرت خرید جامعه و رکود اقتصادی می باشد. و علاوه بر این، بخش مهمی از سرمایه های ملی به ویژه سرمایه های حوزه صنعت و تولید در بخش ساختمان و مسکن بلعیده شده است و این بخش به خاطر سودها و رانت های سرشار ناشی از گرانی غیر منطقی این بخش می تواند دلیل اصلی کاهش قدرت خرید باشد. و بخش ساختمان و مسکن از بخش های مهم سودآور گردیده است که خود رکود زده شده است. و به گونه ای بخش مهمی از صنایع وابسته به آن شده اند به ویژه صنایع کانی غیر فلزی، و این از ایرادات اقتصاد کشور می باشد. در حالی که اگر بخش صنعت و تولید در شرایط رقابتی جهانی و صادراتی قرار گرفته بود، قطعاً مشکل امروزی کمتر بوجود می آمد و در حداقل قرار می گرفت.

پیش بینی محقق آن است که روند رکود در بخش مسکن و ساختمان به دلایل عدم وجود قدرت خرید طی ۲-۳ سال آینده تداوم یابد و اگر رونقی ایجاد شود چندان چشم گیر نخواهد بود. مگر آنکه رونق نسبی در

این بخش موجب گرانتر شدن بخش مسکن و ساختمان نگردد. بهتر است صنایع وابسته به مسکن و ساختمان دیدگاه رقابتی صادراتی را به عنوان تفکر راهبردی بلند مدت خود در دستور کار قرار دهند.

۷_ در سایه واژگانی مانند اقتصاد مقاومتی، اقتصاد اسلامی، اصل رقابتی شدن و مولدیت اقتصاد در سطح جهانی بایستی در باورهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی جامعه، دولت، بخش عمومی و بخش خصوصی نهادینه گردد و تحقق توسعه پایدار با رویکرد هم پیوندهای جهانی اجتناب ناپذیر می باشد.

۸_ راز بقاء حکم می کند که تفکر عقلانی، منطقی، روحیه پرکاری، مسئولیت شناسی، مدیریت بهره وری و کیفیت، مدیریت زمان، احترام، رعایت حقوق همدیگر، مدیریت ریسک و سایر نیازها و قانونمندی های دنیای صنعتی پر از تغییر و تحول و گران امروزی، ملکه ذهن باورهای ملی شود.

۹_ بپذیریم که درآمد دولت یعنی مالیات، اما نظام مالیاتی بایستی شفاف، پویا، عادلانه، انگیزشی و انعطاف پذیر باشد. و این امر زمانی اتفاق می افتد که اولاً درآمد نفت و گاز کلاً به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و از محل ذخایر این صندوق جهت توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی استفاده شود، البته سودآوری نیز نصیب این صندوق شود. یعنی اگر شخصیت حقیقی یا حقوقی خصوصی یا دولتی از این صندوق وام بگیرد با بهره مناسب آن را به صندوق بازگرداند. ثانیاً اقتصاد کشور در جهت رقابت جهانی مبتنی بر بهره وری هدایت شود و عملکرد اقتصاد و درآمد ملی افزایش یابد تا میزان مالیات تکافوی نهادهای دولت ها را بنماید. و در ضمن بین مالیات و مخارج دولت رابطه ای شفاف و پویا برقرار گردد و به عنوان ابزارهای سیاست های مالی اثر بخش در دوران رکودی و تورمی عمل نماید.

۱۰_ به طور کلی اقتصاد ایران و بخش های تشکیل دهنده آن یعنی بخش کشاورزی، صنعت و خدمات بایستی به طور هماهنگ و معنادار مسیر تکاملی خود را طی کنند و تغییر و تحولات لازم بوجود بیاید. و جایگاه سرمایه ملی و سرمایه خارجی در توسعه پایدار و رقابتی هدایت شود و نهادهای پولی و مالی و سایر نهادهای تاثیرگذار در توسعه صنعتی و اقتصادی در راستای هدف فوق الذکر عمل نمایند.

۱۱_ راهبرد توسعه صنعتی بلند مدت کشور (۱۵-۱۰ سال آینده) به گونه ای شکل بگیرد که ملاحظات زیر را مورد توجه قرار دهد.

الف) توسعه صنعت نیازمند سه باور مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی متناسب، پویا و توسعه طلبانه می باشد که در این باورها، سرمایه، سرمایه گذاری و مدیریت بهینه سرمایه ها بسیار ارزشمند و قابل احترام می باشد. به ویژه آن که از دیدگاه کارفرمایان و از دیدگاه کارکنان شاغل در این بنگاه ها و از دیدگاه

مسئولین نهادهای مالی و پولی و بیمه و گمرکی و سایر نهادهای ذیربط، سرمایه داری صنعتی و تولیدی یک ارزش ملی به حساب آید .

ب) توسعه صنعتی و شکل گیری زنجیره روابط بنگاه های کوچک، متوسط و بزرگ در بلند مدت با دیدگاه رقابتی با نگاه به خارج و اقتصاد باز به عنوان باور مشترک دولت و بخش عمومی و بخش خصوصی باشد.

ج) قوانین و مقررات و سیاست های پولی، مالی، ارزی، گمرکی، بیمه ای به گونه ای اصلاح شوند که در راستای بند الف و ب قرار گیرد.

د) تفکر بهبود بهره وری مداوم از طریق تغییر و تحولات مداوم مدیریتی، نهادی، اخلاقی، فرهنگی، تکنولوژیکی و فرایندهای کاری در درون بنگاه ها به گونه ای باشد که عملکرد بنگاه ها را در تولید و ایجاد ارزش افزوده به طور مداوم در سطح بالاتری قرار دهد. و این عملکرد به گونه ای باشد که استهلاک و سود خالص به عنوان دو منبع مهم وجوه نقدینگی بنگاه و دو منبع مهم تامین منابع مالی برای طرح های توسعه بنگاه های کوچک و متوسط باشد و کم ترین وابستگی را به سیستم بانکی و پولی داشته باشند. و چنان چه این اتفاق نیفتد، تزریق پول از سوی سیستم پول و بانکی به بنگاه ها در حکم تسکین عمل می نماید و در کوتاه مدت مشکل تا حدودی حل می شود ولی مجددا سناریوی تلخ کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش تکرار می شود. همان گونه که ملاحظه شد، سرانه ارزش افزوده هر کارکن در بنگاه های کوچک و متوسط حدود ۱۶ میلیون تومان می باشد. این مقدار بایستی حداقل ۵۰ میلیون تومان باشد.

راه کارها و پیشنهادات و توصیه های سیاسی کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت :

الف) راه کارها و پیشنهادات پیرامون عوامل بیرونی موثر بر عملکرد بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط

۱_ راه کارهای کوتاه مدت (۲ الی ۳ سال آینده):

در شرایط فعلی اقتصاد و حوزه صنعت و تولید کشور، نقش و وظایف مهم دولت و نهادهای ذیربط حوزه صنعت و تولید بایستی راهبردی اورژانسی و به گونه ای دفاعی داشته باشند، تا وضعیت فضای کسب و کار در شرایط بدتری قرار نگیرد و مسئله اشتغال به ویژه اشتغال صنعتی بنگاه های کوچک و بزرگ منفعلانه نگردد. لذا اکثر بنگاه های کوچک و متوسط نیازمند سیاست های کوتاه مدت موثر با درجه حمایت بالایی می باشند، به برخی از آنها اشاره می شود:

- پرداخت یارانه بهره برای تامین مالی به ویژه تامین مالی سرمایه در گردش موردنیاز بنگاه ها

- افزایش سقف تسهیلات دارای ضمانت از سوی دولت برای بنگاه های کوچک و متوسط و سهولت در مکانیزم پرداخت آن

- کاهش مالیات ها و معافیت جریمه های مالیاتی بنگاه های کوچک و متوسط

- کاهش و یا حذف جریمه های بدهی های معوقه بنگاه های کوچک و متوسط به سیستم پولی و بانکی کشور

- کاهش و یا حذف جریمه های بدهی های معوقه بیمه تامین اجتماعی از سوی بنگاه های موردنظر

- تخصیص سهمیه ارزی از محل صندوق توسعه ملی جهت سرمایه گذاری صنایع کوچک و متوسط با بهره پائین ۱۰٪ یا کمتر

- خرید ارز از صادرکنندگان صنایع با نرخ بالتر از نرخ ارز رایج توسط بانک مرکزی جهت تشویق صادرات صنعتی

- تخصیص ارز ارزان تر از نرخ ارز رایج به واردکنندگان حوزه صنعت و تولید برای ماشین آلات و مواد اولیه

- ایجاد محدودیت جهت ورود کالاهای مشابه خارجی برای تولیدات داخلی عرصه صنعت کشور به جز کالاهای مصرفی بسیار ضروری مانند دارو و همچنین مواد اولیه و مصارف واسطه ای و کالاهای سرمایه ای

- برقراری معافیت های گمرکی و وضع موانع گمرکی برای صادرکنندگان فرآورده های صنعتی

- برقراری بن کالای خرید ماهیانه محصولات صنعتی داخلی بجای پرداخت یارانه مستقیم برای خانوارها

- عدم تداوم کاهش نرخ تورم و نگه داری آن بین ۱۰ تا ۱۲٪ طی سه سال آینده به جز مصارف واسطه ای و سرمایه ای صنایع که تلاش شود نرخ تورم به زیر ۱۰٪ کاهش یابد.

- عدم صدور موافقت اصولی جدید برای صنایع و فعالیت هایی که در حال حاضر تعداد آن ها زیاد می باشد. (صنایع کانی غیر فلزی، غذایی)

- معافیت های تعرفه ای برای واردات موردنیاز صنایع صادراتی

- گسترش خدمات بیمه ای و اعتبارات برای بازاریابی و تحقیق و توسعه و صدور موافقت اصولی برای واحدهای کوچک و متوسط که در شرایط رکودی و با ۵۰٪ ظرفیت تولیدی، نرخ برگشت سرمایه و نرخ بازده داخلی شان کمتر از ۲۰٪ نباشد.

- برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت قبل از اخذ موافقت اصولی و جواز تاسیس توسط متولیان ذیربط برای متقاضیان سرمایه گذاری با شخصیت حقیقی یا حقوقی که درک عمیقی از صنعت، تولید، مخاطرات، قوانین و مقررات، کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی و شیوه های مدیریت راهبردی و رقابتی را برایشان به همراه داشته باشد. مانند دوره های کارآفرینی، مدیریت راهبردی، ارزیابی اقتصادی و مالی، طرح های تولیدی و صنعتی، رفتار سازمانی، مدیریت ریسک و یا صدور پروانه بهره برداری منوط به گذراندن دوره های فوق باشد. (البته به صورت مختصر، مفید و ارزان)

- فرهنگ سازی از طریق رسانه ملی و مطبوعات و نشریات و سمینارها، مبتنی بر اینکه کار تولیدی و صنعتی و مولد یک ارزش ملی و سرنوشت ساز به حساب می آید.

- برگزاری جلسات مشترک صنعت گران و مسئولین پولی، بانکی، مالیاتی، بیمه و گمرک و سایر نهادهای ذیربط بخش صنعت و تولید جهت تعامل و درک فهم مشترک از توسعه و باورهای آن در انجمن های صنفی، کمیسیون ها و کمیته های اتاق بازرگانی، و به منظور اعتمادسازی بیشتر بین بخش خصوصی و دولت

- فرهنگ سازی برای صنعتگران کنونی و صنعتگران جدیدی که به عرصه تولید قدم می گذارند، مبنی بر این که رقابت در دنیای صنعتی گران و پیچیده و رقابتی و پر از تغییر و تحولات مداوم بدون درک درست و تجزیه و تحلیل جامع آن امکان پذیر نمی باشد. بنابراین لازم است برای شناخت عمیق رقابت جهانی، رویکردی مشارکتی با سرمایه انسانی خود، متخصصین دانشگاهی و کانون های آموزشی و مشاوره ای ذیربط داشته باشند. زیرا تصمیمات درست تر و اثربخش تر در سایه شناخت جامع تر میسر می گردد.

۲- راه کارهای میان مدت (۵ سال آینده) :

- ایجاد تحول در نظام مالیاتی، نظام پولی و ارزی، نظام گمرکی، نظام تامین اجتماعی و قوانین و مقررات ذیربط در حوزه صنعت و تولید به گونه ای که اولاً نگرش سیستمی بین صنایع و نهادهای ذیربط ایجاد شود، ثانیاً با کم ترین زمان و بالاترین سطح اثربخشی فرایندهای ارائه خدمات به حوزه صنعت و تولید انجام شود و موجبات بهبود شاخص اختلال دولت و کاهش آن شود و فضای کسب و کار بهبود یابد به گونه ای که رتبه ایران حداقل ۵۰٪ ارتقاء یابد (مثلاً از ۱۳۰ به ۶۰ الی ۷۰ برسد).

- نرخ بهره تسهیلات برای حوزه صنعت و تولید به ویژه برای بنگاه های کوچک و متوسط طی سال آینده به زیر ۱۰٪ کاهش یابد. تا رابطه ای منطقی و ریاضی گونه بین نرخ بهره و بازده سرمایه گذاری بوجود آید و شرایط رقابتی برابرتر در سطح جهانی برای سرمایه گذران این حوزه فراهم گردد.

- بسترسازی تحول بنیادی در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی و آموزش های فنی و حرفه ای مبنی بر آن که دوران رشد و توسعه در سایه تورم و بورس بازی و دلال گری و زود ثروتمند شدن به پایان رسیده است و بایستی سرمایه انسانی و اجتماعی و تفکر مولد محور توسعه به ویژه توسعه صنعتی کشور قرار گیرد و ارتباط صنایع و بنگاه های تولیدی با نظام آموزشی کشور در این راستا هم جهت شود.

- ایجاد بانکداری تخصصی ویژه بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط با نگاه و مدیریت علمی و از دریچه رشد و توسعه صنایع کوچک و متوسط و با ویژگی های رقابتی جهانی

- توسعه شبکه های پیمان کاری های فرعی به عنوان رابط بنگاه های کوچک و متوسط با بنگاه های بزرگ صنعتی و به منظور تقویت زنجیره ارزش در ساختار صنعت کشور

- تعریف مجدد از صنایع کوچک و متوسط که در آن چگونگی تحول تکنولوژیکی و سطح تولید و فروش و ارزش افزوده سرانه کارکنان گنجانده شود. به عبارتی پایه گذاری صنایع کوچک و متوسط در سطح رقابت جهانی مورد تعریف و مورد توافق کلیه نهادهای ذیربط قرار گیرد. و صرفا تعداد اشتغال مستقیم مبنای تعریف آنها نباشد.

- نهاد مالیاتی طی پنج سال آینده به گونه ای تحول یابد که بر اساس سهم بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی کشور، مالیات ها را وصول کند. تا عدالت مالیاتی برقرار شود و اعتمادسازی مالیاتی برای مودیان مالیاتی افزایش یابد.

- بسترسازی سیاسی و اقتصادی و زیربنایی، امنیتی و حقوقی برای گسترش تجارت خارجی و جذب سرمایه های خارجی و گسترش صنعت توریست و جذب توریست طی سال های آینده به ویژه با اولویت روابط با کشورهای عضو اگو (ایران، ترکیه، پاکستان، آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان) و کشورهای حاشیه خلیج فارس و سوریه و عراق و به منظور زمینه سازی توسعه صادرات صنعتی کشور به این گونه کشورها. لازم به ذکر است که حل شدن بهتر در فرایند جهانی شدن اقتصاد نیازمند تقویت اقتصادی منطقه ای می باشد. به مانند بازار مشترک اروپا، اتحادیه واحد اروپا، حوزه آ، سه، آن، و امثال آن. هر چقدر روابط اقتصادی منطقه ای تقویت شود، ثبات سیاسی و اقتصادی بیشتر می شود و تحریم های بین المللی در موضع ضعف قرار می گیرند. و بایستی دانست که حوزه اگو و خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس سرنوشت ساز اقتصاد بین الملل خواهد شد.

- تلاش دولت در به سرانجام رساندن کامل برجام و رفع کلیه تحریم ها اجتناب ناپذیر می باشد و تشدید دیپلماسی با کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا و زمینه سازی برای ورود گردشگر و سرمایه اروپایی به کشور

-نهادینه شدن تفکر مدیریت بهره‌وری در به‌کارگیری سرمایه‌های انسانی، فیزیکی، مالی و طبیعی به ویژه برای حوزه صنعت و بنگاه‌های کوچک و متوسط اصلی بایسته و شایسته و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. تاسیس نهادی به منظور تربیت مروجین بهره‌وری صنایع با همیاری خانه صنعت و معدن، سازمان صنعت، معدن و تجارت، اتاق بازرگانی و شرکت‌های صنعتی مناسب و ضروری می‌باشد. (کارآموزان می‌توانند از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و از کارکنان صنایع باشند).

- تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور به صورت تلفیقی از راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات به گونه‌ای که سیاست‌های حمایتی موثر و اثربخش پولی، مالی، ارزی، گمرکی و مالیاتی به گونه‌ای تعریف شوند که در بلندمدت، اقتصاد کشور و زیرمجموعه آن یعنی بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات بتوانند در شرایط رقابتی اقتصاد بازار قرار گیرند. در این زمینه صنایعی که به نوعی دارای مزیت‌های نسبی رقابتی جهانی می‌باشند مانند صنایع کانی غیر فلزی (کاشی، سیمان، سنگ و آجر و...) و صنایع شیمیایی کلا با رویکرد توسعه صادرات فرآورده‌های ساخته شده و رویکرد جایگزینی واردات برای کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز مورد تعریف قرار گیرند. هم‌چنین در راهبرد توسعه صنعتی و توسعه اقتصادی کشور جایگاه ویژه‌ای برای صادرات خدمات فنی و مهندسی و اقتصاد دانش بنیان در نظر گرفته شود.

- گسترش خوشه‌های صنعتی تخصصی با تمرکز افقی و عمودی به گونه‌ای که زنجیره‌ای از بنگاه‌های کوچک و متوسط و بزرگ را شامل شود و هم‌چنین کانون‌های مشاوره و آموزشی نیز در جوار آنها به صورت تخصصی موردنیاز خوشه‌ها استقرار یابند.

- افزایش سهم تسهیلات پولی و بانکی و ارزی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط. (نیلی و همکاران، ۱۳۹۲) در مطالعات خود نشان داده‌اند که بنگاه‌های بزرگ با سهم بالای ۷۰٪ از دارایی پذیرفته شده در بورس، حدود ۷۳٪ تسهیلات بانکی را طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۲ به خود اختصاص داده‌اند و سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط ۲۳٪ می‌باشد. و این در حالی است که سهم تسهیلات برای بنگاه‌های کوچک و متوسط برای کشورهایی مانند پرتغال، کره جنوبی و سوئیس بیش از ۷۰٪، ترکیه ۳۷/۵٪ و سوئد حدود ۹۰٪ می‌باشد.

- ایجاد پایگاه آمار و اطلاعات آماری در سیستم بانکی برای رصد وضعیت تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط. بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شاخص‌هایی را به شرح موارد زیر در این زمینه ارائه کرده‌اند (دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴):

۱_ نسبت وام‌های اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط به کل وام‌های پرداخت شده

۲_ نسبت وام‌های کوتاه مدت اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط به کل وام‌های پرداخت شده

۳_ میزان ضمانت تسهیلات به بنگاه های کوچک و متوسط

۴_ حجم تسهیلات ضمانت شده به بنگاه های کوچک و متوسط

۵_ حجم وام های مستقیم دولت به بنگاه های کوچک و متوسط

۶_ نسبت وام های مصوب به وام های درخواستی از طرف بنگاه های کوچک و متوسط

۷_ نسبت وام های نکول شده بنگاه های کوچک و متوسط به کل وام های اعطایی

۸_ نرخ بهره وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط

۹_ اختلاف نرخ بهره وام های اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط با وام های اعطایی به بنگاه های بزرگ

۱۰_ ارزش وثیقه دریافتی نسبت به وام اعطایی به بنگاه های کوچک و متوسط

۱۱_ میزان سرمایه اولیه و سرمایه در حال رشد بنگاه های کوچک و متوسط

۱۲_ میزان ورشکستگی بنگاه های کوچک و متوسط

بدیهی است که در طی زمان ممکن است برخی از واحدهای تولیدی و صنعتی علیرغم تلاش زیاد خود و یا تجربیات غنی و انباشته شده در عرصه صنعت بنابر دلایلی به مرز ورشکستگی برسند. لازم است موارد مربوطه به ورشکستگی در قانون تجارت برای حفظ و صیانت اعتبار اینگونه صنعتگران، حمایت های لازم از آنها صورت گیرد. و از سرمایه های انسانی و ملی به طور شایسته در شروعی دیگر و فعالیتی دیگر استفاده بهینه به عمل آید. از این رو قانون ورشکستگی بایستی به گونه ای بین صنعتگران و مدیریت ریسک اطمینان بوجود آورد، که صنعتگران با پذیرش ریسک در شرایط به ویژه پر مخاطره و نااطمینانی و بی ثباتی وارد عرصه تولید و صنعت می شوند و یک پشتوانه قانونی و حمایتی دارند. علاوه بر اینکه در تفکر صنعتی و مدیریت صنعتی کشور این باور که اگر سالیانه مثلاً ۴ الی ۵ درصد واحدهای صنعتی ورشکست شوند، باوری بدیهی و طبیعی به حساب آید.

۱۳_ بستر سازی آموزشی و فرهنگی برای توسعه ظرفیت های مدیریتی مبنی بر آن که منابع انسانی مهم ترین سرمایه هر بنگاه تولیدی به حساب می آید. و در دنیای بزرگ و با جمعیت حدود ۵ میلیارد نفری داشتن حداقل سهم ۱۰ درصدی در بازارهای جهانی شایسته مدیران ایرانی می باشد. و با مشارکت نیروی انسانی و اعتماد به آن، این امر میسر می گردد. اما اگر نیروی انسانی در دام حقوق ماهیانه یک میلیون تومان گرفتار شد، نبایستی انتظار تحول داشت، زیرا دنیای او را کوچک می کنیم و کل مجموعه سازمان کوچک خواهد ماند

وارزش افزوده سرانه هر کارکن هیچ گاه منبع مالی مطمئن را به وجود نخواهد آورد. و سوال اساسی آن است که چگونه مفهوم رقابت جهانی را بتوانیم عمیقا درک کنیم .

۳_ راه کارهای بلند مدت (۱۰ سال آینده):

- رهایی کل بودجه دولت از درآمدهای نفت و گاز، واریز کلیه وجوه درآمدهای نفت و گاز به صندوق توسعه ملی و استفاده از منابع ارزی آن توسط بخش دولتی، عمومی و خصوصی با بازگشت ۱۰٪ سودآوری به صندوق.

- بهینه شدن اندازه دولت و بخش عمومی و بخش خصوصی در اقتصاد با تفکر نظام اقتصادی قدرت همسنگ و با رویکرد رقابتی

- بسترسازی اجرایی شدن راهبرد توسعه صنعتی بلند مدت کشور به صورت تلفیقی از راهبرد جایگزینی واردات و راهبرد توسعه صادرات و در راستای مزیت های نسبی و مطلق منطقه ای و با جایگاه مناسب سرمایه های داخلی و خارجی

- تلاش جهت ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی بلند مدت جهت شکل گیری مسیر سرمایه گذاری مولد داخلی و خارجی

- نهادینه شدن تفکر مدیریت بهره وری در به کارگیری منابع محدود انسانی، فیزیکی، مالی و طبیعی در بخش های اقتصادی، کشاورزی، صنعت و خدمات و برنامه های توسعه پنج ساله

- شکل گیری رابطه پویا، پیوسته و عملیاتی بین نظام آموزشی و نظام صنعتی کشور

- بسترسازی برای جاده سرمایه گذاری توسعه صنعتی با توجه به رابطه تئوریک منطقی بین نرخ بازده سرمایه گذاری، نرخ تورم و نرخ بهره با توجه مناسب اقتصادی و مالی (نرخ تورم ۴ الی ۵ و نرخ بهره ۳ الی ۴ درصد)

- پذیرش این تفکر که بخش ساختمان و مسکن یک حوزه سرمایه گذاری سودآور نیست، بلکه این بخش پاسخ گوی نیاز مصرفی جامعه می باشد و صنایع در ارتباط با این بخش بایستی رویکرد مبتنی بر توسعه صادرات را داشته باشند.

- پذیرش این تفکر که در تخصیص منابع در ایجاد و توسعه صنایع از نظر کارایی تعداد زیاد واحدهای تولیدی مشابه (رشد کمی صنایع) لزوما به منزله عملکرد خوب نهادها مانند وزارت صنایع، شرکت شهرک های صنعتی و غیره نیست، بلکه چگونگی اثربخشی رقابتی، کیفیت، سطح تولیدات یا صرفه جویی های مقیاس، روابط پویای پیشین و پسین در زنجیره صنعتی و ساختار صنعت کشور مهم تر می باشد. به عنوان مثال به جای داشتن حدود ۱۵۰۰ واحد سنگبری در اصفهان اما اکثرا ناکارآمد آیا بهتر نیست فقط ۲۰۰ واحد تولیدی

روزآمد یا ظرفیت های بالای رقابتی با تکنولوژی مدرن، با مدیریت های علمی، با منابع انسانی با بهره وری بالا، با بازار صادراتی بالایی داشته باشیم؟ آیا بهتر نیست با تعداد کم تر واحدهای تولیدی اما با ظرفیت های بالاتر تولید با بهای تمام شده پائین تر و با کیفیت بالاتر ایجاد کنیم؟

- درخت توسعه اقتصادی و صنعتی از سه جزء وابسته به هم تشکیل می شود. عوامل فرهنگی و اجتماعی ریشه های آن، عوامل سیاسی و قانونی و تکنولوژیکی ساقه های آن و عوامل اقتصادی برگ و میوه های آن هستند. بنابراین می توان گفت توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و قانونی و تکنولوژیکی و توسعه فرهنگی و اجتماعی بایستی در هر زمان به صورت متناسب، هماهنگ و متجانس رشد کنند، تا بتوان نظام اقتصادی مقاوم، پایدار، بالنده در جهان را در اقتصاد جهانی بوجود آورد و نظام صنعتی به عنوان زیر مجموعه ای از کل نظام اقتصادی را به صورت پویا و توسعه یافته شاهد باشیم. به عبارتی دیگر بپذیریم که توسعه اقتصادی عبارت است از ، نظام اقتصادی مناسب به علاوه نظام سیاسی مناسب به علاوه نظام فرهنگی و اجتماعی مناسب. در این راستا نقش دولت و بخش عمومی عمدتاً بسترسازی و نظارت در شکل دادن عوامل سیاسی، قانونی، فرهنگی و تکنولوژیکی و زیربنایی است. و نقش بخش خصوصی ، سرمایه گذاری، رقابت، ایجاد اشتغال، توسعه صادرات، ارزآوری ، تحقق اهداف و اثربخشی می باشد.

- ایجاد بستر های لازم جهت حضور مدیران و کارفرمایان در نمایشگاه های داخلی و بین المللی و بازدید از کارخانجات مشابه خارجی و به منظور الگوبرداری توأم با خلاقیت و نوآوری

ب) راه کارهای بهبود عوامل داخلی تاثیرگذار بر فعالیت بنگاه ها :

(۱) حوزه مدیریت:

- تقویت دیدگاه راهبردی و آینده نگری با توجه به شناخت و ارزیابی و کنترل انواع ریسک در کارفرمایان از طریق دوره های آموزشی کاربردی و ارائه مشاوره به تدوین برنامه ریزی استراتژیک.

- آموزش و استقرار نظام پیشنهادات بهبود و انواع دیگر نظام های مشارکتی

- تقویت نگرش سیستمی در بدنه بنگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط از طریق آموزش و سمینار

(۲) حوزه بازرگانی :

- آموزش انواع راهبرد های بازاریابی به ویژه برای شرایط بحران و رکود

- آموزش از طریق برگزاری دوره های کوتاه مدت روانشناسی تبلیغات

- اعطای کمک های یارانه ای جهت حضور فعال بنگاه های کوچک و متوسط در نمایشگاه ها به ویژه نمایشگاه های دائمی

- تشکیل کانون مشاورین بازاریابی جهت ارائه خدمات به بنگاه های کوچک و متوسط با هزینه های پائین و با ملاحظه حمایتی

۳) حوزه مالی:

- پرداخت تسهیلات با نرخ های بهره پائین برای تامین نقدینگی و سرمایه در گردش

- تخفیف و یا حذف جریمه های مالی بنگاه ها

- آموزش و تربیت مروج بهره وری برای بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط جهت استقرار مدیریت بهره وری

۴) حوزه تکنولوژی اطلاعات:

- استقرار و آموزش دوره کاربردی کارت امتیاز متوازن جامع با رویکرد بهبود بهره وری و کیفیت و طراحی فرمت ها و جداول داده های آماری موردنیاز با توجه به اهداف مشخص شده در حوزه های مختلف سازمان

- کمک های مشاوره ای و حمایتی جهت استقرار سیستم اطلاعات مدیریت از نظر ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری

۵) حوزه تولید:

- تشکیل بانک اطلاعات تامین کنندگان مواد اولیه و قطعات یدکی داخلی و ایجاد زمینه های ارتباط و تعامل آنها با تولیدکنندگان

- کمک های یارانه ای و حمایتی جهت تغییر و تحولات و به روزرسانی تکنولوژی ها و خطوط تولید نوین

- تشکیل کمیته بهبود فرایندها با نگاه حمایتی و کمک به بنگاه های کوچک و متوسط جهت به روزرسانی فرایندهای تولیدی و سایر فرایندها در حوزه های مرتبط با حوزه تولید

۶) حوزه تحقیق و توسعه:

- تشکیل کانون مسئولین تحقیق و توسعه جهت تعامل و همکاری بین بنگاه های در این زمینه

- شکل گیری هسته های تحقیق و توسعه در دانشگاه ها و ارتباط عملیاتی آن با بنگاه های کوچک و متوسط

- جهت گیری بخشی از فعالیت های شرکت های دانش بنیان با رویکرد ارائه خدمات موردنیاز به بنگاه ها در حوزه تحقیق و توسعه

- ارائه تسهیلات یارانه ای جهت تجهیز امکانات موردنیاز تحقیق و توسعه بنگاه ها

- تقویت نگرش سیستمی حوزه تحقیق و توسعه با سایر حوزه های سازمان به ویژه حوزه طراحی، حوزه مالی و حوزه تولید

۷) حوزه منابع انسانی:

- نهادینه کردن فلسفه آموزش برای تمامی دوران فعالیت به عنوان جریانی مستمر برای بنگاه های کوچک و متوسط

- حمایت یارانه ای جهت اجرای دوره های آموزشی موردنیاز بنگاه ها

- نهادینه کردن مدیریت تغییر و تحول با رویکرد مشارکت کلیه کارکنان

- طراحی پرسشنامه اندازه گیری و تجزیه و تحلیل مولفه های بلوغ سازمانی کارکنان ویژه بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط و به صورت دوره ای به کار گرفته شود و پس از تعیین نقاط قوت و ضعف بلوغ سازمانی (میزان تغییر و تحول پذیری، مسئولیت پذیری و تعلق سازمانی)، و در چارچوب یافته های آن برنامه های بهبود تدوین و به اجرا درآید.

در پایان ، محقق اعتقاد راسخ دارد که کشور هایی هم چون ایران فرصت های زیادی برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و صنعتی دارند و می توانند نرخ های رشد بالا و حتی دو رقمی را تجربه نمایند ، در حالی که کشور های صنعتی پیشرفته تقریباً به بالاترین سطح منحنی رشد خود رسیده اند و در دهه های آینده چنانچه وارد دوران رونق شوند ، نرخ های رشد بالا را شاهد نخواهند بود . به شرطی که در باورهای ملی و در سطح خرد و کلان ، قانونمندی های توسعه اجتماعی و اقتصادی در نگرشی سیستمی و علمی نهادینه گردد.

به امید ایرانی آباد و سرافراز

فهرست منابع و مآخذ :

- احسانی ، محمد علی ، وعلمی ، زهرا و جاوید نیا ، داوود ، "تاثیر صنایع کوچک و متوسط بر رشد اقتصادی " ، پژوهش نامه اقتصاد کلان ، سال هشتم ، شماره ۱۵ ، سال ۱۳۹۲
- آخوندی ، مرجان ، و مرشدی ، میلاد ، "نقش بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران " ، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج ، ۱۳۹۱
- اژدری ، علی اصغر و حیدری ، حسن ، " دورنمای رشد صنعتی در اقتصاد ایران " ، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، ۱۳۹۴ ،
- اعرابی ، سید محمد ، ورزقی ، علیرضا ، آسیب شناسی اجرای خط مشی های صنعتی کشور " سومین کنفرانس بین المللی مدیریت ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ، تهران ، ۱۳۸۴
- آفاجانی افروز ، علی اکبر و درینی ، محمد و محمدی صالح ، مرتضی ، " مدل یابی عوامل داخلی موثر بر عملکرد شرکت های کوچک و متوسط " ، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی ، سال سیزدهم ، شماره ۳۶ ، بهار ۱۳۹۴
- بانک مرکزی ، سالنامه های آماری
- بانک مرکزی ، " گزارش بهره وری اقتصاد ایران سال های ۱۳۶۷ - ۱۳۸۶ " ، معاونت اقتصادی ، اداره حساب های اقتصادی ، ۱۳۸۹ ،
- بیدختی ، علی اکبر ، و زرگر ، سید مجتبی ، " بررسی موانع موجود توسعه بنگاه های کوچک و متوسط استان سمنان " ، نشریه کار و جامعه ، شماره ۳۸ ، سال ۱۳۹۰
- پژوهیان ، جمشید ، و خسروی ، تانیا ، " تاثیر تورم بر سرمایه گذاری بخش خصوصی " ، فصلنامه علمی - پژوهشی سرمایه گذاری ، سال اول ، شماره چهارم ، زمستان ۱۳۹۱
- پژوهیان ، جمشید و خسروی ، تانیا ، " تاثیر مالیات بر شرکت ها بر سرمایه گذاری بخش خصوصی " ، فصلنامه اقتصاد کاربردی ، سال سوم ، شماره یازدهم ، ۱۳۸۱
- پولا ، کارلوجی ، " تاریخ اقتصادی جمعیت جهان " ، ترجمه علی اصغر سرقینی ، انتشارات دانشگاه صنعتی ، تهران ، ۱۳۵۶
- تودارو ، مایکل ، " توسعه اقتصادی در جهان سوم " ، ترجمه غلامعلی فرجادی ، انتشارات سازمان برنامه و بودجه ، تهران ، ۱۳۶۴
- توکلی ، احمد ، " کامیابی ها و ناکامی های بازار و دولت " ، انتشارات سمت ، تهران ، ۱۳۸۰
- تفضلی ، فریدون ، " تاریخ عقاید اقتصادی " ، نشر نی ، تهران ، ۱۳۷۲
- تافلر ، الوین ، " موج سوم " ، ترجمه شهیندخت خوارزمی ، انتشارات نشر نور ، تهران ، ۱۳۶۳
- تی گیل ، ریچارد ، " توسعه اقتصادی ، گذشته ، حال ، آینده " ، ترجمه محمود نبی زاده ، نشر گسترده ، تهران ، ۱۳۶۶
- چشمی ، علی اکبر ، و بازمحمدی ، حسین ، " اندازه دولت در اقتصاد ایران " ، بانک مرکزی ، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی ، تهران ، ۱۳۸۵

- حسینی، سید رضا، وحسینی سید محمد، و سید مطهری، سید مهدی، " رابطه استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت های فعال صنایع غذایی "، نشریه پژوهش های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۳
- دفتر بین المللی کار، " مدیریت بهره وری "، ترجمه محمد رضا ابراهیمی، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۲
- رجیبی راد، فهیمه و همتان، محمد ابراهیم، " مالیه عمومی و خط مشی دولت ها "، انتشارات هوشمند تدبیر، تهران، ۱۳۹۳
- رحمانی، سامان، و صداقت، پرستو، و حبیبی، فاتح، " تاثیر عوامل راهبردی داخلی بر عملکرد مالی صنایع پذیرفته شده در بورس تهران "، مجله مطالعات مدیریت راهبردی، شماره ۱۷، ۱۳۹۳
- رضائیان، علی، " مبانی سازمان و مدیریت "، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰
- " ژاپن "، موسسه مطالعات بازرگانی، تهران، ۱۳۶۴
- سالاری، ابوذر، " بررسی تاثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار "، مجله اقتصادی، بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۱۰ و ۹ آذر و دی ماه ۱۳۹۰
- سازمان بهره وری آسیایی، گزارش ۲۰۰۴
- سخنرانی رئیس کل بانک مرکزی در همایش بنگاه های کوچک و زودبازده، ۲۰ مرداد ۱۳۹۳
- سال نامه های مختلف مرکز آمار ایران
- شریف زادگان، محمد حسین، و نورایی ف همایون، " بررسی تحولات صنعت و توسعه صنعتی در ایران "، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴
- عظیمی، حسین، " مدارهای توسعه نیافیگی ایران "، نشر نی، تهران، ۱۳۶۴
- علی بخشی، سمیه، و دادا شیان، فاطمه، و شمس، ناصر " تاثیر عوامل انگیزشی نیروی انسانی در بهره وری کارخانجات پوشاک "، دومین کنفرانس ملی مهندسی نساجی و پوشاک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، اردیبهشت ۱۳۹۰
- فرد آر، دیوید، " مدیریت استراتژیک "، ترجمه علی پارسا نیان، و محمد اعرابی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳
- فرجادی، غلامعلی، " مدل های رشد اقتصادی "، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۱
- فوراستیه، ژان، " تمدن ۲۰۰۱ "، ترجمه خسرو رضایی، انتشارات مجموعه چه می دانم، تهران، ۱۳۶۸
- فیروز آبادی، مرتضی، " جزوه درسی نظام های اقتصادی "، انتشارات دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۴
- قاسمیان، عاطفه، " تحولات تولید ناخالص داخلی و اجزای آن "، اتاق بازرگانی، صنایع، معدن، و کشاورزی تهران، معاً و نت بررسی های اقبصادی، تهران، ۱۳۹۳
- قانون تعریف بنگاه های کوچک و متوسط ترکیه، اصلاحیه ۴ نوامبر ۲۰۱۲
- کان، هرمان، " ژاپن "، ترجمه سروش حبیبی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸
- کلوانی، عباس، " تغییر و تحولات اجتماعی و توسعه اقتصادی "، نشر مانی، اصفهان، ۱۳۷۶
- کلوانی، عباس، " جزوه درسی نظام های اقبصادی "، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، ۱۳۷۳
- کلوانی، عباس، " مدیریت بهره وری با رویکرد کاربردی و مشاوره ای "، کتاب آماده برای چاپ، ۱۳۹۵
- کیت، گریفن، " راهبردهای توسعه اقتصادی "، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۵

- گالبرایت ، جان کنت ، " سرمایه داری آمریکا ، نظریه قدرت همسنگ " ، ترجمه آرسن نظریان ، انتشارات شرکت کتاب های جیبی ، تهران ، ۱۳۷۳
- " گزارش بهره وری اقتصاد ایران سال های ۱۳۶۷-۱۳۸۶ " ، بانک مرکزی ، معاونت اقتصادی ، اداره حساب های اقتصادی ، تهران ، ۱۳۸۹
- گیسون و وارت ، ۲۰۰۸
- مرعشی ، نصراله ، " ارزیابی کار و زمان " ، نشر کارآفرینان بصیر ، تهران ، ۱۳۸۱
- مرکز آمار ایران ، " طرح آمارگیری کا رگاه های ۱۰ نفر کارکن به بالا " سال های مختلف
- م صطفی زاده ، آرمین ، " الگوی تامین مالی بنگاه های کوچک ومتوسط " ، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ف تهران ، ۱۳۹۴
- میرزا خانی ، حسین ونوری ، عباس ، " مهمترین عوامل افزایش ریسک سرمایه گذاری در بخش صنعت ایران " ، مجله اقتصادی ، شماره های ۹ و ۱۰ آذر ودی ماه ۱۳۹۴
- نشریه دنیای اقتصاد ، شماره ۳۶۳۲ سال ۱۳۹۴
- نورایی ، فرشته ، " تاریخ تحول اجتماعی و سیاسی آمریکا " ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۷
- نیلی ، فرهاد ، " تامین مالی شرکت های بورس " ، اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن وکشاورزی ایران ، ۱۳۹۳
- نیلی ، مسعود ، " افزایش توان رقابت پذیری صنعت ایران با رویکرد تحولات بهره وری " ، اتاق بازرگانی ، صنایع و معادن وکشاورزی تهران ، ۱۳۹۲
- نیلی ، مسعود وهمکاران ، " خلاصه مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور " ، موسسه انتشارات دانشگاه صنعتی شریف ، تهران ، ۱۳۸۲